

ماهنامه

دینی- فرهنگی- فبری

ارگان انجمن کلیمیان تهران

افق

بمنبت

شماره ۱۰۱

سال دوم - شماره ۱۰۱

بهمن ۱۳۷۹ - فروردین ۱۳۸۰

شواط - نیسان ۱۳۷۹

فوریه - آوریل ۱۳۸۰



پسبح

عید آزادی

بنی اسرائیل از مصر

بر آزادگان مبارک باد



שבטי ישראל - חלונות שאגאל



לוי



ייסאכאר



נפתלי



זבולון



אשר



שמעון



רעובן



יוסף



גד



דן



הודה



בנימין

داز شام

تبریک موعِد پَسَح

هیئت تحریریه مجله افق بینا
آغاز سال ۱۳۸۰ شمسی و
فرارسیدن موعِد پَسَح، سالگرد
آزادی بنی اسرائیل از مصر و یوغ
فرعون را به عموم هموطنان و
همکیشان کلیمی تبریک گفته و سالی
نیکو همراه با سلامتی و سعادت را
برای همگان آرزومند است

افق بینا

سال دوم - شماره ۱۲
بهمن ۱۳۷۹ - فروردین ۱۳۸۰
شواط - نیسان ۵۷۶۱
فوریه - آوریل ۲۰۰۱

- مدیرمسئول: هارون یشایایی
- سردبیران: آرش آبائی، فرانک عراقی
- مدیر داخلی: نتمه عاقل
- نظارت و کنترل صفحه آرایی: فرید طویان
- حروفچینی و صفحه آرایی: مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران - رزیتا شمسین
- با تشکر از همکاری: مهندس سلیمان حکاکیان، دکتر یونس حمای لاله زار
- طراحی جلد و لیتوگرافی: کادوس نگاره
- چاپ: ابلاغ
- آدرس مجله: خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ هادی - شماره ۲۸۵ - طبقه سوم - کد پستی ۱۱۳۹۷-۳-۱۱۳۹۷
- تلفن: ۶۷۰۲۵۵۶ - فکس: ۶۷۱۶۳۲۹
- پست الکترونیکی (E-mail): ofegh_bina@hotmail.com
- روی جلد: سفره عید پَسَح و سبوعولهای دوازده گانه اسباط بنی اسرائیل
- داخل جلد: دوازده اسباط بنی اسرائیل - ویترای روی پنجره اثر مارک شاگال (باتشکر از خانم امین فرد)
- پشت جلد: کتاب انطباق لحظه ها (گاهشماری) - تألیف یوسف ستاره شناس
- از انتشارات جدید انجمن کلیمیان تهران
- بینا آگهی می پذیرد
- نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است
- نقل مطالب از مجله بینا با ذکر مأخذ بلامانع است

بینا - ۱۳۷۹ - در زمین عبری و معنای آگاهی و بصیرت است

- ۳ **سرمقاله** - آش نخورده و دهان سوخته: هارون یشایایی
۵ سخنرانی نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی
۷ بیمارستان دکتر سپهر در بحران: هارون یشایایی
۸ **اخبار و رویدادها**

فرهنگی - دینی

- ۱۹ جشن پَسَح: آرش آبائی، رحمن دلرحیم، ژاکلین اوهب
۲۳ موسای دوم قوم یهود، هارامیام (موسی بن میمون)
۲۵ تجسیم خداوند در تورات از دیدگاه هارامیام: محمدرضا کاشفی
۲۷ داستان زن در یهود (بخش سوم): بهناز وفامنسوری
۲۸ رابطه کتاب پیامبران با وضع کنونی ما: اریک فروم
۲۹ سیدور، کتاب نماز یهود: آرزو ثابئی
۳۰ پرهیز از یک بد آموزی دینی: مصطفی ملکیان
۳۳ تقویم عبری سال ۵۷۶۱-۶۲ عبری: یوسف ستاره شناس، آرش آبائی

ادب و هنر

- ۳۸ مرغ سحر ایران، مرتضی نی داوود (بخش اول): بهروز مبصری
۴۰ قدر معلم ز پدر بیشتر: شهین نکویی
۴۲ بهار زیبا: شرکان انورزاده
۴۳ معرفی کتاب
۴۴ شعر
۴۸ یهودیان و سینمای مصر

اجتماعی - کوناگون

- ۳۱ کلیمیان اراک و پیشینه تاریخی آنها (بخش اول): علی آقا بابا
۳۵ یهودیان آلمان: سیما مقتدر
۴۶ دوستان نوجوان، یایید پنجره معرفت را بکشاییم: سارا حی (گروه دانش آموزان)
۴۷ یک دیدار و یک تودیع: یعقوب صوفرزاده
۵۰ کدام شیوه پرورشی؟: مریم حناسبازاده
۵۱ حرکات ورزشی و اصلاحی برای درمان بیماری ها (بخش دوم): زیلا کهن کبریت
۵۲ غلبه بر استرس با هشت روش: مرجان ابراهیمی
۵۳ بهداشت دهان و دندان: ماریتا ماهگرته
۵۴ ساموئل رشوفسکی، ناپه های در جهان شطرنج: بیژن خاکشور
۵۵ مقالات و نظرات
۶۰ عبری پیاموزیم (بخش دوازدهم)
۶۲ بخش کودکان: لیورا سعید
۶۴ جدول: شیرین آذری - فرم اشتراک

تبریک مرجع دینی کلیمیان ایران וְיִצְיָאנוּהָ מִמִּצְרַיִם בְּיַד חֲזָקָה וּבְזָרָע נְטוּיָה וּבְמִצָּא גְדֹל וּבְאַתּוֹת וּבְמִפְתִּים

موعد پسخ « פסח » را به همکیشان خود، جامعه کلیمیان ایران و همه موحدین جهان تبریک گفته و با استعانت از پیامبر بزرگ حضرت موسی کلیم... برای مقام معظم رهبری و مسئولین محترم جمهوری اسلامی و ملت عزیز ایران از درگاه خداوند سلامتی و موفقیت آرزو می‌کنم.

حاجام یوسف همدانی کهن - مرجع دینی کلیمیان ایران

تبریک هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران به مناسبت «پسخ»

یادواره قیام الهی - انسانی حضرت موسی کلیم...

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، «پسخ» عید بزرگ آزادی انسان از قید بندگی و انجام رسالت جلودار مبارزه علیه ظلم و بیداری حضرت موسی کلیم... را به کلیمیان شرافتمند و همه مردم آزاده جهان تبریک می‌گوید.

قیام الهی - انسانی حضرت موسی کلیم... که به فرمان خداوند منجر به رهایی بنی اسرائیل از بردگی فرعونیان گشت، سرآغاز ارج نهادن به حرمت انسان و آزادی و آزادی شد.

پیام «پسخ» این است که انسان برای ستایش عظمت الهی باید آزاد باشد و بندگی خداوند را در نهایت آزادی بپذیرد.

جامعه کلیمیان ایران با ابراز تنفر از کسانی که به نام یهودیت و بدون توجه به حرمت پیامبر بزرگ خداوند، حضرت موسی کلیم... علیه مردم دیگر جهان ستم روا می‌دارند، وظیفه خود می‌داند با پایبندی به فرامین مقدس خداوند که توسط حضرت موسی کلیم... به بنی اسرائیل ابلاغ شده است، به مبارزات مردم فلسطین برای آزادی خود احترام گذاشته و آن را تکریم نماید.

امید ما این است که صلح، برادری و تفاهم بین ادیان و ملل و اقوام مختلف برقرار گردد تا همه مردم جهان بتوانند ضمن ستایش خداوند، زندگی آزاد و شرافتمندانه‌ای داشته باشند.

در آستانه «پسخ»، به روح بزرگ معمار کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) درود می‌فرستیم و برای مقام معظم رهبری و مسئولین نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگوار ایران موفقیت و سربلندی آرزو می‌کنیم.

از خداوند می‌خواهیم به جامعه کلیمیان ایران توفیق خدمت به هموطنان خود را عنایت فرماید.

هیئت مدیره و بازرسان انجمن کلیمیان تهران:

جهانگیر جواهری - رحمت... حوریزاده - آقاجان شادی - پرویز شب بویی -

یحیی طالع - اسحق کهن صدق - پرویز گرامی - موریس معتمد - ابراهیم نقره‌نیا -

گاد نیم هارون یشایایی

کاوه دانیالی - فرزاد طویان - منوچهر عمرانی



آش نخورده و ... دهان سوخته!

مارون بشایی

همکیشان کلیمی ما، انتظار تقدیر و شکر به خاطر ادای دین به مین خود را ندارند، اما تحمل تبعیت‌های ناروا و توهین آمیز به خاطر احتمال اختصاص یک بودجه قانونی نیز برای آنها سنگین است

در بررسی بودجه سال ۱۳۸۰ کشور، نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس، طی لویحی، پیشنهاد کردند بخشی از بودجه احزاب و نیز ۶ درصد از بودجه مربوط به جوانان، صرف فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و اجتماعی اقلیت‌های دینی کشور شود. یکی از زمینه‌ها و دلایل چنین پیشنهادی این بود که هر چند اقلیت‌های دینی طبق قانون، جزیی از جمعیت اکثریت مسلمان کشور محسوب شده و از نظر حق استفاده از امکانات فرهنگی، ورزشی و اجتماعی با کلیه احاد کشور برابر هستند، اما به علت تفاوت‌هایی در بافت عقیدتی و فرهنگی، در برخی موارد نیازمند تشکیل باشگاه‌ها و اماکن مذهبی خاص خود و با امکانات متفاوت هستند. اکثریت نمایندگان مجلس با این طرح موافقت کردند و تصویب شد که «بر اساس بند الحاقی به تبصره ۲۳ لایحه بودجه سال ۸۰، به منظور حمایت از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و مذهبی اقلیت‌های دینی رسمی، دولت مجاز است با پیشنهاد وزارتخانه‌های کشور یا ارشاد اسلامی یا سازمان‌های ذی ربط، ۱۰ درصد اعتبار ردیف‌های ۳۰۲۰۱۲۸۶ قسمت چهارم این قانون را با تایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و طی درخواست نماینده مجلس، در اختیار انجمن‌ها، سازمان‌ها و مراکز مذهبی و باشگاه‌های متعلق به اقلیت‌های دینی قرار دهد». این مصوبه مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفت و در نهایت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مردود اعلام و از بودجه سال ۱۳۸۰ کشور، حذف گردید.

هموطن مسلمان در آنها مشغول به تحصیل هستند و این در حالی است که حتی هزینه‌های تعمیر و نگهداری آنها توسط انجمن کلیمیان تهران پرداخت می‌شود. البته مدارس اختصاصی دانش آموزان کلیمی بحث مربوط به خود را دارند که بخش عمده‌ای از هزینه‌های آنها از طرف این انجمن و اولیای دانش آموزان تامین می‌گردد. آنچه که در بالا ذکر شد، بدون آن که ادعای طلبکاری محسوب شود، مختصری است از ادای دین جامعه کم جمعیت کلیمیان که به عنوان اعضای ملت بزرگ ایران و در حد توان خود گوشه‌ای از بار مشکلات جامعه ایرانی را بر دوش دارند. با توجه به جمیع جوانب سوال اینست که اگر کسانی با این بودجه پیشنهادی و فرضی که برای همه اقلیت‌های دینی شامل ارامنه، آشوری‌ها (و سایر مسیحیان)، زرتشتی‌ها و کلیمیان در نظر گرفته شده بود، مخالف هستند، چرا فقط کلیمیان را آماج حملات خود قرار دادند؟ ما می‌گوییم این که هر کسی برای اعلام نظر خود، بدون واهمه، موج توهین را بر سر کلیمیان ایران وارد کند، جای بحث دارد. به عنوان مثال، آقای «احمد ناطق نوری» (نماینده محترم مردم نور و محمودآباد در

ذکر دو مثال در این باره، روشنگر مطلب است. جامعه کلیمیان ایران و مدیریت قانونی آن یعنی انجمن کلیمیان تهران، تنها با کمک ایرانیان کلیمی داخل و خارج کشور و بدون دریافت هیچ گونه بودجه و کمک از نهادهای دولتی و کشوری یا حتی هموطنان غیر کلیمی، بیمارستانی را در جنوب شهر تهران به نام بیمارستان دکتر سپیر برای استفاده هموطنان دایر نموده است. این بیمارستان با ۱۰۲ تخت و بخش‌های متعدد درمانی با هزینه‌ای بسیار سنگین، در ارایه خدمات در نوع خود کم نظیر است و کمتر موردی از مراجعین به این نهاد بزرگ، از جامعه کلیمی ایران است که افتخار تامین هزینه آن را بر عهده دارد. جالب توجه است که هزینه تقبل شده توسط ایرانیان کلیمی برای ادامه خدمت این مجتمع درمانی، بسیار بیشتر از سهم جامعه کلیمی در مبلغ پیشنهادی است که در تبصره مورد بحث در بودجه سال ۸۰ برای کمک به اقلیت‌های دینی در نظر گرفته شده بود و به تصویب نرسید. مورد دیگر، مدارس متعددی است که متعلق به انجمن کلیمیان است و سالیان متمادی، بدون دریافت وجه در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار دارد و دانش آموزان

وقتی نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی، گزارشی از پیشنهاد و تصویب اختصاص مبلغی برای حمایت از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و مذهبی اقلیت‌های دینی را در جلسه هفتگی هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران ارایه داد، اعضای این انجمن ضمن تشکر از حسن نیت نمایندگان محترم مجلس، از این موضوع چندان استقبال نکردند. مروری بر تاریخ گذشته و وضعیت امروز جامعه کلیمی ایران نشان می‌دهد که انجمن‌ها و تشکل‌های یهودی همواره سعی داشته‌اند تنها با استفاده از امکانات مادی و معنوی و نیروهای داخلی جامعه کلیمی، امور این جامعه را اداره کنند و حتی مسئولین جوامع کلیمیان شهرهای کوچک و دور افتاده یهودی‌نشین نیز به ندرت دست نیاز به انجمن‌های کلیمیان تهران و شهرهای بزرگتر دراز می‌کنند و حاضر به استفاده از کمک‌های رسانی این جوامع نیستند.

هزینه تقبل شده توسط ایرانیان کلیمی برای ادامه خدمات بیمارستان دکتر سپیر، بسیار بیشتر از سهم جزیی جامعه کلیمی در مبلغ پیشنهادی است که در تبصره مورد بحث در بودجه سال ۸۰ برای کمک به اقلیت‌های دینی در نظر گرفته شده بود و مورد موافقت قرار نگرفت.

نامه خانواده‌های زندانیان کلمی شیراز به مقام رهبری

اسرائیلی و همه دلالتان رنگارنگ آنها را به انفعال و تعجب وادار نمودند.

اینک با یزدداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در سالی که به نام مظهر عدالت و پاکدامنی، امام بزرگ شیعیه حضرت علی (ع) نامگذاری فرموده‌اید، از پیشگاه مقام معظم رهبری استدعا می‌نماییم با عفو و بخشش همسران و فرزندان زندانی ما در شیراز موافقت فرمایید.

رهبر بزرگوار: ما پدران، مادران، فرزندان خردسال، همسران و خانواده‌های زندانیان و قاطبه کلمیای ایران، پادشاه صبر و بردباری خود را در مقابل دشمنان ملت ایران از جانشین به حق حضرت علی (ع) طلب می‌نماییم و همانطور که رأفت و عدالت آن حضرت نسبت به یهودیان زمان خود در تاریخ ماندگار شده‌است، از شما استدعا داریم با عفو و بخشش بزرگوارانه خود نسبت به زندانیان کلمی شیراز بار دیگر تاریخ را تکرار فرمائید.

زندانیان کلمی شیراز و خانواده‌های آنها و قاطبه کلمیای ایران دعای خیر خود را برای سلامتی و طول عمر حضرتعالی و موفقیت ملت ایران در نظام مقدس جمهوری اسلامی چون همیشه در مراسم مذهبی خود تکرار خواهند کرد. امیدواریم که دست طلب ما را خالی برنگردانید.

با عرض ارادت مجدد و تقدیم احترامات بیست و هفتم دی‌ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه شمسی

۱- مهوش بشدیری‌زاده همسر نورانی لوی‌جیم، محکوم به ۷ سال زندان، تاریخ بازداشت ۷۷/۱۲/۲۶.

۲- ثریا کهن‌تب همسر فرهاد سله، محکوم به ۶ سال زندان، تاریخ بازداشت ۷۷/۱۲/۲۶.

۳- ثریا بنت یعقوب همسر زادمهر، محکوم به ۷ سال زندان، تاریخ بازداشت ۷۷/۱۲/۲۶.

۴- شهناز کاکن مادر شاهرخ پاکنهاد، محکوم به ۵ سال زندان، تاریخ بازداشت ۷۷/۱۲/۲۶.

۵- ساتاز شیراخون همسر رامین نعمتی‌زاده، محکوم به ۲ سال زندان، تاریخ بازداشت ۷۷/۱۱/۱۲.

۶- فرنکیس فطیر همسر جاوید بنت‌یعقوب، محکوم به ۶ سال زندان، تاریخ بازداشت ۷۷/۱۱/۱۲.

۷- فیروزه حقوقی‌نیا همسر فرزاد کاشی، محکوم به ۶ سال زندان، تاریخ بازداشت ۷۷/۱۱/۱۸.

۸- فریده سله همسر فرامرز کاشی، محکوم به ۳ سال زندان، تاریخ بازداشت ۷۷/۱۱/۱۲.

۹- رحمت فرزام پدر رامین فرزام، محکوم به ۸ سال زندان، تاریخ بازداشت ۷۷/۱۱/۱۲.

۱۰- سیما تقیلین خواهر حمید تقیلین، محکوم به ۹ سال زندان، تاریخ بازداشت ۷۷/۱۱/۲۱.

(این نامه به شماره ۷۹/۲۰۴۱۱ مورخ ۷۹/۱۱/۲۷ در دفتر مقام رهبری ثبت شده است)

پیشگاه محترم رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

با عرض سلام و آرزوی سلامتی و طول عمر برای حضرتعالی

با درود به روان پاک بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و شهیدان انقلاب و جنگ تحمیلی

و با عرض تبریک ۲۲ بهمن سالروز پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران

احتراماً، اینجانبان امضاء کنندگان ذیل، همسران و خانواده‌های ده نفر زندانیان کلمی در شیراز عاجزانه به استحضار می‌رسانیم:

شوهران و فرزندان ما قریب به دو سال قبل به اتهام اولیه جاسوسی دستگیر و پس از پانزده ماه رسیدگی، همگی آنها در ارتباط با اتهام جاسوسی از طرف دادگاه‌های انقلاب بی‌گناه شناخته شده و تبرئه شده‌اند، لکن دادگاه‌ها آنها را به اتهامات دیگر به محکومیت‌هایی از ۲ تا ۹ سال حبس محکوم کردند و اکنون حدود ۲ سال است که در زندان بسر می‌برند. ما یقین داریم که همسران و فرزندان ما با وفاداری کامل به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، همواره در خدمت مردم ایران بوده و هیچکدام از آنها کوچکترین سابقه‌ای از خیانت یا شرارت و نقض قوانین در پرونده خود نداشته‌اند و آنچه بر آنها گذشته است شاید بخشی ناشی از عدم اطلاع از قوانین و یا شرایط و مناسباتی بوده که بر آنها تحمیل شده‌است. در پیشگاه مبارک حضرتعالی روشن است که قاطبه کلمیای ایران قرن‌ها در کنار هموطنان خود با صداقت و پاکدامنی زندگی کرده و در هیچ شرایطی منافع ملت ایران را به منافع بیگانگان از جمله نژادپرستان صهیونیست ترجیح نداده‌اند. حضرتعالی خود آگاهید که در جریان محاکمات دادگاه شیراز، بلندگوهای استکباری و تبلیغات جهانی امپریالیستی و صهیونیستی چه فشار طاقت‌فرسایی بر خانواده‌های زندانیان اعمال کرده‌اند تا ما را به وسیله تبلیغاتی علیه میهن و مردم و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران منبد سازند.

ولی ما خانواده‌های زندانیان با آشنایی دیرینه به حسن نظر حضرتعالی و مقامات جمهوری اسلامی و عنایت تاریخی روحانیون محترم مسلمان شیعه و بزرگواری ملت ایران، با صبر و بردباری در مقابل بیگانگان ایستاده و با وجود تمام این تمهیدات خصمانه، چون پاره‌ای از پیکر مقدس ملت ایران مقاومت نموده و دست رد به سینه دشمنان ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی زده و آنها را مأیوس نمودیم.

همه می‌دانند همسران و فرزندان ما برای آنکه دشمن را خوشحال نسازند، ۱۵ ماه زندان انفرادی را بدون داشتن کمترین امکانات تحمل کردند و در برابر سیل بی‌امان خبرنگاران داخلی و خارجی، حاضر نشدند کلامی علیه منافع ملت ایران سخن بگویند. آنها وفاداری خود را به مصالح ملت ایران در عمل نشان دادند و موجب خشم دشمنان جمهوری اسلامی شدند تا آنجا که بلندگوهای استعماری و سردمداران نژادپرست

مجلس شورای اسلامی) در این قضیه که هنوز به سرانجام هم نرسیده بود، در تاریخ ۱۸ بهمن ماه در جلسه‌ای در مجتمع وزارت نفت در مازنداران اظهار داشت: «مگر می‌شود از بیت المال مسلمین برای یک عده غیر مسلمان کمک کرد و آنان علیه اسلام تبلیغ کنند... بودجه‌ای برای اقلیت‌های یهودی اختصاص دادید تا اینها کنیسه بسازند و بر علیه دین خدا تبلیغ کنند...» (ایران - ۷۹/۱۱/۱۹).

حرف و کلمه ما از برادر عزیز، آقای احمد ناطق نوری این است که ایشان در کدام کنیسا یا اجتماع کلمی ایرانی کوچکترین توهین به اسلام، ادیان توحیدی، خداپرستان یا هر موضوع دیگری را شنیده‌اند و یا تبلیغ به نفع یا علیه کسی یا فکری را مشاهده کرده‌اند (با توجه به متنی بودن اصل تبلیغ دینی و فکری یهودیت در خارج از جامعه یهودی)؟

تعالیم دینی یهود (و بخصوص سنت‌های یهودیان مشرق زمین) مملو است از تقیب و منع بی‌حرمتی به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند و همینطور مسئولان و مقدسات آنها. تاریخ کلمیای پس از انقلاب نشان‌های فراوان از همکاری و همدلی این مردم در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی دارد، از شرکت در انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی گرفته تا راهپیمایی اخیر روز قدس و سخنرانی نماینده جامعه کلمی از تریبون نماز جمعه گواه این مطلب است.

نسبت دادن اتهامات ناروا به کلمیای ایران و کنیساها و عبادتگاه آنها بی‌انصافی است... خداوند بخشنده و مهربان است.

این که هر کسی برای اعلام نظر خود، بدون واسطه، موج توهین را بر سر کلمیای ایران ولود کند، جای بحث دارد

در پایان، لازم به ذکر است که اسناد موجود در انجمن کلمیای تهران و تشکل‌های کلمیای شهرستان‌ها و نیز بیمارستان دکتر سپیر، حاکی از کمک‌های متعدد این جامعه به جبهه‌های جنگ و نیز زلزله زدگان و سایر آسیب دیدگان از حوادث طبیعی کشور است که هزینه‌های آن بیش از توان و امکانات جامعه کلمی ایران است.

همکیشان کلمی ما، انتظار تقدیر و تشکر به خاطر ادای دین به میهن خود را ندارند، اما تحمل تهمت‌های ناروا و توهین آمیز به خاطر احتمال اختصاص یک بودجه قانونی نیز برای آنها سنگین است ■



سخنرانی نماینده کلیمیان ایران

در مجلس شورای اسلامی

روز یکشنبه ۴ دی ماه ۷۹، آقای مهندس موریس معتمد، نماینده کلیمیان به عنوان دومین سخنران پیش از دستور، مطالبی را ایراد نمود که خلاصه آن در ادامه می آید.

با درود به روان پاک رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (س) و با سلام و با کسب اجازه از مقام محترم ریاست مجلس شورای اسلامی و نمایندگان محترم.

وظیفه خود می دانم از جانب جامعه کلیمیان ایران، عید سعید فطر را به مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری اسلامی محبوب و ریاست محترم مجلس و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و ملت بزرگوار ایران و مخصوصا هموطنان مسلمان خودم تبریک بگویم.

با این امید که طاعات و عبادات مسلمانان جهان در این ماه مبارک مورد قبول ذات مقدس الهی قرار گرفته و به یمن ایام ماه مبارک رمضان و عید فطر، روزها و سالهای بهتری در انتظار مردم ایران و همه مردم جهان باشد.

امیدوارم شرکت کنندگان در این ضیافت بزرگ خداوندی از برکات و نعمات پایان ناپذیر الهی برخوردار شده و دل های همه سرشار از عشق، محبت و یندلی و صفای باطن شده باشد. خداوند متعال به پاس این شبها و روزهای عزیز و به بزرگی نام حضرت علی ابن ابیطالب که امسال به نام ایشان مزین گردیده، زنگار کدورت ها را از دل ها شسته و همه دست در دست یکدیگر برای آسایش ملت عزیز ایران و عظمت و سربلندی میهن عزیزمان بکشیم. این راهی است که ما نمایندگان مجلس برای پیمودن آن انتخاب شده ایم و انشا... با سرافرازی و عزم و اراده به سهم خود آن را طی خواهیم کرد.

همه می دانیم که مشکلات فراوان پیش رو داریم و مردم ایران استحقاق رسیدن به زندگی بهتر و افتخارات بیشتری را دارند و رفع همه موانع جز به باری خداوند و کوشش مسئولان و تلاش فرد فرد ایرانیان میسر نخواهد بود و هیچ مانعی در راه ملت ایران تاب مقاومت نخواهد داشت. اینجانب بر حسب تخصص خود که در

نقاط مختلف کشور به خدمتگزاری مشغول بوده ام، از نعماتی که خداوند متعال به میهن ما ارزانی داشته و امکانات عملی نیروهای انسانی و توان مادی و معنوی موجود در سرزمین وسیع ایران، آگاهم و یقین دارم که اگر همه مسئولان و دست اندرکاران بتوانند در استفاده از مجموعه این امکانات بسیج شوند و متخصصان جوان و کارآمد و علاقمند را به خدمت بگیرند، غلبه بر مشکلات جاری از جمله بالا بردن رشد اقتصادی و کم کردن از تعداد بیکاران کاملاً ممکن و نتیجه بخش خواهد بود.

با توجه به شتاب زندگی امروزه و وقوع انواع حوادث در امر رانندگی و غیره تقاضا می کنم تا علمای محترم اسلام و مقامات محترم قوه قضاییه در امور مربوط به دیه و آرایه که در این زمینه ها صادر می شود به حقوق خانواده های غیر مسلمان در این گونه حوادث توجه فرموده و در این مقوله فکر و اقدام مقتضی و عادلانه معمول فرمایند تا خون بی گناهی به ناحق پایمال نگردد

آقای معتمد آنگاه موضع انفعالی دولت در امور اقتصادی را مورد انتقاد قرار داد و گفت: در کنار همه امکانات موجود در کشور می توان از علاقه سرمایه گذاران خارجی در شرایطی که به استقلال و عزت و شرف ملت ایران کوچکترین خدشهای وارد نیاید حداکثر استفاده را بنماییم.

به عقیده بنده، ما توان خود را در امور اقتصادی دست کم گرفته ایم و با برخورد انفعالی در مسایل اقتصادی که در جهان می گذرد به جز در مورد نفت در موارد دیگر تقریباً بی عمل شده ایم، بخش خصوصی و بخش دولتی سرمایه گذار با اعتماد به نفس می توانند در بازارهای جهانی وارد شده و سهم ملت ایران را در اقتصاد جهانی بدست آورند، به نظر من، شرایط جهانی کاملاً برای احراز جایگاهی شایسته از طرف ایران در امور اقتصادی آماده است.

نماینده کلیمیان سپس خواستار از بین بردن هر گونه اعمال تبعیض در استخدام اقلیت های دینی شده و اظهار داشت: اینجانب امیدوارم بعضی مشکلات که موجب ناراحتی جامعه کوچک کلیمیان ایران و شاید سایر

اقلیت های دینی شده است، با درایت و نیک اندیشی مسئولان محترم برطرف گردد. لازم است در این مکان مقدس از جمله در ارتباط با اعمال تبعیض در گزینش های استخدام که عموماً ناشی از اعمال سلیقه های شخصی در امر استخدام در نهادهای دولتی و شاید سازمان های غیر دولتی نیز می باشد سخن گفته باشم و مخصوصاً یادآور شوم که کنار گذاشتن جوانان تحصیل کرده ما از خدمات دولتی و سد کردن راه آنها در شرکت در دوره های تخصصی و فوق تخصصی و عدم امکان طی مراحل عالی تحصیل، با هدف های عالی انقلاب اسلامی و توصیه های حضرت امام راحل و مقام معظم رهبری مطابقت ندارد و موجب گریز جوانان تحصیل کرده ما می شود.

آقای معتمد در بخش دیگر این گفتار به مسئله تبعیض در پرداخت دیه غیر مسلمانان اشاره کرد و گفت: با توجه به شتاب زندگی امروزه و وقوع انواع حوادث در امر رانندگی و غیره تقاضا می کنم تا علمای محترم اسلام و مقامات محترم قوه قضاییه در امور مربوط به دیه و آرایه که در این زمینه ها صادر می شود به حقوق خانواده های غیر مسلمان در این گونه حوادث توجه فرموده و در این مقوله فکر و اقدام مقتضی و عادلانه معمول فرمایند تا خون بی گناهی به ناحق پایمال نگردد.

نماینده کلیمیان آنگاه ضمن بزرگداشت روز قدس اظهار داشت:

وظیفه خود می دانم یادآور شوم که جمعه گذشته روز جهانی قدس بود. این روز تاریخی که در نظر جهانیان هر روز اهمیت بیشتری پیدا می کند یکی از میراث های گرانبهای پرچم دار جاودانه انقلاب اسلامی ایران است، جهانیان در این روز پیوند وفاداری خود را با ملت قهرمان فلسطین تجدید می کنند و مسلمانان جهان به پاس قداست قدس و حرمت مسجدالاقصی با مردم ایران هم صدا می شوند و پیروزی عدالت بر ظلم و برپایی حق و حقیقت را از خداوند متعال طلب می کنند. وی سپس اعلام کرد: من مایل از اینجا و از پشت تریبون مجلس شورای اسلامی که چکیده همه اصول انقلاب اسلامی ایران است، با همکیشان شرافتمند خود در سراسر جهان

سخن بگویم.

بگویم همکیشان بیدار و شرافتمند، ما چگونه می‌توانیم تحمل کنیم که به امکان مقدس بی حرمتی شده و آب و نان را به روی خانواده‌ها بسته و راه رسیدن دارو و غذا به مجروحین را مسدود کنند، در حالی که فرمان صریح انبیای ما این است: «انسان‌های دیگر را مثل خودت دوست بدار».

نماینده کلیمیان در ادامه افزود: در شرایطی که با کلیمیان ایران، در نظام جمهوری اسلامی ایران در تمام مجامع و در محضر روحانیون مسلمان با احترام و توجه خاص پذیرفته می‌شویم، تا آنجا که رئیس انجمن کلیمیان ایران فرصت سخنرانی از تربیون نماز جمعه تهران را پیدا می‌کند و همکیشان من دوشادوش نمازگزاران قرار می‌گیرند، چگونه صهیونیست‌ها به خود اجازه اقدامات خلاف انسانی را می‌دهند و خود را پیروان پیامبر بزرگ خداوند حضرت موسی کلیم ... می‌دانند؟!!

پیامبران ما، همواره هشدار داده‌اند که غرور، خودخواهی، ظلم و تسلیم نفسانیات شیطنانی شدن هیچ نتیجه‌ای جز خفت و خواری و در تاریکی قرار گرفتن ندارد.

حضرت یسعیاہ نبی به تاکید می‌فرماید: «وای بر شیران که به مکافات عمل خود خواهند رسید».

چنین است تعالیم دینی و گفتار پیامبران یهود و چنان است عمل دست صهیونیست‌ها که مردم جهان هر روز آن را به چشم خود می‌بینند و چه داهیانه و بزرگوارانه است این کلام امام راحل که در سال ۱۳۵۸ در ملاقات با نمایندگان و روحانیون جامعه کلیمی ایران فرمودند: «ما، حساب تعالیم الهی حضرت موسی علیه السلام و جامعه یهود را از حساب صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم، آنها اهل دین نیستند».

آقای معتمد پار دیگر یادآور شد: در خاتمه، مایلم در آستانه سال ۲۰۰۱ میلادی که سال گفتگوی تمدن‌ها نامیده شده، یادآور شوم که بیش از ۲۷۰۰ سال است که جامعه کلیمیان ایران زندگی مشترک و مسالمت آمیز با هموطنان خود را تجربه کرده‌اند و این را با افتخار می‌گویم که یهودیت ایران، ریشه در خاک ایران دارد.

اینک که در آستانه سال جدید میلادی هستیم، ضمن تبریک به هموطنان مسیحی خود، وجود و ارتباط اقوام و ادیان مختلف

در سرزمین پهناور ایران را نشانه کامل گفتگوی تمدن‌ها در قرون متمادی دانسته و امیدواریم این اصل مهم سرمشق همه ملت‌ها و اقوام قرار گیرد و پیشنهاد جناب آقای خاتمی، رئیس جمهوری محبوب فتح بابی باشد برای تفاهم بین ملت‌ها و اقوام مختلف در سرتاسر جهان.

وی افزود: یکبار دیگر، با تشکر از ریاست محترم و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، فرا رسیدن عید سعید فطر را تبریک گفته و امیدوارم که سال آینده برای همه مردم جهان، سال خیر و برکت، صلح و توسل به فرامین الهی و اشاعه توحید و اخلاق حسنه الهی باشد و ملت ایران، راه پیروزی و سرافرازی را در نظام جمهوری اسلامی ببیند و ایرانیان کلیمی، همچون گذشته به وظایف دینی و میهنی خود عمل نموده و یقین دارم که بعضی نارسایی‌های موجود با صبر و حوصله و پی گیری و حسن نیت از میان خواهند رفت.

امیدوارم تا خداوند متعال، قدم‌های ما را در اقدام به عمل خیر، استوار نماید. ■

وضعیت کلیمیان ایران

از زبان موریس معتمد

یکشنبه، ۴ دی ماه، مجلس شاهد طرح بحثی بود که کمتر در نهادهای رسمی مطرح شده است. موریس معتمد، نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی مجلس به جوانبی از اعمال تبعیض علیه کلیمیان ایران اشاره کرد و از جمله گفت: کلیمیان تحصیل کرده ایران برای تصاحب مناصب عالی با موانعی روبرو هستند که برای شهروندان مسلمان ایرانی وجود ندارد آقای معتمد ادامه داد که این تبعیض‌ها علیه دیگر اقلیت‌های مذهبی نیز اعمال می‌شود ولی ابراز امیدواری کرد که در رفع آنها اقدام شود.

بی بی سی در گفتگویی با موریس معتمد ابتدا از او خواست تا رئوس کلی سخنانش در مورد تبعیض علیه کلیمیان را بیان کند. موریس معتمد: من در نطق پیش از دستور خود ضمن این که به وجود تفاهم و خوشبختانه تا حد زیادی یکسان بودن شرایط زندگی بین اقلیت‌ها و جامعه اکثریت ایران اشاره داشتم اذعان داشتم به این که گاهی تبعیضاتی هم در مورد استخدام‌ها یا امکان شرکت در دوره‌های عالی تحصیلی بوجود می‌آید و بعد اظهار امیدواری نمودم که انشاءاً شاهد رفع اینگونه موارد هم باشیم کما این که در صحبت‌هایی هم که با مسئولین داشتیم قول مساعد دادند که سریعا در رفع این نارسایی‌ها اقدام کنند.

کلیمیان تحصیل کرده ایران برای تصاحب مناصب

عالی با موانعی روبرو هستند که برای شهروندان

مسلمان ایرانی وجود ندارد

الان وضعیت یهودیان ایران در مجموع چگونه ارزیابی می‌شود؟

یهودیان هم مثل سایر اقلیت‌ها و کل جامعه ایران در همان شرایطی هستند که بقیه افراد ایرانی قرار دارند یعنی اگر بخواهیم بگویم که یهودیان یا سایر اقلیت‌ها در وضعی متمایز و متفاوت با سایر مردم ایران به سر می‌برند درست نگفته‌ایم.

شما اشاره کردید که به حسن نیت مسئولان امیدوار هستید که تبعیض‌هایی هم که هست رفع شود گمان می‌کنید چه دستگاه‌هایی مسئول کار در این زمینه هستند؟

دقیقا می‌توانم بگویم که قوه مجریه در این مسئله می‌تواند خیلی موثر باشد. قوه قضاییه هم همین طور. من در سخنرانی خود به مورد دیگری اشاره داشتم که معضلی است برای نه تنها اقلیت کلیمی در ایران بلکه برای سایر اقلیت‌ها. که مقامات قوه قضاییه هم قول مساعد برای حل آن معضل داده‌اند و آن نابرابری است که در مورد بعضی حوادث یا مسایل پیش آمده بین اقلیت‌ها و جامعه اکثریت وجود دارد.

شما در مجلس آیا با نمایندگان دیگر اقلیت‌های مجلس رایزنی‌هایی داشته‌اید که به‌طور مشترک و هماهنگ در این

زمینه عمل شود؟

بله ما با نمایندگان بقیه اقلیت‌ها هم در ارتباط هستیم و سعی ما این بوده که مسایل و مواردی که برای اقلیت‌ها به عنوان مشکل مطرح است به صورت مشترک به دستگاه‌های مسئول و ذیربط ارایه کنیم از جمله در مورد دیه و استخدام و خوشبختانه با عکس العمل بسیار خوب مسئولان قوه قضاییه و قوه مجریه روبرو بوده‌ایم.

گفته شده بود که به دلیل محدودیت‌هایی که به ویژه در سال‌های اخیر اعمال شده مهاجرت یهودیان به خارج از ایران روند رو به افزایش را نشان می‌دهد تا چه اندازه شما این را تایید می‌کنید؟

اصولا جامعه یهودی جامعه‌ای است که همیشه در حال مهاجرت بوده است یعنی در ایامی که مسایل خاص اتفاق افتاده این مسئله بیشتر شد ولی در طی دو سال گذشته بعد از تشکیل پرونده متهمان به جاسوسی در شیراز رقم مهاجرت سیر صعودی پیدا نمود ولی خوشبختانه هم اکنون کاهش یافته و به میزان دو سال قبل رسیده است و ما امیدواریم با رفع تبعیض‌ها روند مهاجرت از این هم کمتر شود. ■

نقل از روزنامه خراسان (۱۳۷۱/۰۶)

کانون خیرخواه

بیمارستان دکتر سپیر در بحران

آیا بیمارستان دکتر سپیر قادر به ادامه خدمت خواهد بود...؟

هارون پشایی

در امر شناخت و درمان بیماری‌ها، مشکلات مدیریتی و ایجاد فاصله بین مدیریت و پرسنل، ناکارایی برخی پرسنل، مشکلات ارتباطی با پرسنل بیمارستان که در گذشته سابقه نداشته است، عدم تمکین عده‌ای از پزشکان به مقررات قراردادهای بیمه، افزایش سرسام آور هزینه‌ها و به دلیل مجموعه شرایط ذکر شده کسر تعداد مراجعین به بیمارستان و در نتیجه کم شدن اشغال تخت بیمارستانی به وسیله بیماران از مهمترین مسایلی است که هیئت مدیره و مدیریت بیمارستان با آن دست به گریبان هستند.

تقریباً کلیه مراجعین این بیمارستان خیریه هموطنان غیر کلیمی هستند

خانم حصیدیم توضیح داد که اگر نتوانیم نارسایی‌ها و مشکلات بیمارستان را مرتفع نماییم و بودجه لازم برای نوسازی و تجهیز بیمارستان در اختیار نباشد با نهایت تأسف باید قبول کنیم که ادامه کار این واحد بزرگ خیریه که باعث افتخار ایرانیان کلیمی و همه خیراندیشان است غیر ممکن خواهد شد.

بعد از گزارش مدیره بیمارستان حاضران در جلسه هر یک نظریات خود را بیان نمودند و به طور کلی عقیده جمع بر این بود که فرصتی در نظر بگیریم تا نسبت به رفع مشکلات جاری با دید کارشناسی اقدام شود و امکانات موجود مورد مطالعه قرار گیرد، نباید از هم اکنون همه درها را بسته ببینیم. همه معتقد بودند که لطف خداوند شامل حال بیمارستان دکتر سپیر بوده و خواهد بود. جلسه با تشکر از زحمات هیئت مدیره کانون خیرخواه و مدیران بیمارستان دکتر سپیر و پرسنل زحمت کش آن پایان یافت و قرار شد تا تشکیل مجمع عمومی، جلسات دیگر با حضور کارشناسان و علاقمندان تشکیل شود و گزارش ارایه شده به مجمع عمومی جامع و کامل باشد.

اعضای هیئت مدیره بیمارستان دکتر سپیر (کانون خیرخواه):

هارون پشایی - دکتر ارسطو بدیهی -

دکتر ایرج صداقت کمال -

دکتر ناصر سلیمانی - دکتر سعید کامیار -

دکتر مسعود سلوکی -

مدیران و همکاران:

خانم فرنگیس حصیدیم - دکتر یوسف

جواهری - دکتر منصور شاریم -

دکتر همایون محبر - دکتر منوچهر الیاسی

سپیر از طرف جامعه کلیمیان ایران انجام گرفته، به وضع کنونی درمان در سطح کشور و مشکلات و موانعی که به طور مشخص گریبانگیر این موسسه خیریه بزرگ می‌باشد اشاره کرد.

خانم حصیدیم یادآور شد ایرانیان کلیمی در سراسر جهان و انجمن کلیمیان تهران مخصوصاً طی سال‌های بعد از انقلاب از هیچ گونه کمک به بیمارستان دریغ نکرده‌اند و با توجه به علاقه همکیشان عزیز بوده است که ما توانسته‌ایم علاوه بر تامین هزینه‌های جاری، بازسازی بیمارستان را آغاز کنیم و در مورد تجهیزات پزشکی و کامپیوتری کردن سیستم جاری بیمارستان اقدام نماییم.

مدیره بیمارستان توضیح داد که بسیاری از مشکلات موجود در تمام بیمارستان‌ها وجود دارد ولی در مورد بیمارستان دکتر سپیر، قدیمی بودن ساختمان‌های بیمارستان - استهلاک دستگاه‌ها و تجهیزات موجود، عقب ماندن از پیشرفت تکنولوژی



مشکلات موجود در بیمارستان دکتر سپیر شامل قدیمی بودن ساختمان‌های بیمارستان - استهلاک دستگاه‌ها و تجهیزات موجود، عقب ماندن از پیشرفت تکنولوژی در امر شناخت و درمان بیماری‌ها، مشکلات مدیریتی و ایجاد فاصله بین مدیریت و پرسنل، ناکارایی برخی پرسنل، مشکلات ارتباطی با پرسنل بیمارستان که در گذشته سابقه نداشته است، عدم تمکین عده‌ای از پزشکان به مقررات قراردادهای بیمه، افزایش سرسام آور هزینه‌ها و ... است

روز یکشنبه چهاردهم اسفند ماه جاری جلسه مشترک هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و هیئت مدیره کانون خیرخواه (بیمارستان دکتر سپیر)، در محل انجمن کلیمیان تهران تشکیل شد.

موضوع جلسه بررسی مشکلات جاری بیمارستان دکتر سپیر و تجزیه و تحلیل موقعیت کنونی کانون خیرخواه و در نهایت ارایه گزارش به مجمع عمومی کانون خیرخواه برای ادامه یا توقف فعالیت کانون خیرخواه و بیمارستان دکتر سپیر برای اتخاذ تصمیم نهایی بود.

در جلسه انجمن کلیمیان تهران علاوه بر اعضای هیئت مدیره کانون خیرخواه و بیمارستان دکتر سپیر گروهی از پزشکان و معتمدین جامعه کلیمی حضور داشتند. در آغاز جلسه پس از خیر مقدم رییس انجمن کلیمیان، خانم فرنگیس حصیدیم مدیره بیمارستان با اشاره‌ای مختصر به گذشته کانون خیرخواه و اهمیت خدماتی که طی بیش از نیم قرن فعالیت بیمارستان دکتر



گروه کدال کلیمیان تهران در مراسم دهه فجر - تالار اجتماعات محبان

اخبار و رویدادهای جامعه کلیمی

مراسم دهه فجر جامعه کلیمی تهران * حضور در مرقد مطهر امام (ره)

روز جمعه ۷ بهمن ماه، هیئتی از طرف جامعه کلیمی، با شرکت نماینده کلیمیان در مجلس، اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان و جمعی از روحانیون و نمایندگان اقلیت جامعه در کنار سایر اقلیت‌های مذهبی، با حضور در مرقد مطهر امام خمینی (ره) با تاج گل، نسبت به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران احترام کردند.

* همایش بررسی تحولات فرهنگی جامعه کلیمیان ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۲ بهمن)

این برنامه حاصل تلاش مشترک کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان و نشریه بینا بود. در این همایش، دکتر یونس حامی‌لاله زار به عنوان مدرس علوم تلمودی، به شرح فعالیت‌های کلاس‌های آموزش علوم دینی (تلمود تورا) از ابتدای انقلاب تا حال حاضر پرداخت. همچنین مهندس سلیمان حکاکیان، مسئول کمیته فرهنگی و محقق در فقه و فلسفه یهود، گزارشی از فعالیت‌های این واحد فرهنگی را در راهنمایی و هدایت تحقیقات و پایان نامه‌های مربوط به یهودیت، ارائه نمود. مهندس موریس معتمد، نماینده کلیمیان در مجلس و هارون یشایایی رییس کمیته فرهنگی نیز از دیگر سخنرانان جلسه بودند. آقای آرثر تهرانی قزایت تورات و خانم النا لاویان دکلمه مذهبی را به عهده داشتند. همچنین برای نخستین بار گروه کدال کمیته فرهنگی سرودهایی را اجرا کرد و در آخر، گروه موسیقی خانواده درخشان، به هنر نمایی پرداختند.

* انجمن فرهنگی - هنری - اجتماعی (۱۷ بهمن)

انجمن فرهنگی - هنری - اجتماعی کلیمیان تهران امسال نیز فرا رسیدن ایام دهه فجر را جشن گرفت. این برنامه در تاریخ ۱۷ بهمن در محل این انجمن برگزار شد و شامل: سخنرانی ریاست انجمن فرهنگی هنری، دکتر برال پیرامون پیروزی انقلاب و فعالیت‌های

این انجمن، خواندن مقاله توسط ملودی برال، در مورد همزمانی ایلاتوت و ایام دهه فجر بود. همچنین گروهی از هنرمندان کلیمی و مسلمان به اجرای قطعات موسیقی و تصنیف‌هایی پرداختند، همچنین آقایان نی‌داود، الیاسیان و الیهو، اشعار و قطعه‌های ادبی را برای حضار قرائت کردند.

* جشن تشویق دانش آموزان (۱۷ بهمن)

به همت کمیته فرهنگی و انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس کلیمیان، مراسم تقدیر از دانش آموزان ممتاز به همراه برنامه‌های متنوع و شاد برگزار شد.

* سازمان بانوان یهود (۱۸ بهمن)

این برنامه، ویژه بانوان بود و در آن بخش‌های هنری شامل همنازی دف، موسیقی شاد، حرکات موزون و آنرویک نمایشی اجرا شد. همچنین خانم فرنگیس حصیدیم رییس بن سازمان سخنانی پیرامون فعالیت‌های بانوان کلیمی بیان کرد و خانم فریده پوراتیان به عنوان یکی از بانوان نمونه سال، مورد تقدیر قرار گرفت.

* سازمان دانشجویان یهود (۱۹ بهمن)

این جشن شامل برنامه گروه سرود و موسیقی دانش آموزان، دکلمه نمایشی و دو نوبت موسیقی سنتی بود. آقای آب خضر از ستاد دهه فجر، رییس انجمن کلیمیان و نیز تعدادی از مسئولین هیئت اجراییه دانشجویان و دانش آموزان از سخنرانان این برنامه بودند.

* بیمارستان دکتر سپیر - کانون خیرخواه (۲۰ بهمن)

هیئت مدیره و پرسنل بیمارستان دکتر سپیر طی مراسم ویژه‌ای در سالن اجتماعات

این نهاد، که با سخنرانی آقایان هارون یشایایی و دکتر یوسف جواهری و خانم فرنگیس حصیدیم برگزار شد، این ایام را گرامی داشتند.

* راهپیمایی ۲۲ بهمن

جمعی از مسئولان نهادهای جامعه کلیمیان در کنار سایر همکیشان کلیمی در راهپیمایی سالروز پیروزی انقلاب اسلامی شرکت کردند.

دهه فجر در اتفاق

امسال نیز دانش آموزان کلیمی مدرسه اتفاق مراسم و جشن‌های دهه فجر را برپا داشتند. در این ایام، علاوه بر این که هر روز، دانش آموزان یکی از مقاطع راهنمایی و دبیرستان مسئول پذیرایی و اجرای برنامه بودند، اولیای دلسوز مدرسه نیز برنامه‌های شادی تدارک دیده بودند. هفدهم بهمن ماه، گروه موزیک نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی (نرجا) مهمان دانش آموزان بود که با اجرای آهنگ‌های شاد و انقلابی لحظات پر نشاطی برای دانش آموزان به وجود آورد. همچنین در ایام دهه فجر برای نخستین بار در مدرسه اتفاق جشن بت میسوا (جشن تکلیف) گرفته شد.

این مراسم که با تلاش‌های بی وقفه اولیای مدرسه، خانم بنفشه (معلم دینی)، آقای نقره‌ثیان و اولیای دانش آموزان برگزار شد، مورد استقبال زیاد دانش آموزان و نیز کادر آموزشی مدرسه قرار گرفت.

در هجدهم بهمن، گروه «عمو قصه و عروسک‌هایش» به سرپرستی آقای رحیمیان (عروسک گردان) و آقای کاظمی (مجری) از طرف انجمن کلیمیان تهران، مهمان دانش

دوستی یاری دهد.

«هارون یشایایی»، رئیس انجمن کلیمیان ایران نیز در سخنانی خواستار تمهیداتی برای پیشگیری از «مهاجرت» ایرانیان به خارج از کشور به ویژه پیروان سایر ادیان شد.

وی نقش نهادهای صهیونیستی برای جذب کلیمیان به خارج از کشور را یادآور شد و بر ضرورت مقابله با برنامه‌های این نهادها تاکید کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بر ضرورت رفع مسایل و مشکلات پیروان سایر ادیان تاکید کرد و خواستار همکاری آنان در این زمینه شد. ■

مراسم دهه فجر در شهرستان‌ها

اصفهان

کلیمیان اصفهان دهه فجر را همراه با سایر اقلیت‌های دینی در مهمانسرای عباسی اصفهان جشن گرفتند.

روز چهارشنبه، ۱۹ بهمن ماه از طرف اقلیت‌های دینی ساکن شهرستان اصفهان مراسم باشکوهی به مناسبت دهه فجر و بیست و دومین سال پیروزی انقلاب اسلامی در سالن اجتماعات مهمانسرای عباسی اصفهان برگزار گردید.

در این مراسم دکتر عطا... مهاجرانی، معاون رئیس جمهور و رئیس مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها و نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و استانداری اصفهان و روحانیون مسیحی- کلیمی و زرتشتی و همچنین نمایندگان اقلیت‌های دینی و جمع کثیری از هموطنان مسیحی- زرتشتی و کلیمی حضور داشتند.

در این مراسم مهندس موریس معتمد، نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی، در سخنرانی خود از همبستگی کلیمیان و سایر اقلیت‌های دینی با هموطنان خود قدردانی نموده و یادآور شد که مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی به این همبستگی ارج می‌نهند و امید است که وحدت ایرانیان هر روز استحکام بیشتری پیدا کند و موجب افتخار و عظمت ایران عزیز باشد.

پس از آن دکتر مهاجرانی ضمن تبریک به مناسبت فرا رسیدن دهه فجر و اهمیت گفتگو بین ادیان و تمدن‌های مختلف بر وفاق و همدلی همه ایرانیان از هر دین و آیین تاکید



مصدق‌های بازار صمیمیت در میان پیروان ادیان مختلف برای امنیت و آزادی و استقلال جمهوری اسلامی ایران دانست. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به روحانیون و شخصیت‌های فرهنگی و علمی پیروان سایر ادیان در ایران گفت: ایران متعلق به همه ما است و در قبال آن مسئولیتی مشترک داریم.

در این مراسم «هارون یشایایی» رئیس انجمن کلیمیان تهران، «اوشیدری» موبد موبدان زرتشتی، خانم «آیدا آوانسیان» رئیس شورای خلیفه گری ارامنه تهران و اسقف «رمزی گرمو» رئیس شورای خلیفه گری آشوری و کاتولیک در سخنانی سالگرد دهه فجر انقلاب اسلامی را گرمای داشتند و با آرمان‌های انقلاب اسلامی بیعت کردند.

موبد موبدان زرتشتی، خواستار توجه به وفاق ملی و انجام اجتماعی شد. وی از رسانه‌های جمعی خواست در این جهت گام بردارند و با دامن زدن به درگیری‌های جناحی، فضای کشور را متشنج نکنند. اوشیدری از توجه مسئولان نظام به پیروان سایر ادیان در ایران قدردانی کرد و همبستگی جامعه زرتشتیان را با پیروان سایر ادیان در ایران خاطر نشان کرد. وی گفت: امیدوارم در این سرزمین اهورایی که از فراز ایزدی برخاسته، با صلح، دوستی و صمیمیت همه هموطنان، کشوری آباد آزاد و مستقل بسازیم.

«آیدا آوانسیان» رئیس شورای خلیفه گری ارامنه تهران، نیز در این مراسم نام انقلاب اسلامی را با نام امام خمینی (ره) همراه دانست و گفت: رهبر کبیر انقلاب، آزادی و رهایی از قید و بند را به ما آموخت.

وی طرح گفتگوی تمدن‌ها به ابتکار آقای خاتمی را از دستاوردهای مهم ایران در سال‌های اخیر دانست.

«رمزی گرمو»، اسقف ارامنه کلدانی و کاتولیک و آشوری نیز در این مراسم سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک گفت.

وی با اشاره به استقبال پاپ ژان پل دوم، رهبر کاتولیک‌های جهان از طرح گفتگوی تمدن‌ها، اظهار امیدواری کرد که این طرح، ملت‌های جهان را برای دستیابی به صلح و

آموزان بودند. گرچه عمو قصه و عروسک‌هایش به ظاهر برای شاد کردن دانش آموزان ابتدایی آمده بودند اما لحظات شادی را برای همه دانش آموزان مجتمع اتفاق پدید آوردند. همچنین جوایز دانش آموزان ممتاز پیش‌دانشگاهی و دبیرستان در این روز اهدا و تعداد زیادی از دانش آموزان مقطع راهنمایی که در المپیادهای مختلف علوم و ریاضی و... مقام کسب کرده بودند، تشویق شدند.

نوزدهم بهمن، علاوه بر مراسم دهه فجر، دانش آموزان جشن مذهبی ایلاتوت را نیز برپا داشتند.

حضور هیئت کلیمی در ضیافت

دهه فجر وزیر

فرهنگ و ارشاد اسلامی

بعد از ظهر سه‌شنبه ۱۸ بهمن ماه، هیئتی از جامعه کلیمی به دعوت آقای احمد مسجد جامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ضیافت دهه فجر در هتل لاله تهران حضور یافت.

در این هیئت آقایان جناب حاج‌آقا یوسف همدانی کهن (مرجع دینی کلیمیان)، مهندس موریس معتمد (نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس)، هارون یشایایی (رئیس انجمن کلیمیان تهران)، مهندس سلیمان حکاکیان، دکتر یونس حمامی لاله‌زار، گاد نعیم، دکتر منصور شاریم، پرویز گرمای و خانم‌ها پری خنوکایی، فرح داورپناه و بریم خناسابزاده شرکت داشتند.

در این ضیافت که روحانیون و شخصیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی اديان و مذاهب مختلف حضور داشتند، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود پیروان ادیان مختلف در ایران را موجب مباهات و نقطه درخشان تاریخ و تمدن ایران خواند.

به گزارش روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، احمد مسجد جامعی در ضیافتی که به مناسبت دهه فجر با حضور روحانیون و شخصیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی پیروان سایر ادیان برگزار کرد، گفت: پیروان ادیان مختلف در ایران، قرن‌های طولانی با محبت در کنار هموطنان خود زندگی کرده‌اند.

وی، مشارکت پیروان همه ادیان در عرصه‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را از

نموده و توحید و گرایش به عدالت و تفاهم را اصل مشترک همه ادیان توحیدی دانست. وی وجود مشترکات بین ادیان و مخصوصا ایرانیان را یادآور شد و تاکید نمود که توجه به جوهر ادیان راه ما را به سوی خوشبختی و سعادت هموار می‌سازد و امیدواریم همه ما بتوانیم در این راه گام برداریم.

بعد از سخنرانی چند تن دیگر از نمایندگان مسیحی و زرتشتی، برنامه‌های هنری به مناسبت دهه فجر از طرف جوانان مسیحی- کلیمی و زرتشتی اجرا شد.

اجرای برنامه‌های هنری جوانان کلیمی اصفهان را این عزیزان بر عهده داشتند: آقایان بیژن خاکشور (سرپرست) - ایگال ساسون- اورن ساسون- شهاب شماش- دانا نهداران- داریوش نهداران- یوزام شمیان- داوود گلچه- ابراهیم شائولیان- ابراهیم نهداران- ابراهیم بن پورات- آرش سعیدیان.

خانم‌ها: مژده پروشالمی- ساناز شمیان- الناز بروخیم‌نژاد- شیرین سپارزاده- ماریانا سعیدیان- دلارام پروشالمی- راحل شائولیان- رونیا پروشالمی- الیزا ریحانیان- حنا داداش‌نژاد.

شیراز

کلیمیان شیراز مراسم بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی ایران را در سالن اجتماعات جدید خود جشن گرفتند.

به مناسبت بیست و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کلیمیان شیراز مراسم باشکوهی در سالن جدید اجتماعات کلیمیان شیراز برپا داشتند. در این مراسم نمایندگان محترم آیت ا... حائری، امام جمعه محترم شیراز و نماینده ولی فقیه در استان فارس، آقای همافر، مدیر کل محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس، آقای میردهقان مسئول اداره اقلیت‌های دینی، حجت‌الاسلام اسکندری، رئیس کل انتشارات اسلامی استان، مسئولین نهادهای مختلف استان فارس و شهرستان شیراز، سلیمانی رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان شیراز و جمع کثیری از کلیمیان شیراز حضور داشتند.

سالن اجتماعات جدید کلیمیان شیراز با همت انجمن کلیمیان شیراز و همکاری انجمن کلیمیان تهران مورد استفاده همکیشان عزیز

شیرازی قرار گرفته است.

پس از خیر مقدم و گزارش نماینده هیئت مدیره انجمن کلیمیان شیراز و سخنرانی دکتر بامداد، مهندس رام در مورد بهره‌برداری از سالن اجتماعات کلیمیان شیراز و سایر فعالیت‌های این انجمن گزارشی ارائه داد و از حضور نمایندگان امام جمعه محترم شیراز و سایر مسئولین قدردانی به عمل آمد.

پس از آن رییس انجمن کلیمیان تهران درباره همبستگی کلیمیان با سایر هموطنان خود در جریان انقلاب و جنگ تحمیلی و مراسم مختلف مبارزات و کوشش‌های مردم ایران برای استقلال آزادی و جمهوری اسلامی سخن گفت و اضافه نمود جامعه کلیمی ایران امیدوار است بتواند وظیفه خود را در راه آبادانی و استقلال میهن عزیز و سربلندی ایرانیان به نحو احسن به انجام برساند.

هارون پشایی با اشاره به برخی از مشکلات جاری، تاکید نمود که به یاری خداوند و حسن نیت مسئولین و کار صادقانه کلیمیان مشکلات موجود برطرف خواهد شد و ملت ایران، آینده درخشان خود را ترسیم خواهد کرد.

پس از آن همافر، مدیر کل محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس، همبستگی همه افراد ملت ایران را یادآور شد و تاکید نمود که این همبستگی موجب پیروزی ملت ایران در جریان انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شد و امید است وحدت و همبستگی همه ایرانیان موجب به ثمر رسیدن هر چه بیشتر هدف‌های انقلاب اسلامی ایران گردد.

در این مراسم لوح یادبود و جوایزی به افراد برجسته جامعه کلیمی شیراز اهدا شد و از خدمات پزشکان و پرستاران شاغل در نهادهای بهداشتی و درمانی تشکر به عمل آمد.

با توجه به تقارن ۲۲ بهمن با مراسم مذهبی ایلاتوت در قسمت دوم برنامه، شعر خوانی و اجرای سرودهای انقلابی توسط گروه کُر جوانان شیراز به عمل آمد و گروه موسیقی جوانان شیراز با اجرای موسیقی سنتی مورد تشویق حاضران قرار گرفت و در پایان نمایشنامه طنز خانه جوانان یهود شیراز اجرا شد. مجری برنامه آقای سیمایی بود و خانواده محترم خان‌داداش از جمله همکاران گروه‌های هنری بودند. ■

کرمانشاه

مراسم دهه فجر در کنیسای کلیمیان کرمانشاه با حضور آیت ا...

محمدحسین زرنندی، امام جمعه و نماینده ولی فقیه در کرمانشاه، برگزار شد.

روز جمعه، ۲۱ بهمن ماه با حضور آیت ا... محمدحسین زرنندی، امام جمعه کرمانشاه و نماینده محترم ولی فقیه در استان کرمانشاه، مراسم بزرگداشت و پیروزی انقلاب اسلامی در کنیسای کلیمیان کرمانشاه برگزار گردید.

در این مراسم علاوه بر امام جمعه کرمانشاه، دو تن از نمایندگان محترم مردم کرمانشاه و نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی و رییس انجمن کلیمیان تهران و رییس و اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان کرمانشاه و جمع کثیری از همکیشان کلیمی کرمانشاهی حضور داشتند.

پس از خیرمقدم به حضار توسط النابوسفی، ابتدا بهمن محمودی، نماینده انجمن کلیمیان کرمانشاه به امام جمعه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و حاضران در مراسم خوش آمد گفته و از دهه فجر به عنوان روز مقدس برای همه مردم ایران از جمله ایرانیان کلیمی یاد کرد و برای سلامتی مقام معظم رهبری و مسئولین نظام به وسیله یکی از روحانیون، دعای مخصوص خوانده شد.

نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و سپس رییس انجمن کلیمیان تهران ضمن ایراد سخنرانی در مورد اهمیت همبستگی همه ایرانیان با یکدیگر، همکیشان خود را به تلاش برای آبادانی و استقلال و آزادی ایران عزیز دعوت نمودند.

سپس آیت ا... زرنندی در مورد نقش حضرت امام راحل در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و درایت مقام معظم رهبری سخنانی ایراد و تاکید نمود که لازم است رسانه‌های همگانی در مورد جدایی یهودیت از اقدامات ضد انسانی صهیونیست‌ها همکاری لازم را داشته باشند و مخصوصا کلیمیان ایران را به بقیه هموطنان خود معرفی نمایند و صداقت و صمیمیت آنها را در همکاری با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران یادآور شوند.

امتیاز برای دانش آموزان کلمی در ازای آن می‌باشند. از نقاط ضعف کلاس‌های دینی شیراز هماهنگ نبودن جواب سؤالات کتاب بینش مذهبی و همزمان تدریس نشدن دو کتاب بینش و فرهنگ در برخی کلاس‌ها، کم اهمیت بودن درس بینش مذهبی در مقاطع دبستان و راهنمایی از سوی برخی معلمان و تدریس کتب قدیمی فرهنگ در کلاس‌های اول و دوم دبیرستان است. آقای قانونی ناظر بر تشکیل این کلاس‌ها می‌باشد. در شیراز حدود ۸۵۰ نفر دانش آموز از کلاس‌های فوق‌العاده تعلیمات دینی استفاده می‌کنند.

جشن تقدیر از پرسنل و دانش آموختگان مرکز کامپیوتر انجمن کلمیان تهران

روز دوشنبه ۱۵ اسفند، مراسم تقدیر از مدرسین، کارکنان و دانش آموختگان مرکز کامپیوتر انجمن کلمیان تهران برگزار شد. در این برنامه، فرید طویان، مدیر مرکز به ذکر سوابق و فعالیت‌های سه ساله این نهاد پرداخت. وی اظهار داشت که علیرغم مشکلات متعدد، تاکنون حدود ۸۰۰ نفر از همکیشان در یازده دوره از کلاس‌های آموزشی مرکز استفاده کرده‌اند.

حروفچینی و صفحه‌آرایی، کامپیوتریزه کردن بیمارستان دکتر سپهر و حسابداری انجمن و ارایه خدمات نرم افزاری و سخت‌افزاری به همکیشان از دیگر فعالیت‌های این بخش عنوان شد. فرید طویان اضافه کرد انجمن کلمیان در نظر دارد مرکز کامپیوتر را با امکانات جدید مجهز نماید که این مرکز بتواند خدمات بیشتری به علاقمندان ارایه نماید.

(سرپرست کلاس‌های فوق العاده تعلیمات دینی یهود تهران) از طرف کمیته فرهنگی انجمن کلمیان تهران، مامور بازدید و ارایه گزارشی از عملکرد کلاس‌های تعلیمات دینی این دو شهرستان شد.

در بازدید از اصفهان، مشکلاتی به چشم می‌خورد از قبیل کمبود معلمان با تجربه و برنامه

ریزی نامناسب کلاس‌های درسی. سرپرستی کلاس‌ها (که در اصفهان بعدازظهرها از ساعت ۱۶ الی ۱۹/۳۰ برگزار می‌شود) با آقای نتن باخما است. در مذاکرات با مسئولین کلاس‌ها، قرار شد کلاس‌های توجیهی برای معلمان برگزار و هماهنگی بیشتری با انجمن تهران به عمل آید. در اصفهان حدود ۳۰۰ نفر دانش آموز در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند.

در شیراز، این کلاس‌ها از مقطع دبستان تا دبیرستان در مجتمع کوثر هر هفته جمعه از ساعت ۸ الی ۱۱/۳۰ تشکیل می‌شود و شامل تدریس کتب، بینش مذهبی، فرهنگ یهود و فرائض دینی است. نکته قابل توجه در این کلاس‌ها حضور معلمان تحصیلکرده و نظم در حضور و غیاب دانش آموزان است. همچنین اداره آموزش و پرورش شیراز، طبق بخشنامه‌ای که شامل چهار ناحیه شیراز می‌باشد حضور دانش آموزان کلمی را در کلاس‌های فوق العاده جمعه که از طرف مدارس برگزار می‌شود، موجه اعلام کرده و در همه المپیادهای علمی، طراحان سؤال موظف به حذف سؤالات دینی و قرار دادن



مراسم کلمیان کرمانشاه

سخنان امام جمعه کرمانشاه با استقبال فراوان حضاران روبرو شد و آقای زرنندی به احساسات حضاران پاسخ داد. پس از آن مراسم مذهبی ایلانوت و سرودهای مذهبی و انقلابی توسط دانش آموزان کلمی کرمانشاه اجرا شد. گروه سرود به سرپرستی ژانت قدوسی و با همکاری فلور یوسفی (نوازنده ارگ) برنامه فوق را اجرا کردند. ■

برگزاری کلاس‌های قرائت تورا و کتب مذهبی در مجتمع فرهنگی مدرسه روحی شاد

این کلاس‌ها شامل آموزش قرائت تورا بدون نقطه و اعراب (برای تربیت پیشنهاد کتیباهای تهران) در مقاطع دبستان و راهنمایی به سرپرستی آقای رحمن دلرحیم است. گروهی از دانش آموزان ممتاز شرکت کننده در این کلاس‌ها عبارتند از: بنیامین همدانی کهن، ژاکب مردیان، ابراهیم آجدانیور (از کنیاسای باغ صبا)، ناتان ماهگرفته، یوسف ستاره‌شناس، اوراهام همدانی کهن، مته همدانی کهن، اوراهام گل شیرازی، داوید یعقوبی (از کنیاسای دروازه دولت) اسکندر ابراهیمی، معراج برادریان، موریس کرندیان، ابراهیم محلی، اسحق هاتانیان (از کنیاسای پل چوبی) سامان قصاب، داوید صفا، (از کنیاسای هارامام) دان یشاریم، کیوان سومخ، مایکل نامی‌خواه، بنهور آبگینه ساز، داوید تراشندگان، کامییز بروخیم و اشکان سروریان (از کنیاسای ملایوسف شرکا).

بازدید از کلاس‌های تعلیمات

دینی شهرهای اصفهان و شیراز

بهمن ماه گذشته، مهندس روبرت خالدار



تقدیر از پرسنل مرکز کامپیوتر

داخلی، مسئولیت‌های اصلی به این شرح تعیین شد. میث سیمونی (رییس)، امید ماخانی (نایب رییس)، دوریتا ریحانیان (منشی) و آنا طلاسان (خزانه دار).

مجمع عمومی گروه دانش آموزان
گروه دانش آموزان، تحت پوشش سازمان دانشجویان یهود در تاریخ ۳ اسفند مجمع عمومی برگزار نمود. در این مجمع پس از گفتگو با اعضای هیئت مسئولین دوره پیش، بحث و تبادل نظر، کاندیداها به معرفی خود و بیان دیدگاه‌ها پرداخته، سپس رای گیری انجام شد. هیئت مسئولین منتخب این مجمع عمومی که یکی از پربارترین مجمع عمومی‌های گروه دانش آموزان بوده است عبارتند از: آپلین تشخیصی، سارا حی، نادر کی‌پور، پویا دانیالی، پدram مناشری، سالینا سامیح و دانیل ذریمانی. در پایان، مسئول جدید گروه دانش آموزان، خانم پریسا اوریل، برای هیئت مسئولین دوره جدید (دوره هشتم) آرزوی موفقیت و پیشرفت نمود.

تدوین نخستین مجموعه طبقه بندی شده تست‌های دینی کنکور
به کوشش سازمان دانشجویان یهود تهران، نخستین مجموعه طبقه بندی شده سؤالات کنکور بینش مذهبی یهود، تدوین شد. این مجموعه که شامل خلاصه هر فصل و تست‌های کنکور مربوط به آن می‌باشد، با توجه به شیوه جدید طرح سؤالات کنکور اقلیت‌های مذهبی تنظیم شده است و در آن از سؤالات سال‌های گذشته کنکور اکثریت که با سرفصل‌های بینش اقلیت مشابهت داشته‌اند نیز استفاده شده است.

مجموعه فوق حاوی بیش از ۱۲۰۰ تست بینش و ۱۲۰ پرسش منتخب فرهنگ یهود است و جدید ترین سؤالات آزمون‌های دانشگاه آزاد و سراسری را نیز در بر می‌گیرد. علاقمندان جهت دریافت مجموعه مذکور می‌توانند به سازمان دانشجویان یهود ایران مراجعه کنند.

اولین برنامه اجرایی هنرجویان مرکز آموزش موسیقی

مرکز آموزش موسیقی انجمن کلیمیان تهران با همت کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران، فعالیت خود را در جهت بهبود و اعتلای سطح فرهنگی هنری جوانان کلیمی از

ویدئو پروجکشن توسط انجمن کلیمیان امکان پذیر گشته و در نظر است که از امکانات این سالن برای گردهمایی هفتگی جوانان و تماشای فیلم‌های روز استفاده بهینه شود.

میزگرد با حضور هیئت تحریریه مجله بینا از دیگر فعالیت‌های فرهنگی است که چنانچه مورد توجه و استقبال فرهنگدوستان جامعه قرار گیرد، می‌تواند بستر مناسبی برای شکوفایی و انتقال افکار جوانان باشد.

معمولا، بیشترین استقبال از برنامه‌های این نهاد، مربوط به برنامه دعوت از هنرمندان سینما و تلویزیون است که جوانان و نوجوانان از نزدیک با زندگی حرفه‌ای این گروه آشنا می‌شوند.

گروه نوجوانان خانه جوانان یهود نیز برنامه‌هایی شامل سخنرانی درباره سخت افزار کامپیوتر و نیز اجرای فیلم برگزار کرده‌اند.

مجمع عمومی سازمان دانشجویان یهود ایران

مجمع عمومی سازمان دانشجویان روز جمعه ۱۹ اسفند در محل این سازمان تشکیل شد. هیئت رئیسه مجمع را کیارش یشایایی، آرش آبائی و سیما مقتدر به عهده داشتند. پڑمان پورفخر به نمایندگی هیئت مدیره دوره سی و سوم، گزارش عملکرد یکساله و امید ماخانی گزارش عملکرد مالی این دوره سازمان را ارائه کردند. سپس بازرس سازمان، فرشید مرادیان، گزارش بازرسی خود را تشریح نمود.

بخش بعدی جلسه، مربوط به پرسش و پاسخ حضار از هیئت مدیره قبلی با پاسخگویی پڑمان پورفخر بود.

پس از این مرحله، با معرفی نامزدهای هیئت مدیره جدید، رای گیری به عمل آمد و نتایج زیر حاصل شد:

اعضای اصلی: امید ماخانی، نوید یعینی، میشل سیمونی، آنا طلاسان، دوریتا ریحانیان. اعضای علی البدل: آزاده ماخانی و آیدا الیاسی

بازرس: پڑمان پورفخر و فرشید مرادیان (علی البدل)

در پایان مراسم، منتخبین نسبت به ادای وظایف خود، متن عهدنامه را قرائت کردند.

لازم به ذکر است که در اولین جلسه هیئت مدیره دوره سی و چهارم با رای گیری

پس از آن هارون یشایایی رییس هیئت مدیره انجمن کلیمیان هدف از ایجاد مرکز کامپیوتر را آشنایی نسل جوان یهودی ایران به پیشرفت علوم و تحقیق اعلام نمود و یادآور شد، انجمن کلیمیان تهران خوشحال است که وظیفه خود را در مورد خواسته‌های نسل جوان در حد توانایی خود انجام داده و نیازهای نسل جوان را اولین اولویت برنامه‌های خود داشته است از مهدکودک تا برنامه‌های تلمود تورا و کلاس‌های دینی مدارس و اداره مدارس اختصاصی کلیمیان تا ترتیب تیم‌های ورزشی و تشویق جوانان یهودی به امر ورزش و توجه به کتابخانه مرکزی کلیمیان ایران که خوشبختانه مورد استقبال نسل جوان قرار گرفته، انتشار نشریه بینا که به همت جوانان کلیمی به حیات خود ادامه می‌دهد و راه‌اندازی و اداره مرکز کامپیوتر که به طور مشخص مدیران پشتکار آقای طویبان و علاقمندان جوانان است بخشی از فعالیت انجمن کلیمیان در امور جوانان می‌باشد. رییس انجمن کلیمیان جوانان یهودی به پیوستن به نهادهای موجود در جامعه و ایجاد نهادهای جدید دعوت کرد.

در این مراسم به مدیر، مدرسان و کارکنان، دانش آموختگان ممتاز و نیز اعضای برجسته تیم فوتبال مرکز کامپیوتر لوح‌های تقدیر اهدا شد.

فعالیت‌های خانه جوانان یهود

* بیست و پنجمین سالگرد تاسیس خانه جوانان یهود تهران در تالار اجتماعات کلیمیان تهران (محبان) برگزار شد. روز پنجم دی ماه گذشته که با ششمین روز جشن مذهبی حنوکا مقارن شده بود، مراسمی به مدیریت آقای مهران ساسانی فرد شامل برنامه‌های متنوع فرهنگی - هنری اجرا و با استقبال همکیشان روبرو شد.

* برنامه‌های اخیر خانه جوانان، شامل نمایش فیلم در محل این نهاد و نیز تالار محبان، میزگرد با هیئت تحریریه مجله بینا (۱۳ بهمن)، سخنرانی دکتر تورج پناه بر حق درباره پدیده‌های زمین شناسی (زلزله - آتشفشان)، جنگ شاد (۴ اسفند) و برنامه هنرمند در صحنه با شرکت رامین پرچمی (۱۱ اسفند) بوده است.

نمایش فیلم در تالار محبان با تهیه دستگاه



ابوالقاسم نجفی

اقداماتی برای رفع نقایص و سازماندهی جدید و تغییرات ساختمانی و ایجاد تاسیسات جدید و استخدام مدیران و پرسنل و کارشناسان ذریع به عمل آورد.

به صورتی که امروز خوشبختانه سرای سالمندان یهودی به ویژه در قسمت مدیران اجرایی، دارای کارشناسان خبره و متخصص می باشد. پس از سال ها تلاش، امروز افتخار می نمایم که سرای سالمندان یهودی از هر جهت قادر به نگهداری سالمندان سالخورده و همچنین سالمندان مصدوم با بالاترین استانداردهای پزشکی، بهداشتی و مددکاری است. از آنجایی که در همه ادیان بر حفظ حرمت سالمندان تاکید شده است و در دین یهود احترام پدر و مادر از فرامین دهگانه خداوند است که به بنی اسرائیل و همه بشریت ابلاغ شده است. در فرهنگ دیرپای ایرانی نیز همواره احترام به پیران سفارش شده است ما باید این معنا را به عنوان یک مقوله ارزشی تلقی کنیم و همچنین با عنایت به افزایش امید زندگی در جامعه ایرانی و با آینده نگری نسبت به نسل آینده که سالمندان اکثریت جامعه جوان امروزی را تشکیل خواهند داد و با استفاده از علوم جدید و پیشرفت های علمی که در زمینه نگهداری و مراقبت از سالمندان به عمل آمده است راه های نوینی با حفظ ارزش ها برای این امر بیابیم. در حال حاضر چون سرای سالمندان نسبت به نگهداری سالمندان در محل سرا به وضعیت مطلوبی رسیده است قصد داریم در آتیه با مطالعات کارشناسی، سازماندهی جدیدی برای ارائه خدمات به سالمندانی که در خانه های خود سکونت دارند ایجاد کنیم. در این راه علاوه بر نیاز به راهنمایی های ارزنده سازمان بهزیستی کشور و همچنین توجه بیشتر افراد جامعه نسبت به نام کمک های مردمی که تاکنون نیز به نحو رضایت بخشی انجام شده است، اطمینان داریم که همواره از تفضل الهی در این راه الهی - انسانی برخوردار خواهیم شد. مسئولین محترم سازمان بهزیستی کشور ضمن تایید خط مشی های اعلام شده سرای

ابتدای تابستان ۷۹ در مجتمع سرابندی در رشته های آموزش نوازندگی ویلن کلاسیک، گیتار کلاسیک، تنبک، ارگ و پیانو آغاز کرده است.

روز دوشنبه ۲۲ اسفند در مراسم افتتاح رسمی این مرکز اولین برنامه آن به منظور معرفی هنرجویان و عملکرد ایشان در مجتمع مذکور اجرا شد.

پس از خیر مقدم، مسئول کمیته جوانان و مرکز آموزش موسیقی پرویز گرامی سخنرانی نمود. سپس هنرجویان کلاس ویلن برنامه های خود را در ۵ بخش اجرا کردند. هارون پشایی، رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، سخنران بعدی این برنامه بود. به دنبال آن هنر جویان کلاس های گیتار، تنبک و ارگ به اجرای برنامه های خود پرداختند.

در ادامه، مهرداد تبریزی، سخنانی پیرامون هنر موسیقی، ریتم و هنر تنبک نوازی بیان کرد و خود به اجرای تک نوازی تنبک پرداخت. بخش های پایان این مراسم، شامل هنرنامه نادر دانیالی، پیمان و نیلوفر الیاهو (درخشان) بود.

در آخر برنامه، از مدرسان و پرسنل و دست اندرکاران هماهنگی کلاس های این مرکز تقدیر به عمل آمد.

بازدید مسئولین سازمان بهزیستی کل کشور از سرای سالمندان یهودی

روز چهارشنبه ۷ دی ماه ۷۹، آقای ابوالقاسم نجفی، ریاست محترم امور مراکز غیر دولتی و انجمن های توانبخشی، همراه با آقای مهاجر، مسئول امور توانبخشی سازمان کشور، از آسایشگاه سرای سالمندان یهودی بازدید به عمل آوردند. در ابتدا آقای گاد نعیم، مسئول هیئت امنای سرای سالمندان، ضمن عرض خیر مقدم گزارش مبسوطی از فعالیت های گذشته و وضع فعلی سرای سالمندان و برنامه های آینده این سرا را به اطلاع مسئولین محترم سازمان بهزیستی کشور رساند:

«سرای سالمندان یهودی در ابتدا قبل از انقلاب در یک شکل ابتدایی و بیشتر به منظور جمع آوری سالمندان بدون بضاعت تشکیل گردید. هیئت امنای فعلی که مسئولیت خود را از سال ۱۳۶۲ شروع نمود خوشبختانه با تذکرات و راهنمایی های کارشناسانه و دلسوزانه سازمان بهزیستی کل کشور توانست

سالمندان اظهار داشتند که این برنامه ها به طور جدی در سازمان بهزیستی کشور و سایر نهادهای ذریع مورد مطالعه و بررسی قرار دارد و سرا را از نتایج بدست آمده مطلع و راهنمایی خواهند کرد. در پایان مسئولین سازمان بهزیستی از بخش ها و قسمت های فنی و تاسیسات و گردشگاه مصفای سالمندان بازدید به عمل آوردند که خوشبختانه مورد رضایت و تایید قرار گرفت و همچنین مدیران اجرایی - پرستاری - پزشکی و آموزشی سرای سالمندان به مسئولین محترم معرفی شدند و نقطه نظرات خود را راجع به اقدامات انجام شده در سرای سالمندان به اطلاع ایشان رساندند. متعاقباً آقای نجفی طی نامه شماره ۸۴۲/۹۶۳۰ مورخ ۷۹/۱۰/۲۰ رضایت و خوشنودی خود را از فعالیت های سرای سالمندان یهودی به این سرا ارسال نمود.

متن سازمان بهزیستی کشور به این شرح است:

جناب آقای گاد نعیم
مدیریت محترم آسایشگاه یهودی
سلام علیکم

پیرو بازدید انجام شده در تاریخ ۷۹/۱۰/۷ بدینوسیله مراتب بخشودگی و قدردانی از زحمات و فعالیت های ارزنده جنابعالی و همکاران ارجمند آن آسایشگاه را در جهت خدمت به عزیزان سالمند ابراز داشته و از درگاه خداوند منان، برایتان سعادت و توفیق روز افزون مسئلت داریم.

ابوالقاسم نجفی
مدیرکل دفتر امور مراکز غیر دولتی و انجمن های توانبخشی

فقدان یک خدمتگزار فرهنگی (پوران مرادیان)

در بهمن ماه ۷۹، جامعه کلیمی تهرانی یکی از خدمتگزاران صدیق خود را در صحنه آموزش و پرورش کشور از دست داد.

مرحومه پوران مرادیان، دبیر ریاضیات مدارس تهران (مجتمع فرهنگی هاجر و دبیرستان ندای زهرا)، پس از سی سال خدمت صادقانه به دیار باقی شتافت. به همین مناسبت مجلس یادبودی در ۱۷ بهمن ماه با حضور جمع کثیری از فرهنگیان، معلمان و مدیران منطقه ۷ تهران برگزار و یاد و خاطره این معلم کلیمی گرامی داشته شد.

نشریه بینا فقدان این خدمتگزار فرهنگی را به خانواده و بازماندگان آن مرحومه تسلیت گفته و شادی روح او را از پروردگار خواستار است.

اخبار کوتاه

• بنابه استقبال بی نظیر همکیشان گرامی از تور سیاحتی، زیارتی شوش دانیال و درخواست‌های مکرر ایشان، روز ۶ بهمن، جمع کثیری از همکیشان با سه دستگاه اتوبوس به زیارت مرقد مطهر حضرت دانیال نبی رفتند. این برنامه زیارتی به همت کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران صورت گرفت.

• انجمن کلیمیان تهران با همکاری ستاد خیریه کوروش (آقایان یعقوب یعقوبزاده، اسکندر میکائیل، رحمتا، شینتانی) به مناسبت عید پسخ (جشن آزادی) برای ۳۵۰ خانوار نیازمند مقداری آذوقه که شامل برنج، روغن، گوشت، تخم مرغ، خرما و مصا می‌باشد، تهیه و توزیع نموده‌است.

• یک وزیر هندی در نطق تلویزیونی گفت: زلزله گجرات هند، عذاب خداوند برای مجازات کسانی است که در آنجا به مسیحیان و دیگر اقلیت‌ها جفا کردند. (ایران- ۷۹/۱۱/۱۳)

• حدود ۵۰۰ تن از زنان یهودی و عرب در تظاهراتی در روز یکشنبه ۱۶ بهمن ماه به محاصره نوار غزه و کرانه باختری اعتراض کردند. تظاهر کنندگان که به دعوت جنبش‌های طرفدار صلح گردهم آمده بودند، با تجمع در مقابل وزارت دفاع تل‌آویو و بستن خیابان مقابل آن شعار دادند: «در ازای محاصره کرانه باختری، تل‌آویو را محاصره می‌کنیم». محاصره این مناطق فلسطین نشین، موجب می‌شود که هر روز، ۱۲۰ هزار فلسطینی از کار خود در اسرائیل بیکار شوند. (تهران تایمز- ۷۹/۱۱/۱۸)

• شهرداری یکی از شهرهای مصر، از ورود یهودیان برای زیارت بارگاه حاخام «ابوحصیره» جلوگیری کرد. یهودیان هر سال در دی ماه به روستای «دمیتوه» از توابع شهر «دمتهور» در استان «بحیره» مصر می‌رفتند تا مراسم جشن ویژه‌ای را در زیارتگاه حاخام «یعقوب ابوحصیره» که صاحب کرامات بوده است برگزار کنند.

شهرداری «دمتهور» مصر گفت: یهودیان

این بارگاه را به یک دیوار نذبه دوم مبدل کرده‌اند و مردم این روستا خواهان تغییر نام «دمیتوه» به روستای شهید «محمد الدوره» و انتقال مرقد «ابوحصیره» به خارج از مصر شده‌اند. (اطلاعات ۷۹/۱۱/۱۷ و ۷۹/۱۱/۱۵)

• گروهی از یهودیان طرفدار جنبش «نتوریا کارتا» به همراه گروه‌های مختلف مسلمان، عرب و مسیحی اوایل بهمن ماه با برپایی تظاهرات گسترده‌ای در مقابل مقر اصلی سازمان ملل در نیویورک، خواستار قطع کمک‌های امریکا به اسرائیل شده و جنایات علیه مردم فلسطین را محکوم کردند. (جمهوری اسلامی، ۷۹/۱۱/۹)

• ۲۵۰ زوج جوان از بیش از ۱۳۰ کشور جهان در همایش گفتگوی تمدن‌ها، خانواده و ارزش‌های مشترک بشری در مراسمی که با حضور رهبران دینی ادیان مختلف جهان برگزار شد به روش‌های سنتی خود ازدواج کردند. در این مراسم، رهبران و زوج‌های جوان یهودی، مسلمان (شیعه - سنی)، مسیحی (پروتستان، کاتولیک، ارتدکس) بودایی، سیک، هندو و... شرکت داشتند. رهبران این ادیان هر یک جداگانه، دقایقی را به دعا و نیایش برای عروس و دامادهای جوان اختصاص داده و بر اهمیت نهاد خانواده برای خوشبختی و سعادت بشری تاکید کردند.

• پارلمان اتریش با پرداخت ۱۵۰ میلیون یورو به عنوان غرامت به یهودیان بازمانده از جنگ جهانی دوم موافقت کرد. طبق اظهارات سازمان‌های یهودی، قبل از سال ۱۹۳۸ میلادی، حدود ۲۰۰ هزار نفر یهودی در اتریش زندگی می‌کردند که ۶۵ هزار نفر آنها در اردوگاه‌های کار اجباری جنگ جهانی دوم جان خود را از دست دادند و ۳۵ هزار نفر مجبور به فرار از اتریش شدند. طبق این برآورد، یهودیان در آن زمان صاحب دارایی‌هایی بودند که ارزش امروزی آنها معادل ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیارد شیلینگ است، اما نازی‌ها تمام اموال آنان را مصادره کردند. (تهران تایمز- ۷۹/۱۱/۲۵)

• در پی حمله به مسجد «التوحید» در آرژانتین (اواخر دی ماه گذشته) حاخام «دانیل گلدمن» رئیس مذهبی جامعه یهودیان «بت ال» آرژانتین ضمن اعلام همبستگی با مقام‌های مسجد «التوحید» و محکوم کردن حمله تروریستی علیه این مکان مقدس، گفت: «با

توجه به عدم توانایی سازمان‌های اطلاعاتی در جلوگیری از عملیات تروریستی، باید این سازمان‌ها مورد تحقیق و تفحص قانون قرار گیرند. «گولدمن» حاخام یکی از جوامع یهودی آرژانتین است که بارها حمایت خود را از مسلمانان این کشور اعلام کرده است. وی با وجود حمله‌های مطبوعات و برخی سازمان‌های وابسته به صهیونیست علیه جمهوری اسلامی ایران در آرژانتین، دو سال پیش به منظور اعلام همبستگی و حمایت از موضع مسجد التوحید در دفاع از ایران و لبنان، در محل مسجد حضور یافت. (بونوس آیرس، خبرگزاری جمهوری اسلامی) ■

برگزاری دومین جلسه

از مجموعه نشست‌های موسسه

گفتگوی ادیان با پیروان سایر

ادیان الهی در ایران

دومین نشست مشترک موسسه گفتگوی ادیان با همکاری خلیفه‌گری ارامنه تهران، در تاریخ ۱۴ اسفندماه در محل دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت امور خارجه برگزار شد.

در این جلسه که با عنوان «ضرورت گفتگوی ادیان» و به ریاست آقای محمد علی شعاعی برگزار شد، چهار تن از صاحب نظران مسلمان و ارمنی این رشته، اسقف سبوه سرکیسیان خلیفه ارامنه تهران، حجت الاسلام سیدمحمد علی ابطحی رئیس دفتر رئیس جمهور، سرکار خانم دکتر آرمینوش آراکلیان عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم به ایراد سخن پرداختند.

در این نشست، اسقف سبوه سرکیسیان گفت: «امروز در شرق و غرب، مرزبندی‌های دینی از بین رفته و خانواده بزرگ بشری به ضرورت گفتگو در جهان معاصر بیش از پیش پی برده است».

وی گفتگوی «انسان با خدا» و «انسان با انسان» را نیاز درونی بشر توصیف کرد و ضرورت توجه به گفتگوی تمدن‌ها با رویکرد ملی- فرهنگی را در کنار گفتگوی ادیان خاطر نشان ساخت.

آقای ابطحی به ضرورت پاسخگویی ادیان به نیازهای روز بشر اشاره و تاکید کرد: «ادیان برای ارتباط مناسب و هدایت، بشر نیازمند نوآوری دینی متناسب با تغییرات جوامع بشری هستند».

است:

۱/۹ میلیارد مسیحی در سال گذشته در جهان وجود داشته‌اند که به عنوان بزرگترین گروه مذهبی معرفی شده‌اند.

پس از آن، مسلمانان با ۱/۲ میلیارد پیرو، به عنوان دومین گروه معتقدان مذهبی عنوان شده‌اند.

این آمار در امریکا، عبارت است از ۱۹۲ میلیون مسیحی، ۵/۶ میلیون یهودی، ۴/۱ میلیون مسلمان، ۲/۴ میلیون بودایی و نیز یک میلیون پیروان مذاهب هندویی.

religion and ethics jan. 29, 2001

۶۰۰ تن از

شخصیت‌های سرشناس یهودی جهان به سیاست‌های سرکوبگرانه اسرائیل اعتراض کردند

سرمدمداران دولت اسرائیل با این ادعا که سخنگوی همه یهودیان جهان هستند برای اقدامات خویش به دنبال کسب مشروعیت هستند. ما خواهان آنیم که خشونت و سرکوب از سوی نظامیان صهیونیستی خاتمه یابد

بیش از ۶۰۰ نفر از شخصیت‌های سرشناس یهودی، در فراخوانی از دولت اسرائیل خواستند به خشونت پایان دهد. به گزارش شبکه جهانی اینترنت، در این فراخوان با اشاره به علل تشنج در منطقه، از دولت اسرائیل خواسته شده که از سرکوب و محاصره اقتصادی فلسطینی‌ها دست بکشد و شرایط لازم را برای تامین حقوق آنان فراهم آورد.

در میان امضا کنندگان فراخوان نام‌های آشنایی چون «نعام چامسکی»، زبان شناس و سیاست شناس و نامدار آمریکا، «نرمان فینکل شتاین»، پژوهشگر معروف علوم سیاسی، و بسیاری دیگر از چهره‌های سرشناس یهودی به چشم می‌خورد.

در این فراخوان آمده است: «ما یهودیان نگران در سراسر جهان همچنان با بیم و دغدغه شاهد سرکوب نظامی و محاصره اقتصادی فلسطینی‌ها از سوی دولت اسرائیل هستیم».

در این فراخوان تصریح شده، دولت اسرائیل با این ادعا که سخنگوی همه یهودیان

مسلمان در جامعه اسلامی دارد، اقلیت‌هایی که در پناه اسلام در آن کشور زندگی می‌کنند، نیز دارا هستند.

وی افزود: دیه شخص مسلمان ۱۰ هزار درهم است، در حالی که در برخی روایات دیه شخص غیر مسلمان ۴ هزار درهم ذکر گردیده است.

وی اضافه کرد: اگر یک مسلمان به حقوق یک اقلیتی که در چار چوب اسلام زندگی می‌کند، مالیات می‌پردازد و از مقررات آن کشور تخلف نمی‌کند، تجاوز کند؛ همان طور مجازات می‌شود که به حقوق یک مسلمان دیگر تجاوز کرده باشد.

موسوی تبریزی خاطر نشان ساخت بحث قصاص و دیه اقلیت‌ها در میان علمای شیعه محل اختلاف است، به طوری که در میان علمای شیعه مرحوم شیخ صدوق معتقد است هرگاه شخص مسلمانی در کشور اسلامی غیر مسلمانی را که از اهل کتاب می‌باشد عمدا بکشد، باید قصاص شود ولی مشهور فقها بر این باورند که اگر مسلمان برای دفعه اول مرتکب چنین اقدامی شود، قصاص نمی‌شود ولی مجازات دارد. اما اگر به کشتن غیر مسلمان عادت کند، حتما قصاص دارد.

وی تصریح کرد: نظر بنده این است که از خود قرآن و استنباطی که از آیات می‌شود، برمی‌آید که احکام در کشتن انسان بی گناه مساوی هستند و اولیای دم می‌توانند تقاضای قصاص یا عفو نمایند.

وی افزود: در مورد دیه نیز باید گفت قرآن بین اسلام و غیر اسلام فرق نگذاشته و از واژه «نفس» استفاده کرده است و نظام اسلامی می‌تواند برای رعایت مصالح اسلام، این قوانین را تصویب نماید و اشکال شرعی هم ندارد. بنابراین فقط در قصاص، اختلاف بین علما در دفعه اول و دوم و سوم است.

تخمین جدید در رابطه با شمار

معتقدان مذهبی

از سوی مرکز دایره المعارف جهانی مسیحیت (the world chirstian encyclopedia) که وابسته به انتشارات آکسفورد در امریکا می‌باشد، سرشماری جدیدی انجام گرفته که طی آن آمار تخمینی پیروان ادیان بزرگ اعلام شده که به شرح زیر

وی با بیان «تاکید اسلام مبنی بر توجه به مجردهای دینی و روایات مربوط به نوآوری دینی»، اهتمام مسیحیت در تشکیل شورای واتیکان را در جهت توجه به این اصل مهم دانست.

رییس دفتر رییس جمهور افزود: «اهتمام به نوآوری دینی، در شرایطی که انقلاب ارتباطات، حوزه تفکر و فرهنگ بشری را دچار تغییرات جدی کرده، از ضرورت بیشتر برخوردار است».

در ادامه سرکار خانم دکتر آرمینوش آراکلیان از صاحب‌نظران ارمنی اظهار داشت: دین، والاترین نوع پیوند انسان با خداست و موجب آرامش و اطمینان انسان پاسخگوی نیازهای وجودی اوست.

وی هدف از گفتگوی میان ادیان را به کمال رساندن بشریت خواند و تصریح کرد: «گفتگو، انسان‌ها را به یکدیگر و به حقیقت، نزدیکتر می‌کند».

حجت الاسلام، ادیب، یکی از متخصصان فلسفه دین و کلام جدید، در آغاز سخنانش، هدف از تشکیل این نوع نشست‌ها را شناخت متقابل، استفاده از تجارب ادیان مختلف در پاسخ به نیازهای بشری و یافتن راه‌های گسترش معنویت در زندگی انسان عنوان کرد. وی اظهار داشت: «جنگ و تعرض در اسلام علیه انسان متدین تجویز نشده، بلکه به عنوان راهکاری برای مقابله با طغیان، ظلم و ستم اندیشیده شده است».

وی در بخشی از سخنان خود با استناد به آیات قرآن، تاکید کرد: «پیام پیامبران، علیه بت شکنی بود و پیروان ادیان نباید آنان و تعالیشان را به بت تبدیل کنند».

این نشست با حضور جمعی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی حوزه و دانشگاه و نیز صاحب‌نظران و نمایندگان از شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران، انجمن زرتشتیان تهران، انجمن کلیه‌یان تهران و انجمن آشوریان تهران، تشکیل شد.

موسوی تبریزی:

اقلیت‌هایی که در پناه اسلام زندگی می‌کنند باید از حقوق دیگر شهروندان مسلمان برخوردار باشند

به گزارش ایسنا، سیدحسین موسوی تبریزی گفت: هر حقی را که یک شهروند



خانم اوپن هایمر در تدوین این فیلم با کمک ارگان های ذی ربط در امریکا از جمله موزه آثار هالاکاست در واشنگتن و تعدادی از بستگان خود، خاطرات پازده کودک دیگر به جای مانده از آن زمان را بازگو کرده است.

(Süddeutsche Zeitung / Dez. 2000)

شورای مرکزی یهودیان آلمان پنججاه ساله شد

مراسم پنجاهمین سالگرد تاسیس شورای مرکزی یهودیان آلمان با حضور جمع کثیری از یهودیان آلمانی و غیرآلمانی، روسای انجمن های کلیمیان ایالات و شهرهای مختلف آلمان و سران مملکتی از جمله گرهارد شرودر، صدر اعظم آلمان، در شهر برلن برگزار شد. شورای مرکزی یهودیان آلمان در سال ۱۹۵۰ میلادی تاسیس شد. در آن زمان حدود بیست هزار یهودی در آلمان سکونت داشتند. با وجود این تعداد قلیل و مشکلات به جای مانده از جنگ جهانی دوم، این شورا از ۱۹ جولای (۱۹۵۰) فعالیت خود را آغاز نمود. هم اکنون در کشور آلمان حدود یکصد هزار یهودی سکونت دارند.

انجمن کلیمیان در شهر «هانائو»

در اواخر سال میلادی گذشته مراسمی به مناسبت یکصدمین سال اتمام ساختمان کلیسای شهر هانائو-اشتاین هایم (آلمان) برگزار شد. در این جشن آقای موریتس نویمان، رئیس انجمن کلیمیان ایالت هسن نیز حضور داشت. وی طی سخنانی خبر از تاسیس انجمن کلیمیان در شهر هانائو (Hanau) داد. این شهر که در نزدیکی فرانکفورت قرار دارد فاقد انجمن مستقلی می باشد و تاکنون یهودیان این منطقه به انجمن شهرهای مجاور مراجعه می نمودند. اما با مهاجرت حدود ۲۰۰ یهودی از شوروی سابق به این منطقه و احتمال افزایش این رقم، کاملاً نیاز به تاسیس یک انجمن احساس

هنوز خاطره تلخ روزهای جنگ دوم جهانی زنده است

انتقال و جابجایی کودکان از جمله موضوعاتی است که در فاجعه هالاکاست زیاد مورد توجه قرار نگرفته است. در حالی که قبل از شروع جنگ جهانی دوم این مسئله از جمله مهم ترین و انسانی ترین فعالیت ها به شمار می رفت. انگلستان پس از فاجعه اسف بار «شب کریستال» (به آتش کشیدن کنیسه های یهودیان در آلمان) در نهم نوامبر ۱۹۳۸ به فشار یهودیان انگلیسی تصمیم گرفت کودکان یهودی کمتر از ۱۷ سال را از آلمان، اطریش و چکسلواکی به این کشور انتقال دهد. در این راستا ارگان های مختلفی مربوط به پناهندگان چه از جنبه مادی و چه از لحاظ تامین محل سکونت و نیز افرادی که سرپرستی بچه ها را به عهده بگیرند از این طرح حمایت کردند. در مدت کوتاهی با همکاری عده ای داه طلب در آلمان لیستی از اسامی نوجوانانی که در معرض خطر انتقال به بازداشتگاه بودند، کودکان یتیم و کودکانی که والدین آنها به بازداشتگاه منتقل شده بودند تنظیم شد. به هر حال بدین ترتیب طی حدود ۹ ماه یعنی از دسامبر ۱۹۳۸ تا سپتامبر ۱۹۳۹ بیش از ده هزار کودک یهودی از مرگ رهایی پیدا کردند.

از جمله افرادی که خود فرزند یکی از این کودکان رهایی یافته می باشد می توان خانم دبوراه اوپن-هایمر (Deborah Oppenheimer) را نام برد. وی به عنوان تهیه کننده فیلم در ایالت کالیفرنیا- امریکا اشتغال دارد. با چنین گذشته ای و با همکاری مارک جانانان هریس (Mark Jonathan Harris) که از برندگان جایزه اسکار می باشد فیلمی تحت عنوان «راه طولانی منزل» (The Long Way Home) در امریکا به روی صحنه رفت. خانم اوپن-هایمر می گوید: «این فیلم خاطرات آن زمان، دوستی ها و جداشدن هاست و وضعیت والدین و کودکان آن زمان را به تصویر کشیده است. خاطرات بچه ها در انگلستان یا عملاً تبعیدگاه آنها با خاطرات افرادی که به بازداشتگاه ها برده شدند یکسان نیست. در این فیلم، تنهایی و مشکلاتی که در غالب گفتار قابل درک نیست به کمک تصاویر به راحتی لمس می شود.

جهان است برای اقدامات خویش به دنبال کسب مشروعیت است، ما خواهان آنیم که خشونت و سرکوب از سوی دولت اسرائیل خاتمه یابد.

ما از دولت اسرائیل می خواهیم که حقوق فلسطینی ها را از طریق این اقدامات رعایت کند.

در پایان این فراخوان آمده است: تخلیه فوری، کامل و بی قید و شرط همه آن اراضی که سال ۱۹۴۷ به اشغال در آمده اند، به رسمیت شناختن حق فلسطینی ها در تعیین سرنوشت ملی خویش، اجازه بازگشت آوارگان فلسطینی و پرداخت غرامت به آنها و نیز برداشتن گام های لازم در راستای تحقق این حقوق، لغو همه قوانین تبعیض آمیز و برقراری موقعیتی که یهودیان و غیر یهودیان در برابر قانون مساوی باشند، با تقسیم منابع و تدارک یک برنامه کمک بین المللی برای احیای جامعه فلسطینی ها می تواند شرایط لازم را برای صلح عادلانه در منطقه فراهم کند. ■

رابطه میان مسلمانان و یهودیان در بروکلین آمریکا

به گزارش CNN، مسلمانان و یهودیان به دور از خصومت های رایج در منطقه بروکلین، در کمال آرامش با یکدیگر زندگی می کنند، اگر چه تعداد پلیس ها و نیروهای امنیتی که در کنار مساجد و کنیسه ها کشیک می دهند، همواره بیش از حد معمول است. این مراقبت ها همزمان با انجام مراسم مذهبی ویژه افزایش می یابد، چنان که با آغاز ماه رمضان، نیروهای امنیتی محافظ مساجد، افزایش چشمگیری داشته اند.

خلیل مصطفی، ۲۶ ساله، یک فلسطینی آمریکایی است که مغازه ای در بروکلین دارد و علی رغم آن که با یهودیان معاشرت داشته و آنها را دوست خود می داند، عکس یک پسر بچه فلسطینی ۱۲ ساله را که توسط نظامیان اسرائیل در غزه کشته شده، در مغازه خود نصب کرده است. هرچند یک خانم محجبه مسلمان در مصاحبه ای با اظهار تنفر از اسرائیل و صهیونیسم، آنها را مسئول قتل پدرش در سال ۱۹۴۸ دانسته است، وی صلح با یهود را متفاوت از صلح با اسرائیل می داند. (اخبار دین، موسسه گفتگوی ادیان)

فوری مراقبت از سیستم‌های اکولوژیکی زمین و همه صورت‌های حیات و حمایت از تلاش‌هایی که در جهت حفاظت و بازسازی محیط زیست در هماهنگی و همبستگی با تمامی فعالیت‌ها و طرح‌های توسعه صورت می‌گیرند؛

۸- توسعه بخشیدن و ارتقاء مبارزه برای کاشت دوباره جنگل‌ها به عنوان وسایل عینی و عملی بازسازی محیط زیست، فراخوانی دیگران برای ملحق شدن به ما در برنامه‌های منطقه‌ای درختکاری؛

۹- ملحق شدن به سازمان ملل متحد در فراخوانی تمام حکومت‌های ملی در تلاش برای خلع سلاح جهانی از سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های کشتار جمعی برای حفظ سلامت و امنیت حیات در این سیاره؛

۱۰- مبارزه کردن با آن گروه از فعالیت‌های اقتصادی و کاربردهای فن آوری که محیط و کیفیت حیات بشری را دچار تباهی می‌کنند؛

۱۱- عمل کردن و ارتقاء بخشیدن به ارزش‌های بعد درونی صلح، شامل مطالعه، عبادت، مراقبه، حس قدسی، تواضع، عشق، محبت، تحمل و روحیه خدمت کردن که در خلق جامعه‌ای دارای صلح و آرامش، دارای نقشی بنیادین هستند ■

(اخبار دین، موسسه گفتگوی ادیان)

اطلاعیه بازرسان انجمن کلیمیان تهران

جهت برقراری ارتباط بیشتر اقشار جامعه با هیأت مدیره انجمن کلیمیان تهران، بازرسان هیئت مدیره آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات شما در مورد جامعه می‌باشند. کلیه همکیشان عزیز می‌توانند پیشنهادات و انتقادات خود را روزهای یکشنبه بین ساعات ۵ الی ۷ بعدازظهر در محل انجمن کلیمیان با بازرسان، آقایان منوچهر عمرانی، کاوه دانیالی و فرزند طویبان در میان بگذارند.

اسامی برخی از تهیه کنندگان اخبار

صیون ماهگرفته - فریدون قهرمانی
بیزن آصف - رحمن دلرحیم
روبرت خالدار - ماریتا ماهگرفته - سیما مقتدر
مهرنوش آسپایان - سارا حسی
پژمان کوخایم - سعید خلیلی - فرزاد طویبان
روبرت شیرازیان

روزمره، موقعیت‌های مربوط به دوران دوری او از وطن و اقامت در کشور چین و در آثار موخر او تصاویر هشداردهنده‌ای از فاجعه هالاکاست دیده می‌شود.

این نمایشگاه که با حضور این هنرمند افتتاح شد از ۱۹ ژوئیه تا ۱۴ دسامبر سال میلادی گذشته برپا بود.

(در شماره های آتی شرح حال زندگی این هنرمند معاصر یهودی منتشر خواهد شد).

متن عهدنامه گردهمایی ادیان و

صلح در هزاره جدید

در پی برگزاری گردهمایی بزرگ رهبران دینی جهان در تابستان گذشته، عهد نامه‌ای در پایتخت هند توسط شرکت کنندگان این گردهمایی منتشر شد که متن کامل آن به شرح زیر است:

۱- همکاری با سازمان ملل متحد و تمامی مردان و زنان دارای نیت پسندیده در سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی در جستجوی صلح در همه ابعاد آن؛

۲- هدایت بشریت با کلام و عمل، در تعهدی جدید نسبت به ارزش‌های اخلاقی و معنوی، که دربردارنده حس عمیقی از احترام برای تمام حیات و برای شان درونی هر فرد و حق وی برای زندگی در جهانی عاری از خشونت می‌باشند؛

۳- اداره، کنترل و حل غیر خشونت آمیز درگیری‌های زائیده اختلافات دینی و نژادی، و محکوم کردن خشونت‌های مورد ارتکاب به نام دین، همراه با تلاش برای از بین بردن ریشه‌های خشونت؛

۴- درخواست از تمامی جوامع دینی و گروه‌های نژادی و ملی برای احترام به حق آزادی دینی، تلاش برای رسیدن به آشتی و شرکت داشتن در بخشش و تسکین متقابل؛

۵- بیدار کردن احساس مسئولیت مشترک در تمامی افراد، برای رفاه خانواده بشری به عنوان یک کل و به رسمیت شناختن این امر که تمام افراد بشر بدون در نظر گرفتن دین، نژاد، جنسیت و اصل نژادی، دارای حق آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و فرصت بدست آوردن معاشی تضمین شده و پایدار می‌باشند؛

۶- تشویق به توزیع عادلانه ثروت در درون و میان ملت‌ها، زدودن فقر و تلاش برای معکوس کردن تمایل کنونی به سوی بزرگ‌تر کردن شکاف میان فقیر و غنی؛

۷- آموزش دادن جوامع درباره ضرورت

می‌شود. خانم مارگرت هرتل، ریاست شهرداری کل شهر مذکور که در این جمع نیز حضور داشت ضمن تعیین وقت ملاقات جداگانه‌ای جهت هماهنگی موضوع با رییس انجمن کلیمیان ایالت هسن، برای هرگونه همکاری لازم، اعلام آمادگی نمود.

(Jüdische Allgemeine Zeitung / Dez. 2000)

نمایشگاهی از آثار هنرمند معاصر داوید لودویگ بلوخ در مونیخ



موزه آثار یهود در شهر مونیخ آلمان به مناسبت نودمین سالگرد تولد «داوید لودویگ بلوخ» David Ludwig Bloch نمایشگاهی از آثار این هنرمند یهودی را به همراه تصاویری جهت آشنایی با گذشته و وضعیت زندگی او در اواخر سال میلادی گذشته برگزار نمود. در این نمایشگاه از شخصیتی تجلیل به عمل آمد که در مسیر زندگی خود و به علت هم زمانی با حکومت نازی‌ها در آلمان، موطن خود را به قصد شانگ‌های چین و سپس به سوی ایالات متحده ترک نمود. اسناد و تصاویر زیادی در این نمایشگاه حاکی از سرنوشت غیرعادی و نسبتاً سخت این هنرمند یهودی است. در این نمایشگاه آثار هنری-حرفه‌ای، گرافیکی، نقاشی و کارهای پلاستیک وی به معرض دید عموم گذاشته شد.

«داوید لودویگ بلوخ» در سال ۱۹۱۰ میلادی در یکی از شهرهای نزدیک مونیخ در آلمان (غربی) دیده به جهان گشود. فعالیت هنری او که زمانی به عنوان کارآموز نقاشی روی چینی اشتغال داشته است، شامل کارهای گرافیکی-کاربردی، به تصویر کشاندن زندگی

جشن شکفتن بنفشه‌ها در اتفاق

سارا حی
دوشنبه ۱۷ بهمن ۷۹، کنیسی «اتفاق»
آن روز کنیسی خاطره آفرین دوران
تحصیلی ما «اتفاق»‌ها، باز هم خاطره آفرین
شده بود. صداهای شور و شادی در گوشمان
طنین انداخته بود. آری آن روز کنیسی شادتر از
همیشه بود. انگار نه انگار که آن جا همان
کنیسی است که صبح‌های شبات خلوتش از
ما و هر نمازگزار دیگری می‌پرسد: «پس شما
روزهای دیگر هفته کجایی؟ چرا دیگران به
اینجا نمی‌آیند؟» صدای نوجوانی می‌آمد،
صدایی لرزان اما آمیخته با یک دنیا شغف،
شادی و سرور، و آن صدای «سبا» بود. سبا
گرامی یکی از دانش آموزان موفق و ممتاز
کلاس اول راهنمایی دکلمه‌ای می‌خواند.
شادی کنیسی را هنگام لمس کردن موزا
زیر انگشتانم حس کرده بودم اما نمی‌دانستم
که آن روز، جشن بت میسوا (سن تکلیف)
دختران نو شکفته مدرسه است.
آن روز دختران دوازده ساله مدرسه، چه

زیبا و چه سفید پوش بودند.
کنیسی بوی شادی می‌داد. این را نه فقط ما
دانش آموزان بلکه مادران دلسوز مدرسه،
پشتیبانان همیشگی‌مان هم آن را حس
می‌کردند. خانم رحمانی (مدیر دلسوز و
مهربان مدرسه)، خانم کریم پور (معاون
زحمتکش مدرسه) و دبیران و... همچو ما و
حتی بیش از ما غرق در شادی بودند. و از به
بار نشستن نهال‌های کوچکی که آنها را در باغ
علم و عشق کاشته‌اند احساس غرور
می‌کردند.

دختران سپیدپوش و پر امید امروز، مادران
پر تلاش فردا، هم گام، یک صدا سرود
جمهوری اسلامی ایران، سرودهای مذهبی،
دعا و... می‌خواندند.

آقای نقره‌نیا، نوجوان‌ها را صدا می‌کرد تا
هدایایشان را از دستان پر مهر و عطفوت
دبیران، معلمان عبری و دیگر دلسوزان دریافت
کنند. در یک لحظه نمی‌شد باور کرد که این
نوجوانان بالغ و با وقار همان دختر بچه‌های
دیروز هستند که در حیاط مدرسه به دنبال هم
می‌دویدند، فریاد می‌زدند، بازی می‌کردند و...
انگار این جشن بسوغ، برآستی آنها را
شکوفانده بود.

روی میشان، خانم بنفشه، معلم دلسوز
ایستاده بود. به طرفش رفتم. گفتم: «دستان
درد نکنند. چه مراسم باشکوهی است. راستی،
این اولین باری بود که در مدرسه چنین
مراسمی را داشتیم، نه؟» لحظه‌ای سکوت کرد.
قطره اشکی در چشمش رقصید و گفت:
«خدا، آقای دکتر نیکروز را بیامرز. چقدر
برای ما و جامعه‌مان زحمت کشید. ۷-۶ سال
پیش با کمک او چنین مراسمی را در تالار
محبان برگزار کردیم که اتفاقاً پدر و مادرها از
آن استقبال کردند.»



مسعود آهویی
(ورزشکار نمونه)



روبرت شیرازیان
(سرپرست تیم)

تیم فوتبال گیسور روز یکشنبه ۱۶ بهمن
۷۹ در مقابل تیم تربیت بدنی منطقه ۳ قرار
گرفت که این بازی با نتیجه ۹ بر ۳ به سود
تیم فوتبال گیسور پایان پذیرفت.

همچنین در روز ۱۴ بهمن ۷۹ نیز در
سالن سپاه که به دعوت تیم فوتبال سپاه از
گیسور کلیه‌مان صورت گرفت بازی دوستانه‌ای
در سالن سپاه میدان سپاه (عشرت آباد)
صورت گرفت نیز تیم فوتبال کلیه‌مان با نتیجه
۶ بر ۲ توانست تیم فوتبال سپاه را شکست
دهد.

در روزهای ۲۳ و ۲۵ بهمن ۷۹ دو مسابقه
با تیم منتخب رازی برگزار گردید که هر دو
مسابقه با نتیجه مساوی به پایان رسید.

• گزارش تیم بسکتبال و انتخاب بازیکن سال تیم بسکتبال گیسور

تمرینات بسکتبال تیم گیسور کماکان در
سالن همام پیگیری می‌شود. این تمرینات
روزهای دوشنبه هر هفته با حضور علاقمندان
برگزار می‌شود. آقای قاسم کیانی نیز به عنوان
مربی جوانان و نوجوانان علاقمند به بسکتبال
را در تیم گیسور همراهی می‌کند.

روز دوشنبه، ۱۴ آذرماه، تیم بسکتبال
گیسور دیداری دوستانه با تیم شهید رجایی
(تیم اول منطقه ۶) داشت که بازی را با نتیجه
۵۸ بر ۴۳ واگذار کرد.

بازیکنان تیم گیسور در این بازی به این
شرح بودند: نوید شمیان (۱۹ امتیاز)، ادوین
ملکان، ژیلورت بن زکریا (۳ امتیاز)، داوید
حوریزاده (۱۵ امتیاز)، یوحنا دیان (۴ امتیاز)،
بهرام یاشارنل، پدram یاشارنل، ژاکوب ملایم،
فرزاد یهوداف، ایسزک یعقوبیان، روبرت
شیرازیان (مربی و سرپرست تیم- ۱۲ امتیاز)،
مازیار اخوان، روبن میراخور (۱۰ امتیاز)،
فرشاد افرامیان، پویا یاشارنل و الیاهو رفوا.

دیگر اعضای این تیم عبارتند از: مسعود
آهویی - مانی شب‌بویی - کیارش دقیقی‌نیک
- الیسا نجات‌حییم - امید ابراهیمی.

همچنین به ابتکار سرپرست تیم بسکتبال
برای اولین بار در ورزش کلیه‌مان، آقای
مسعود آهویی به عنوان ورزشکار سال تیم
بسکتبال کلیه‌مان شناخته شد. حضور مستمر و
به موقع در تمرینات و آمادگی جسمانی از
دلایل این انتخاب بوده است.

بازی‌های دوستانه تیم‌های ورزشی باشگاه گیسور

روز چهارشنبه ۲۴ اسفند ۷۹ مصاف با
عید سعید غدیرخیم به همت کمیته جوانان
انجمن کلیه‌مان تهران یکسری مسابقات
دوستانه در سالن شهید گلاب برگزار شد. در
این مسابقات تیم‌های ورزشی فوتبال- والیبال
و بسکتبال گیسور کلیه‌مان در مقابل تیم‌های
ورزشی فوتبال و بسکتبال آرات تهران و
والیبال جوانان آتش نشانی قرار گرفتند.

در اولین مسابقه تیم بسکتبال تیم گیسور در
مقابل تیم آرات قرار گرفت که با نتیجه ۵۳
بر ۱۹ بازی را به حریف واگذار کرد.

مسابقه دوم نیز بین والیبال گیسور و
جوانان آتش نشانی برگزار شد که با بازی
خوب تیم گیسور این مسابقه با نتیجه ۲ بر ۱ به
سود تیم گیسور کلیه‌مان پایان پذیرفت.

بازی سوم بین تیم فوتبال گیسور و جوانان
آرات برگزار گردید. این دو تیم نیز که چند
ماه پیش یک مسابقه دوستانه در باشگاه
آرات در مقابل هم قرار گرفته بودند که در
آن بازی تیم آرات موفق شده بود تیم گیسور
کلیه‌مان را شکست دهد. در این بازی تیم
گیسور که مسابقه را خوب شروع کرده بود تا
دقایق پایانی نیز ۷ بر ۳ از حریف پیش بود که
در دقایق آخر بازی تیم آرات موفق شد
مسابقه را به تساوی کشاند و مسابقه با نتیجه
مساوی ۷ بر ۷ به پایان رسید. لازم به ذکر
است این مسابقه با استقبال بی نظیر همکیشان
عزیز و با همکاری مسئولین سالن شهید
گلاب و نیز مساعدت رییس انجمن کلیه‌مان
تهران، مسئولین کمیته جوانان و سرپرستان
تیم‌های ورزشی شرکت کننده برگزار شد.

اعضای تیم فوتبال عبارتند از: هومن
جواهری - میشل آبهینه‌ساز - فرزاد
یهوداف - میشل دانیال‌مفرد - موریس
حکیمیان - امید شمیان - مهران دانیال‌مفرد -
ناتان ماهگرفته - دیوید ابراهیمی - دانی
شمیان - شیمون دانیالی - دیوید بن‌ایزدی -
مسعود دانیال‌مفرد - سفیر قاطان‌فر - آرش
اسنادی‌مقدم - دانیال نقره‌نیا - فرید
دانیال‌مفرد (مربی) - غره‌هاد
دانیال‌مفرد (سرپرست) - ایگال پورانی (مربی
بدنسازی).

اعضای تیم والیبال: رابرت قره باغی
(کاپیتان) - شهرام حوری‌زاده - هوشنگ
نقیس پور - شهریار حوری‌زاده - شیمون
دانیالی - بهزاد نصیرزاده - رامین اسحاقی -
سهیل نیسانی - شهرور حوری‌زاده - شاهرخ
حوری‌زاده - شهرام پورستاره - کامران
تسیری (مربی) - سعید خلیلی (سرپرست).

• مسابقات دوستانه تیم فوتبال گیسور در
سالن رازی



تصویر نمایش یابد.

پسح :

عید شناخت آیات پروردگار

آرش آبانی

וַיֹּאמֶר ד' אֶל מֹשֶׁה בֹּא אֶל פְּרַעֲהוּ כִּי אֲנִי הִכְבַּדְתִּי אֶת לִבּוֹ וְאֵת לֵב עַבְדִּיו
לְמַעַן שְׁתִּי אֶתְנִי אֵלֶּה בְּקֶרְבּוֹ

«خداوند به من (حضرت موسی) فرمود: نزد فرعون بیا، که من قلب او و کارگزارانش را سخت کرده‌ام تا این علایم و آیات را در میان آن (ملت) آشکار سازم» (تورات- سفر شмот - فصل ۱۰)

نقاشی را مشاهده کرده و مورد بررسی قرار داده‌باشد تا به ظرافت‌های این هنر آشنا گردد. پس از این مقدمه است که با دیدن یک تابلوی هنرمندانه و تخصصی، می‌تواند تبحر و هنر واقعی آن را درک نماید.

بنی‌اسرائیل نیز برای درک کامل معجزه خداوند در آزادی آنها از یوغ فرعون، لازم بود که قبلاً چندین مورد از معجزات خداوند را مشاهده کنند و به تدریج زوایا و صورت‌های مختلف آنها را مورد بررسی و دقت قرار دهند، تا بتوانند ارزش و هیبت آیت نهایی خداوندی را بفهمند. از این‌رو فرعون هر بار پس از وقوع ضربتی از سوی خالق بر پیکره مصر، قلب خود را سخت می‌کرد تا زمینه برای بروز نشانه‌ای دیگر فراهم گردد.

۲- هرچند که موضوع خروج از مصر به هر شکل و صورتی که انجام می‌شد، یک نتیجه واحد را برای قوم به‌دنبال داشت، اما طبیعت انسان به‌گونه‌ای است که مقدمه داشتن و طولانی‌شدن و سلسله‌مراتب یک پدیده، بر اهمیت آن در نظرش می‌افزاید.

در تلمود (میشنای آووت، فصل پنجم) آمده است:

בְּעֶשְׂרֵה מֵאֲמֹרוֹת נִבְרָא
הָעוֹלָם וְהָלָא בְּמֵאֲמָר
אֶחָד יָכוֹל לְהִבְרָאוֹת ...

«جهان با ده کلام آفریده شد (اشاره به ۱۰ فرمان خداوند در شش روز اولیه آفرینش جهان که در ابتدای تورات - سفر برشیت - آمده‌است)، منظور تلمود

نمایان گردد. در اینجا، هر چقدر هم که از ارزش نور سخن گفته شود، اثر آن بسیار کمتر از زمانی است که نور با تصویر نمایش یابد.

یک قهرمان ورزشی را تصور کنید که از قدرت و نیروی او بسیار تعریف می‌شود. اگر مسابقه‌ای یا صحنه جدال و آزمونی برای او ترتیب نیابد، چگونه می‌توان به صحت آن تعریف پی برد؟ و همین مثال در مورد یک صنعتگر، هنرمند نویسنده، معلم و ... صادق است که بدون میدان کار، استعدادشان به سختی قابل تصور است.

در وصف قدرت و حکمت الهی نیز سخن بسیار است. اما برای انسان مادی، باید این کلام‌ها به شکلی نشان داده‌شوند تا شنیده‌های او و ذهنیاتش به باور قلبی و اطمینان تبدیل شوند. بنابراین، معجزات الهی از یک نظر برای همین منظور صورت گرفته‌اند.

خداوند می‌توانست با یک معجزه یا یک اتفاق ساده، واقعه خروج را شکل دهد، اما دیگر بنی‌اسرائیل و جهانیان به این نشانه‌های قدرت او واقف نمی‌شدند. لذا او قلب فرعون و همراهانش را - پس از تمرد و لجابت آنها با امر خداوند برای آزادی قوم عبرانی - سخت کرد تا مجالی برای نشان‌دادن معجزاتش فراهم شود.

از سوی دیگر، لازمه درک کامل معجزه خداوند، مهیا شدن پیش‌زمینه‌ها و مثال‌های متعدد از آن بود.

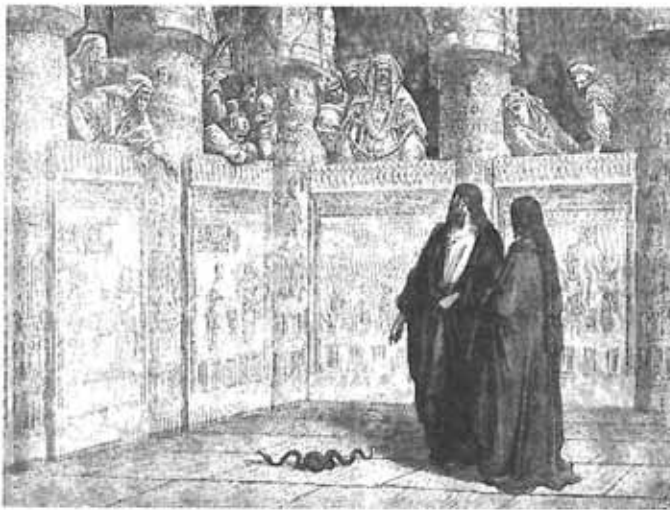
برای درک هنر یک هنرمند (مثلاً نقاش)، بیننده می‌باید قبلاً چندین تابلوی

موضوع این فصل از تورات به آزادسازی و خروج بنی‌اسرائیل از مصر اختصاص دارد. خداوند پس از وارد آوردن ۹ ضربت معجزه‌آسا بر فرعون و مصریان، سرانجام با دهمین ضربت بنی‌اسرائیل را از چنگ فرعون آزاد نمود. در آیه فوق، خداوند پس از وارد آوردن ضرباتی چند بر مصریان و امتناع فرعون از آزاد کردن یهودیان، موسی را به کاخ فرعون برای مذاکره چندباره برای رهایی قوم، فرمان می‌دهد.

در اینجا سؤالی مطرح است که اگر مقرر شده‌بود فرعون در ضربت دهم تسلیم شود و عبرانیان پس از آن از مصر خارج شوند، چه نیازی به ۹ ضربت اولیه بود؟ و نیز چرا هنگامی که خداوند موسی را به کاخ فرعون می‌خواند، از طرف مقابل قلب فرعون و ملازمانش را در برابر موسی سخت می‌کند و آنها را به مقاومت ترغیب می‌نماید؟

۱- یک هدف و دلیل آفرینش جهان مادی، نشان دادن قدرت و حکمت خداوندی به انسان است. حال اگر صحنه و مجالی برای این تجلی قدرت نباشد، چگونه می‌توان به آثار خالق پی برد؟

یک تابلوی نقاشی را در نظر بگیرید که قرار است زیبایی نور خورشید در آن نمایانده گردد. اگر تمام صفحه سفید باشد، چگونه می‌توان نور را در آن نشان داد؟ راه چاره آن است که جنگلی، شاخ و برگ، ابری سیاه یا کوهی بزرگ در برابر یا اطراف خورشید قرار گیرد تا از میان آنها، آن نور بتابد و ارزش نور



واقعی جهان آفرینش.

مؤمنین با درک پسخ و دیگر وقایع تاریخ مذهبی، جهان مطلوب خود را نه جهانی بی دردسر و مرفه، بلکه دنیایی مملو از الطاف الهی می دانند که در هر قدم آن، صحنه‌ای آراسته شده تا آنان را آگاه‌تر و به مقصود، نزدیک‌تر نماید، و باشد که ما نیز در سال جدید، توفیق درک این صحنه‌های الهی را بیابیم ■

پی نوشت:

۱- فردی که تمایل به گناه و شرارت مداوم دارد، یکی از مجازات‌های او آن است که فرصت‌های توبه او را برای او کم می‌کنند (هر چند که امکان توبه همچنان وجود دارد) و چه بسا که این فرد، به عنوان چوب تنبیهی برای اعمال مصیبت‌ها قرار گیرد. این توضیح کوتاه نشانگر اختیار کامل انسان، در عین اعمال جبر الهی است (برگرفته از عقاید هارام‌بام).

- خدا ترسی (تقوی) آغاز علم است. (امثال سلیمان ۱-۷)
- دل آرام حیات بدن است اما حسد پوسیدگی استخوانهاست. (امثال ۳۰-۱۴)
- عدالت و انصاف بجا آوردن نزد خدا، او را از قربانیها پسندیده‌تر است. (امثال ۲-۱۲)
- جوان فقیر و حکیم از پادشاه پیر و خرف که پذیرفتن نصیحت را نمی‌داند بهتر است. (کتاب جامعه سلیمان ۱۳-۴)
- نیک نامی از روغن معطر بهتر است و روز وفات از روز ولادت. (جامعه ۱-۷)

تنظیم: رحمن دلرحیم

موسی و فرعون، نشانه و سند بارز این رفتار الهی است.

خدا، موسی را به مبارزه با فرعون فرا می‌خواند، اما فرعون می‌گوید که باید در نقش مانع و نیروی مقاوم در مقطعی از تاریخ بنی اسرائیل عمل کند، لذا قلب او ... را سخت کردم و موسی باید با این سختی بجنگد.

خروج بنی اسرائیل از مصر با ضربت‌های معجزه آسا توأم شد تا در پهنه تاریخ جهان به عنوان واقعه‌ای عظیم به یادگار بماند و لازمه حدوث این معجزات، سختگیری فرعون و مقاومت او در برابر خواست خداوند بود.

هر چند که بحث درباره مسئولیت فرعون در این حال که نقش مورد نظر خدا، او را بازی می‌کند و این که همچنان گناهکار و مستوجب مجازات است در این مقال نمی‌گنجد، تنها به جمله‌ای از علمای یهود بسنده می‌شود که می‌گوید:

**מגלגלין
זכות על ידי זכאי
ומוכה על ידי חייב**

«نقش‌ها و مسئولیت‌های نیک را به دست کسی می‌دهند که صادق و شایسته باشد و عاملیت و وقوع شرارت‌ها و جنایت‌ها را نیز به کسی که بد سابقه و محکوم باشد می‌سپارند» (۱).

۴- خلاصه کلام آن که پسخ، بیش از یک جشن و سالگرد مذهبی، یادگار و نشانه‌ای است از آیات الهی و نیز چهره

از این عبارت چیست؟ مگر خدا، او را نمی‌توانست جهان را با یک کلام خلق کند؟ بلکه مقصود آن، عقوبت سنگین ظالمان است که جهانی را که در ۱۰ مرحله آفریده شده به نابودی سوق می‌دهند، و نیز اجر صادقان، که جهانی با این عظمت را با اعمال خود آراسته می‌نمایند.

این گفته تلمود نشان می‌دهد که ذکر تعدد مراحل آفرینش جهان، آن را در نظر انسان با ارزش می‌سازد، که روشن است از یکسو قدرت خداوند ممکن است جهان را با یک اشاره خلق و نابود سازد و از سوی دیگر از نظر علمی نیز مراحل بی‌شماری را می‌توان برای شکل‌گیری جهان تصور کرد. پس در ابتدای تورات، برای آفرینش جهان مراحلی هر چند محدود ذکر می‌شود تا انسان برای آن ارزش ویژه‌ای قائل گردد.

خروج بنی اسرائیل از مصر نیز با ضربت‌های معجزه آسا توأم شد تا در پهنه تاریخ جهان به عنوان واقعه‌ای عظیم به یادگار بماند و لازمه حدوث این معجزات، سختگیری فرعون و مقاومت او در برابر خواست خدا، او را بود.

۳- دلیل مهم دیگر در این بررسی، شکل زندگی انسان در این جهان است؛ هدف زندگی او، جهد و تلاش برای غلبه بر مشکلات و موانع دوران عمر اوست. جهان بدون مانع و مشکل، خیالی بیش نیست و طبیعت انسانی برای حرکت و مبارزه و کوشش طراحی شده است. اساس سیر تکاملی بشر، پیمودن مسیرهای دشوار و عبرت گرفتن از هر قدم آن است. همچون ورزشکاری که برای کسب آمادگی جسمانی، وزنه‌ها یا مانع‌هایی را برای خود انتخاب می‌کند و با دست و پنجه نرم کردن با آنها، به هدف خود نزدیک می‌شود. این ورزشکار بدون داشتن مانع، وزنه سنگین، رقیب و حریف میدان یا حتی مسیری دشوار برای دویدن، رشد نخواهد کرد.

در زندگی انسان، این وزنه‌ها و مانع‌ها از سوی خدا، او را طراحی و در نقاط مشخص مسیر عمر قرار داده می‌شوند. آیه مورد بحث درباره

برداشتی از

مراسم سیدور

(سفره دو شب عید پسخ)

رحمن دلرحیم



כל דכפין ייתי וייכל
כל דצריך ייתי ויפסח

هر که گرسنه است، بیاید و
بخورد، هر کس محتاج است بیاید
و پسخ را با ما جشن بگیرد

همه ساله با فرا رسیدن پانزدهم ماه
عبری نisan در فصل بهار، یهودیان سراسر
جهان با برگزاری یکی از مهمترین اعیاد
مذهبی خود یعنی «پسخ»، خروج از مصر
و آزادی اجداد خود را یادآوری می‌کنند.
آغاز این عید هشت روزه دینی، در دو
شب اول با چیدن سفره مخصوص و
اجرای مراسم، طبق ترتیب ذکر شده و
کتاب «هگدا» (شامل شرح مراسم این شب
و وقایع خروج از مصر) برگزار می‌شود.
این مراسم شامل چندین مرحله است که
مفسرین دلایل متعددی برای هر یک ذکر
کرده‌اند. در اینجا مختصری از مفاهیم و
نشانه‌های هر مرحله عنوان می‌شود.

۱- קדש «قدس» (تقدیس):

همانند شب‌های شنبه و سایر اعیاد،
شروع مراسم سفره با تقدیس (قیدوش)
یعنی قرائت دعای مخصوص «...» (شراب
مقدس) است. در این شب در چهار مرحله
پایین نوشیده می‌شود که نشانگر شادی و
سرور به خاطر فرمان خدا است و پایه آن
را می‌توان طبق این آیه بیان کرد:
קְדוּשֵׁים תִּהְיוּ «مقدس باشید».
برخی با استفاده از علم حروف، آن را
به שקד به معنای جد و جهد برای
شروع سالی نو با رعایت فرمان‌های الهی
تعبیر کرده‌اند.

۲- ורחץ «اورخص» (طهارت)

دست‌ها):

این مرحله بر اساس آیه‌ای از کتاب
یشعیاوی نبی (فصل یک، آیه ۱۶) تعبیر
می‌شود:

רחצו הזכו הסיירו רע ללליכם

«خود را بشوید و طاهر سازید و بدی
را از اعمالتان دور کنید».

همانند شروع مراسم با طهارت
دست‌ها، سال نو نیز با طهارت قلب‌ها
شروع خواهد شد.

سعی می‌شود با دقت در این شب انجام
شود.

۶- רחצה «رحصا» (شستن دست‌ها قبل از صرف غذا)

این بخش، دومین طهارت دست‌ها را
در بر دارد که طبق روال معمول، قبل از
صرف غذا با نان (که در این شب نان فطیر
است)، دست‌ها با ترتیب خاصی با آب،
طاهر می‌شوند.

۷- מוציא מצה «موصی مصا» (دعا بر نان):

این بخش نیز، جزء احکام معمول
یهود است که قبل از خوردن نان بر آن دعا
(براختا) می‌خوانند. عبارت «موصی مصا» به
معنای «خارج کردن و آشکار کردن نان
فطیر» است.

۸- מרור «مازور» (سبزی تلخ):

خوردن سبزی تلخ، نشانه چشیدن و
احساس تلخی‌هایی است که بنی اسرائیل
در دوران بندگی مصر متحمل شدند. در
ضمن، در چنین شبی که سراسر وجد و
سرور به خاطر آزادی است، رنج و محنت
مستمندان و مسکینان نیز یادآوری می‌شود.

۹- כורב «کورخ» (پیچیدن لقمه):

در این قسمت، لقمه‌ای حاوی مصا
(نان فطیر)، سبزی تلخ و «حروست» یا
«حلق» پیچیده و خورده می‌شود. حروست،
نوعی خوراکی معمول این عید شبیه به گل
است و نشانه کار گل مالی و خشت زنی
عبرانیان است.

این مرحله، سستی است به جای ماندن
از دوران بیت المقدس و فرمان یکی از
علمای یهود به نام «هیلل» که آن را به
نشانه فرمان خداوند درباره این شب تحت
عنوان

לל מצות ומוררים יאכלוהו

آن را با مصا (نان فطیر) و سبزی تلخ
بخورید، اجرا می‌کرد.

همان گونه که ذکر شد، مصا (نان
فطیر) سمبل غریزه نیک و سبزی تلخ در
اینجا نشانه‌ای از نفس اماره است و دستور
پیچیدن آن در یک لقمه، اشاره‌ای است به
تفسیری از فرمان خداوند در تورات
«בכל לבבך او (خدا) را با تمام
قلب‌هایت دوست بدار و عبادت کن»، به
معنای آن که با هر دو غریزه نیک و بُد
می‌توان به عبادت خدا پرداخت.

۱۰- שלחן עורך «شولحان

خورخ» (صرف غذا):

در ابتدای هگدا (بخش پنجم)
می‌خوانند:

۳- כרפס «کرپس» (خوردن کرفس)

سبزی، سمبل تجدید حیات نباتات در
آغاز فصل بهار است، که اشاره‌ای است به
شروع حیات نوین بنی اسرائیل پس از
آزادی (که آن هم در فصل بهار بود).

برخی با بخش کردن این کلمه، כר
به معنای قوچ (که قربانی حضرت ابراهیم
بود) و نشانه عبادت دانسته و כר
به معنای انتهای دست را نیز نشانه
گشاده‌دستی در دادن صدقه می‌دانند.

برخی دیگر، با جمع حروف ابجد
کلمه، آن را معادل (ס"פ) ۶۰۰ هزار
مرد عبرانی در حال پیگیری برای فرعون
می‌دانند.

۴- יחץ «یخص» (نصف کردن مصا- نان فطیر):

بر سفره این شب، سه قرص نان فطیر
(مصا) به یادبود سه جد بزرگوار
بنی اسرائیل یعنی ابراهیم، اسحق و
یعقوب قرار دارد. در این مرحله، قرص
وسطی را به دو نیم کرده یک قسمت را در
جای خود قرار می‌دهند و نیمه دوم را
تحت عنوان «أفیقیم»، ظاهراً «پنهان» و
دور از چشم (معمولاً داخل کیسه‌ای
پارچه‌ای) می‌گذارند.

دلیل معمول این کار، برانگیختن سؤال
برای کودکان حاضر بر سفره و اشتیاق آنها
برای دنبال کردن مراسم است. یکی از
مفسرین، آن را نشانه دو نیم کردن نان، یک
نیم (که کوچکتر است) برای استفاده
شخصی و نیم دیگر (که بزرگتر است)
برای کمک به نیازمندان می‌داند.

۵- מגיד «مگید» (تعریف وقایع

خروج از مصر):

این بخش، مفصل و در عین حال
هدف اصلی مراسم است. تعریف مشروح
معجزات خداوند در این واقعه عظیم،
یکی از صواب‌های بزرگ کلیمیان است که

כל דכפין ייתי וייכל כל דצריך ייתי ויפסח

«هر که گرسنه است، بیاید و بخورد، هر کس محتاج است بیاید و پسح را با ما جشن بگیرد».

در سفره گسترده این شب شادی به فرمان خداوند، از همه برای شرکت در این سرور مقدس دعوت می‌شود. رسم است که در این بخش، تخم مرغ پخته نیز خورده می‌شود و آن، نشانه حالات مومنین است که علیرغم تحمل مشکلات و مصایب زندگی، به خاطر ایمان به حکمت خالق، مقاوم‌تر و استوارتر می‌شوند.

۱۱- צפון ברך «صافون بارخ» (خوردن مصای پنهان شده و گفتن دعای پس از غذا):

در این بخش و قبل از گفتن دعای پایان غذا، آن نیمه مصا که پنهان شده بود به نام «افیقومن» خورده می‌شود. افیقومن از یک نظر نشانه پاداش پنهان الهی است، در ازای صواب‌های انسان، همان گونه که ذکر شده

מה רב טובך אשר צפנת ליראיך
«خدا، ایها، چقدر نعماتی که برای پارسایان خود پنهان نموده‌ای، کثیرند. این همان نیمه بزرگی بود که شخص برای کمک به مسکینان از نان خود جدا کرد و

اکنون حاصل آن را می‌چشد، یکی دیگر از مفسرین معتقد است که سیرون آوردن افیقومن، نشانه آن است که هیچ چیز تا ابد پنهان و پوشیده نخواهد ماند، و چه نیکوست آنچه سرانجام آشکار می‌شود، مانند افیقومن، اعمال حسنه انسان باشد.

۱۲- הלל נרצה «هلل نیرصا» (مدح و ثنا- رضایت الهی)

این بخش از فصل‌های برگزیده مزامیر حضرت داود تشکیل شده است که به نشانه قدرشناسی از آیات و معجزات الهی در حق بندگانش قرائت می‌شود، تا در نظر او مقبول افتد و رضایتش حاصل گردد ■

پسح

و مفهوم آزادی و بندگی خداوند



می‌داند هرگز نباید در مقابل مشیت خداوند اراده‌اش مقاومت کند و دهان به ناسپاسی بگشاید. چون او مالک و خالق ماست و هر چه او اراده کند، خواهد شد و ما نیز چون بنده او هستیم باید تسلیم ذات و خواسته او باشیم. با این اعتقاد که هر چه از جانب خداوند برای بندگانش صادر می‌شود به جز خیر و خوسی چیز دیگری نیست.

همچنین غلام و بنده هرگز از صاحب کار خود بیش از حق خویش طلبکار نیست و هر چه او داده با نهایت رضایت می‌پذیرد و بیش از آن طلب نمی‌کند. همین طور انسانی که خود را بنده خدا می‌داند از خالق خویش طلبکار نیست. در صورتی که می‌دانیم در نمازها و تقیلاها قسمت‌هایی وجود دارد که انسان خواسته‌ها، نیازها و حاجت‌های شخصی خویش را به درگاه خدا می‌گوید و از او می‌خواهد که آرزوهایش را برآورده سازد. چون انسان به خاطر ضعیف بودن، قادر به تأمین نیازها و خواسته‌های خود نیست لذا دست به دامان خدا می‌شود و این حق را دارد که در حد مشروع، در تقیلا، نیازش را به خدا بگوید و از او برای اجابت نیازش کمک بطلبد و این با طلبکار بودن از خدا فرق دارد. خدا نیز بر همه مخلوقات خود منت نهاده و آرزوهای مشروع و مجاز آنها را اگر به خیر و صلاح آنها باشد برآورده خواهد کرد ■

۹ فرمان دیگر را انجام دهد. به این معنا که تا وقتی انسان اسیر و برده انسان دیگر و تابع دیگری است نمی‌تواند اوامر و فرامین الهی را به نحو احسن انجام دهد. یعنی به طور کامل باید از تمام قید و بندها آزاد باشد.

قید و بندهای فیزیکی، مثل این که انسان برده و اسیر موجودی همانند خودش است و بنده انسان دیگری است و دوم هواهای نفسانی و شهوات جسمانی که چنین انسانی هرگز آزاد نخواهد بود و همواره تسلیم خواهش‌ها و تمایلات نفسانی خود می‌باشد و برای ارضای هوای نفس خویش از هیچ کاری دریغ نمی‌کند و او همیشه غلام و برده است. پس شرط اول برای اجرای صحیح فرامین خداوند، همانا آزادی از قید و بندهای فیزیکی و رهایی از بردگی انسانی است و شرط دوم، آزادی از هوی و هوس و شهوات جسمانی و خویشتن داری است.

از سوی دیگر خداوند می‌فرماید:
«וְלַעֲבָדוֹ כָּכָל לְבַבְכֶּם וּכְכָל יַדְפִּשְׁכֶּם» «او را با تمام قلبتان و با تمام جانتان عبادت کنید». (دواریم- فصل ۱۰)
او در ابتدا بندگی انسانی را منع فرموده اما در این آیه، همان ریشه «لا بد» - بنده - را برای عبادت خالق به کار می‌برد.
می‌دانیم غلام هرگز در برابر ارباب خود ایستادگی نمی‌کند و هر چه بر او حکم کند به ناچار باید بپذیرد. همین‌گونه یک انسان مومن که خود را بنده خدا

ژاکلین اوهب
«پرستش»، «کار کردن» و «بندگی» در زبان عبری هر سه با یک لفظ «לַעֲבֹד» یا معادل عربی آن «عبادت» به کار می‌رود. کلمه «لַעֲבֹד» نیز به معنای «کار» است و در عین حال به خدمت‌های مذهبی و عبادی کاهنان و لاویان در معبد بیت المقدس نیز اطلاق می‌شود. امروزه در ادبیات مذهبی یهود، این کلمه در معنای دعا و بخش مرکزی نماز (شמוئیه عسره) استفاده می‌شود.

در تورات در ده فرمان آمده است:
אֱנוּכִי ה' אֱלֹהֶיךָ אֲשֶׁר
הוֹצֵאתִיךָ מֵאֶרֶץ מִצְרַיִם
מִבֵּית עֲבָדִים،

من هستم خدای خالقت که تو را از سرزمین مصر از خانه «غلامی و بندگی» خارج نمودم. (شموت- فصل ۲۰)

چرا در تورات کلمه «مبیت لعبدیم»، یعنی از «خانه غلامی» آورده شده است؟ خداوند به جای این کلمه ممکن بود بفرماید «من هستم خدای خالقت که آسمان و زمین را بوجود آورده‌ام، یا این جمله که «من هستم خدایی که به تو تورات و شریعت دادم». ولی چنین کلمه‌ای گفته نشده و تورا عمداً این جمله یعنی از «خانه غلامی و بندگی» را می‌گوید. علت چیست؟

برای اجرای کامل و صحیح ده فرمان مقدس، ابتدا انسان باید آزاد باشد تا بتواند



רבי משה בן מימון

موسای دوم قوم یهود:

هارامبام (موسی بن میمون)

مفصل تلمود نیست، زیرا حکم و قانون قطعی در آن مشخص شده است. نیز این تفسیر برای کسی که علاقه مند به تحصیل تخصصی تلمود باشد، سودمند خواهد بود. وی این کتاب را به گونه‌ای نگاشته که هر فرد یهودی بتواند آن را درک کند و از قوانین و رسوم دین خود که در میشتا آمده است، آگاه شود. هارامبام در تفسیر میشتا، اصول سیزده‌گانه دین یهود را شرح می‌دهد که یهودیان، آن را هر روز پس از تغیلای شحریت (نماز صبح) می‌خوانند. زبان کتاب عربی بود که بعدها به زبان عبری نیز ترجمه شد. او در مقدمه کتاب، چنین آورده است: «هدف دین، آن است که هم نفس را با دانشها و خصلت‌های شایسته تهذیب کند و هم جسم را بر اساس نیازهایش به طور صحیح پرورش دهد. این باعث ایجاد جامعه‌ای مطلوب می‌شود که انسان‌هایی عالی‌مرتبه را در خود بپروراند، انسان‌هایی که هم دارای خصایل عقلانی و هم کمالات اخلاقی هستند. نفس (روح) چنین افرادی پس از مرگ، مانند فرشتگان در ابدیت خواهد زیست».

«جالینوس فقط جسم را شفا می‌دهد، اما ابن‌میمون جسم و روح را با هم درمان می‌کند»

هارامبام از راه مشارکت با برادرش (ریسی داوید) که بازرگان بود امرار معاش می‌کرد. بنابراین فرصت کافی داشت که وقت خود را صرف نگارش کتاب و رهبری مذهبی یهودیان بنماید؛ اما برادرش در یک سفر بازرگانی در دریا غرق شد و تمام دارایی‌اش از بین رفت. هارامبام چنان از این واقعه متأثر شد که حدود یک سال از ناراحتی و حیرت مرگ برادر به بستر بیماری افتاد. پس از آن، درآمد خانواده خود و برادرش را از راه پزشکی بر عهده گرفت. او معتقد بود که یک پیشوای مذهبی نباید از پیروان خود برای گذران زندگی پول بگیرد. طولی نکشید که وی پزشک رسمی دربار «سلطان صلاح‌الدین ابوبی» پادشاه مصر و جانشینش «ملک الافضل» شد. هارامبام در علم طب جهان آن روز، شهرت بسیار پیدا کرد. سعید ابن سینا-

«ربی مئیه بن مایمون» (۱) که به هارامبام و در نزد مسلمانان به «ابن میمون» معروف است، یکی از بزرگترین علما و دانشمندان مذهبی تاریخ یهود است که به سال ۴۸۹۵ عبری (۱۱۳۵ میلادی) در شهر گزوا (قرطبه) واقع در کشور اسپانیا متولد شد. پدر او در این شهر، حاکم شرع یهودیان بود و شجره‌اش را تا ربی یهودا هتناسی و حضرت داوود شمرده‌اند. مشه در جوانی، تورا و تلمود را نزد پدرش آموخته؛ فلسفه، نجوم، ریاضیات و طب را در محضر دانشمندان زمان خود فرا گرفت. هارامبام معتقد بود که با ریشه‌یابی اعتقادات مشرکان و بت‌پرست‌ها، بهتر می‌توان فلسفه بسیاری از دستورهای ضد شرک تورا را درک کرد. خود او در این باره می‌نویسد: «شروع آموزش غیر مکتبی من، یادگیری علمی به نام احکام ستارگان بود و درباره انواع شرک و بت‌پرستی فکر نمی‌کنم کتابی به زبان عربی ترجمه شده باشد که آن را به طور عمیق و با دقت مطالعه نکرده باشم».

هنگامی که ۱۳ ساله بود به علت فشار حکام وقت اسپانیا به یهودیان، همراه خانواده خود قرطبه را ترک کرد و حدود ۱۲ سال آواره و سرگردان بود. مدتی نیز در شهر «فاس» در کشور مغرب (مراکش) زندگی کرد و سپس به اسکندریه مصر رفت و سرانجام در شهر فوستات (قااهرة امروزی) سکونت گزید و تا آخر عمر در همان محل ماند.

هارامبام ۲۳ ساله بود که در اوج سرگردانی و نابسامانی، تالیف تفسیری بزرگ را بر میشتا به نام «کتاب روشنائی» (۲) - که به عربی «الکراج» خوانده می‌شود، آغاز نمود و در ۳۳ سالگی آن را کامل کرد، در مصر منتشر ساخت. گاه به علت اوضاع سخت زندگی که امکان دسترسی به متن اصلی میشتا غیر ممکن می‌بود، با استفاده از حافظه کم نظیرش، نگارش کتاب را پی می‌گرفت. وی همچنین بر بخشهایی از تلمود که احکام آن حتی در زمان ویرانی معبد مقدس مورد نیاز یهودیان است، تفاسیری نوشت. او درباره هدفش از تالیف «کتاب روشنائی» می‌نویسد: «برای دانستن هلاخا (حکم شرعی) با داشتن این کتاب، دیگر نیازی به مراجعه به تفسیر

شاعر عرب - در شعر خود، مقام او را بالاتر از مقام پدر علم پزشکی؛ یعنی، جالینوس قرار داده و می‌گوید: «جالینوس فقط جسم را شفا می‌دهد، اما ابن‌میمون جسم و روح را با هم درمان می‌کند».

هارامبام بیش از هجده جلد کتاب در علم پزشکی نوشت که هفت کتاب او تاکنون به چاپ رسیده و کتب دیگر در کتابخانه‌های بزرگ جهان به گونه دستنویس موجود هستند. همچنین در متون مذهبی خود که در آنها احکام دین را برای یهودیان شرح می‌دهد، بخشی را به توصیه‌های پزشکی اختصاص داده است. در قسمتی از سوگندنامه پزشکی خود می‌گوید:

«خداایا! جسم و جانم را آنچنان قدرت بده تا همیشه برای نجات انسان‌های غنی و فقیر، خوب و بد، دوست و دشمن آماده باشم و تنها انسان بودن بیمار مدنظرم باشد. در دلم انداز تا به گفته‌های حکیمان همکارم که می‌خواهند به من بینش و آگاهی دهند گوش فرا دهم زیرا حوزه علم، بزرگ و وسیع است».

میشنه تورا

هارامبام در مصر به سمت «ناگید» (۳) دست یافت. در آن زمان، یهودیان زیادی در مصر زندگی می‌کردند و پیشوای مذهبی آنها به زبان عبری «ناگید» و به معنای رئیس و سرور خوانده می‌شد. او با این وضعیت، مشغولیات بسیار سنگین و زیادی داشت، مانند درمان انبوه بیماران، رهبری جماعت یهودیان مصر و پاسخ به پرسش‌های مذهبی بسیاری از یهودیان که از دیگر نقاط دنیا به دست او می‌رسید؛ اما با وجود این مسائل، او از مطالعه، تحقیق و نگارش کتاب دست کشید.

هارامبام در چهل و پنج سالگی، تدوین کتاب بزرگ و مهم «هتاد هتخزاقا» (۴) را که

فلسفی خود یعنی، کتاب «موره نووخیم» که به معنای «راهنمای گمگشتگان» است، همت گماشت (۹). او بارها تصمیم به نگارش این کتاب گرفت، اما هر بار نگران آن بود که مبادا مباحث توحیدی را بیش از حد مجاز آن افشا کند و آن را عقب می انداخت. سرانجام پس از جدایی از ابن عقیلین مصمم شد که آن را برای شاگرد خود که برای تعلیمش وقت بسیاری صرف کرده بود، به طور اختصاصی بنویسد. این کتاب ابتدا به زبان عبری نوشته شد و سپس به عبری ترجمه گشت. او در آن، مطالب تورا را طبق اصول فلسفه توضیح داده و نشان داد که نه تنها بین تورا و فلسفه تضادی وجود ندارد، بلکه کسی که فلسفه بداند، مطالب تورا را بهتر درک خواهد کرد. هارامبام کتاب های دیگری نیز به رشته نگارش در آورد که به موضوع های مختلفی مانند منطق (۱۰) تقویم عبری (۱۱) پزشکی (۱۲) و غیره اختصاص یافته اند. وی با یکی از بزرگترین فلاسفه اسلامی به نام «ابن رشد» و ساکن اندلس (اسپانیای قدیم) هم دوره بود.

مسئولیت های سنگین هارامبام همراه با زحمات و مشکلات بسیار، سلامتی او را به خطر انداخت تا اینکه به سال ۴۹۶۴ عبری (۱۲۰۴ میلادی) و در ۶۹ سالگی در قاهره درگذشت. پیکر او را از مصر به فلسطین آوردند و در شهر طبریا به خاک سپردند. بلافاصله پس از مرگ هارامبام، در اجتماعات یهود پیچید که «بین موسی و موسی، موسای دیگری نیست»، به گفته دیگر، هارامبام، موسای دوم قوم یهود است ■

خواب دید که او را برای این کار عظیم تحسین می کنند. علمای یهود نیز آن را دستاورد نیرویی ماورای انسانی دانسته، و شاعران یهود هم در شعرهای خود آن را ستایش کردند. یکی از این اشعار چنین است: هنگامی که آن قوم، آب حیات را نیافته و خسته شده بودند،

بر مشه (موسی) شیکوه بردند که چه بنوشیم، مبادا بمیریم.
او بر صخره زد. آبها جاری شدند و قوم از آب عقلانی سیراب گشتند (۷).

«هدف دین، آن است که هم نفس را با دانشها و خصلت های شایسته تهذیب کند و هم جسم را بر اساس نیازهایش به طور صحیح پرورش دهد»

این شعر، تمثیلی است از واقعه ای که در دوران حضرت موسی در بیابان رخ داد و بنی اسرائیل از تشنگی و بی آبی شکایت کردند. آن حضرت به فرمان خداوند، عصای خود را به صخره ای زد و از آن آب جاری ساخت و ملت را سیراب کرد. در اینجا هارامبام که نام او نیز مشه (موسی) بود، به حضرت موسی همانند شده است که با تدوین کتاب «هیاد هعزاقا»، آب عقلانی را به ملت تشنه یهود ارزانی داشته است. چندی نگذشت که بیشتر جوامع یهودی دیگر کشورهای آن زمان نیز رفتار روحانی و مذهبی خود را بر پایه این اثر هارامبام منطبق کردند.

کتاب «موره نووخیم» یا «راهنمای گمگشتگان» (۸)

از بین شاگردان و دوستان یهودی هارامبام می توان «یوسف بن یهودا ابن عقیلین» را نزدیکترین مرید او به شمار آورد. در آن هنگام، برخی از دانشمندان یهود، زمان بسیاری را صرف تحصیل و تدریس فلسفه می کردند. آنها کتاب های فلسفه یونانی و از همه بیشتر، کتاب ارسطو- فیلسوف بزرگ یونانی- را مطالعه می نمودند. در همان زمان، بسیاری را عقیده بر این بود که مطالعه فلسفه و اصول آن مغایر با اعتقاد به تورا و دین است.

هارامبام به منظور مقابله با این نظر و برای اینکه نشان دهد بین تورا و فلسفه تضادی وجود ندارد و نیز به جهت اشتیاق در تکمیل هر چه بیشتر دانش شاگرد مورد علاقه اش «یوسف بن یهودا ابن عقیلین» که همیشه در بحثها و نامه های او را فرزند خود خطاب می کرد، به نوشتن مهمترین اثر

به معنی دست قوی یا - میشنه تورا (۵)- بود، در چهارده جلد و پس از ده سال تلاش به پایان رساند.

در این کتاب، همه قوانین تورای شفاهی- تلمود- به طور روشن، صریح و به اختصار شرح داده شده؛ اما از ذکر تعییل ها، داستان های تلمود و همچنین بحث های بین علما در اثبات قوانین خودداری شده است. با اینکه مجموعه میشنا به شش بخش کلی (سولر) (۶) تقسیم شده، قانون های دینی آن به طور پراکنده ذکر شده است.

کاری که هارامبام در میشنه تورا انجام داد، این بود که همه قانون های مربوط به یک موضوع را از قسمتهای مختلف تلمود استخراج و گردآوری کرد و آن را به گونه ای علمی و منظم در کتاب نگاشت. نیز اگر در تلمود درباره قانونی بین دانشمندان پیشین، بحث و اختلاف نظری وجود داشت، هارامبام از راه استدلال و تحقیقات خود، عقیده یکی از آنها را برگزیده و پذیرفته است. هر چند که چنین کاری بسیار مشکل می نمود.

او در توضیح انگیزه خود از نوشتن این کتاب می گوید: «آموختن تلمود و تفسیرهای (قوانین شرعی) موجود به دانش وسیع، استعداد عالی و زمانی طولانی نیاز دارد. به همین علت، از مجموعه عظیم و پیچیده موجود، مطالب را به سبکی نوشتیم که مسائل حلال و حرام، پاک و ناپاک به همراه دیگر قوانین تورا به شکل واضح و روشن، اما به اختصار بیان شود تا اینکه تورای شفاهی بدون هیچ مشکلی در دهان هر فرد، روان باشد».

هارامبام معتقد بود که با ریشه یابی اعتقادات مشرکان و بت پرست ها، بهتر می توان فلسفه بسیاری از دستوره های ضد شرک «تورا» را درک کرد

پس از انتشار آن برخی از اندیشمندان نسبت به آن اظهار بدبینی می کردند، زیرا معتقد بودند وجود این کتاب که به سادگی قوانین شرع را توضیح می دهد، موجب می شود تا مردم از آموختن و خواندن تلمود خودداری کنند. اما گذشت زمان، بطلان این عقیده را نشان داد و دانشمندان و پژوهشگران با خواندن آن بیشتر به تحصیل و مطالعه تلمود تشویق شدند.

در وصف این نوشته داستان هایی گفته شده است. از جمله اینکه هارامبام پس از ده سال سختی و سرارت در شبی که آن را به پایان رساند، پدرش و حضرت موسی را در

پی نوشت:

- ۱- רבי משה בן מימון (הרמבם) - وی را در غرب به نام «مابونید» می شناسند.
- ۲- ספר הקמאר
- ۳- נגיד
- ۴- היד הנזקה
- ۵- משנה תורה
- ۶- סדר
- ۷- כעת לא מקא העם קשות מים ויגעו וילכו על משה לאמר: מה נשתה פן יגעו פי השכל וישכחו (אגרת מאמר) הקה בסדר החום ۸- מורה נבוכים

۹- این کتاب در زبان عبری به «ولایت الحائزین» معروف است.

۱۰- ملات هعزق

۱۱- סאמר העמוד

۱۲- ספר משה

منبع:

کتاب فرهنگ و بینش یهود دوم دبیرستان از انتشارات انجمن کلیمیان تهران

تجسیم خداوند در تورات

از دیدگاه هارامبام (موسی بن میمون)

محمد رضا کاشفی



خدا را مبتنی بر جسمیت دانسته و در واقع این دو را لازمه یکدیگر تلقی می‌کنند؟

به نظر ابن میمون، چون یهودیان با ظواهر تورات آلفت گرفته و از تأویل و تفسیر ظواهر آیات هراس داشتند، آن عبارات را به ظاهر و معنای تحت اللفظی حمل کرده‌اند و این خود زمینه را برای «تلازم وجود خدا و جسم بودن او» فراهم آورد. وی هنگامی که گفتار «اسکندر افرویدی» را در باب اسباب پیدایش اختلاف آرا و اندیشه‌ها نقل می‌کند، سببی را بر آن اسباب (یعنی خب ریاست، لطافت امر مُذَرِّک، جهل و قصور فهم مُذَرِّک) می‌افزاید و معتقد است که این سبب در زمان او وجود داشته و در زمان اسکندر نبوده است. آن سبب عبارت است از آلفت و عادت کردن به امری، چرا که انسان بالطبع دوستدار و متمایل به چیزی است که بدان خو گرفته است. آدمی به حسب این سبب، از ادراک حقایق کور شده، به سمت عادات خود متمایل پیدا می‌کند، از این رو به اعتقاد ابن میمون، چون جمهور مردم یهود به نصوصی خو گرفته بودند که تعظیمش لازم و تصدیق آیات آن ضروری بود و از آنجا که این نصوص ظواهرش بر تجسیم و خیالات ناصحیح دلالت داشت، تجسیم خدا در اذهانشان شکل گرفت.

در اینجا این پرسش پیش می‌آید که چرا تورات خداوند را این چنین توصیف کرده تا زمینه را برای این اندیشه نادرست فراهم آورد؟ ابن میمون این پرسش را در قالب پرسشی دیگر پاسخ می‌دهد و آن پرسش عبارت است از اینکه تورات به چه زبانی با مردم سخن می‌گوید؟

از دیدگاه ابن میمون تورات به زبان جمهور مردم سخن می‌گوید و به صورتی مقصود خود را القا می‌کند که عوام مردم آن را بفهمند و دریابند و چون عوام هنگامی موجود بودن چیزی را صحیح می‌دانند که جسم باشد، تورات، خداوند را با اوصاف جسمانی برای جمهور مردم توصیف کرده است. به اعتقاد وی انسان‌ها در ادراکات امور عقلی با یکدیگر متفاوت‌اند و به همین دلیل است که بشر همواره دستخوش نزاع‌های علمی و اختلاف افکار بوده است. مباحث خداشناسی نیز از جمله اموری است که در فهم آنها اختلاف نظر وجود دارد. به همین جهت است که عده‌ای از مردم که شمارشان اندک است، معانی تورات را دریافته و به تأویل و تمثیل در تورات احاطه دارند و هیچ گاه قائل به تجسیم نمی‌شوند، ولی جمهور مردم به دلیل ضعف قوای ادراکی خود چنین نیستند.

جان هیک و ... نمونه‌هایی از پاسخ به این پرسش اساسی است.

* موسی بن میمون اسرائیلی قرطبی (۵۲۰ - ۵۶۰ / ۱۱۳۵ - ۱۲۰۴ م.)، عالم، پزشک، ریاضی‌دان، اخترشناس و فیلسوف یهودی، در فقه و شرایع یهود چنان مقام والایی دارد که یهودیان درباره او گفته‌اند: «از موسی (ع) تا موسی (این میمون) کسی مانند موسی برنخاسته است». با دقت در دیدگاه‌های موسی بن میمون می‌توان جایگاه او را در فلسفه، خصوصاً فلسفه یهودی قرون وسطی دریافت. موقعیت او به حدی در فلسفه مهم است که توماس آکوئیناس او را «موسای کبیر» خطاب کرده است.

مهمترین اثر ابن میمون «دلالت الاحاثین» نام دارد. هدف اصلی این کتاب سازش دادن ظواهر تورات با قواعد عقلانی و فلسفی است. وی در این نوشتار می‌کوشد که یک نوع وفاق و تقارب میان دین و فلسفه ایجاد کند.

از دیدگاه ابن میمون تورات به زبان جمهور مردم سخن می‌گوید و به صورتی مقصود خود را القا می‌کند که عوام مردم آن را بفهمند و دریابند

از نظر ابن میمون، الفاظی که در مورد خداوند در تورات و کتب دینی یهود به کار می‌رود، نباید حمل به معانی ظاهری و لغوی شوند. این دیدگاه ابن میمون ناشی از الهیات تنزیهی و سلبی اوست. مطابق آموزه ابن میمون، هیچ معرفت اثباتی (البته در حوزه ذات و نه فعل) نمی‌توان نسبت به خداوند داشت، چرا که خداوند هیچ مایه الاشتراکی با دیگر موجودات جهان ندارد. همه صفات و اسمای خداوند که در تورات آمده، حکایت از آن دارد که خدا چه نیست، نه آنکه چه هست. به اعتقاد وی هیچ محمول یا وصفی را نمی‌توان برای خداوند به کار برد. مگر در معنایی کاملاً سلبی و یا متفاوت با معنای رایج آن.

به دلیل اهمیت دیدگاه‌های موسی بن میمون در این مقاله، تنها به تحلیل وی از اوصاف انسان‌وار خداوند اشاره می‌شود.

*** تجسیم از دیدگاه ابن میمون**

موسی بن میمون معتقد است که عوام مردم از یهودیان - نه اهل حکمت و خرد - قائل به تجسیمند و تفسیری انسان‌وار از خدا در ذهن دارند اما به راستی چرا، جمهور مردم (۱) وجود

اشاره: این مقاله، گزیده و تلخیص مقاله‌ای است تحت عنوان «تجسیم از دیدگاه ابن میمون و علامه طباطبایی» مندرج در فصلنامه «هفت آسمان» شماره ۲، نشریه مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب (قم).
علاقتمندان برای آگاهی بیشتر و مقایسه آرای این دو اندیشمند بزرگ یهود و اسلام، می‌توانند به اصل مقاله فوق مراجعه کنند.

* چگونه می‌توان زبانی را که ناظر به قلمروی متناهی است، درباره خداوند به کار گرفت؟ هنگامی که ما از چشمها و دستها و نشستن و برخاستن‌های عادی سخن می‌گوییم، می‌دانیم که چه مقصودی داریم. اما با توجه به اینکه این پدیده‌ها، واقعیاتی صرفاً مخلوقند، صاحب دست، بینی، چشم و زبان خواندن خداوند چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

فیلسوفان بزرگ قرون وسطی به خوبی می‌دانستند که اگر برای سخن گفتن از خالق، از زبان ناظر به مخلوقات استفاده کنیم، با دشواریهایی مواجه می‌شویم. پرسش آنها این نبود که آیا زبان دین اساساً معنا دار است یا نه، یا قابل صدق و کذب است یا خیر؟ اما آنان توجه داشتند که توضیح معنای این زبان کار دشواری است. چرا که در کتب آسمانی آیاتی وجود دارد حاکی از این که میان خدا و موجودات دیگر شباهتی وجود ندارد، ولی در عین حال خداوند با صفات طبیعی (انسانی) توصیف شده است. آشکار است که بسیاری و شاید همه اصطلاحاتی که در مباحث دینی در مورد خداوند به کار می‌رود، به شیوه خاصی به کار رفته است که کاربرد آنها با معنای متداول غیر دینی‌شان متفاوت است، مثلاً هنگامی که می‌گوییم: «خداوند بزرگ است»، منظور ما این نیست که خداوند حجم مکانی بزرگی را اشغال کرده است. پس این الفاظ که در مورد خداوند به کار می‌رود، دارای چه معنایی است؟

* پرداختن به معنای اوصاف الهی و جست و جوی پاسخی برای پرسش مهم فوق، حجم قابل توجهی از مباحث زبان دین را به خود اختصاص داده است و فیلسوفان و متکلمان، راه‌حل‌های گوناگونی اتخاذ کرده و با دیدگاه‌های متفاوتی این موضوع را مورد مذاقه قرار داده‌اند. دیدگاه مشابهت (تناسب) توماس آکوئیناس، نمادهای پل تیلیخ، تحلیل کارکردگرایانه ویلیام آلتون، نظریه تجسد



• روش ابن میمون در تفسیر صفات انسان گونه

موسی بن میمون معتقد است الفاظ و عباراتی که حاکی از تفسیری انسان‌وار برای خداوند است، برای معانی دیگر: استعاره آورده شده است. او بر اساس این نظر، بخش‌های زیادی از فصل‌های جزء اول کتاب دلائل الحائزین (۶۰، ۴۳، ۱-۱۸، ۱۶-۲۷، ۲۵-۳۲، ۳۰-۳۶، ۴۸، ۴۵-۶۶، ۷۰) را به تبیین معانی این الفاظ اختصاص داده است. با جست و جویی که نگارنده در این فصل‌ها به عمل آورده، می‌توان ادعا کرد که او دارای روش واحدی است. ابن میمون نخست سعی می‌کند معنی لغوی کلمه را به کمک آیات دیگر در تورات روشن کند، سپس معانی حقیقی یا مجازی دیگری را که این لفظ در آنها استعمال شده، با استمداد از آیات تورات، تبیین و در آخر معنای مورد نظر را بازگو می‌کند. به دلیل مجال اندک برای تفصیل بیشتر، خلاصه‌ای از دیدگاه‌های او را در تفسیر و تشریح دو کلمه گزارش می‌کنیم.

۱- رکوب (سوار شدن): موسی بن میمون معتقد است که کلمه «رکب» مشترک لفظی و دارای معانی متفاوت است: یک معنا سوار شدن انسان بر چهارپایان است؛ و او [بیلعام] بر الاغ خود سوار بود. سپس این کلمه استعاره شده برای «برتری بر شیء»، چرا که راکب بر مرکوب نوعی برتری و چیرگی دارد. این معنی نیز در تورات آمده: «او را بر بلندپه‌ای زمین سوار کرد»، «و تو را بر مکانهای بلند زمین سوار خواهیم کرد». معنای «سوار کردن» در این دو آیه، چیرگی و برتری است یعنی شما بر بلندترین نقطه زمین چیرگی و برتری دارید. به اعتقاد ابن میمون، به حسب معنای دوم، یعنی «برتری بر شیء» در مورد خداوند گفته شده است: «... مثل خدا کسی نیست که برای مدد تو بر آسمان‌ها سوار شود»، یعنی خداوند مستولی بر آسمان است. بنابراین «رکوب» خداوند به معنای «سوار شدن» نیست تا صفتی انسان گونه باشد، بلکه مراد استیلا، برتری و تسلط خداوند است.

وی معتقد است که استعاره آوردن «سوار بودن» خداوند بر آسمان، یک تشبیه عجیب و جالب است، زیرا راکب افضل از مرکوب بوده و از نوع آن نیست و همچنین راکب، مرکوب را به هر صورتی که بخواهد به حرکت وای می‌دارد و ثالثاً راکب از مرکوب جدا بوده و به او متصل نیست. خداوند هم، چنین است، زیرا او محرک فلک اعلی است که به واسطه حرکت آن فلک هر متحرکی حرکت می‌کند و علاوه بر آنکه خداوند مفارق از فلک نیز هست، پس این تشبیه بدون وجه شبه نیست.

۲- رأی (۲)، نظر (۳)، حزی (۴)، سه لفظاند که به معنای دیدن یا چشم استعمال شده، ولی هر یک از این سه لفظ برای ادراک عقل نیز استعاره آورده شده است. اما رأی، به معنی دیدن با چشم است، مثل: «و دید (یعقوب) که اینک در صحرا چاهی است»، ولی این لفظ به معنای ادراک عقلی نیز آمده است، مانند: «و قلب من دید بسیار از حکمت و علم را» که به این معنا است: «و دل من حکمت و معرفت را بسیار دریافت نمود». به حسب

می‌دانیم که به وسیله لب، زبان و سایر الت‌های کلام ادا می‌شود، برای آنکه ذهن جمهور به این امر که خداوند مژگ و عالم است، رهنمون شود، تورات خداوند را متصف کرده است به اینکه می‌شنود و می‌بیند و سخن می‌گوید. و چون از ایجاد کردن، تنها فعل مباحثه را می‌فهمیم، در تورات خداوند به فاعلیت وصف شده است. و به دلیل آنکه مردم شیء زنده و صاحب حیات را تنها در صورتی که دارای نفس باشد درک می‌کنند، خداوند در تورات، به صاحب نفس متصف گردیده است. و از آن جهت که این افعال در ما تنها به وسائط و ابزار جسمانی درک می‌شود، آن ابزار و آلات نیز برای خداوند در تورات آورده شده است، یعنی دو پا و کف آن دو، لب، زبان، صوت، دو دست، انگشتان، کف دست و ساعد.

وی در این مورد نمونه‌هایی از تورات مطرح می‌کند، مانند: «زمین پای انداز من است»، «کیست که ساعد خداوند...»، «دهان خداوند چنین می‌گوید»، «و اینها چشمان خداوندند که در تمامی جهان تردد می‌نمایند». او نتیجه می‌گیرد که هر آلت جسمانی که در همه کتابهای انبیا ذکر شده، یا وسیله حرکت مکانی است برای دلالت بر حیات خداوند، یا ابزار احساس است، به همین جهت دلالت بر ادراک، یا آلت قدرت و زور برای دلالت بر فعل، یا ابزار کلامی برای دلالت بر فیض دادن عقول به انبیا... تمام اینها ارشاد به این مطلب است که موجودی حی، فاعل و عالم وجود دارد.

بنابراین، به نظر ابن میمون این عبارت نباید موجب تجسیم خداوند گردد، بلکه چنانکه اشاره شد، تمام اوصاف انسانی و جسم گونه، برای آن است که ذهن جمهور را به وجود خداوند ارشاد کند. همان طور که ملائکه با آنکه جسم نبوده و عقول مفارقة برای ماده‌اند، در تورات به ظواهر جسمانی و صورت انسانی توصیف شده‌اند تا ذهن به هستی آنها رهنمون شود. اوصاف جسمانی برای خداوند نیز چنین است. در واقع این عبارات تمثیلاتی است برای آن معانی و به همین جهت هیچ‌گاه حکما با این عبارت به تجسیم نگراییده‌اند، بلکه خود نیز در گفتارشان از این تمثیلات سود جست‌ه‌اند.

به نظر ابن میمون، جمهور مردم مانند بچه شیرخوار- که قدرت تناول و هضم غذا را ندارد- هستند و قدرت درک مفاهیم بلند الهی را ندارند، نه بدان خاطر که آن مفاهیم ناصحیح باشند، بلکه بدین جهت که اینان قابلیتشان تمام نیست، از این رو، وی معتقد است که آرای صحیح در امور الهی- نه بدان سبب که باطنشان ناصواب و از بین برنده شریعت باشد- به صورت مخفی و سرپسته مطرح گشته‌اند، بلکه به دلیل قصور عقول در قبول آرای صحیح به صورت تمثیل آمده و تلویحا بیان شده‌اند، تا حکما و کسانی که دارای فهم برترند، منظور آنان را دریابند.

به اعتقاد ابن میمون، همین عدم قابلیت فهم مردم موجب گشته است که تورات به زبان مردم سخن بگوید، چرا که تورات بر همه مردم، از کوچک و بزرگ و زن و مرد، عرضه گشته است و به دلیل آنکه جمهور مردم به دریافتن حقیقت امور قادر نیستند، تورات در توصیف خداوند به هر بیانی که در ذهن مردم را به وجود خدا- نه به حقیقت ذاتش- رهنمون کند، اکتفا کرده است.

تورات به دلیل عدم توانایی عوام از ادراک معنی بلند، از بیان صریح آن معانی پرهیز کرده به زبان جمهور مردم سخن می‌گوید

ابن میمون بر این باور است که بین ارشاد به وجود چیزی و بیان ماهیت و جوهر آن شیء تفاوت بسیاری است، چرا که ارشاد به وجود چیزی می‌تواند به واسطه اعراض و افعال باشد، هر چند آن افعال و اعراض یا آن شیء نسبتی بعید داشته باشند. برخی آیات تورات نیز برای ارشاد مردم به وجود خدا و کمالات او مانند حیات، فاعل، قادر و عالم بودن، به صورتی او را توصیف کرده است که ذهن انسان وجود برخی کمالات او را در خور فهم خویش دریابد، اگر چه این اوصاف بیانگر حقیقت ذات او نباشند، مثلاً در تورات، موجود بودن خدا به تخیل جسم داشتن او، و حیات خداوند به تخیل حرکت داشتن او بیان شده است، چرا که جمهور مردم وجود را فقط برای جسم صحیح می‌دانند و در معنی حیات، غیر از حرکت تصور دیگری ندارند و آنچه را که متحرک به حرکت ارادی مکانی نباشد، حی نمی‌دانند. گرچه حرکت جزء جوهر حی نبوده، بلکه عرض لازم او باشد.

تمام اوصاف انسانی و جسم گونه، برای آن است که ذهن جمهور را به وجود خداوند ارشاد کند. همان طور که ملائکه با آنکه جسم نبوده و عقول مفارقة برای ماده‌اند، در تورات به ظواهر جسمانی و صورت انسانی توصیف شده‌اند تا ذهن به هستی آنها رهنمون شود

مطابق دیدگاه ابن میمون، چون ابزار رایج شناخت، حواس- یعنی گوش و چشم- است و همچنین انتقال معنایی را به دیگری تنها به واسطه کلام متصور می‌بینیم و کلام را هم صوتی



داستان زن در یهود

دوورا - یاعل دבורה - יעל

بخش سوم

و او کل سپاه سیرا را شکست داد و خود سیرا، با تنی آسیب دیده و پای پیاده فرار کرد. او به اردوگاه «جور قنی» (۵) که او با حاکم کنعان، پیمان صلح بسته بود، پناه برد. یاعل، همسر قنی، سیرای خسته را در چادر خود مخفی کرد و پس از به باراق رفتن سیرا، او را از پای درآورد و به باراق تسلیم نمود. نبوت دوورا در اینجا به حقیقت پیوست که خداوند، سردار لشکر دشمن را به دست زنی تسلیم خواهد کرد. درایت و رهبری دوورا، ۴۰ سال آرامش بنی اسرائیل را به دنبال داشت.

دوورا، شرح پیروزی خود و مدح پروردگار را مانند دوران عبور بنی اسرائیل از دریای سرخ، در سرودی معروف به «سرود دوورا» ذکر کرد:

... من در وصف خداوند خواهم سرایید
و برای پروردگار خالق بنی اسرائیل سرود
خواهم خواند
خدا، ایها، وقتی از «سبیر» بیرون آمدی
هنگامی که صحرای «لاوم» را ترک فرمودی
زمین متزلزل شد و آسمانها چکیدند
ابرها نیز قطرات باران فرو ریختند
کوهها به خاطر خداوند لرزیدند
حتی کوه «سینا» از حضور خالق بنی اسرائیل
به لرزه درآمد
... چون بنی اسرائیل به دنبال معبودان تازه

رفت
جنگ به دروازه‌هایش رسید
اما در میان چهل هزار مرد جنگی آنها
مگر سپر یا نیزه‌ای یافت می‌شد
درود قلبی من بر رهبران دینی قوم
که برای جامعه‌شان جان نثاری کردند، پس
خداوند را متبارک بخوانید. ■

(طرح از یعقوب صوفرازاده)

- ۱- יָבִין
- ۲- סִיסְרָא
- ۳- בָּרָק
- ۴- שׁוֹפְטִים (فصل ۴ پاسوق ۹)
- ۵- הַבֵּר הַקִּינִי

بهتاز وفا منصوری
فصل‌های ۴ و ۵ کتاب داوران -
شوفطیم - از مجموعه تنخ (عهد عتیق). به
شرح رشادت‌های دو زن در تاریخ یهود
اختصاص یافته است.

حدود ۳۱۰۰ سال پیش، در دورانی که
مردم بنی اسرائیل ۲۰ سال تحت سلطه حاکم
ظالم کنعانی به نام «یاوین» (۱) بودند و از
سردار لشکرش، «سیرا» (۲) با در اختیار
داشتن ۹۰۰ ارابه آهنین، در خوف و راهمه به
سر می‌بردند، خداوند این بار نجات آنها را
توسط دو زن ظاهر کرد. دوورا و یاعل.

دوورا، زنی پرهیزگار و دارای درجه
نبوت بود و به عنوان قاضی و رهبر یهودیان
آن دوره، به اداره امور جامعه می‌پرداخت و
مردم از سراسر سرزمین مقدس برای
راهنمایی و مشورت گرفتن نزد او می‌آمدند.
دوورا که نگران ظلم و جور حاکمان بر
یهودیان بود، به رئیس لشکرش «باراق» (۳)،
نبوت خدا را مبنی بر مبارزه با سیرا و باز
کردن یوغ حکومت او از گردن بنی اسرائیل،
اعلام کرد. باراق در پاسخ، شرط مبارزه را،
همراهی دوورای نبیه دانست. دوورا نیز با این
امر موافقت کرد، زیرا او در عالم نبوت از
جانب خداوند دریافته بود که «سپاهیان
سیرا را خداوند به یک زن تسلیم خواهد
کرده» (۴).

در اینجا، یکی از موارد استثنایی تاریخ
یهود و بلکه تاریخ جهان مشاهده می‌شود که
در آن، یک فرمانده لشکر تحت امر یک زن
قرار می‌گیرد. حضور این زن نبیه در پیشاپیش
لشکر ۱۰ هزار نفری سربازان یهودی که حتی
به یک ارابه نیز مجهز نبودند، روح و قدرت
تازه‌ای در وجود آنها دمید و آماده تقابل با
سپاهیان مسلح سیرا شدند. دوورا، یاری
خداوند را به باراق یادآوری می‌کند و او در
مقابل لشکر دشمن قرار می‌گیرد. با معجزه
الهی، توفانی از تگرگ و باران سیل آسا در
جهت سپاه دشمن به یاری سربازان باراق آمد

این معنا، لفظ «رای» برای خداوند استعاره آورده
می‌شود و مقصود همان ادراک عقلی است، مانند:
«خداوند دید نیکو است»، «و خدای اسرائیل را
دیدند». به نظر این میمون در تمام این موارد،
مقصود ادراک عقلی است، نه دیدن با چشم، چرا
که چشم تنها جسم را درک می‌کند، آن هم در
جهت خاص و بعضی از اعراض آن، مانند رنگ،
ولی خداوند برتر از آن است که با این ابزار درک
شود.

نظر، گاهی به معنی التفات کردن با چشم
است، مانند: «و اگر کسی به زمین بنگرد» و به
واسطه این معنی برای التفات ذهنی نیز استعاره
آورده شده است مانند: «او گناهی در یعقوب
ندیده»، دیدن در این جا بدین معنا است که وقتی
خداوند در اعمال تأمل نمود، درک کرد که گناهی
از او سر نزده است، نه آنکه به معنای دیدن با
چشم باشد، چرا که گناه با چشم دیده نمی‌شود،
بلکه با التفات و تأمل ذهنی درک می‌گردد. به نظر
این میمون، به حسب استعاره، هر جا که لفظ
«نظر» وصف خداوند قرار گیرد به معنای التفات و
توجه ذهنی است، مانند: «موسی روی خود را
پوشانید که به خدا بنگرد» یعنی التفات و توجه
کند: «و شبیه خداوند را به عیان می‌بیند».

خزنی نیز به معنای دیدن با چشم است، ولی
این معنا برای ادراک قلب نیز استعاره آورده شده
است: «کلام رب به ابراهیم در رؤیا بود»، یعنی
کلام رب را در خواب قلباً ادراک کرد. و به همین
معنا در مورد خداوند استعمال شده است، مانند:
«پس خطا را دیدند»، یعنی خداوند را به چشم دل
و به قلب درک کردند، نه با چشم سر، تا جسمانیت
خدا لازم آید.

* مروری بر آرای ابن میمون

۱. عوام یهودیان قائل به تجسیم بوده،
تفسیری انسان‌وار از خداوند می‌کنند.
۲. به دلیل آنکه جمهور وجود را فقط برای
جسم متصور می‌بینند، هر کمال جسمانی را به
خداوند منسوب و نقص جسمانی را از او سلب
می‌کنند.
۳. جمهور مردم یهود، بدین سبب برای
خداوند وجود جسمانی ترسیم می‌کردند که با
نصوصی خو گرفته و تربیت یافته بودند که
ظواهرش بر تجسیم دلالت داشتند.
۴. تورات به دلیل عدم توانایی عوام از ادراک
معنی بلند، از بیان صریح آن معانی پرهیز کرده به
زبان جمهور مردم سخن می‌گوید.
۵. الفاظ و عباراتی که در تورات آمده است،
نباید رهن ذهنها و تداعی گر جسمانیت خدا گردد،
چرا که این عبارات تنها برای ارشاد ذهن مردم به
وجود و هستی خداوند بوده است، نه تبیین حقیقت
و ذات او.

۶. الفاظ و عباراتی که دلالت بر جسمانیت خدا
می‌کنند دارای معنی مجازی و استعاره‌ای‌اند و نباید به
معنای لغوی‌شان حمل گردند. ■

(طرح‌ها از یعقوب صوفرازاده)

پی نوشت:

- ۱- کلمه «جمهور» در نظر موسی ابن میمون، عوام و طبقه کم
سواد جامعه است (سردبیر)
- ۲- راءیه ۲۰ - ۲۱ - להביט ۲ - לחזות

رابطه کتاب

پیامبران

با وضع کنونی ما

از کتاب «به نام زندگی»

— نوشته: اریک فروم — ترجمه: اکبر تبریزی

اشاره: **בְּיָמֵינוּ** - نویسیم - به معنای انبیاء یا پیامبران، دومین بخش از مجموعه تنخ یا عهد عتیق و شامل هشت جلد است که عبارتند از: یهوشوع، داوران، شموئیل، پادشاهان، یشعیا، یرمیا، یحزقئیل و جلد هشتم که نبوت ۱۲ نبی به این شرح است: هوشع، یئزئیل، عاموس، غودیا، یونما (یونس)، میخا، ناحوم، حَبَقُّوق، صفنیا، حکی، زحریا (ذکریا) و ملاخسی (آخرین پیامبر بنی اسرائیل).

این بخش به اختصار در این مقاله «کتاب پیامبران» نامیده می‌شود و حاوی شرح وقایع تاریخ بنی اسرائیل پس از رحلت حضرت موسی ۳۳۰۰ سال پیش تا ویرانی دومین معبد بیت المقدس (۲۰۰۰ سال پیش) می‌باشد.

کتاب پیامبران علاوه بر شرح وقایع، در برگزیده نبوت انبیاء بنی اسرائیل، هشدارها، پندها و پیش‌بینی‌های آنان می‌باشد. اریک فروم در این مقاله با نگاهی جدید این مجموعه را بررسی می‌کند.

(توضیح سردبیر)

برای بحث درباره کتاب پیامبران با ما نخست باید به چند پرسش پاسخ بگوییم. آیا هنوز کتاب پیامبران جز برای مسیحیان و یهودیان مؤمن برای دیگران معنی و مفهومی دارد؟ یا سؤال را این گونه مطرح کنیم: آیا نباید آن کتاب امروز هم برای هر کسی با مفهوم باشد؟ یا کسی فراتر برویم

و بپرسیم: آیا نباید دوباره با آنها رابطه برقرار کنیم زیرا ارتباط با آنها قطع شده است؟ آیا در روزگاری زندگی می‌کنیم که دیگر نیازی به پیامبران نیست؟ اما مادام که درباره تعریفی که در کتاب عهد عتیق از پیامبر شده است نظر مشترک نداشته باشیم نمی‌توانیم به پاسخ آن پرسش‌ها بپردازیم. آیا پیامبر پیشگویی (۱) است که از آینده مقدر خبر می‌دهد؟ آیا فقط حامل اخبار بد است و راه‌های مختلف زندگی را تشریح می‌کند و درباره راهی که منتهی به نابودی می‌شود هشدار می‌دهد؟

دارایی، قدرت، تولید کالا، کالای مصرفی، مقام، شهرت و هر چیز دیگری که مردم در برابر آن زانو می‌زنند و خود را برده آن کرده‌اند نام بت‌های ما هستند

دین پیامبران چه بود؟ پیامبران ایمان به خداوند یکتا را تبلیغ می‌کردند که حقیقت و عدل جزو ذات اوست. اما در درجه نخست با ایمان کاری نداشتند بلکه هدفشان رهبری بود، راه اجرا و عملی کردن اصول خداوند را در این جهان نشان می‌دادند. از ایمان یک نکته را مهم‌تر می‌دانستند و به آن تکیه می‌کردند: پروردگار متعال، تنها خدای یکتا و راستین است. معنی این نکته چیست؟ آیا یک قضیه ریاضی است، وحدت در برابر کثرت؟ خیر، معنی آن نکته این است که یک وحدت و یگانگی درفراسوی هر تکرر و هر تشتت احساس‌ها و سائقهای ما وجود دارد: یکتایی که برترین اصل است. زمانی می‌توانیم این یکتایی در افکار پیامبران را درک کنیم که عامل مهم دیگری را نیز به حساب آوریم. تفاوت بین خداوند و بت‌ها یا خدا-ایان دروغین. بت‌ها ساخته دست بشرند. خدا هم اگر مثل بت پرستش شود تبدیل به بت می‌گردد و مصنوع بشر می‌شود. خداوند زنده است و عبارت «خدای زنده» را مکرر می‌شنویم. بت‌ها شی‌اند یا بهتر بگوییم مرده‌اند. یکی از پیامبران در تعریف بت‌ها گفته است: «چشم دارند اما نمی‌بینند گوش دارند اما نمی‌شنوند» (۲).

پیامبران می‌دانستند که پرستش بت انسان را به بردگی می‌کشاند، و هشدار می‌دادند که بت پرست از یک تکه چوب آغاز می‌کند. با نیمه‌ای از یک قطعه چوب آتشی روشن می‌کند و نانی می‌پزد و با نیمه دیگر بتی می‌سازد و به آن سجده می‌کند و آن را بالاتر و برتر از خود می‌داند. چرا آن تکه چوب بر او برتری می‌یابد؟ زیرا بت پرست همه نیروهای خود را به آن چوب منتقل می‌کند و در

نتیجه خود از توانایی تهی و بت سرشار از قدرت می‌شود. هر قدر بت قدرتمندتر شود بت پرست ضعیف‌تر و درمانده‌تر است. بت پرست برای رهایی از ناتوانی کامل بیشتر به بت تسلیم می‌شود، تا با عبد و عیب شدن مقداری از قدرت درونی خود را که به آن واگذاشته است پس بگیرد. به زبان فلسفی امروزی ما این پدیده را «از خود بیگانگی» (۳) می‌گوییم. از خودبیگانگی که مارکس و هگل آن را به کار برده‌اند همان بت پرستی به زبان پیامبران است. برده شی شدن، از دست دادن «خود» باطنی و آزادی و به خود پرداختن در نتیجه انقیاد. ما خیال می‌کنیم که چون مانند بابلی‌ها و فینیقی‌ها، «بتل» و «ایشتار» نداریم، پس بت هم نداریم و بت پرست نیستیم. خیر، بت داریم متها با نام‌های دیگر، نام آنها بعل و ایشتار نیست، دارایی، قدرت، تولید کالا، کالای مصرفی، مقام، شهرت و هر چیز دیگری که مردم در برابر آن زانو می‌زنند و خود را برده آن کرده‌اند نام بت‌های ما هستند.

شاید مهمترین سهم پیامبران در تاریخ، بینش آنان درباره ظهور ناجی (۴) باشد. این بینش تازه و بسی همنا، سودمندی تاریخی خود را ثابت کرده است. بصیرتی است مربوط به «نجات»، نجات انسان از طریق تحقق خود. پیامبران با وعده ظهور ناجی بشارت می‌دادند که آن شوربختی و ادبار که در بهشت نصیب آدم شد به پایان خواهد رسید. شوربختی انسان تا حدی نتیجه از دست دادن آرامش باطن، افزایش توقعات و ایجاد نیاز به داشتن هر چه بیشتر بود. رابطه بین زن و مرد هم از آثار همان است. تسلط مرد بر زن امروزه امری مسلم و بدیهی است، اما در کتاب مقدس آن فرادستی، یک شوربختی تحمیل شده و تنبیه تلقی شده است. به سخن دیگر زمانی که انسان هنوز از بهشت رانده نشده بود مرد بر زن تسلط نداشت. مدارک تاریخ هم گواه آن است که در ماقبل تاریخ چنان رابطه‌ای بین دو جنس نبود.

آخرین نتیجه آن شوربختی دشمنی بین انسان و طبیعت است، بدین معنی که انسان ناچار باید نان خود را با عرق جبین به دست آورد و کار لذت بخش نیست بلکه نوعی تنبیه است. این عقیده تا امروز هم به منزله واقعی پابرجاست، همان شوربختی که انسان را محکوم به دشمنی با طبیعت کرده است، شامل درد زایمان زنان هم می‌شود. عرق جبین مرد و درد زایمان زن دو نماد تحقیر و تنبیه بشر در زبان نفرین کتاب مقدس است. همان گونه که گفتیم ما امروزه آن دو وضع را طبیعی و پرهیز ناپذیر می‌دانیم، اما در دوران

سیدور کتاب نماز یهود

آرزو تنایی

هر کس به طریقی سخن و صف تو گوید
بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه

خدا جویی از خصلت‌های فطری بشر
است. در کتاب مقدس تورات به طرق مختلف
ارتباط انسان با خالقش برمی‌خوریم.

با بروز هر پدیده‌ای در طبیعت یا تبلور
نیازی و یا صرفاً پاسخ به یک ندای درونی،
دست بشر به سوی خدا دراز شده و با او به
گفتگو و راز و نیاز پرداخته است، ولی نیایش
الزاماً به شکل امروزی نبوده است. هر انسانی
در هر مکانی که بوده با تمرکز بر صفات
الهی، وصف بزرگی و عظمت او را گفته و
سپس خواسته‌های مادی یا معنوی خود را
مطرح کرده است. با شکل گرفتن کنیساها بعد
از خرابی بت همقدش دوم، تقیلا (نماز
کلیمنان) شکل منجم‌تری به خود گرفت. به
گفته بحزقل کنیسا نمونه کوچک بیت‌المقدس
است و میخا نبی هم فرموده است که: «به جای
قربانی‌ها، سخنان دهانمان را تقدیم تو می‌کنیم».
به عنوان مکان تقیلا، به طور عام، در هر
نقطه‌ای که پاک باشد با نیت، می‌توان با خدا
ارتباط برقرار نمود و به طور خاص، کنیسا
(برای یهودیان) محل ارتباط انسان با خالقش
شد.

مراسم تقیلا هم ارتباط بسیار نزدیکی با
قربانی‌های خانه مقدس دارد. زمان تقیلاهای
روزانه ما مطابق با زمان تقدیم قربانی‌ها (سه بار
در روز) تعیین شدند. در گذشته در زمان تناییم
و اموراییم (معلمان مذهبی یهود)، تقیلا را یک
نفر قرائت می‌کرد و دیگران جواب آیین
می‌دادند، همه تقیلا را از حفظ می‌خواندند زیرا
عقیده داشتند نباید متن تقیلا را نوشت. حتی
نظریه‌ای وجود دارد (توسافوت شبات) که
نوشتن براخاها (دعاها) را بی‌احترامی به تورات
می‌داند. اما با کامل شدن تلمود (حدود ۱۷۰۰
سال پیش) این نظریه مردود شمرده شد و
احتمالاً در همین سال‌ها بود که اولین
کتاب‌های مدون برای تقیلا نوشته شده‌اند. در
ابتدا «سیدوره» (که به معنی مجموعه مدون و
ترتیب داده شده است) فقط برای تقیلاهای
روز کیپور استفاده می‌شد. اما بعد در روزهای
تعینت (روزه) و کم‌کم به صورت روزمره مورد
استفاده قرار گرفت. اولین سیدوری که مشابهت
کاملی با سیدورهای امروزی دارد را «راو عیرام
گائون» در قرن نهم تدوین نموده است. از
سیدورهای رسی سعدیا هگائون که به زبان
عربی نوشته شده (قرن دهم) و سیدور راشی
در گتیزای (محل دفن اوراق مقدس) قاهره نیز
آثاری بدست آمده است. کتابی به نام «محزور

نویسندگان کتاب مقدس چنین نبود.
منظور پیامبران از ظهور ناجی چه
بود؟ آنان برقراری صلحی بالاتر از نبودن
جنگ، همبستگی و هماهنگی بین افراد
ملت‌ها و بین زن و مرد و بین انسان و
طبیعت، و ایجاد وضعی را می‌خواستند که
دیگر به انسان، ترسیدن آموخته نشود.
توجه نداریم که پرخاشگری و خشونت از
عواقب ترس است. به ما می‌آموزند که هر
گامی را با ترس و لرز برداریم، به دیگران
بدگمان بوده و منتظر بدترین پیشامد
باشیم. پیامبران تا آن حد رادیکال بودند که
می‌گفتند پرخاشگری هنگامی از بین
می‌رود که ترس ریشه کن شود. این
عقیده‌ای است که در دوران ظهور ناجی
شدنی است. به نظر آنان آن عصر روزگار
فراوانی خواهد بود - نه تجمل، بلکه در
این معنی که سفره برای همه گسترده
خواهد شد تا هر کس که بخواهد بخورد،
هر کس، در مقام انسان، حق خواهد
داشت که بر سر آن سفره بنشیند و در
خوراک با دیگر ایناء بشر شریک شود.
یکی دیگر از ویژگی‌های دوران ظهور
ناجی این است که مردم در صلح و صفا
به سر خواهند برد، از حرص و حسد
نشانی نخواهد ماند، دیگر بشر با هم‌نوع
خود و با طبیعت در نزاع و تعارض
نخواهد بود و زندگی هدف و مقصد دیگر
خواهد داشت. آن هدف تأمین نیازهای
جسمی نخواهد بود. گرچه برآورده کردن
آن نیازها همواره مسئله‌ای در زندگی
است، اما بی‌راه‌حل باقی نخواهد ماند.
پیامبران خواستار شناختن کامل خداوند
بودند. و یا به زبان غیر دینی می‌خواستند
که انسان قوای روحی، سرد و زندگی
خود را تا حد نهایت تکامل بخشد.
می‌گفتند که انسان باید آزاد و مرکز و
کانون خود باشد، باید همان شود که هر
انسانی توانایی و ظرفیت آن را دارد.

**در یک معنی عصر ظهور ناجی،
آفرینش دوباره دورانی خواهد بود
که انسان هنوز در بهشت به سر
می‌برد**

در یک معنی عصر ظهور ناجی،
آفرینش دوباره دورانی خواهد بود که
انسان هنوز در بهشت به سر می‌برد. دوران
آغاز تاریخ یا آغاز ماقبل تاریخ چنان
دورانی بود. پیش از آن که بشر خود را
فردی جدا از دیگر ممنوعان بیابد
هماهنگی بهشتی جلو چشمش بود. آن
هماهنگی همان وحدت انسان‌های توسعه
نیافته ابتدایی و ماقبل تاریخ بود.

(ادامه در صفحه ۳۷)

ویشتری که توسط شاگرد راشی (سیمخا بن
شمونل از ویشتری) تدوین شده است نمونه
کاملی از یک سیدور امروزی است. در گذشته،
سیدورها در دو قطع جیبی و بزرگ چاپ
می‌شدند. قطع جیبی برای افراد و قطع بزرگ
برای شالیخ صیور (پیشماز).

تمامی سیدورها، به همراه تقیلاها و
براخاها، هلاخاهای (احکام) مربوط به آن
موضوع را نیز چاپ می‌کردند (امروزه نیز این
رسم تقریباً در همه سیدورها رعایت می‌شود).
اولین سیدور چاپی در ایتالیا در سال ۱۴۸۶
میلادی به نام «محزور رم» و در اسپانیا «سدر
تقیلوت» در ۱۴۹۰ چاپ شد. یهودیان اشکنازی
(غربی) سیدورهای خود را به صورت «محزور»
یعنی سیدوری که مربوط به اعیاد است به
همراه سیدور معمولی چاپ می‌کردند ولی
یهودیان سفارادی سیدور روزهای معمولی،
اعیاد، روش هشانا و کیپور را جداگانه به چاپ
می‌رساندند. «حسیدیم» (گروهی از یهودیان
پایند به اصول پارسی و پرهیزگاری) نیز
برای خود در قرن هجدهم سیدور مخصوصی
تنظیم کردند که ربی شینور زالمن (رهبر حید)
آن را تدوین نمود و آن را «نسخه آری» نام
نهاد. (سیدوری که در ایران از آن استفاده
می‌کنیم با همین سیدور حسیدیم شباهت‌هایی
دارد زیرا منبع مورد استفاده هر دو از
نوشته‌های رسی ایزاک لوریا (هاریزال) بوده
است).

تفاوت‌هایی در سیدورهای اشکنازی و
سفارادی به چشم می‌خورد از جمله در
سیدورهای اشکنازی، تعداد سرودها بسیار
بیشتر است و برخی از متون مانند هسکاوا (دعا
برای از اموات) با هسکاوای سفارادی‌ها تفاوت
دارد. در اکثر سیدورها مأخذ متن در زیر
صفحه نوشته می‌شود (این مأخذ بیشتر از کتب
انبیاء یا نوشته‌های مقدس می‌باشد).

در بعضی از سیدورها، تفاسیر متعددی از
راشی، هاراو کوک، گائون ویلنا و بقیه مفسرین
به چشم می‌خورد. در پایان ذکر دو نکته قابل
توجه است: اول اینکه، در اسپانیا و پرتغال به
علت وجود انکیزیسیون (دادگاه تفتیش عقاید)
و عواملش، یهودیان مجبور بودند که مراسم
مذهبی خود را پنهانی انجام دهند و به همین
منظور سیدورهایی با قطع بسیار باریک که در
آستین جای می‌گرفتند تهیه می‌کردند تا بتوانند
راحت از آنها استفاده کنند. دوم اینکه
دانشمندان یهود توصیه کرده‌اند حتی افرادی که
تقیلا را از حفظ هستند، برای تمرکز حواس،
تقیلا را از روی سیدور بخوانند.

منابع:

- (۱) تاریخ یهودیان
- (۲) جود اییکا

پرهیز از یک بدآموزی دینی

ما دعا «می خوانیم» اما دعا «نمی کنیم»
تازه، فرض این است که آنچه را که «می خوانیم»، «می دانیم»



درون خود احساس می‌کنم. با این وصف، آیا می‌شود به کسی بگوییم که شما چه نیازی احساس می‌کنید بگوید تا من هم همان را احساس کنم؟ این اصلاً معنا ندارد اما همین امر به ما القا می‌شود و القا کننده از این نکته غفلت می‌کند که هیچ معلوم نیست که نیاز من همان نیاز دعا کننده باشد. دعا امری تقلیدی و تشریفاتی نیست.

اینجا یک نکته وجود دارد و آن اینکه وقتی با دعاهای ائمه - که بیان صادقانه خواسته‌های درونی آنهاست - آشنا می‌شوم، شناختن نسبت به آنها بیشتر می‌شود، می‌فهمم که آنها چه تیپ انسان‌هایی هستند. به این شناخت یک مقدمه کلی که به مقتضای تعالیم دینی داریم، می‌افزایم و آن این که هر قدر به این شخصیت‌ها نزدیک‌تر شوم بهتر است و این باعث می‌شود که هر چه بیشتر به آنها تشبه یابم. اما این بحث غیر از بحث دعا است. دعا اجمالاً یعنی عرضه نیازهای واقعی خود به خدا، نه روخوانی آنچه دیگران عرضه داشته‌اند.

ما باید حرف دلمان را به خدا بزنیم. خدا که مقام تشریفاتی نیست که در دل چیزی بخواهیم و به ظاهر چیز دیگری را بیان کنیم ...

(طرح از طائر ستاره‌شناس)

منبع:

چگونه بر احساس نقص و تنهایی خود غلبه کنیم - مصطفی ملکیان - روزنامه ایران (۷۹/۱۱/۱۷)

... متأسفانه یکی از خطاهای ما این است که چه در خلوت و چه در مجالس، هیچ وقت دعا «نمی کنیم»، بلکه دعا «می خوانیم» و این دو، خیلی با هم فرق دارد. ما معمولاً آن چیزی که دیگری خواسته است، می‌خوانیم و غالباً این چیز با آنچه خود می‌خواهیم، یکی نیست. این به نظر من یکی از بدآموزی‌های دینی و مذهبی است. به ما این طور القا شده که گویا باید دعاهای دیگران را روخوانی کنیم. در حالی که، دعا کردن یعنی، آنچه خودم حس می‌کنم و می‌خواهم، از خدا طلب کنم و از او بخواهم تا کمبود مربوط به آن قسمت را مرتفع کند. اما ما چه می‌کنیم؟ ما دعا «می خوانیم» اما دعا «نمی کنیم» تازه، فرض این است که آنچه را که «می خوانیم»، «می دانیم».

اما گاه از این هم بدتر است. یک متن عربی را می‌خوانیم بدون آنکه بفهمیم چه می‌خوانیم. مثل این که یک متن روسی را بخوانیم. اما اگر هم بدانیم و بفهمیم که مثلاً حضرت علی (ع) در این دعا چه می‌خواهند، باز هم این سبب نمی‌شود که خواسته من هم، همان خواسته حضرت شود. «خواسته» که چیز تشریفاتی نیست. از این جهت، خواسته مثل «ذائقه» است. همانطور که ذائقه من و شما یکی نیست، خواسته‌هایمان هم یکی نیست. چون اینها به ساختار نفسانی و جسمانی فرد بستگی دارد. دعا کردن یعنی بیان نیازهایی که در

گلچینی از

تهلیلیم

(مزامیر داوود)

رحمن دل‌رحیم

• ای خداوند کیست که در خیمه تو فرود آید و کیست که در کوه مقدس تو ساکن گردد: (۱) آنکه بر دیگران آزار نرساند. (۲) عدالت را به جا آورد. (۳) در دل خویش راستگو باشد. (۴) با زبان خویش غیبت نکند. (۵) بستگان خویش را خوار نسازد. (۶) از شریران دوری جوید. (۷) خدا ترسان را احترام بگذارد. (۸) به سوگند خویش حتی به زیان خویش پایبند باشد. (۹) ربا خواری نکند. (۱۰) از بی گناه رشوه نگیرد. آن که اینها را به جا آورد هیچ وقت شکست نخواهد خورد. (فصل ۱۵ - آیه‌های ۱ تا ۵)

• شریعت (تورا) خداوند کامل است و جان را بر می‌گرداند، شهادت خداوند امین است و جاهل را حکیم می‌گرداند. فرائض خداوند راست است و دل را شاد می‌سازد، امر خداوند پاک است و چشم را روشن می‌کند.

ترس خداوند طاهر و ثابت است تا ابد الایاد، احکام خداوند حق و تماماً عدل است.

از طلا مرغوب‌تر و از زر خالص‌تر، بسیار از شهد شیرین‌تر و از قطرات (شانه) عسل. (فصل ۱۹ - آیه‌های ۸ تا ۱۱)

• خداوند شبان من است، محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. (۱ - ۲۳)

• هر آینه نیکویی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود، در خانه خداوند ساکن خواهم بود تا ابد. (۶ - ۲۳)

• کیست که به کوه خداوند برآید، و کیست که به مکان مقدس او ساکن شود. او که پاک دست و صاف دل باشد، که جان خود را به بطلالت ندهد و قسم دروغ نخورد. (فصل ۲۴ - آیه‌های ۳ و ۴)

• کمال و راستی حافظ من باشند (پروردگارا) زیرا که منتظر تو هستم. (۲۱ - ۲۵)

• خداوند نور من و نجات من است از که بترسم، خداوند ملجای جان من است از که هراسان شوم. (۱ - ۲۷)

• یک چیز از خداوند خواستم و آن را خواهم طلبید، که تمام عمرم در خانه خداوند ساکن باشم، تا جمال خدا را مشاهده کنم و در محرابش تفکر نمایم. (۴ - ۲۷)

کلیمیان اراک

و

پیشینه تاریخی آنها (بخش اول)

علی آقابابا



اشاره: مقاله زیر گزیده‌ای است از مطلبی به همین نام که در فصلنامه تحقیقات فرهنگی - هنری استان مرکزی (راه دانش - شماره ۸ - پائیز و زمستان ۱۳۷۷) به چاپ رسیده است.

کلیمیان در استان مرکزی

از زمان‌های دور مکان‌های مقدس (معابد) کلیمیان در نزدیکی یا همجواری نقاط تاریخی استان مرکزی نظیر ساوه، خمین، دلجان و شراه قرار داشته‌اند همانند آرامگاه «استر و مُردخای» در همدان، چهار انبیاء در قزوین، «حقوق نبی» در تویرکان و «اشموئیل پیغمبر» در شمال غرب ساوه. بنا به نظر یکی از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی استان مرکزی: «می‌توان پذیرفت که وجود آثار مقدس نشان از گسترش و تأثیر آیین حضرت موسی (ع) در ابعاد تاریخی خود داشته و بسیاری از ساکنین نقاط مختلف نیز تحت الشعاع نفوذ آن قرار داشته‌اند مانند جاورسیان در بخش شراه شهرستان اراک، در ساوه شنیدم که زبان و بعضی از سنن اهالی الویر واقع در منطقه کوهستانی خرقان بسیار به زبان یهودیان نزدیک است که در این زمینه هنوز بررسی لازم به عمل نیامده است.» (مصاحبه نگارنده با یکی از کارشناسان میراث فرهنگی استان مرکزی، تابستان ۱۳۷۸).

درباره پیشینه کلیمیان استان مرکزی اطلاعات زیادی در دست نیست. ولی با توجه به قرار گرفتن استان مرکزی در میان مراکز مهم مذهبی و تجمع یهودیان یعنی همدان، اصفهان، کاشان و تهران، بی‌شک گروه‌هایی از ایشان در منطقه استان مرکزی حضور داشته‌اند و از آن جهت که به جز ساوه شهر قابل توجهی تا قبل از تأسیس شهر اراک در این منطقه وجود نداشته، باید حضور ایشان را در روستاهای این ناحیه جستجو نمود. به همین دلیل، آمار دقیقی نیز از کلیمیان استان مرکزی طی سده‌های اخیر در دست نیست. در سرشماری سال ۱۳۳۵ تعداد یهودیان ایران ۶۵۲۳۲ نفر گزارش گردیده است که در این میان استان مرکزی به مرکزیت تهران دارای ۳۵۹۴۲ نفر یهودی بوده است که ۵۵/۱۱ درصد یهودیان کشور را شامل می‌شده است. در سرشماری سال

۱۳۴۵، تعداد یهودیان ایران ۶۰۶۸۳ نفر گزارش شده است که استان مرکزی با ۴۲۷۱۷ نفر ۶۸/۷۴ درصد یهودیان کشور را در خود جای داده بود. طبق همین سرشماری جمعیت کلیمیان شهرستان اراک ۲۷۳، شهرستان تفرش ۱۰ نفر، شهرستان خمین ۷۰ و شهرستان محلات ۷ نفر گزارش شده است. با توجه به اطلاعات فوق مشخص می‌گردد در سال ۱۳۴۵ در شهرستان‌های اراک، تفرش، خمین و محلات تعدادی کلیمی سکنا داشته‌اند. همچنین در روستای سنجان اراک وجود تعدادی از یهودیان گزارش شده است که هم اکنون گورستانی نیز در آنجا از ایشان موجود است.

کلیمیان در اراک

اطلاعات دقیقی از اولین حضور کلیمیان در شهر اراک در دسترس نیست. برخی اعتقاد دارند:

«تعدادی یهودی در اوایل تأسیس قلعه سلطان آباد در سال ۱۲۳۱ ه.ق. در روستایی به نام دستجرده زندگی می‌کردند تا این که پس از اتمام بنای قلعه سلطان آباد توسط یوسف خان گرجی آنها را به داخل قلعه آوردند و علت انتقال آنها هم این بود که اکثریت قریب به اتفاق آنان تاجر، دکترو داروساز بودند» (روابط عمومی فرمانداری سریند، اقلیت‌های مذهبی در شهرهای اراک و شازند، سال ۱۳۷۰) که البته سند معتبری در این خصوص ارائه نشده است. مصاحبه به عمل آمده با برخی کلیمیان، حاکی از آن است که تعدادی از یهودیان، در گذشته از گلبایگان، کاشان و همدان به اراک مهاجرت کرده‌اند.

برخی معتقدند که یهودیان در دوره سلطنت ناصرالدین شاه به اراک مهاجرت نموده‌اند: «معمرین از پدران خود، چنین به یاد دارند. در دوران سلطنت پنجاه ساله ناصری که مملکت به آرامشی نسبی رسید و تاخت و تاز اقوام دیگر به مرزهای ایران کاهش یافت و جاده‌ها امن گردید، سلطان آباد نیز به برکت این آرامش از رونق اقتصادی خوبی برخوردار بود و حکام محلی، به خصوص برادر امیرکبیر (میرزا حسن خان)، مستوفی ممالک و نمایندگان او با رعایا و مردم خوش رفتاری می‌کردند. این

امر باعث شده بود که ۸۵ خانوار یهودی از «سه ده»، «سنجان» و سایر نقاط به سلطان آباد مهاجرت کنند. اینان در شمال شرقی «گذر سپهداری» در ضلع شرقی «خیابان محسنی» محله‌ای احداث نموده و در آن سکونت داشتند» (کندی، مهدی، راه دانش ۱۳ و ۱۴، ۹۷) که البته در این خصوص نیز سندی ارائه نشده است.

کلیمیان اراک، در محله قلعه (خیابان محسنی) ساکن بوده‌اند و برای آنکه از گزند و تعرض، در امان باشند خود را تحت حمایت «حاج آقا محسن عراقی» از ملاکین و مجتهدین بزرگ آن روز قرار می‌دهند و چندی بعد در همین محله کنیسه‌ای بنا می‌نمایند و از آنجا که اکثر آنها به کسب و کار و تجارت مشغول بودند کاروانسرای از موقوفات حاج آقا محسن اجاره نموده و در آنجا به تجارت و خرید و فروش مشغول می‌گردند به طوری که این کاروانسرا به نام ایشان معروف می‌گردد. (۱)

اولین خبر در مورد کلیمیان اراک مربوط به حدود سال‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ قمری مصادف با حدود سال‌های ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳ شمسی می‌گردد و آن مربوط است به نزاعی که بین مسلمانان و کلیمیان در بازار رخ می‌دهد. مرحوم ابراهیم دهگان در کتاب «کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک» مشروح آن را به شکل ذیل بازگو نموده است: «در اواخر ۱۳۱۱ حکومت عراق [اراک] نصیب نواب والا عمادالدوله گردید. حدود ۱۴ ماه به عنوان فرماندار در عراق [اراک] حکومت می‌کردند. از وقایع زمان ایشان جنگ بین مسلمانان و یهودیان است. شرح اجمالی داستان آن که عده‌ای از یهودیان در کاروانسرای موقوفه، مستأجر و خود را تحت حمایت مرحوم حاج آقا محسن قرار داده بودند. یک روزی یکی از مؤمنین در حین ادای فصول اذان که به پندان لعن می‌فرستاد از جمله به یهودیان نفرین کرد. دسته‌ای از جوانان یهودی به مقابله برخاستند [برخواستند]. عده‌ای از مسلمانان به کمک مؤذن، حق آنها را به کف دستشان گذاشته کار از حدود بازار بالاتر گرفت و مرحوم ضیاءالدین به کمک بازاری‌ها چریکی تهیه کرده و وارد بازار شدند و از این طرف

بیماری‌هایی چون سرماخوردگی، سیاه زخم و امثال آن را مداوا می‌کرد.

«از دهه ۱۳۴۰ پزشکان دانشگاه دیده به تدریج در این شهر خدمت کرده‌اند که می‌توان به نام‌های دکتر مرادیان، دکتر وحدت، دکتر فامیلی، دکتر صفوتی، دکتر نصرتی، دکتر داودی و دکتر سلیمانی اشاره کرد» (انجمن کلیمیان ایران، دستنویس، سال ۱۳۷۹) که برخی مقبولیت عام یافتند به طوری که در مجلس ترحیم دکتر مرادیان در سال ۱۳۷۷، بسیاری از مردم، پزشکان اراک و حتی روحانیون شهر شرکت داشته و در بزرگداشت او - که در مسجد حاج تقی‌خان اراک برگزار گردید - وعاظ، سخنرانان و شعرا به ایراد سخن پرداختند. (۲)

جزوه «اقلیت‌های مذهبی در شهرهای اراک و شازند» نیز در مورد مشاغل کلیمیان می‌نویسد:

«از دیگر مشاغلی که یهودیان اراک بدان اشتغال داشتند پارچه فروشی (بزازی) و خرازی می‌باشد که تا قبل از سال ۱۳۷۰ افراد ذیل در بازار اراک به این شغل می‌پرداخته‌اند. دانیال مرادیان، دانیال آقاییان، نصرت ا... ربانی، نجات ا... مآخانی، افلاطون مآخانی، باباجان مرادیان، موسی نیسانی، احسان ربانی، (روابط عمومی فرمانداری سرپند، اقلیت مذهبی در شهرهای اراک و شازند، ۱۳۷۷). شکر ا... مرادیان، موسی شیرازی و حبیب گبایی نیز از دیگر کلیمیانی هستند که به بزازی اشتغال داشته‌اند.

«شغل یهودیان بیشتر تجارت و فروش پارچه بود... (کندی، مهدی، راه دانش ۱۳ و ۱۴، ۹۷).

ادامه دارد

کلیمیان ساکن بوده‌اند» (سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی، آمارنامه استان مرکزی، سال ۱۳۵۰، ۱۷)

«طی سرشماری سال ۱۳۵۵، جمعیت کلیمیان استان مرکزی به مرکزیت تهران ۴۴۵۵۴ نفر برآورده گردیده است. براساس همین سرشماری جمعیت شهر اراک ۱۱۶۸۳۲ نفر و مشتمل بر ۲۴۴۹۳ خانوار بوده است که ۰/۴ درصد آن را پیروان ادیان دیگر تشکیل می‌دهد است» (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۵۵، شماره ۱۶۳، ژ)

در سرشماری سال ۱۳۶۵ جمعیت کلیمیان ایران ۲۶۳۵۴ نفر برآورد شده است که در شهرستان اراک ۴۳ نفر (۲۰ مرد و ۲۳ زن)، خمین ۲۱ نفر، ساوه ۱ نفر، سرپند ۲ نفر و محلات ۲ نفر مرد ساکن بوده‌اند. در سرشماری سال ۱۳۷۵ کل جمعیت کلیمیان استان مرکزی ۱۳ نفر اعلام می‌گردد که همگی در شهر اراک ساکن و شامل ۵ مرد و ۸ زن بوده‌اند. این امر نشان دهنده مهاجرت اکثر یهودیان از این استان می‌باشد.

برخی معتقدند که یهودیان در دوره سلطنت ناصرالدین شاه به اراک مهاجرت نموده‌اند

شغل کلیمیان

از جمله مشاغلی که کلیمیان اراک بدان می‌پرداخته‌اند طبابت بوده است. البته اینان غالباً به روش تجربی و سستی به مداوای بیماران می‌پرداخته‌اند. «نامه عراق» در مقاله‌ای به عنوان «وظایف عمومی، صحت خود را حفظ کنید» به انتقاد از مردم نادانی می‌پردازد که به جای مراجعه به پزشکان حاذق به یهودیان مدعی طبابت مراجعه می‌نمایند:

«... و به جای آن که در بحران مرض به طبیب حاذق رجوع نمایند قفل خانه فلان یهودی مدعی طبابت را می‌چسبند و بالاخره در اثر این بی‌مبالاتی و اعتقاد به خرافات خود، همسر و یا جگر گوشه نازنین را به لب پرتگاه مرگ سوق داده و با یک ضربه چکش که بر درب خانه فلان کلیمی و یا قابله غیر مجاز بی‌سواد جاهل می‌زنند و...» (نامه عراق، شماره ۱، ۱۵۱)

علی رغم این توصیف، بسیاری از مردم جهت مداوای امراض خود به پزشکان یهودی مراجعه می‌نموده‌اند و بعضی از پزشکان آنها از احترام خاصی برخوردار بوده‌اند، از جمله خانواده دکتر الهی (که بعداً مسلمان شدند، دکتر یحیی، میرزا شکر... یهودی، حکیم موسی طیبیان و برخی خانواده‌های یهودی ساکن در سنجان اراک که عبارت بودند از:

خانواده اسحاق، فرزند ربیع که مادرش کم و بیش بیماری‌های ساده را درمان می‌کرد. خانواده یونس که اطلاعات طبیبی داشته و

نوکرهاى آقا دخالت کردند و جنگ درگرفت در نتیجه پنج نفر تلفات گرفته شد؛ از طرفداران حاج آقا محسن یک نفر و از آن طرف چهار نفر. از جمله عباس کاشانی یکی از مردم گاوخانه از اطرافیان حاج ذکر کشته شد عده‌ای از مردم حصار برای شکایت به تهران رفته و سر و صدایی راه انداخته آقا را به تهران خواستند تا سال ۱۴ آقا در تهران بود. (دهگان، ابراهیم، کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک، ۱۹۸).

از این واقعه - که حدود ۸۰ سال پس از تأسیس شهر اراک اتفاق افتاده است - می‌توان نتیجه گرفت که سال‌ها پیش از این، اقلیت کلیمی در این شهر سکونت داشته و جزو اولین گروه‌های مهاجر به این شهر هستند که از مناطق یهودنشین اطراف مانند سنجان و همچنین شهرهای خمین، گلپایگان و کاشان به این شهر مهاجرت نموده‌اند.

جمعیت کلیمیان اراک

همان گونه که ذکر شد آمار دقیقی از اولین کلیمیان اراک در دست نیست ولی با توجه به وجود یهودیان در روستای «سنجان» اراک و اخبار مربوط به درگیر مسلمانان و کلیمیان در حدود سال ۱۲۷۳ شمسی (۱۳۱۲ قمری) می‌توان نتیجه گرفت که یهودیان، از اولین اقلیت‌های ساکن در شهر اراک بوده‌اند و تقریباً در پنجاه سال اول تأسیس شهر، به این شهر مهاجرت کرده‌اند.

در سال ۱۳۲۸ شمسی از کلیمیان اراک جهت انتخاب نماینده در مجلس شورای ملی، رأی‌گیری به عمل می‌آید که در رأی‌گیری ۴۷۶ برگ تعرفه توزیع می‌گردد (نامه عراق، شماره ۱، ۱۲۷۵، ۱۲/۲۹/۱۳۲۸) که با احتساب تقریبی جمعیتی که شرایط رأی دادن نداشته‌اند، می‌توان گفت که بیش از هزار نفر کلیمی در این شهر سکونت داشته‌اند.

رضا وکیلی طباطبایی تبریزی که در حدود سال‌های ۱۳۳۴ در شهر اراک حضور داشته است، می‌نویسد:

«از ملت یهود و بنی‌اسرائیل در شهر کلیه زیادتر از شصت نفر و معدودی خانوار نمی‌شود. کارشان دلالی و طبابت قدیمی است که بی‌علم و بی‌تجربه نسخه می‌دهند. ملا ابراهیم خان عالم آن گروه است» (وکیلی طباطبایی تبریزی، رضا، تاریخ عراق (اراک)، ۴۰۰) که البته این آمار با توجه به رأی‌گیری و آمار سال ۱۳۲۵ که در ادامه می‌آید، صحیح به نظر نمی‌رسد.

«در اولین سرشماری که در سال ۱۳۳۵ انجام می‌گیرد کل کلیمیان ایران ۶۵۲۳۲ نفر برآورد می‌گردد. در استان مرکزی به مرکزیت تهران در این سرشماری ۳۵۹۴۲ نفر یهودی ساکن بوده‌اند.

در دومین سرشماری که در سال ۱۳۴۵ انجام می‌گیرد در شهرستان اراک ۲۷۳ نفر از

زیر نویس
۱- این کاروانسرا پس از انقلاب، به سرای فلسطین تغییر نام داد و در سال ۱۳۷۰ تنها یک یهودی در آن به خرازی اشتغال داشته است.
۲- دکتر ابراهیم مرادیان در سال ۱۳۱۸ در شهرستان گلپایگان متولد شد. کمتر از یک سال داشت که به اتفاق خانواده‌اش به شهر اراک مهاجرت و دوران دبیرستان را در اراک سپری نمود. پس از پایان تحصیلات متوسطه در کنکور پزشکی تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۵ موفق به اخذ درجه دکتری از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران گردید. دوران سربازی را در روستاهای محروم شهر اراک و مدتی را در بندرعباس گذراند و پس از آن سی سال در بیمارستان راه آهن (امیرکبیر فعلی) و مطلب شخصی خود در خیابان حصار (پاسداران فعلی) مشغول خدمت به اهالی شهرستان اراک بود. هنگام جنگ تحمیلی و بمباران‌های شهرهای ایران، پیوسته در محل حضور فعال داشته و خدمت صادقانه او در مورد رسیدگی به امور مجروحین جنگ تحمیلی مورد تقدیر اولیای امور قرار گرفت. وی توسط دانشگاه علوم پزشکی اراک جزو پزشکان نمونه معرفی گردید و به خانواده نامبرده لوح تقدیر اهدا شد. وی در اسفند ماه ۱۳۷۶ به علت بیماری عازم تهران شد و در مدت کوتاهی در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۲۱ دعوت حق را لبیک گفت. (نشریه داخلی نظام پزشکی استان مرکزی، شماره ۴، سال ۱۳۷۷، ص ۳۳)

[illegible]



گرهارد شرودر، صدراعظم آلمان (وسط) در دیدار با پائول لشیپک، رئیس شورای مرکزی یهودیان آلمان (راست)

یهودیان جهان (بخش اول) یهودیان آلمان

سیمه مقتد.

در تابستان ۲۰۰۰، اولین گروه از دانش آموزان شاغل به تحصیل در مدرسه کلیمیان در مرکز شهر برلن موفق به اخذ دیپلم دبیرستان شدند. دستیابی به چنین هدفی برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم در کشور آلمان آنهم در شهری که زمانی مرکز درگیری‌های ضدیهودی بود، موفقیت بزرگی برای جامعه یهود آلمان محسوب می‌شود.

پس از صدور فرمانی مبنی بر از بین بردن یهودیان اروپایی در سال ۱۹۴۱، طی عملیات کاملاً مخفیانه‌ای یهودیان باقیمانده در آلمان، اتریش، چکسلواکی، لهستان، لیتوانی و دیگر کشورهای واقع در شمال و شرق اروپا، حتی فرانسه و هلند به اردوگاه‌های مرگ روانه شدند. طی همین وقایع میلیون‌ها یهودی از بین رفتند. آمار دقیقی از قربانیان جنگ جهانی دوم در دست نیست، در عین حال تعداد آنها حدود ۴/۵ تا ۶ میلیون نفر تخمین زده شده است.

پس از پایان جنگ جهانی دوم جامعه یهود آلمان در راه توسعه خود سه دوره را به وضوح پشت سر گذاشت: در سال ۱۹۴۵ در پی خروج و یا از بین بردن جمع کثیری از یهودیان در این کشور، تقریباً یهودیت اصیل در آلمان دیگر دیده نمی‌شد و عملاً از بین رفته بود. فقط تعداد معدودی از یهودیان اصیل آلمانی حاضر به ادامه حیات در کشوری بودند که بعد از سال ۱۹۳۳ یهودیت در آن با خطر اضمحلال روبرو بود. از طرف دیگر صدها هزار یهودی که اکثر آنها یهودیان اروپای شرقی بوده و از خطر کشتار در آلمان رهایی یافته بودند، تحت شرایط بسیار نامناسبی در سه مرکز غربی تحت اشغال متفقین زندگی می‌کردند.

در سال ۱۹۴۶ در نواحی مختلف آلمان غربی و برلن حدود دویست و پنجاه هزار یهودی سکونت داشتند. این جمعیت با سکنه یهودی سال ۱۹۳۳ کاملاً تفاوت داشت. اکثر آنها یهودیان اروپای شرقی و به جای مانده از جنگ بودند که با پنهان کردن خود یا گریز به اردوگاه‌ها از مرگ حتمی نجات یافته بودند. تعداد اندکی از آنها ملیت آلمانی داشتند. حدود یکصد هزار یهودی در سال‌های آغازین جنگ جهانی دوم به آمریکا و یکصد هزار تن دیگر به کانادا، استرالیا و اسرائیل مهاجرت نمودند. تعداد قلیل به جای مانده که حدود بیست هزار نفر بودند اکثراً به علت بیماری و ضعف جسمی قادر به ترک آلمان نبودند. با حضور همین تعداد اندک در مدت

ناکامی‌های خود می‌پنداشتند. در سال ۱۸۸۲ پس از وقوع رخدادهای خونی در روسیه جمع کثیری از یهودیان به آمریکا مهاجرت نمودند. طی سال‌های ۱۸۹۳ تا ۱۹۳۳ اتحادیه مرکزی آلمانی‌های یهودی عهده‌دار پی گیری مسایل، مشکلات و منافع یهودیان آلمان بود. در سال ۱۹۳۳ دکتر لئو بک که یک حاخام بود ریاست جامعه یهود آلمان را به عهده داشت. اما با روی کار آمدن ناسیونال - سوسیالیست‌ها اتحادیه مذکور نیز عیناً همانند سایر ارگان‌های یهودی با وجود داشتن بیش از سیصد هزار عضو منحل و دکتر بک هم تبعید شد.

در سال ۱۹۴۶ در نواحی مختلف آلمان غربی و برلن حدود دویست و پنجاه هزار یهودی سکونت داشتند

به نظر می‌آمد پس از این انحلال، حادثه تلخ دیگری برای یهودیان آلمان رقم زده نشود. اما متأسفانه چنین نشد. یهودیان اروپا از سال ۱۹۳۳ و با آغاز فرمانروایی هیتلر شدیداً تحت تعقیب قرار گرفتند. چراکه هیتلر آنها را به عنوان دشمنان حکومت خود می‌پنداشت. بر این اساس در سال ۱۹۳۵ قوانین خاصی برای یهودیان در این کشور وضع شد. مخالفت عملی حکومت با یهودیان از اواخر سال ۱۹۳۸ آغاز شد. در اکتبر این سال سربازان نازی در شبی که بعدها «شب کریستال» نام گرفت، کنیساها، منازل و محل‌های کسب متعلق به یهودیان را به آتش کشیدند. علاوه بر آن یهودیان ملزم به پرداخت مالیات جداگانه‌ای جمعاً به میزان یک میلیارد مارک رایش، واحد پول آن زمان آلمان، شدند. در انتها نیز به طور کلی اجازه شرکت در فعالیت‌های اقتصادی یا داشتن نقش‌های اجتماعی از آنها سلب شد. به دنبال این وقایع و سخت‌گیری‌های حکومت رایش بیش از دو سوم یهودیان ساکن آن موقع آلمان، این کشور را ترک کردند.

مقدمه - جهت آشنایی بیشتر با جوامع یهودی غیر ایرانی در نظر است از این پس در هر شماره یکی از این جوامع معرفی شود. متن حاضر سعی دارد در آغازین بخش این مقوله به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس شورای مرکزی یهودیان در آلمان، وضعیت یهودیان این کشور را به عنوان یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به طور کلی و اجمالی شرح دهد.

در شماره‌های آتی انجمن‌های ایالات مختلف و شهرهای مهم و مرکزی این کشور جداگانه معرفی خواهد شد.

جمهوری فدرال آلمان در اروپای مرکزی قرار دارد و از پرجمعیت‌ترین کشورهای اروپایی به شمار می‌رود. یهودیان این کشور در اواخر قرن ۱۴ میلادی در مناطق خاص خود به نام «گتو» سکونت داشتند. آنها به عنوان یک گروه اقلیت در موارد مختلفی از جمله حقوق خانواده، میزان پرداخت مالیات، نوع لباس و محل سکونت تابع قوانین خاصی بودند. حتی اشتغال به بعضی حرفه‌ها برای آنها مجاز نبود. بعضی از آنها با پرداخت مبالغ هنگفت تحت حفاظت و حمایت امپراطور وقت قرار می‌گرفتند و عده‌ای نیز با داشتن برگه‌هایی تحت عنوان «نامه‌های حفاظتی» یا (امان نامه) از هر خطری مصون بودند. قشر دیگری از یهودیان به واسطه فعالیت در دربار و عهده‌دار بودن مدیریت مالی مملکت از مصونیت بهره می‌بردند. طی جنگ‌های صلیبی، سستیز و مخالفت با یهودیان ابتدا از منطقه راین-آلمان آغاز شد و سپس با شدت بیشتری به دیگر نقاط کشانده شد. در اواخر قرن هجدهم با وضع قوانینی در مورد برابری حقوق شهروندان یهودی در آمریکا و فرانسه، یهودیان آلمان و اکثر کشورهای اروپایی نیز از این تساوی حقوق بهره‌مند شدند. اما اواسط قرن نوزدهم در آلمان و فرانسه موج جدیدی از حرکت‌های ضد یهودی همراه با ستیزهای اجتماعی به وجود آمد. زیرا آنها یهودیان را مسئول



نصب تابلوی تحریم بر مغازه‌های یهودیان - ۱۹۳۳

اعضای زیادی را جذب نمود. بدین ترتیب مجدداً اجتماعات کوچک و انگشت شمار یهودی به اجتماعی مهم و قابل توجه در جامعه اکثریت تبدیل شد. فروپاشی دیوار برلن و خاتمه دوران حیات کمونیست باعث شد یهودیان در کنار یکدیگر در آلمانی متحد و واحد زندگی کنند.

از جهتی دیگر سقوط کمونیست، مهاجرت بسیاری از یهودیان را از دیگر کشورهای اروپای شرقی به آلمان میسر ساخت. به همین جهت طی ده سال اخیر اعضای انجمن‌ها تا سه برابر افزایش یافته است و به نظر می‌آید در سال‌های آتی این ترتیب دوره جدیدی در حیات یهودیان آلمان آغاز شد. در این راستا حمایت و پشتیبانی شورای مرکزی یهودیان آلمان از این مهاجرین بی تأثیر نبوده است. چرا که این شورا خود را متعهد می‌داند از ورود آنها به گرمی استقبال کند و آنان را در آغاز مرحله جدیدی از زندگی خود یاری دهد. البته زحمت اصلی به دوش انجمن‌هایی است که باید به نوعی جمع تازه را با ساختار حاکم در انجمن‌ها هماهنگ سازند.

در تابستان ۱۹۹۷ کرسی استادی در رشته «تاریخ و فرهنگ یهود» در یکی از معروف‌ترین دانشگاه‌های مونیخ به نام لودویگ - ماکسیمیلیان به عنوان اولین تشکیلات ایجاد شده در یک موسسه علوم تاریخی شروع به کار کرد. از محاسن وجود چنین دانشکده‌ای می‌توان به تحقیق و تفحص و آموزش مداوم و منظم در تاریخ و فرهنگ یهود، ارائه پایان‌نامه‌های دانشجویان و افزایش آگاهی علمی در این زمینه راستا اشاره نمود. بدین ترتیب تاریخ و فرهنگ یهود نه به عنوان یک واحد درسی از درس پایه یا غیر اصلی بلکه به عنوان یک واحد درسی محسوب می‌شود که هر دانشجویی مجاز به انتخاب آن می‌باشد. این واحد بر اساس اهمیت زمانی و تاریخی در سه مقطع تاریخ قدیم، تاریخ قرون وسطی و تاریخ نوین ارائه می‌شود. در راستای

سرعت این مرکز راه اندازی شد و کماکان به عنوان ارگانی لاینفک و متعلق به جامعه یهود آلمان در راستای حیات این جامعه به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

پس از گذشت دو دهه از تأسیس شورای مرکزی یهودیان، در سال تحصیلی ۸۰-۱۹۷۹ دانشگاه علوم یهودیت در هایدلبرگ (آلمان) گشایش یافت. متقاضیان اخذ دیپلم حاخامی با گذراندن دوره‌های خاصی موفق به اخذ مدرک مربوطه می‌شوند. برای فعالین امور اجتماعی، پیش‌نمازها یا پرسنل اداری انجمن کلیه‌شان شهرهای مختلف نیز دوره‌های آموزشی مختلفی در نظر گرفته شد. در همان سال همزمان با برگزاری سمیناری به نام «سمینار حخامیم»، کرسی استادی به نام «ایگناتز بویس» (Ignatz Bubis) در دانشگاه شکل گرفت. مرحوم «ایگناتز بویس» طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ ریاست شورای یهودیان آلمان را بر عهده داشت. اهمیت تأسیس این دانشگاه از نظر تاریخی قابل وصف نیست، فقط می‌توان گفت شورای مرکزی یهودیان آلمان تأسیس این نهاد، آغاز تقویت جامعه یهودی و ادامه حیات آن را در آلمان اعلام نمود.

از جمله وظایف مهم دیگری که بر عهده شورای مرکزی یهودیان گذاشته شده است، اطلاع‌رسانی راجع به وضعیت حیات و تکامل جامعه یهودی در آلمان و خارج از آن می‌باشد. هفته‌نامه جامعه یهود که شماره آغازین آن در سال ۱۹۲۶ منتشر شد، در بدو امر پل ارتباطی میان یهودیان و انجمن‌های باقیمانده بعد از جنگ بود. این هفته‌نامه از سال ۱۹۷۳ توسط شرکتی که مسئول چاپ مطبوعات یهودی است و تحت نظر شورای مرکزی یهودیان آلمان فعالیت دارد به چاپ می‌رسد و عملاً پاسخگوی این اطلاع‌رسانی است.

در سال ۱۹۸۹ کشور آلمان با تحول بزرگ دیگری روبرو شد که بی تأثیر بر قشر اقلیت و جامعه یهود نیز نبود. با فروپاشی نظام کمونیستی در سوم ماه اکتبر دیوار میان دو آلمان غربی و شرقی برداشته شد و آلمانی متحد در جغرافیای اروپا شکل گرفت. طی چهارده از تأسیس جمهوری فدرال آلمان تا اتحاد مجدد دو آلمان، عادی ساختن زندگی جامعه یهود آلمان و همزیستی مهاجرین یهود از اروپای شرقی با غربی‌ها به طور نامحسوس و مداوم ادامه داشت. به همین جهت در اکثر ایالات آلمان و شهر برلن که پس از اتحاد دو آلمان پایتخت این کشور محسوب می‌شود، انجمن‌هایی متعلق به یهودیان تشکیل یافت. اهم وظایف این انجمن‌ها در امور فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و پرورشی خلاصه شد و به همین جهت

کوتاهی کمیته‌هایی با هدف تشکیل ساختارهایی انجمن گونه تشکیل یافتمند. وظیفه اصلی آنها تأمین کمک‌های اجتماعی و درمانی، نگهداری افراد سالخورده، مشاوره با افرادی که مایل به مهاجرت بودند و برگزاری مراسم مذهبی و به عبارتی حفظ دین بود. انجمن‌های تشکیل شده در آن موقع با مفهوم فعلی انجمن کاملاً تفاوت داشت. اکثر موسسین و گردانندگان این انجمن‌ها نمی‌دانستند که اصولاً در آلمان باید همانند یا این کشور را ترک خواهند کرد. به عبارتی می‌توان گفت آن زمان «دوره زندگی با چمدان‌های آماده» بود. در عین حال در سال ۱۹۴۶ برای اولین بار هفته‌نامه‌ای متعلق به جامعه یهود انتشار یافت که هدف اصلی آن برقراری ارتباط میان تعداد قلیل یهودیان به جای مانده و انجمن‌های مربوطه بود. در سال ۱۹۴۸ کنگره جهانی یهود طی بیانیه‌ای از یهودیان سراسر جهان خواست که دیگر قدم به محدوده کشور آلمان نگذارند.

در تابستان ۱۹۹۷ کرسی استادی در رشته «تاریخ و فرهنگ یهود» در یکی از معروف‌ترین دانشگاه‌های مونیخ شروع به کار کرد

اما بر خلاف همه پیش‌بینی‌های منفی، در مدت کوتاهی مجدداً در مناطق مختلف آلمان انجمن‌های یهودیان و به دنبال آن نیز انجمن‌های کل مربوط به هر ایالت تشکیل شدند. بدین ترتیب در سال ۱۹۵۰ تقریباً همزمان با تأسیس جمهوری فدرال آلمان، شورای مرکزی یهودیان در این کشور نیز پایه‌گذاری شد. موسسین این شورا امیدوار به پی‌گیری منافع و مشکلات و ایجاد امکانات بهتری برای حدود بیست هزار یهودی آلمانی به جای مانده در آلمان بودند. این شورا با شکل‌نمایندگان ارگان‌های یهودی در چهار حوزه اشغال شده آلمان در نوزدهم ژوئیه ۱۹۵۰ و تنظیم اسانامه‌ای برای انجمن‌های یهودی در حال تشکیل، تأسیس یافت. هدف از تأسیس این شورا این گونه تشریح شد: «ایجاد حیات مجدد برای جامعه یهود در آلمان، پذیرش یهودیت به عنوان یک هویت، مراقبت از جامعه یهود و به طور کلی تأمین آزادی مطلق اجتماعی برای هر یک از اعضای انجمن».

شورای مرکزی یهودیان آلمان با توجه به ساختار اجتماعی و به ویژه ارایه کمک لازم به پناهندگان نیازمند و بازماندگان هالاکاست، مرکز امور خیریه را مجدداً تشکیل داد. این مرکز قبل از جنگ فعالیت کرد اما پس از آن دیگر نشانی از ساختمان و اعضای آن به جای نمانده بود. اما در مدت نسبتاً کوتاهی به

کتاب پیامبران...

(ادامه از صفحه ۲۹)

دوران ظهور ناجی برگشت آن هماهنگی است، منتها این بار انسان خود را در متن تاریخ می‌بیند. عصر ظهور ناجی نه پایان تاریخ که نماینده آغاز واقعی تاریخ انسان خواهد شد، زیرا در آن دوران بشر بر همه موانعی که او را از انسان کامل شدن باز داشته است پیروز خواهد گردید.

قبلا درباره نفوذ بنیادی عقیده بر دوران ظهور ناجی در تکامل نوع بشر سخن گفتم. شاید هیچ عقیده‌ای به اندازه آن در اعتلا ما مؤثر نباشد. بی‌آنکه وارد جزئیات شوم می‌خواهم بگویم که مسیحیت و سوسیالیسم عمیقاً متأثر از عقیده بر ظهور ناجی بوده‌اند، گرچه هر کدام شکل متفاوتی به آن داده و تا حدی از مسیری که گفتم منحرف شده‌اند. عقیده بر ظهور ناجی در تمام طول تاریخ زنده نگه داشته شده است. گرچه مانند خود مسیحیت گاهی دچار زوال و حتی فساد گردیده، اما هرگز نمرده و مانند بذری زنده مانده است. آن عقیده امروز هم به صورت مختلف دیده می‌شود، که سوسیالیسم نمونه‌ای از آن است. سوسیالیسم اومانیتی مارکس وسیله کشورهای به اصطلاح سوسیالیست با سرعت و شدت به تباهی کشیده شده است، اما بازهم تخم آن به کلی نمرده است. زنده شدن مکرر نوع غیر دینی عقیده بر ظهور ناجی را در سوسیالیسم مارکسیستی و نه در بین سوسیال دموکرات‌ها یا سوسیالیسم کمونیستی، می‌توان دید. مبالغه نخواهد بود اگر گفته شود که جامعه نوین بدون عقیده بر ظهور ناجی قابل تصور نیست. و تاریخ نوین هم بی آن عقیده بر ظهور ناجی قابل درک نمی‌باشد، مگر این که معلوم شود کجا و چگونه آن عقیده پیروز یا به تباهی کشیده شده است. به همین دلیل می‌توان گفت که پیامبران امروز نیز با ما رابطه دارند زیرا اکنون هم با انتخاب‌هایی رویه‌رو هستیم که بسیار شبیه به انتخاب‌های دوران پیامبران است. باید راه‌های جایگزین مختلف را بشناسیم تا بتوانیم یکی را در پیش بگیریم. برای پی بردن به رابطه کتاب پیامبران با خود نباید منحصر به رویدادهای جاری مشغول باشیم. باید آن کتاب را بخوانیم، که اثری همچنان آور و روشنگر بوده و از هر خبر تازه تازه‌تر و روزآمدتر است و ما را از جهان حاضر آگاه می‌کند. خبرهای روز وضع موجود را نشان می‌دهند اما نوری بر آن نمی‌تاباند تا روشن شود.

پی نوشت:

۱- sooth soyer

۲- مزامیر حضرت داود- فصل ۱۱۵

۳- alientation

۴- messianic period (دوران انتظار برای ظهور)

ملحق در دین یهود و رجعت حضرت عیسی در بین مسیحیان (م)

سخن بزرگان

فرهاد روحانی

- کسی که بر نفس خود غلبه نکند به هیچ چیز غالب نخواهد شد. (زرتشت)
- یک کار نیک، گاهی یک شخص، یک ده، یک شهر یا یک ملت را رستگار می‌کند. (کونه)
- نعمت‌های خود را بشمارید، نه محرومیت‌ها را. (دیل کارنگی)
- همه می‌خواهند بشریت را عوض کنند و دروغا که هیچکس در این اندیشه نیست که خود را عوض کند. (تولستوی)
- تنها کسی موفق می‌شود که به انتظار دیگران ننشیند. (شیلر)
- بر روی زمین چیزی بزرگ‌تر از انسان نیست و در انسان چیزی بزرگ‌تر از فکر او. (همپتون)
- عمر آن قدر کوتاه است که نمی‌ارزد آدم حقیر و کوچک بماند. (دیورانتی)
- چیزی ساده‌تر از بزرگی نیست، آری ساده بودن همانا بزرگ بودن است. (امرسون)
- جهان هر کس به اندازه وسعت فکر اوست. (محمد حجازی)
- هنر، کلید فهم زندگی است. (اسکاردابلند)
- تغییر دهندگان اثر گذار در جهان کسانی هستند که بر خلاف جریان آب شنا می‌کنند. (والتریس)
- در جستجوی نور باش، نور را می‌یابی. (آرنت)
- طبیعت تمام شگفتی‌های پنهان را آشکار می‌سازد. (شکسپیر)
- شب، آنگاه، زیباست که نور را باور داشته باشیم. (دوروتیان)
- تنها آرامش و سکوت سرچشمه نیروی لایزال است. (دامتوفسکی)
- آنقدر به تاریکی لعنت نفرستید، یک شمع روشن کنید. (کفوسیوس)
- شاخ پر بار سر بر زمین می‌نهد و عظمت آن همچنان در فروتنی او جلوه‌گر است. (گاندی)
- ثروت و افتخاری که از راه نامشروع به دست آمده، مانند ابری زود گذر است. (کفوسیوس)

فرهام نمودن تحصیلات آکادمیک در رشته تاریخ و فرهنگ یهود در این دانشکده از پاییز سال ۱۹۹۹ آموزش زبان عبری جدید نیز آغاز گردید. گشایش چنین واحد درسی در یک دانشکده علوم تاریخی برای اولین بار صورت گرفت. از آن زمان تاکنون واحدهای درسی برای دانشجویان و مستمعین آزاد ارایه می‌شود. نکته ای که پس از تاسیس این بخش آموزشی جلب توجه می‌کند استقبال از کلاس‌های عبری جدید و زبان ییدیش است. علاوه بر آن کتابخانه این دانشگاه موفق شده است طی دو سال اخیر با تهیه انتشارات جدیدی از امریکا راجع به تاریخ یهود در کنار کتابخانه دولتی ایالت باواریا گسترش یابد.

در مقاطع تحصیلی قبل از دانشگاه نیز جامعه یهود آلمان پس از جنگ فعالیت خود را مجدداً از سر گرفت. در تابستان ۲۰۰۰، اولین گروه از دانش آموزان شاغل به تحصیل در مدرسه کلیمیان در مرکز شهر برلن موفق به اخذ دیپلم دبیرستان شدند. دستیابی به چنین هدفی برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم در کشور آلمان آنهم در شهری که زمانی مرکز درگیری‌های ضدیهودی بود، موفقیت بزرگی برای جامعه یهود آلمان محسوب می‌شود. ساختمان این مدرسه خصوصی که زمانی محل انتقال یهودیان به اردوگاه‌های مرگ بود، هم اکنون پرورش دهنده ذهن‌های فعال و متفکری است که اعم از یهودی و غیر یهودی به دور از هر تعصب در این مدرسه به تحصیل اشتغال دارند.

جامعه یهود آلمان از لحاظ رعایت اصول شرعی نیز تا حد توان فعال بوده است. هم اکنون در اکثر شهرهای مرکزی این کشور از جمله برلن، فرانکفورت و مونیخ خوراک‌های تهیه شده بر اساس قوانین شرعی (کاشر) اعم از لبنیات، خوراک‌های غیرلبنی و غیره عرضه می‌شود. علاوه بر موارد فوق انجام مراسم مذهبی در اعیاد و روزهای مقدس در کلیه کنیساها انجام می‌گیرد. نمازهای جماعتی واجب سه گانه در سایر روزهای سال نیز در شهرهای بزرگ و مراکز ایالتی با شرکت علاقمندان برگزار می‌شود.

جدیدترین فعالیت جامعه یهود آلمان که تعداد افراد آن در حال حاضر بالغ بر هشتاد هزار تن می‌باشد، برگزاری جشن پنجاهمین سالگرد تاسیس شورای مرکزی یهودیان آلمان در ژوئیه سال گذشته میلادی بوده است. در این مراسم که با حضور صدراعظم این کشور برگزار شد، رییس فعلی این شورا ضمن قدردانی از زحمات روسای قبلی، گزارشی از فعالیت‌های انجام شده و برنامه‌های آتی این شورا ارایه نمود.



مرغ سحر موسیقی ایران

مصاحبه‌ای منتشر نشده به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد استاد «مرتضی نی داود»

بخش اول

بهروز مبصری

شفافیت، سرعت و چابکی دست چپ این هنرمندان بزرگ است. از اولین آثار به جا مانده از کلیمیان هنرمند، می‌توان به صفحه تار ماهور به نوازندگی هارون جزاسند (یحیی زرینجه) اشاره داشت. (برگرفته از متن سخنرانی ۷۹/۱۰/۲۲ فرهنگسرای آینه- اراک)

من خیال می‌کنم که جاز موسیقی نیست. معذالک می‌گویم که این جازی‌ها هم بایستی باشند... اگر اینها نباشند این اندازه موسیقی ایرانی نمی‌تواند جلوه کند

- آقای نی داود معلم شما چه کسی بود؟

- تقریباً ۶ ساله بودم که با پدرم به خدمت مرحوم آقا حسینقلی رسیدم و از استعداد بنده خیلی تعریف می‌کرد. مدتی نزد ایشان بودم و دوره‌های مرحوم آقا حسینقلی را تمام فرا گرفتم. بعد که دوره آقا حسینقلی تمام شد، پدر بنده مرا برد به خدمت درویش خان. آن وقت‌ها که خدمت آقا حسینقلی بودم شناسنامه و اینها نبود.

درویش خان کسی بود که در موسیقی انقلاب کرد و انقلاب در موسیقی ایرانی به نام ایشان است. اولاً تار پنج سیم داشت. در زمان آقا حسینقلی، مرحوم درویش خان ۵ سیم تار را کرد ۶ سیم. یک سیم اضافه کرد به تار و این خدمتی بود که درویش خان کرد. پیش در آمد و تصنیف و رنگ به این شکل‌های امروزی که هست نبود. تمام اینها را درویش خان تنظیم کرد و مبتکر این کار ایشان بود. ایشان خیلی خیلی به موسیقی ایرانی خدمت کرد.

نام فامیل بنده را هم درویش خان برای بنده انتخاب کرد، یعنی به پدرم گفت که شما نام فامیلتان را «نی داود» بگذارید. «نی داود» آوازی است که از ملحقات دستگاه هماپون است. هماپون خیلی گوشه دارد. چکاوک- پیساد- بساوی- جامه‌دران- نی داود و... گوشه‌های دیگر را هیچکدام مردم امروزی آشنا نیستند.

تصنیف خوانی بیشتر مربوط به همین گروه بود. به همین دلیل تصنیف به مفهوم واقعی در ردیف موسیقی ایران وجود ندارد و رسمی نیست و بیشتر در حاشیه قرار دارد. در اوایل حکومت قاجاریه که تهران به عنوان پایتخت برگزیده شد، بسیاری از کلیمی‌های تصنیف‌خوان از شیراز به تهران آمدند و در پایتخت، در هنر خود رشد کردند. به همین خاطر تصنیف‌های شیرازی از لطافت خاصی برخوردارند زیرا تعداد کلیمیان شیراز در آن زمان بیشتر و رونق موسیقی از نوع تصنیف خوانی در اوج بوده است. حتی علی اکبر شیدا، تصنیف ساز بزرگ موسیقی ایرانی نیز که تصنیف را به فرم موسیقی ردیفی نزدیک کرد، خود تحت تاثیر همین گروه است و دل به دختری کلیمی سپرده و برای او تصنیف‌های زیبایی ساخته، زیرا می‌دانسته که دقیقاً این گروه از چه نوع موسیقی بهره می‌برده‌اند.

اما گروه دوم، نوازندگانی بودند که از نظر قدرت نوازندگی و دانش هم پایه میرزا عبدا... و میرزا حسینقلی بوده‌اند و خود، مخاطب را انتخاب می‌کردند یعنی هر جا که می‌خواستند می‌رفتند و از عمق و غنای فرهنگی خاصی در موسیقی برخوردار بوده‌اند. از آن میان می‌توان به نوازنده تار، «داود شیرازی» که هم نسل میرزا عبدا... و میرزا حسینقلی بوده و ردیف‌ها را به خوبی می‌دانسته و پسرش اسماعیل شیرازی (۱) اشاره کرد.

باید اذعان داشت که در ردیف موسیقی ایرانی، بیش از ۵۰٪ گوشه‌ها از فرهنگ دینی برخوردار است و نوازندگان کلیمی چون «یحیی زرینجه» (هارون جزاسند)، متوفی به سال ۱۳۱۱، غنای فرهنگی و معنویت آن را درک کرده بودند و در حین نواختن گوشه‌های موسیقی ایرانی، سرودهای مذهبی خود را اجرا می‌کردند (و نیز نوازندگانی چون مرتضی نی داود، موسی نی داود و...). این موضوع از آثار به جا مانده از نوازندگی تار، لهجه کلیمی و شیوه نواختن آنها کاملاً هویدا است. آنچه می‌توان به آن اشاره کرد، قدرت فوق العاده مضارب‌ها،

اشاره: مرتضی نی داود، از مشهورترین موسیقیدان‌های یهودی معاصر ایران است. در سال ۱۲۷۹ شمسی در تهران به دنیا آمد و پس از عمری فعالیت هنری و فرهنگی، در سال ۱۳۶۹ در لوس آنجلس درگذشت. نی داود زمانی قبل از انقلاب برای ضبط ردیف‌های موسیقی ایرانی به وزارت اطلاعات وقت دعوت شد اما پس از انقلاب این نوارها مفقود شد. یک استاد موسیقی به نام مهدی کمالیان در آمریکا، یک نسخه از نوارها را از خود نی داود گرفت و به ایران آورد. یکی از نوارها، مربوط به مصاحبه‌ای است در سال ۱۳۵۵ که یک سرگرد شهرستانی به نام مرحوم «علی مبشر» که نوازنده ویلن بود، در منزل نی داود با وی انجام داده است. نویسنده مطلب آقای بهروز مبصری، متولد ۱۳۳۶ است. وی شاگرد محمدرضا لطفی (نوازنده و استاد بزرگ تار) و از سال ۷۳ خدمت مرحوم استاد کمالیان (سازنده سه تار) از دوستان صمیمی نی داود بوده است. مبصری به تحقیق در آرشیو موسیقی ایرانی مشغول است و از سال ۷۲، به عنوان اولین کارشناس موسیقی استان مرکزی شناخته شده است.

مقدمه: نوازندگان کلیمی ایران در دوره‌ای از تاریخ این سرزمین، نگهدار ردیف سازی موسیقی ایرانی بوده‌اند. به طور کلی، نوازندگان کلیمی در ایران به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول، مربوط به دوران گذشته است که بیشتر تصنیف و ضربی خوان‌ها در کوچه و بازار بوده‌اند و بیشتر مضامین اجتماعی داشته‌اند تا غنای فرهنگی موسیقی ایرانی. متأسفانه این نوازندگان حق انتخاب مخاطب را نداشته‌اند بلکه بالعکس مخاطبان به آنها می‌گفتند که چه بنوازند و چه نوازند. در نتیجه از عمق فرهنگی و معنویت موسیقی ایرانی دور می‌شدند و مردم عام نیز پندارشان از موسیقی همین‌ها بود که می‌دیدند. اما در میان این گروه از نوازندگان، عالمی از تصنیف‌های قدیمی و رنگ‌های فوق العاده زیبای ضربی وجود داشت و تصنیف سازی و

حسین تهرانی ما چند نفر هر شب برنامه اجرا می کردیم و تماماً زنده پخش می شد. دو قسمت ارکستر بودیم که همین عده بودیم و بعد از کار ارکستری (تک تک) نکتوازی می کردیم.

آخر شب هم یک نفر از این جمع می بایستی ساعت ۱۰ شب تک نوازی ساز می کرد که مدت آن نیم ساعت بود. نیم ساعت تک نوازی مشکل است. اگر موسیقی عمقی ندانید اشکال پیدا می کند. اگر ۲۹۷ گوشه موسیقی را بدانید می توانید بزنید.

ماهور کمتر از شور ملحقیات دارد و همایون کمتر از هر دوی اینها. سه گاه- چهارگاه- نوا- راست پنج گاه از همه بیشتر دارد. اگر اینها را ندانند نمی توانند تک نوازی بکنند مگر این که تکرار بکنند تکرار هم درست نیست و غلط است.

- تصانیف زیادی ساخته اید در مورد تصنیف مرغ سحر توضیح بدهید.

- اولاً تصنیف مرغ سحر یک سوزهای شد برای بنده. مرغ سحر که ساختم نه شاد است و نه غم انگیز. آهنگ هم نه غم دارد و نه شادی- شعر هم متوسط است: «مرغ سحر ناله سرکن» نه شعر آن غمگین است و نه آهنگ آن.

عارف قزوینی آهنگی ساخته «گریه کن که گر سبیل خون گریه نمر ندارد». خوب آهنگ غم انگیز است. شعر هم غم انگیز است. اگر شعر هم خوانده نشود از آهنگ آن پیداست که آهنگ و شعر خیلی غمگین است. عارف هم آهنگ و هم شعر را خودش ساخته.

ولی شعر مرغ سحر را مرحوم ملک الشعراء بهار ساخته، حالا چطور شده که این طور است چی شده که قالب هم است.

شاید بیش از ۲۰ مرتبه بنده برای مرحوم ملک الشعراء بهار آهنگ را نواختم و این آهنگ را ایشان حفظ کرده که بتواند در قالب این آهنگ چه شعری بگوید.

مرغ سحر را که ساختم شاعر دیگری هم بود. ولی مرحوم ملک الشعراء بهار با مرحوم درویش خان دوست بودند. تمام آهنگ هایی که درویش خان ساخت با مرحوم ملک الشعراء می ساختند یعنی شعر و آهنگ را با هم می ساختند.

والحق و الانصاف بهترین تصانیف را بعد از شیدا ساخت. روی دست تصانیف شیدا نظیرش را نمی شود پیدا کرد. شیدا یک استثنا است ولی مال مرحوم ملک الشعراء و درویش خان خیلی خیلی خوب بود. من تصور می کنم که همه ایرانی ها از موسیقی ایرانی لذت می برند.

(ادامه در صفحه ۴۲)

بود. در اول حتی یک گوشه از ردیف هم بلد نبود و بنده یادشان دادم. استعداد خیلی عالی داشت، خیلی عالی.

صدا دو قسمت دارد، یا قدرت دارد [اما] ظرافت ندارد. امکان دارد ظرافت داشته باشد [اما] قدرت نداشته باشد. این دو تا خیلی کم اتفاق می افتد که هر دو در یک نفر جمع باشد، یعنی قدرت و ظرافت. قمر هر دو اینها را داشت و صدایش کم نظیر بود.

قمر موسیقیدان عالی نبود اما همه را با صدایش راضی می کرد. صدایش بی نظیر بود. قمر نزد بنده حدود ۱۰ سال به طور مداوم کار کرد و بعد صفحاتی پر کرد. با ارکستر مدرسه بنده یا با تار تنها.

مرحوم «ارسلان درگاهی» هم با قمر کار کرد و صفحه پر کرد. ارسلان درگاهی هم شاگرد بنده بود. بنده قربان شاگرد زیاد داشتم. ارسلان درگاهی دوره موسیقی را تمام نکرد ولی آنقدری که کار کرد، خوب کار کرد. ارسلان درگاهی جزو کسانی است که خوب کار کرد. قمر با دو کمپانی هنر ماسترویس و پولیفون صفحاتی را پر کرد.

- نظرتان درباره موسیقی جاز چیست؟
- جاز یک فرم و یک موضوع دیگری است. به عقیده بنده، من خیال می کنم که جاز موسیقی نیست. معذالک می گویم که این جازها هم بایستی باشند. به مناسبت اینکه ما یک چیز اینطوری که داشته باشیم موسیقی اصیل ما می تواند خودش را نشان بدهد. اگر اینها نباشند این اندازه موسیقی ایرانی نمی تواند جلوه کند.

جازها جلوه های موسیقی سنتی و اصیل ما را نشان می دهند، به عقیده بنده.

- بعد از فوت درویش خان کلاس او تا کی برپا بود و فعالیت شما تا کی بود؟

- بعد از مرحوم درویش خان، مدت زیادی کلاس او دایر نبود و کلاش بهم خورد. بنده خودم آمدم خیابان فردوسی در کوچه ای که قدیم می گفتند کوچه بختیاری ها، الان می گویند کوچه بانک؛ آنجا مدرسه موسیقی دایر کردم و با اجازه وزارت فرهنگ و معارف مشغول کار شدم. افرادی مانند قمر آنجا درس موسیقی گرفتند. بعد از بهم خوردن کلاس درویش خان تمام شاگردان کلاس درویش خان آمدند کلاس بنده. مدرسه بود که اجازه نامه اش را آقای علی اصغر حکمت که وزیر بودند به من دادند. الان هم دارم.

از رادیو خاطره ای دارید؟

بله قربان... همان شب اول، آقای ابوالحسن صبا ویلن می زد. حبیب سماعی ستور می زد. مرتضی محجوبی پیانو. بنده تار می زدم و یک نفر ضرب گیر هم بود. غیر از

بنده قربان ۷ دستگاه را ضبط کردم، در اداره اطلاعات با این سن و سال بالا.

نام فامیل مرا ایشان انتخاب کرد. آن وقت من ۱۵ ساله بودم و درویش خان بیش از همه بنده را تشویق می کرد و می گفت که استعدادت خارق العاده است.

- می گویند کلاس درویش خان را شما اداره می کردید.

- بله قربان. آخر عمر که درویش خان خیلی فرسوده شده بود بنده کلاس ایشان را اداره می کردم. با این که مدرسه هم می رفتم کلاس ایشان را هم اداره می کردم. یک کلاس کوچک هم در منزل داشتم یعنی هم مدرسه می رفتم هم کلاس درویش خان را اداره می کردم. البته کلاس درویش خان بعد از ظهرها بود. بنده ۶ ساله بودم خدمت میرزا حسینقلی رسیدم و از سن ۱۴-۱۳ سالگی خدمت درویش خان بودم. مدت ۸ سال در خدمت درویش خان بودم.

درویش خان مرا مثل فرزند خودش دوست داشت. درویش خان خیلی زود فرسوده شد. سن زیادی نداشت. درویش خان با تصادفی که به خودش هیچ آسیبی نرسید فوت کرد. یک اتومبیل از شمال خیابان امیریه می رفت به جنوب و درویش خان با درشکه از جنوب خیابان امیریه به سمت شمال می رفت که با اتومبیل تصادف کرد. اتومبیل به اسب های درشکه برخورد کرد و اسب ها زخمی شدند. هیچ جور آسیبی به درویش خان نرسید ولی ترس و اضطراب، درویش خان را مریض کرد و در بیمارستان فوت کرد. یک هفته در بیمارستان بود، هیچ آسیبی به ایشان نرسیده بود.

این تصانیفی که الان می سازند و جازی است، آهنگ شاد است، یعنی آهنگ همان رنگ های قدیمی خودمان است و ۶ و ۸ است و رنگ رقص است. ولی شعر چی؟ شعر هم بایستی شاد باشد، برای این که آهنگ شاد است ولی متأسفانه شاد نیست. همه اش شکایت، همه اش بدبختی

- آقای نی داود چه کسانی شاگردان شما بودند؟

- قربان! الان آن شاگردان همه شان وزیر و وکیل، سرلشگر هستند. شاید خوششان نیاید که بنده نامشان را ببرم. عذر می خواهم. فقط بنده «قمر» را می توانم نام ببرم. من مدرسه موسیقی داشتم که با اجازه اداره معارف که دکتر حکمت وزیر وقت بود به من داد. قمر شاگرد این مدرسه بود. قمر الملوک وزیری از قزوین آمد به تهران. صدای خیلی خوبی داشت. صدایش عالی



قدر معلم ز پدر بیشتر

خاطره‌ای از دوران تدریس

شهین نکویی

قطرات باران به روی شیروانی‌های منازل آهنگ غم‌انگیزی به گوش می‌رسید. قطره‌های درشت باران همچون مرواریدی از روی شاخ و برگ درختان به پایین می‌غلطید و لحظه‌ای بعد در میان سیلاب محو می‌شد. گویی چشمه‌های آسمان می‌جوشید و مانند فواره به زمین می‌ریخت. هر چه منتظر تاکسی شدم خبری نشد. مجبور شدم با وجود مشکلات زیاد، مقداری از راه را پیاده طی کنم. همین که مسافتی از راه را پیاده رفتم ناگاه در پناه دیوار خیابانی که آب باران از دو طرف آن روان بود، فرهاد را دیدم که تخته چوبی را با زنجیر به گردن آویخته و چندتایی آدامس و شکلات و بادکنک و... روی آن گذاشته و فریاد می‌زد: «بخرید، تو را خدا یک چیزی از من بخرید».

آخر چرا این کودک با این دست‌های کوچک زیر باران ایستاده و التماس می‌کند؟

سست شدم و جلوتر رفتم. سعی کردم مرا نبیند. او با احتیاط دست‌هایش را به کنار دیواری می‌کشید و آهسته قدم برمی‌داشت. صورت زیبایش را هاله‌ای از غم پوشانده بود. از سرما کبود به نظر می‌رسید. از روی نایلونی که روی سرش کشیده بود، آب جاری می‌شد. در خود فرو رفته بودم. اندکی مات و مبهوت به او نگاه کردم اما او خوشبختانه مرا ندید. با خود گفتم اگر او مرا ببیند ممکن است بترسد و یا شرمند شود که چرا به مدرسه نیامده است. مردد بودم آیا به او نزدیک شوم یا او را به حال خود رها کنم. حیف است که این کودک با این سن کم در این روز بارانی که همه بچه‌های همسن و سال او در کنار بخاری‌های گرم خود آرمیده‌اند و از محبت پدر و مادر فیض می‌برند، زیر باران به خاطر فروش یک آدامس یا چیزهای بی ارزش دیگر مدرسه را رها کند و در خیابان‌ها پرسه زند. از

تهران تدریس می‌کردم. شاگردانی با نشاط و ساعی و زرتنگ داشتم که با دیدن آنها تمام غصه‌های زندگی‌م فراموش می‌شد. این کوچولوهای عزیز مرا مشغول می‌کردند. دوستان داشتم و دوستم داشتم.

همه شاد و خندان بودند. شیطان‌های کوچولو و ناآرام که با کوچک‌ترین عکس العملی خنده‌اشان به آسمان می‌رفت. اما در بین آنها، کوچولوی غمگینی نظرم را جلب کرد. او هرگز لیختنی به لب نداشت و با آنکه سعی و کوششم برای خوشحالی او صرف می‌شد ولی روز به روز غمگین‌تر، گوشه‌گیرتر و رنگ پریده‌تر بود. با کسی حرفی نمی‌زد. دوست داشت همیشه در گوشه خلوتی تنها بماند، چشمانش نم اشک داشت. گونه‌اش زرد و رنگ پریده و گویی با زمین و زمان قهر بود. این دانش آموز مرا به تفکر واداشت. همیشه درس‌هایش ناخوانده بود و تکالیفش ننوشته، ولی باهوش و با استعداد. به دنبال علت گشتم: خدا، یا! چه کاری از دستم برمی‌آید. دلم می‌خواست او را خوشحال و شاد گردانم. می‌خواستم او هم مانند کودکان دیگر به بازی بپردازد. شیطنت کودکانه داشته باشد. جست و خیز کند. بارها او را آزمودم و علت را نیافتم. حالا چرا و به چه علت و روی چه خصوصیاتی این بچه تا این حد غمگین است نمی‌دانم. بیشتر اوقات او را زیر نظر داشتم. گاهی با او شوخی می‌کردم ولی هیچ عکس‌العملی از طرف او دریافت نمی‌کردم. روزها گذشت و سپری شد و او (اجازه بدهید او را فرهاد صدا کنم) همچنان غمگین و مایوس با رنج و هرمان در دنیای بی امید سیر می‌کرد.

آن روز را خوب به خاطر دارم. حاضر غایب کردم، فرهاد غایب بود و ما در آخر ساعات درسی شورای معلمین داشتیم. شورا چند ساعتی طول کشید. دیروقت بود. می‌خواستم به خانه برگردم. آن روز باران به شدت می‌بارید. از صدای یکنواخت ریزش

مشکل بتوان خاطرات و تجربه‌های تربیتی دوران تدریس را در مدارس مختلف در چند ورق خلاصه کرد. خاطره‌ها بسیارند و تجربه‌هایی که از این خاطره‌ها کسب شده، فراوان. متأسفانه زمانه خیلی بی رحم است. همه چیز انسان را از بین می‌برد حتی حافظه را. لحظه‌ها به ساعت‌ها، ساعت‌ها به روزها، روزها به ماه‌ها و فصل‌ها و سال‌ها می‌پیوند و عمری طی می‌شود، آن وقت تجربه به حد تکامل می‌رسد که دیگر دیر شده است.

من با این که زندگی و جوانی خود را در راه خدمت خلق و دانش آموزان، این سربازان نیرومند آینده باخت‌ام نه خود را مجرب می‌دانم و نه ادعایی به این دلیل دارم. فقط این را خوب می‌دانم که شغل معلمی و تدریس را عاشقانه دوست دارم. خنده شادمانه کودکان را دوست دارم. کلاس برای من به منزله هوایی است که آن را استنشام می‌کنم و زندگی را بر آن بنا نهاده‌ام. که اگر آن را از دست بدهم جهان برایم جهنمی خواهد شد و دیگر آن روز پایان تمام آرزوهایم. شاید باور نکنید که تمام خستگی‌ها، غم‌ها و ناراحتی‌های درونی من با رفتن به کلاس و تدریس از بین خواهد رفت، صدای صحبت و گفتگوی دانش آموزان به منزله صدای موسیقی است که روح و روانم را آرامش خواهد داد. بگذریم، نمی‌دانم از کدامیک از خاطرات سخن گویم، به مغز خسته‌ام فشار می‌آورم و به سال‌های دور بر می‌گردم، شانه‌ام سنگین از بار خاطرات تلخ و شیرینی است که هرگز رهایم نمی‌کنند و چون سایه به دنبال هستند. در این دوران چه سختی‌ها کشیدم. با چه مسایلی روبرو شدم و چه ناسازها شنیدم، بماند. فقط خوشحالم از این که هر کاری کردم برای رضای خدا بود.

درست به خاطر نیست بین سال‌های ۶۵-۶۴ بود آن وقت که من جوان و شاداب بودم، شور و شوق بیشتری داشتم آن سال من در کلاس دوم در یکی از مدارس عمومی

به من اطمینان داشته باشد و آرام و راحت هر چه می‌خواهد بگوید. اشک‌های پاک و معصومان‌ه‌اش روی گونه کودکانه‌اش جاری شد. عقده‌ها را گشود. دهان باز کرد و درسی آموزنده به من داد که علاوه بر تدریس دروس و سؤال و جواب و تکلیف دادن، به خود دانش آموز هم توجه داشته باشم. به درد دل آنها گوش دهم و مشکلاتشان را بررسی کنم. او چنین گفت: خانم! چندی قبل مادرم، عزیزترین و محبوبترین کسّم، را در یک حادثه دلخراش رانندگی از دست دادم. خداوند مونس و یار و یاور مرا از من گرفت. چه گریه‌ها کردم ولی بی فایده بود. بعد پدرم با این زن که نامادری من است ازدواج کرد. بعد از یکی دو ماه او بنای بد رفتاری را با من نهاد. دور از چشم پدرم که راننده بیابانی است کتکم می‌زند. در خانه مرا به کارهای سخت و طاقت فرسا و می‌دارد. گرسنه‌ام می‌گذارد، زجرم می‌دهد و اجازه نوشتن و مطالعه کردن را به من نمی‌دهد. اگر حرفی بزنم ساعت‌ها مرا در پستوی خانه زندانی می‌کند. تمام بعدازظهر تا پاسی از شب مرا برای فروش مقداری آدامس، شکلات و غیره به خیابان‌ها می‌فرستد و وای اگر پولی به خانه نبرم. او مرا تهدید کرده که اگر به کسی مخصوصاً پدرم حرفی بزنم مرا خواهد کشت. اجازه خانم، تو را خدا مبادا یکدفعه چیزی به او یگوید. او فراوان سخن گفت. دیگر علت را دریافتم. او شاخه گل زیبایی بود که در مرداب روییده باشد. حیقم آمد که این آهو بره گم کرده مادر را در لجنزار بگذارم و بگذرم. او یک انسان بود. انسان چیزی فراتر از تعریف‌های معمولی است. انسان به یک هستی بی انتها، به یک ابدیت جاوید و به یک عالم بسیار بالا تعلق دارد. او را تسلی دادم و ساعت‌ها در گوشش زمزمه محبت خواندم تا قدری آرام گرفت. به او قول دادم که همه چیز درست خواهد شد.

بعدا واقعه را به اطلاع اولیای مدرسه رساندم. جلسه‌ای محرمانه گرفتند و پدرش را مخفیانه خواستند و در حضور خود بچه تمام وقایع را به اطلاع پدر رساندند و از او قول گرفتند که خونسردانه عمل کند. بیچاره منقلب شده بود و نمی‌دانست چه بگوید. تصمیم گرفت اول تکلیف فرهاد را معین کند و بعد به امور همسرش رسیدگی کند. خلاصه مسئولیت نگهداری بچه را به عهده عمه‌اش که در نقطه دورتری سکونت داشت سپردند و او را به خانه عمه‌اش منتقل کردند. پدرش شخصا او را به مدرسه می‌آورد و شخصا برمی‌گرداند. کم کم روحیه فرهاد تغییر کرد. می‌خندید، بازی می‌کرد. حالا من از دست نامادریش چه‌ها کشیدم بماند. این جمله امام خمینی همیشه در

دارد غم‌ها را مزه‌مزه می‌کند. با لحنی مطمئن دوباره پرسیدم: فرهادجان دیروز کجا بودی؟ دلم برات تنگ شده بود. او فقط جواب داد: خانم چیزی نپرسید، نمی‌توانم جواب شما را بدهم. دیگر اصرار نکردم ولی مایوس نشدم. به فکر رسید که با اولیای او به خصوص مادرش صحبت کنم چون می‌دانستم پدرش راننده بیابانی است و اکثراً در منزل نیست. مادرش را هم بندرت دیده بودم، او اصلاً به مدرسه نمی‌آمد. با هزار زحمت و نامه نوشتن و فرستادن مستخدم به در خانه آنها، بالاخره مادرش را به مدرسه آوردم. شاید به این وسیله انگیزه اصلی غم او را دریابم. با خود فکر کردم که بهترین و نزدیک‌ترین و غمخوارترین دوست بچه، مادرش است. با او درباره رفتار فرهاد خیلی صحبت کردم ولی رفتار و سخنان مادر بیشتر مرا متعجب کرد. او مرتباً از فرهاد بدی می‌گفت. او می‌گفت فرهاد بچه لوس و نیزی است. او را خوب تنبیه کنید. او را بترسانید و در کلاس نگه دارید. می‌گفت فرهاد در منزل به من کمک نمی‌کند و خیلی حرف‌های دیگر که حوصله شنیدن آنها را نداشتم. خدایا این چه مادر است؟ مگر این دو نفر از یک رگ و خون و استخوان نیستند. مادری تا این حد سخت دل هم مگر وجود دارد. پس محبت مادری چه شده و آن همه داستان مهر مادری به کجا رفته است. این مادر بی انصاف به جای این که در پی علت باشد و چاره‌ای بیاندیشد و او را درمان کند و درد او را بفهمد، برعکس در پی آزار اوست و از زجر او لذت می‌برد. حالا دیگر امیدم به ناامیدی مبدل شده بود. ناگهان به فکر رسید که درباره خود مادر تحقیقاتی به عمل آورم.



ناامید نشدم و از پای ننشستم. باید علت این همه بی مهری را دریافت. باید قلب تاریک این مادر را بیدار کرد. باید دردها را شکافت. کلید معما باز هم خود فرهاد بود. روزی او را به گوشه خلوتی کشاندم. با هزاران هزار زبان کودکانه با او به گفتگو پرداختم. بیچاره جرأت حرف زدن را نداشت. این امید را به او دادم تا

دست من چه کاری برمی‌آمد؟ هیچ. با شال گردنم صورتم را پوشاندم و چترم را پایین‌تر گرفتم به طوری که مرا نشناسد. از جلوی او رد شدم و مقداری پول روی به اصطلاح دکه او ریختم و یک آدامس برداشتم و به سرعت گذشتم. ناگهان صدای فریاد او را شنیدم که می‌گفت: آهای خانم! بقیه پولتون! بیایید خانم، من که گدا نیستم. ولی من وانمود کردم که صدایش را نمی‌شنوم، به سرعت دور شدم اما لحظه‌ای از فکر او غافل نبودم. چرا؟ آخر چرا این کودک با این دست‌های کوچک زیر باران ایستاده و التماس می‌کند؟

به هر حال آن روز گذشت. فردا فرهاد را سر کلاس حاضر دیدم. با دقت به او نگاه کردم. عجیب بود! دست‌ها و صورتش کاملاً کبود بود، به طوری که واضح بود که تنبیه بدنی شده است. سرش را پایین انداخته بود. آهسته و آرام پرسیدم فرهاد! دیروز کجا بودی؟ دستپاچه شده و جواب داد: خا- خا- خانم! -! اجازه دیروز مریض بودم، خوابیده بودم. پرسیدم: صورتت چی شده؟ چرا دستهایت کبود است؟ هیچی خانم. چیزی نیست. هر چه اصرار کردم چیزی نگفت. شاید هنوز مرا محرم اسرار خود نمی‌دانست. با وجودی که می‌دانستم دروغ می‌گوید و از فرط ناراحتی داشتم دیوانه می‌شدم، خشمگین نشدم چون خشم، واکنش هیجانی است که در اثر عوامل گوناگون در انسان بروز می‌کند. وقتی انسانی خشمگین می‌شود از مراحل مختلفی می‌گذرد. منجر می‌شود، ناراحت و عصبی و برافروخته می‌گردد و از کوره در می‌رود و آنگاه اعمال ناشایست انجام می‌دهد و سخنان ناروا به زبان می‌آورد که در حد و شان یک معلم نیست. هر معلمی باید اسوه صبر و تحمل و بردباری باشد تا بتواند با صدها جور عقیده‌های مختلف دانش آموزان کنار آید. پس با صدای بلندتری گفتم: فرهادجان! راستش را به من بگو. مرا دوست خودت بدان، با من حرف بزن.

او رنگش پریده بود و با چشمان سرخش آرام به من نگاه می‌کرد. از چشمان سرخش می‌شد پی به التهاب درونش برد. چند قطره اشک در چشمانش راه گم کرد. روی صورتش خط کشیدند. صورتش از پشت اشک مثل مهتابی بود که تصویرش در آب زلال و ساکنی منعکس گشته باشد.

ما برای خدا کار می‌کنیم و به این کاری نداریم که چه کسی خوشش می‌آید و چه کسی بدش می‌آید.

جلوتر رفتم. صورت اشک‌الودش را بوسیدم و شوری اشک‌هایش را احساس کردم. لحظه‌ای ساکت مرا نگاه کرد. حس کردم

مورغ سحر ایران

(ادامه از صفحه ۳۹)

این تصانیفی که الان می‌سازند و جازی است، آهنگ شاد است، یعنی آهنگ همان رنگ‌های قدیمی خودمان است ۶ و ۸ است و رنگ رقص است. ولی شعر چی؟ شعر هم بایستی شاد باشد، برای این که آهنگ شاد است ولی متأسفانه شاد نیست. همه‌اش شکایت، همه‌اش بدبختی. مثلاً می‌گوید: دیشب آمدم نبود... به درک که نبود، آخر این چه بدبختی است که درست کرده‌اید! آهنگ شاد ولی شعر گریه! این درست نیست. حالا در این دوره می‌خواهند آهنگ بسازند می‌گویند: تا فردا درست کن یک کاریش بکنیم تا از رادیو پخش بشود. خوب این طوری کاری نمی‌شود کرد و ارزش موسیقی پایمال می‌شود. آنهایی که طرفدار موسیقی جاز هستند آنهایی نیستند که صورت سالم داشته باشند. بنده جزییات را نمی‌توانم عرض کنم. آنهایی که طرفدار جاز هستند خلاف قاعده عمل می‌کنند ولی خوب یک عده هم هستند بسیار بسیار خوب هستند. بنده این عرایضی که عرض می‌کنم روی سخن با جازی‌هاست. بعضی از وقت‌ها یکی از این آهنگ‌های جاز را هر کاری می‌کنم که در یکی از دستگاه‌های موسیقی جا بدهم نمی‌شود. بالاخره منصرف می‌شوم. ریتم جاز ۶ و ۸ است فرم آن فرق می‌کند فرم آن خیلی کوچک است.

این جاز از خارج به مملکت ما آمده است. اول آمریکایی‌ها شروع کردند و بعد به اروپا رفت. حالا دنیا غرق این جاز شده است و ما نمی‌توانیم این کار را ترک کنیم. فقط کاری که می‌توانیم بکنیم این است که موسیقی سنتی خودمان را تقویت کنیم. اینها که موسیقی ایرانی را خوب می‌دانند هفته‌ای یکروز یا لااقل دو روز بگذارند از رادیو پخش بشود. این ۲۹۷ گوشه را ارائه بدهند و بگویند که موسیقی ما این است، نه جاز.

ادامه دارد

زیر نویس

۱- در خلال حکومت مشروطه تا دولت رضاخان اجتماع ایران آشفته بوده و بسیاری خانه و کاشانه خویش را ترک و مهاجرت کردند. از آن جمله اسماعیل شیرازی، نوازنده بزرگ تار، بود که نوازندگی را ترک کرد به عتیقه فروشی رو آورد. یک روز کوزه‌ای نفیس بدست می‌آورد و هر چه داشته می‌فروشد و به پاریس می‌رود که در آنجا کوزه را بفروشد. عتیقه فروش‌های آن دیار، وی را فریب می‌دهند و می‌گویند که این کوزه قلابی است. او کوزه را آنجا می‌گذارد و به ایران می‌آید. پس از مدت کوتاهی متوجه می‌شود که سرش کلاه رفته خود را از بلندی پرت می‌کند. تاریخ فوت او به درستی معلوم نیست، شنیده شده که در خلال جنگ اول جهانی (۱۹۱۸-۱۹۱۴) بوده است.

بهار زیبا،

خوش آمدی

شرکان انورزاده (احدوت)

دگر باره آمدی و آنچه از مهر و صفا در دنیاست، با خود آوردی. دگر باره آمدی و تصویری سبز و زیبا را در ذهنمان جایگزین کردی. دگر باره آمدی تا دنیا باز هم رنگ دیگری به خود بگیرد و جهان، باز هم غرق طراوت و شادابی شود.

همانند تمامی قرون گذشته، آنچه همواره توست، لطافت و پاکی است، آسمان آبی و درخشان است. آمدنت، خاطرات شیرینی را در فکرمات تداعی می‌کند. رایحه دلپذیر عید، دغدغه خاطر- مادرها، برای خانه تکانی شب عید، پاکیزگی، تمیزی، تمیزی خانه‌ها، پاکیزگی شهرمان، تمیزی- فکر و روحمان- آمدنت را مبدأ سالی نو و اندیشه‌ای نو می‌دانیم و دائم به سال گذشته، فکر می‌کنیم. در این یک سال چه کردیم؟ چگونه زیستیم؟ قدم‌های مثبت ما چه بود؟ سال آینده چگونه خواهد بود؟ همواره با پرواز دوباره پرنده‌گان، ذهنمان دوباره به قرن‌های گذشته، پرواز می‌کند، به سال‌هایی دور و دور، خیلی دور، که قوممان، برای اولین بار، هم زمان با آمدن تو، مژده آزادی را چشید. «پسح»، جشن آزادی و آزادگی، مقارن با ورود تو، برای قوم حضرت موسی، اتفاق افتاد و هر سال، شکوفه کردن دوباره درختان، یاد و خاطره جشن آزادی (پسح) را، با شادی و امید، دوباره به ما هدیه می‌دهد.

از تو چه بگویم، ای بهار همیشه زیبا، ای بهار همیشه سرسبز؟ از تو که، دنیای نور و امید دوباره و اندیشه نو زیستن را، با خود به همراه داری، تو که رنگ و بوی جدید به دنیا می‌دهی، و اندیشه «دوباره از نو ساختن» را به ما القاء می‌کنی. تو که خود، همان واژه امید را معنا می‌کنی؟ که در پس هر تساریکی، روشنائی است. در پس هر سرمای جانگداز، گرمایی مطبوع، روحمان را نوازش می‌دهد.

باغ پیر، هر سال، به امید آمدن تو، به انتظار می‌ماند. در پاییز هر سال، آن هنگام، که باغ، شاهد ریزش برگ‌هاست، و در زمستان، که باغ، خالی و تنه‌است، تنها و تنها، امید آمدن دوباره توست، که مونس و یار باغ تنه‌است. او در اندیشه آمدن تو، هر سال و هر سال، صبورانه به انتظار می‌ماند و اندیشه آمدن تو، او را در طی این سال‌ها، استوار و محکم، پابرجا نگاه داشته است، با آمدن مجدد تو، باغ پیر، هر سال، روح تازه‌ای می‌گیرد و از نو، جوان می‌شود و به همراه برگ‌های تازه و سبزش و با تمام قدرت، فریاد می‌زند: «بهار زیبا، خوش آمدی!»

گوشم زنگ می‌زند که ما برای خدا کار می‌کنیم و به این کاری نداریم که چه کسی خوشش می‌آید و چه کسی بدش می‌آید. با خود می‌اندیشم که اگر بی خیال و بی توجه از کنار این مسئله می‌گذشتم سرنوشت این بچه و بچه‌های امثال آن به کجا می‌کشید. پایان همان سال فرهاد از آن مدرسه به مدرسه دیگری که نزدیک محل سکونت آنها بود رفت و من دیگر فرهاد را ندیدم. سال‌ها گذشت و تقریباً این واقعه فراموش شده بود که یک روز پستیچی در مدرسه نامه‌ای بدستم داد. پاکت را گشودم و چنین خواندم:

آموزگار عزیزم - سلام گرم را از راهی دور و قلبی نزدیک پذیرا باش. شاید مرا به خاطر نداشته باشی من فرهاد، همان شاگرد مایوس و دلسرد تو هستم که آن وقت مرده متحرکی بیش نبودم. کمبود محبت و فشار عذاب زن بابا، از من انسانی بی روح ساخته بود که دیدید و اکنون که تقریباً نوجوان شده‌ام و کم و بیش تلخ و شیرین زندگی را چشیده‌ام می‌خواستم به پاس زحمات آن روزها که برایم متحمل شدی و از خودگذشتگی که برای بهبود زندگیم از خود نشان دادی هدیه‌ای برایت بفرستم. به تکاپو افتادم و جستجوی بسیار کردم اما به هر دری زدم، به هر جا که روی آوردم، مطلوب خود را نیافتم. تحفه‌ای که من خواهان آن بودم گویا وجود نداشت. فکر کردم دسته گلی از بهترین گل‌ها فراهم کرده و برایت به ارمغان بفرستم. با این فکر به سوی گلستان روانه شدم، دست به بوته گلی زدم ناگهان خاری دستم را خراش داد، به جستجوی گل بی‌خار شتافتم لیکن مایوس شدم. خواستم خار را از گل‌ها جدا کنم، فکر کردم هدیه‌ای پاک و طبیعی و زیبا نخواهد بود، چون مصنوع دست دیگری است. هدیه‌ای لایق توست که خود پاک و زیبا باشد. به همین دلیل از کاوش نتیجه‌ای نگرفتم. عاقبت به یاد تحفه‌ای گرانبها افتادم که خود پاک و زیباست، هدیه‌ای که نه با خار همنشین شده و نه در منجلاب ناپاکی افتاده است. این هدیه گرانبها را که یک جلد قرآن مجید است همراه با عصاره طبیعی گل‌ها از من پذیرا باش و زحماتم را ببخش. نامه خود را با این چند سطر شعر به پایان می‌رسانم و برایت آرزوی سعادت و خوشبختی می‌نمایم.

علم به قیمت ز گهر بیشتر
قدر معلم ز پدر بیشتر
زانکه پدر روح تو را از سسهاک
آرد و آلوده نماید به خاک
لیک معلم دهدت بال و پر
تا سوی گردون بنمایی سفر
حق نگهدار و یاورت باشد
شاگردت فرهاد- م

(طرح از طناز ستاره‌شناس)

پادیاوند

پژوهشنامه یهود ایران

هارون پشایی

- به کوشش امون تنصیر
- با سرمایه و همت بنیاد دانشوران
لوس آنجلس
- انتشارات مزدا- لوس آنجلس
- جلد سوم- چاپ ۱۹۹۹
- شابک: ۶-۶۳-۱۵۶۸۵۹

«پادیاوند» نه یک کتاب است و نه به معنی معمول، یک نشریه یا گاهنامه، بلکه می‌توان گفت «پادیاوند» تلاشی پیگیر و قابل ستایش برای نوشتن تاریخ طولانی زندگی یهودیان ایران است. دست اندرکاران این مجموعه مخصوصاً دکتر «امون تنصیر» با عشق و علاقه‌ای تحسین برانگیز سعی می‌کنند با استفاده از منابع فارسی یا سایر منابع جهانی تصویر روشنی از گذشته زندگی یهودیان ایران ترسیم نمایند. در این مجموعه دو بحث بسیار مهم توسط دکتر «امون تنصیر» پیگیری می‌شود، مطلب اول نگارش تحقیقی زیر عنوان «سیری در تاریخ یهود ایران» است که بخش اول آن به «تاریخ زندگی یهودیان در ایران از آغاز تا ظهور اسلام» می‌پردازد و این بحث در مجلدات دیگر «پادیاوند» ادامه پیدا می‌کند.

«سیری در ادبیات یهود ایران» مطلب دیگری است از همین نویسنده که تحقیقی تازه، جذاب و قابل توجه می‌باشد، در همین تحقیق «ادبیات فارسی‌یهود» معرفی می‌گردد و در واقع بحث تازه‌ای در پیشینه تاریخی زندگی یهودیان در ایران شکل می‌گیرد که برای علاقمندان فرهنگ و ادبیات فارسی قابل استفاده فراوان خواهد بود. در مجموعه «پادیاوند» مطالب متنوعی درباره زندگی یهودیان ایران در گذشته، شخصیت‌های ایرانی کلیمی، گویش‌های کلیمیان مناطق مختلف ایران، اشعار فراوان از شاعران فارسی گوی یهودی و مطالب بسیار دیگر می‌توان یافت که راهنمای مفیدی برای محققان خواهد بود.

نویسندگان پادیاوند در علل و انگیزه‌های انتشار این مجموعه مفید چنین نوشته‌اند:

«... درونمایه این پژوهشنامه منحصر به محدوده جغرافیایی کنونی کشور ایران نیست، بلکه شامل تمام سرزمین‌هایی است که در آنها یهودیان سالیان درازی سکونت داشته‌اند و یا دارند، و به یکی از زبان‌های ایرانی سخن می‌گفته‌اند یا می‌گویند. کردستان ایران که یهودیان آن به زبان آرامی- یهودی جدید سخن می‌گویند مشمول این محدوده جغرافیایی است. اگر ما اغلب از «یهودیان ایران» سخن می‌رانیم، مقصود نهایی ما همان گستره جغرافیایی است که

دامنه آن از مرکز چین به مرزهای عراق کشیده و همه آسیای میانه و قسمت اعظم قفقاز را تا سرزمین‌های دو طرف خلیج فارس و بخشی از اماکن مجاور اقیانوس هند در بر می‌گیرد. بدیهی است در دو دهه اخیر این گستره جغرافیایی وسعت بیشتری یافته و پراکندگانی یهود ایران را در بسیاری از نقاط جهان، خصوصاً آمریکا، شامل می‌گردد...

... پدیده‌ای ما را با ایران و ایرانی پیوند می‌دهد و آن پدیده ارتباط فرهنگی در مفهوم گسترده آن، و داشتن تجربه‌های مشترک و ذهنیت‌های مشترک است. با وجود قرارگیری یهودیان ایرانی در صف اقلیت از لحاظ دینی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی، پدیده‌ها در مسیر طولانی تاریخ، تصاویری ماندگار در فضای فکری آنان ایجاد نموده‌اند، به طوری که جایگاه فرهنگی این مردمی که دو هزار و هفتصد سال است در ایران زندگی می‌کنند در صف مقدم اکثریت قرار گرفته است. چنین می‌نماید که یهودیان ایرانی آسان‌تر و سریع‌تر از پاره‌ای اقلیت‌های مذهبی توانمندی یکپارچگی ملی و همپیوندی فاعلانه ساخت یک نظم اجتماعی را در وجود خود آماده دارند. «پادیاوند» پدید آمد تا این توانمندی و آمادگی را در فراز و نشیب‌های تاریخی آن نشان بدهد. پادیاوند در واقع سرود سده‌های گذشته جامعه یهود ایران و فرزند یک ضرورت تاریخی است که محتویاتش، بدون بازی‌های لفظی و هنر نمایی‌های کلامی، به فارسی زبانان ارایه می‌گردد...

... هدف نهایی ما این است که پس از مدتی، پادیاوند به گنجینه‌ای ارزشیو مانند مبدل گردد، به طوری که پژوهندگان آینده دشواری‌های پژوهشگران نسل فعلی را نداشته باشند و بتوانند به راحتی و با سرعت مطالب مورد توجه خود را از لابلای اوراق پادیاوند بیابند. هم اکنون سردبیر پادیاوند واقف است که این نشریه از این جهت، با وجود گذشت زمان نسبتاً کوتاه، تا اندازه‌ای به هدف خود رسیده است. پاره‌ای از محققین از جمله پژوهندگان ایرانی درون مرزی، در پیشبرد کارهای تحقیقی خود از مطالب این نشریه بهره برده و می‌برند. این همکاری فکری، «و صرفاً علمی و بیطرفانه»، موجب خرسندی ماست...

یادآوری این نکته لازم است که مواردی از بی توجهی علمی و حق ناشناسی در آنچه مربوط به تاریخ زندگی یهودیان ایران در قرن اخیر و مخصوصاً بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران است در جای جای کتاب دیده می‌شود، می‌توان این کمبودها را نادیده گرفت و نوشتن تاریخ زندگی یهودیان ایران را در سنوات اخیر به آیندگان واگذار کرد ولی این کمبودها به هیچ وجه از ارزش مجموعه «پادیاوند» چیزی کسر نمی‌کند، برای دست اندرکاران آن آرزوی موفقیت بیشتری می‌نمایم ■

انطباق لحظه‌ها

(گاهشماری)



- تألیف: یوسف ستاره‌شناس
- ناشر: انجمن کلیمیان تهران
- چاپ اول، ۱۳۷۹
- ۲۰۴ صفحه، ۲۲۶۰ تومان

تقویم و گاهشماری در این یهود همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌است. بسیاری از فرایض و احکام دینی، مربوط به مناسبت‌ها و اعیاد مذهبی هستند که طبق تقویم باید تاریخ دقیق آنها معین گردد. به همین دلیل یکی از مهمترین دلمشغولی‌های دانشمندان و متولیان جوامع یهودی، پیش‌بینی تاریخ این مناسبت‌ها بوده‌است.

در ایران از حدود یک قرن پیش، دانشمندان چون مرحوم سلیمان کهن صدق و فرزند ایشان در این زمینه به استخراج تقویم عبری و تطابق آن با تواریخ فارسی، میلادی و قمری اقدام نموده‌اند و همچنین مرحوم حاخام حبیب موره، جدول چندین ساله استخراج تقویم عبری را در کتاب خود (کدول مردخای) تنظیم کرده بود.

در این میان جای خالی مجموعه جداول تطبیقی تقویم عبری با سایر تقاویم احساس می‌شد، زیرا بنا به سنت یهود، تعیین سن تکلیف دختر و پسر یهودی، محاسبه سالگرد فوت برای اجرای مراسم شرعی آن، تحقیق‌های تاریخ معاصر یهود و نیز برنامه‌ریزی‌های آینده مستلزم در دست داشتن تقویم‌های پیشین و آینده عبری بود، که تا به حال با محاسبه یا مراجعه به آرشیه‌های قدیمی میسر می‌شد.

آقای مهندس یوسف ستاره‌شناس که از محققان و فرهنگدوستان جامعه کلیمی است، با تلاش بسیار و نیز سرمایه‌گذاری شخصی، این کمبود فرهنگی را در جامعه رفع کرده است و مجموعه تطبیقی تقویم عبری از سال ۱۳۷۸ الی ۱۴۰۵ شمسی (۵۶۶۰ تا ۵۷۸۷ عبری) در این کتاب درج شده است.

فصل اول کتاب به شرح انواع گوناگون گاهشماری‌ها اختصاص دارد، از جمله گاهشماری ارمنیان، جلالی (ایرانی)، زرتشتیان (اوستایی)، عبری، گریگوری (میلادی)، هجری قمری (اسلامی)، ختایی (ترکان) و...

فصل دوم نکاتی تخصصی درباره سال قمری و شمسی، جدول تطبیقی بروج با صور فلکی و جدول استخراج سال‌های کیبسه برای دو قرن (میلادی، عبری، شمسی، قمری) را در بردارد.

فصل سوم نیز به راهنمای انطباق گاهشماری‌ها و جدول‌های انطباق گاهشماری از ۱۹۰۰ تا پایان ۲۰۲۶ میلادی اختصاص دارد.

انجمن کلیمیان تهران مخترع است که در سلسله انتشارات فرهنگی خود، این کتاب را که در نوع خود در ایران منحصر به فرد است، به جامعه کلیمی و تمام ایرانیان تقدیم می‌دارد و ضمن تشکر از مولف محترم، از تلاش کلیه دانشمندان و محققان درباره فرهنگ یهود استقبال می‌نماید ■



نی داود و «اشک لیلی»

هنرمند مثل صدف است. هنر، مروارید اوست. هیچ صدفی از مروارید خودش بهره‌مند نمی‌شود، بهره مروارید را دیگران می‌بینند

اخیرا مجموعه اشعار یکی از شعرا و نویسندگان جامعه کلیمی آ. پرویز نی داود با نام «اشک لیلی» یا «مصیبت در نیمه شب» منتشر شده است. این کتاب حاوی بیش از ۷۰ قطعه شعر از این شاعر است.

پرویز نی داود دارای درجه لیسانس و فوق لیسانس در زبان و ادبیات انگلیسی است. فعالیت هنری او با برنامه اول رادیو (گروه ادب امروز) و برنامه دوم رادیو (آینه آدینه) و چشم انداز شروع شد. وی با روزنامه‌های پایتخت نیز همکاری داشت. او ردیف‌های موسیقی ملی را نزد استاد عباس زندی آموخته است. نی داود هم اکنون به شغل مترجمی اشتغال دارد. وی در مقدمه کتابش چنین می‌نویسد:

«هنرمند خوشبخت‌ترین و بدبخت‌ترین آدم روی زمین است. خوشبخت‌ترین است زیرا با یک شعر یا ترانه و یا با یک موسیقی و یا یکی از هفت هنر، خودش را خالی می‌کند و راحت می‌شود و گل می‌کند! بدبخت‌ترین است زیرا روی سن برای او دست می‌زنند و می‌پرستند و پُرش می‌کنند ولی در جامعه گهگاه و در خانواده او را نمی‌شناسند، نمی‌فهمند، خالی‌اش می‌کنند...»

و این است جزای احساس داشتن!! یا (Romantic Agony) جزای رمانتیسیم یعنی دل هنرمند را با خاک یکسان می‌کنند!

پزشکی رفته بودم ولی دنباله ادبی را گرفتم. می‌دانید چرا؟ احساس نگذاشت. وقتی پزشکی می‌نوشتیم، ادبی می‌شد. شعر می‌شد و ترانه! وقتی «رغنا» را می‌نوشتیم هزار بار خواستم عشقی را از او بگیرم و زندگی ساده به او بدهم و بی دردسر، ولی نشد. مثل بالزاک، «رغنا» را با عشق گره زدم، آنقدر او را در تب و تاب عشق و احساس کشاندم که سرنگون شد. خوشبخت زندگی می‌کرد، در انتخاب همسر دوم راحت زندگی می‌کرد، ولی بردمش توی حیاط، زیر باران، رغنا، با مشت‌های گره کرده می‌زد به دیوار که: من خوشبختم... ولی او را می‌خواهم، فقط او را می‌خواهم که با من نیست! باران زمین بی دفاع را می‌گوید.

هنرمند مثل صدف است. هنر، مروارید اوست. هیچ صدفی از مروارید خودش بهره‌مند نمی‌شود، بهره مروارید را دیگران می‌بینند...

آنچه تاکنون از همین نویسنده انتشار یافته است:
۱- در غم چشم‌هایت به زبان انگلیسی. آذرماه ۱۳۴۶
(In The Blue Of Your Eyes)

۲- تک درخت زرد پاییز. فروردین ماه ۱۳۵۱ چاپ اول
۳- تک درخت زرد پاییز. مهرماه ۱۳۵۱ چاپ دوم
۴- تقلاهی ماهیان در تور ۱۳۵۴
۵- مشاهیر ادب معاصر ۱۳۵۶ (شامل قسمت اول برنامه‌های رادیویی)

۶- مجموعه مقالات رادیویی

و آنچه از همین نویسنده انتشار خواهد یافت:

۱- و پاییز بود ... (ترجمه)
۲- مهتاب در مرداب.
۳- لادن، پنجره‌ای به باغ نیلوفر.
۴- روزی که راد به زندگی برخاست.
۵- حجم پوک
۶- زندگی‌ها و شوخی‌های ادیبانه اثر جیمز سترلند James Sotherland
۷- قسمت دوم برنامه‌های رادیویی
۸- رگنا (داستان برای فیلم)

علاقمندان می‌توانند این کتاب را از کتابفروشی مهنراز (خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی - بالاتر از کوچه یازدهم) تهیه کنند. در اینجا، قطعاتی از ایشان تقدیم خوانندگان می‌شود.

خدا! در همین حوالی است،

روی برگ‌های گل،

درون شب‌نم‌ها، روی شمیم عقاقی و نیلوفر،

توی نور خورشید، روی سرسبزی علف

در محضر او، نیکو باشیم

اشک لیلی (مصیبتی در نیمه شب)

«دل خونین در آئینه تماشا می‌کنم هر شب»

چو می‌بینم همه روزم شده همرنگ موی تو

در اشک آتشین دیده چو دریا می‌کنم هر شب»

و می‌خندم به مستی‌ها و می‌گریم به هستی‌ها

چو عمرم را به هستی برده منهای می‌کنم هر شب

چو اشک شمع می‌افتم به پای محفل یاران

خودم را در میان جمع رسوا می‌کنم هر شب

و نفرین می‌کنم بر آن دل سنگ ستم پیشه

مصیبت‌نامه‌ای با اشک امضا می‌کنم هر شب

به سایه روبرو گشته نشینم پشت مهربانی

در دردی «تویی» با سایه دعوا می‌کنم هر شب

چو «نی داود» می‌خوانم بر احوال دل عاشق

به ساز آتشین کار نکسا می‌کنم هر شب

شعرا، نه تنها فصل‌های سال را تحت الشعاع

اشعار خود قرار می‌دهند،

بلکه گاهی اوقات خود نیز، تحت الشعاع

فصل‌های سال هستند.

آنها که گاه در بهار می‌گویند:

هرگز هرگز، این گونه پیوسته به زندگی

نبوده‌ام.

و در پاییز می‌گویند:

هرگز هرگز، این گونه گسسته از زندگی

نبوده‌ام

و گاهی اوقات بر عکس اینها ...

(از مقالات رادیویی)

ما قوم شهریاریم

پژمان کوخایم

تا ما ز مشه (۱) هستیم بیم از کسی نداریم بی هیچ ترس و وحشت تن بر بلا سپاریم
ما را فلک مطیع است تا نام مشه بر ماست از یاد همدم حق بیمار و بی قراریم
ما بی پیاله مستیم چون بوی مشه آید صحبت ز باده و می هرگز میان نیاریم
شببات (۲) مشه ما را از بند تن رها کرد با ساکنان بالا حالا ز یک تباریم
ای بانگ چنگ داود برخیز بهر مدحش تا حاسدان (۳) بدانند محبوب آن نگاریم
ای گبریل (۴) بگو باز ما ز کوی او راز تا بهر دیدن یار دُر و گهر بیاریم
ما را خسان این باغ بسیار رنجه کردند چون هر کجا که باشیم یاس و بنفشه کاریم
از خاکیان بترسیم و از سنگ می گریزیم چون ما ز بدو گیتی آینه دار یاریم
صد دار دشمن آورد تا مرگ ما ببیند افسوس که او ندانست، ما جمله سریداریم
بگذار دشمن دون ما را به شعله سوزد چون بت شکن در آتش خواهندگان ناریم
آن چل شب تضرع (۵) رمز نجات ما گشت زان های های مشه مقبول کردگاریم
فانوس ما بیا باز کاین قوم بی تو میرد با گله های گرگان، تنها به شام تاریم
ای آسمان! به زیر آی از نام پر جلالش آنگه بیا که با هم سر در رهش گذاریم
ما هم بسان «یوسف» بر خوان مشه آییم در یوزگی شاید ما قوم شهریاریم

پوزش و تصحیح

در شعر حسادت از همین شاعر (شماره گذشته) موارد زیر صحیح است:
بیت هشتم:
گو چه چیزی از حسادت بدتر است
زهر مهلک در قیاسش شکر است
بیت بیستم:
با حسادت ره به ناپودی بری
غافل از انعام ایزد می شوی

۱- حضرت موسی ۲- روز مقدس شنبه ۳- پارسایان ۴- جبریل
۵- چهل شبانه روز حضور موسی در بالای کوه سینا

باور شکفتن

المیرا سعید

حال که با تو به خنکای عشق رسیده‌ام در آرزوی سبز بهار، با خوشه‌های انگور شریک شدم
در آرزوی بوی نسیمی فرح‌زا با برگ‌های بی جان و زخمی ز تیر خزان همدرد
حال که با تو به زیر سایه عشق رسیده‌ام مرا از سراب‌های رنگی و پوچ زندگی جدا نمی‌کنی؟
حال که با تو طعم شیرین عشق را چشیده‌ام مرا از طعم گس ناپاوری‌ها رها نمی‌کنی؟
بین، خم شدم زیر بقیچه گران غریبی با گندم زارها هم نفس شدم و با مریم‌های پرپر، همسفر باد
حال که بی تو گذشتم از این کوره راه‌ها بی کس و تنها،
سنگ صبور لحظات سرنوشت می‌شوی؟ آنگاه فهمیدم مرداب‌ها و راکد بودن را
نبض شب را گرفتم و تا سپیده بر بالین ماه گریستم تا خورشید تازه نفس آمد
از دیاری دگر، خبر از تو آورد حال که تو آمدی و من با تو روان شدم، با عشق تو هستی یافتم
برای رسیدن به باور شکفتن، یاری‌ام نمی‌کنی؟

بیا پنجره معرفت را بگشاییم



دوستان نوجوان

(ما و حرف دل ما)

گردآوری: سارا حی
گروه دانش آموزان یهود
(یارگان فرهنگ یهود و تمدن ایرانی)

گفت: من همیشه با خودم فکر می‌کنم چرا هیچ وقت در کنیسا، در خانه خدا بین صحبت‌ها و داراش‌ها حرفی از ما نمی‌شود؟ چرا هیچکس نمی‌گوید نوجوان در سن بحرانی بلوغ چه طوری می‌تواند دین را اجرا بکند، نوجوانی اگر قانع نمی‌شود، به حرفی باور پیدا نمی‌کند چطور می‌تواند به خودش کمک کند. انگار فکر زندگی، مهاجرت کار و مشغله زندگی به کسی مهلت نمی‌دهد در مورد ما حتی فکری بکند. چرا هیچ کس در صحبت‌هایش به موضوعات اجتماعی اشاره‌ای نمی‌کند؟ چرا هیچکس به ما نمی‌گوید چگونه با کمک دین می‌توانیم مهربان، با گذشت و امیدوار باشیم؟ چه طوری دین را اجرا بکنیم که بتوانیم زندگی شادی داشته باشیم.

نوجوانی ادامه داد: شاید اگر در کنیساها کمی به خانواده‌ها، جوان‌ها، نوجوان‌ها و اجتماع بیشتر توجه بشود، مشکلات مطرح بشوند موضوعات اساسی زیر سؤال بروند و در مورد آنها بحث بشود ما هم بتوانیم قانع بشویم و باور پیدا کنیم.

نوجوان دیگری گفت: راستش این روزها در کنیساها کمتر صحبتی از عشق می‌شنویم. دیگر این روزها کسی عاشق شدن را یاد نمی‌دهد. دیگر کسی حرفی از جاده پیوسته، عشق و ایمان نمی‌زند. شاید اگر عشق و ایمان ما زیادت‌تر بشود، بتوانیم خیلی از مشکل‌ها را حل کنیم.

یکی از اعضا که تا به حال فقط حرف‌های ما را شنیده بود جواب داد: ما باید قبول کنیم که برخی از قوانین از دایره فهم و درک ما دور هستند ما نمی‌توانیم به همه رازهای جهان پی ببریم. ولی من هر وقت احساس می‌کنم صحبت‌ها و حرف‌های زمینی‌ها مرا ارضا نمی‌کند با زبان خودم با خدا راز و نیا می‌کنم و از او می‌خواهم که اگر راضی نمی‌شوم، ایمان نمی‌آورم و قانع نمی‌شوم او چراغ روشن قلب تاریکم بشود. او هادی و راهنمایم بشود.

بعد از شنیدن این جملات، ما در فکر فرو رفتیم که چرا تا به حال این کار را نکرده‌ایم؟ چرا ما فراموش کرده‌ایم انسان‌ها همیشه نمی‌توانند ما را راهنمایی بکنند چون ما انسان‌ها همیشه می‌توانیم خطا بکنیم، اشتباه داشته باشیم. خلاصه هر چه که هست ما انسانیم، بعضی وقت‌ها اصلا نمی‌توانیم خداگو را از خدا جو تشخیص بدهیم. معنی حقیقت و هیا هو را بفهمیم.

وقتی صحبت به اینجا رسید، ما نوجوان‌ها که کوله باری از سؤال همیشه به دوش می‌کشیم و آن را ناخواسته حمل می‌کنیم، از دیدن کوله بارهای همدیگر خوشحال شدیم و کمی آرام گرفتیم. ما تصمیم گرفتیم اگر هیچ وقت حرف از

فردی‌مان را به نیازهای اجتماعی تبدیل و با همدلی و یاری هم آنها را برطرف کنیم. عضوی که تازه به جمع ما پیوسته بود با تردید گفت: «درست است که دین یکی از نیازهای بشر است و راز و نیاز با خالق، انسان را ارضا می‌کند ولی من همیشه موقع تغیرا فکر می‌کنم چرا من نباید معنی راز و نیاز با خدا، با خالق را بدانم؟ یعنی من الان به خدا چی دارم می‌گویم؟ از چه حرف می‌زنم؟ چرا ما باید مدح خدا را از روی سیدور روخوانی کنیم؟ چرا ما نباید زبان عبری را بلد باشیم؟

دوستی جواب داد: این روزها، ما نوجوان‌ها خیلی کم به تاریخ و فرهنگ قوممان اهمیت می‌دهیم، گاهی اوقات آنقدر در جزئیات غرق می‌شویم که اصل را فراموش می‌کنیم. اکثر ما نوجوان‌ها زبان انگلیسی را خوب یاد می‌گیریم اما اگر زبان عبری را بلد نباشیم کمتر اهمیت می‌دهیم. نمی‌دانم شاید پیشرفت و ترقی را در پشت پا زدن به فرهنگ و تاریخ می‌دانیم.

یکی از نوجوان‌ها که تا به حال سکوت کرده بود آهی کشید و گفت: من به خیلی چیزها اعتقاد دارم، خیلی از قوانین را اجرا می‌کنم اما پدر و مادرم به حرف‌های من اعتقادی ندارند. تا حرفی به آنها می‌زنم، می‌گویند: ما این طوری بزرگ شده‌ایم عادت کرده‌ایم. نمی‌توانیم حرف‌های تو را قبول کنیم. به همین خاطر من اغلب در خانه با آنها جر و بحث می‌کنم ولی بعد می‌فهمم که چه اشتباهی کرده‌ام چون شادی خانه را از بین برده‌ام و یک گناه بزرگ کرده‌ام.

یکی از اعضای قدیمی گروه دانش آموزان که تا به حال صحبت‌های ما را شنیده بود گفت: «گاهی اوقات ما فراموش می‌کنیم که دین به انسان‌ها داده شده تا آنها را نجات بدهد، آنها را با شرف و انسان بکند. من فکر می‌کنم اگر آدم به کسی آزار نرساند، همنوعش را واقعا دوست داشته باشد، نیکی بکند و راستگو باشد، خلاصه قوانین اجتماعی را رعایت بکند باز هم می‌تواند مذهبی باشد.

لحظه‌ای سکوت بین ما لانه کرد. دوستان حرف قشنگی زد. ما موضوع شرف و انسانیت گذشت و درستکاری را از یاد برده بودیم ما از خودمان می‌پرسیدیم چند بار برای ما پیش آمده که بعد از تغیرا و راز و نیاز با خدا، با دوستی اشتی بکنیم، یا لاقال با کسی دعوا نکنیم. خیلی وقت‌ها ما فراموش می‌کنیم چرا بین آدم‌ها دنیا آمده‌ایم، از یاد می‌بریم اگر فقط دولاو راست بشویم نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم. بالاخره سکوت شکسته شد و یکی از اعضا

نوجوان در گوشه‌ای از کنیسا کز کرده بود. او با خودش فکر می‌کرد: چرا ما تغیرا می‌خوانیم؟ اصلا تغیرا چرا این طوری است؟ یعنی خدا صدای ما را می‌شنود؟

خدا کیجاست؟ اصلا او کیه؟ نوجوان در این فکرها بود که پدر به پشتش زد و گفت: «خواست کیجاست؟ بلند شو، موقع تعظیم کردن است». نوجوان ایستاد و با دنیایی از سؤال و ابهام به اطرافش نگاه کرد. نیرویی او را از تعظیم کردن وا می‌داشت و صدایی در او نجوا می‌کرد تو که معنی تعظیم کردن را نمی‌دانی چرا آن را انجام می‌دهی؟ مگر خداوند در مقابل توست که تو خم می‌شوی؟ پدر با خشم به فرزندش نگاه کرد و گفت: باز هم آن فکرهای عجیب و غریب! خداوند تو را به راه راست هدایت کند.

این مطلب را یکی از اعضای گروه دانش آموزان بر روی کاغذ نوشته و بر روی برد نصب کرده بود. دوست نوجوانمان وقتی فهمید همه ما حرف دل او را خوانده‌ایم از ما خواست که دور هم جمع بشویم و بحث را این طور شروع کرد: «من در یک خانواده مذهبی به دنیا آمده‌ام، اما این روزها به قول پدر و مادرم حسابی بی دین و ایمان شده‌ام، راستش من با خودم فکر می‌کنم که حتما مشکلی دارم چون هیچ وقت قانع نمی‌شوم. من دوست دارم استقلال فکری پیدا بکنم و سر از فلسفه دین و مذهب در بیاورم. من دوست دارم بدانم از کجا آمده‌ام، به کجا باید بروم. اما هیچ وقت جرئت نمی‌کنم ببرسم من چه طور می‌توانم بدانم جهان آخرت وجود دارد. دین برای چیه؟ اصلا خدا کیه؟

چرا من نباید معنی راز و نیاز با خدا، با خالقم را بدانم؟ یعنی من الان به خدا، چی دارم می‌گویم؟ از چه حرف می‌زنم؟ چرا ما باید مدح خدا را از روی سیدور روخوانی کنیم؟ چرا ما نباید زبان عبری را بلد باشیم؟

یکی از اعضا که خوب به حرف‌های او گوش می‌داد، گفت: «من فکر می‌کنم دین راهی است برای رسیدن به خدا. آخه بعضی از نیازهای ما آدم‌ها معنوی‌اند، غیر بشری‌اند. یعنی انسان‌ها نمی‌توانند آنها را برطرف کنند به همین خاطر ما می‌توانیم با کمک دین از خدا بخواهیم در برطرف کردن آنها به ما کمک کند. تازه دین به ما راهی را نشان می‌دهد که با کمک آن بتوانیم نیازهای

یک دیدار و یک تودیع

روزنامه اطلاعات

مجله افق بینا

یعقوب صوفزاده

گفتن چند جمله گریه کرد و من اگر می‌توانستم چند قطره از اشک‌های او را در شیشه‌ای نگهداری کنم به بزرگترین جواهرها دست پیدا کرده بودم.

سپس، استادان و سردبیرانی که در مجله اطلاعات هفتگی با او کار کرده بودند از صمیمیت، فداکاری و صبوری‌های این دختر سخن راندند و من نیز بی اختیار با آنها گریه کردم و برای این گریه دلایلی داشتم.

اول به خاطر تکبری که گاهی به من مانند همه دست می‌داد و با وجودی که انگلیسی نمی‌دانستم چنانچه مقاله‌ای را که «مژده» ترجمه کرده بود به دست می‌دادند هزار و یک ایراد به نوشته‌هایش می‌گرفتم. دوم این که دیدم دنیا چقدر کوچک شده است. یادم هست ۶۰ سال پیش که پدرم، من و مادرم را از فامیلش از شهر همدان جدا کرد و عازم تهران شدیم. اشک‌های مادرم را به یاد آوردم که می‌گفت آیا می‌شود یکبار دیگر پدر و مادرم را ببینم و آن روز که «مژده» را می‌دیدم به یاد کودکی‌ام باز اشکی سرازیر شد که متفاوت از اشک غرور و حسرت بود. بار دیگر فهمیدم باز یک دختر جوان می‌رود تا نمایندگی و سفیر هموطن ایرانی باشد و برای مجله افق بینا ترجمه و مقاله تهیه کند و بفروشد تا افراد جامعه اقلیت ما را آگاه کنند.

دلیل سوم گریه‌ام تعداد کارمندان و هیئت تحریریه موسسه اطلاعات بود که در سالن مرتب از این دختر صمیمی تعریف می‌کردند. سردبیری که سمت پدیری داشت به پدر «مژده» تبریک گفت که چنین دختری دارد و من فقط به خود با گریه جواب دادم. این اشک، اشک خستگی بود که یک دختر در این سن جوانی منشاء خدمتی شده که موسسه اطلاعات به مراتب بیشتر از اجتماع ما قدر وی را می‌داند.

او به سرزمین دیگری پرواز خواهد کرد با چاهه دانی از خاطرات، و یقیناً «مژده» ای که این همه برای مجله افق بینا فداکاری کرد، ترجمه کرد و در روی معنی هر کلمه‌ای مکتب کرد تا حق مطلب را درست ادا نماید ما را فراموش نخواهد کرد. باز خواهد نوشت و همان طور که سردبیران و سروران موسسه اطلاعات از او قول گرفتند که همکاری با آنها را به خاطر این آب و خاک از دست ندهد، من نیز با چند جمله به دخترم «مژده» صیونیت» مقاله یا داستان حسرت بیهوده‌ام را پایان دهم.

«مژده» عزیز تو باز خواهی نوشت. آنقدر قدرت داری که از انگلیسی به فارسی و از فارسی گنجینه ادبیات ما را به انگلیسی ترجمه کنی ولی من نمی‌دانم از فرهنگ لغتی که تو استفاده می‌کنی هیچوقت چنین کلماتی را برای ترجمه نه در فارسی و نه در انگلیسی و نه در هیچ فرهنگ زبان دیگری نخواهی یافت، مانند: تنفر - فراموشی - از یاد رفتن وطن. باور کن راست می‌گویم، هم اکنون «دیکشنری» را باز کن این کلمات را ترجمه کن: محبت - عشق - یاد و افتخار به وطن، ایران ■

موضوع خیلی ساده به نظر می‌رسید. هر هفته در جلسات مجله افق بینا بحث بود، چه کار کنیم که مجله‌ای وزین داشته باشیم؟ ماهنامه‌ای آبرومند با ارایه مفاهیم فرهنگی و به خصوص افتخار و سرافراز در ایران زمین. نتیجه گرفتیم که از یک موسسه نشر روزنامه یا مجله با سابقه دیدار و از تجربیات آنها برای پیشرفت مجله بهره بگیریم. این پیشنهاد و علاقه را دختری مترجم وارسته و عضو هیئت تحریریه افق بینا از فکر به فعل درآورد. او در موسسه اطلاعات سال‌ها کار کرده و تجربه اندوخته بود.

هفته قبل از آن خبر دادند که روز یکشنبه ۳۰ بهمن امکان بازدید از آن موسسه فراهم شده است. در حدود ۳۰ نفر از خانم‌ها و آقایان عضو هیئت تحریریه مجله افق بینا جمع شده بودیم و به موسسه اطلاعات رفتیم. مسئول روابط عمومی موسسه مردی وارسته با روی خوش به استقبال ما آمد و لذت دیدار از موسسه بزرگی چون «اطلاعات» را برایمان فراهم نمود. در داخل این ساختمان دنیایی از تحرک و فعالیت و فداکاری صدها زن و مرد را دیدم.

سؤال این بود، آیا می‌توان تصور کرد که یکی از کارمندان یا سردبیران هر قسمت اصلاً خستگی را احساس کنند؟ باور کنید خیر. از یک جوان گرافیکست در میان ده‌ها هنرمند رشته گرافیک پرسیده شد چند ساعت کار می‌کنی گفت از ۸ صبح الی آخر شب، این کار هر روز اوست. اگر کارش خسته کننده بود، چرا آنقدر لبخند بر لب داشت و به حرفه‌اش عشق می‌ورزید؟ فکر کردم برای روزنامه‌ای که عصرها بی تفاوت بدست می‌گیریم و ورق می‌زنیم باید چند صد نفر کار کنند تا ماحصل یک روز کارشان را به محل روزنامه فروشی برسانند. اگر باز هم از موسسات این چنین عظیم دیدار داشته باشیم آن وقت می‌فهمیم آن تشکیلات برای چاپ و نشر یک روزنامه مرا وادار خواهد کرد تا هر روزنامه و مجله را مانند یک شی شکستی با دقت در دست بگیرم و با چشمانم طور دیگری به صفحاتش نگاه کنم.

بازدید تمام شد. من و تمام بچه‌های هیئت تحریریه افق بینا یقیناً برداشته‌های مفیدی داشتیم که ثمره آن موجب پیشرفت مجله می‌شود.

آن دختر خانم مودب و سربزیر که باعث آشنایی با این موسسه شد را بارها در اجتماع اقلیتان، کنیسا و مجله افق بینا دیده بودم و مقالاتش را می‌خواندم، ولی ناگاه آن روز که در موسسه اطلاعات به سالن کنفرانس برای مراسم تودیع با یک نویسنده راهنمایمان کردند تازه آن دختر محبوب را به نام «مژده صیونیت» واقفا شناختم. اعتراف می‌نمایم ارزش و مقام او را در جلسات نشریه «افق بینا» نشناختم و آن روز ناگهان متوجه شدم که فقط چند روزی دیگر با ما خواهد بود و بزودی عازم سرزمین دیگری می‌شود. مترجم برجسته انگلیسی و مسلط به ادبیات فارسی عازم خارج از کشور خواهد شد تا دنیا نیز او را بشناسد. وقتی پشت میکروفون سالن کنفرانس موسسه اطلاعات قرار گرفت بی اختیار پس از

عشق نمی‌شویم، خودمان آن را در دل بکاریم و اگر هیچ وقت صحبت از ما نوجوان‌ها نمی‌شود خودمان حرف دلمان را بزنیم. خلاصه کاری نکنیم که دست هر کودک ده ساله شهر شاخه معرفتی باشد.

دوستان نوجوان عزیز:
گروه دانش آموزان (یارمکان فرهنگ بهود و تمدن ایرانی) با آغوش باز پذیرایی دوستانی است که مایلند حرف دل دوستان خود را بشنوند، در بحث‌ها شرکت کرده و دیگران را از نظرات خود بهره‌مند سازند. راستی حرف دل شما چیست؟ ما را از آن آگاه کنید.

هر پنجشنبه از ساعت ۱۷ تا ۲۰ ساختمان سربندی

من ...

کیوان هارونیان

من ذره ذره خاک مزرعه همسایه را می‌شناسم.

زمستان‌ها، وقتی پدرم هفته‌ها به خاطر یک تکه نان به خانه نمی‌آمد؛

مرد دهقان همسایه، دانه‌ای از انبوه گندم‌های مزرعه‌اش به مادرم نمی‌داد.

صبح‌ها از دور دست می‌دیدم که مزرعه پربرکتشان مترسک هم دارد.

احساس می‌کردم او هم مانند من است. تنهای تنها، خیلی تنها.

او همیشه ساکت بود، بدون حرکت و ذره‌ای تغییر.

بعدها فهمیدم که او با تمامی کلاغ‌های آن مزرعه دوست است.

می‌دیدم که هر روز دوستان سیاهش روی دست‌ها و سرش می‌نشستند.

زمانی که انبوه گندم‌های طلایی آن مزرعه را درو می‌کردند، با خالی شدن مزرعه،

دوستان سیاه آن مترسک چشم‌های خیره و پوشال‌های کهنه او را درآوردند و با سر و صدا، مزرعه خالی از گندم را ترک کردند.

وقتی نگاهم به او افتاد، هنوز لبخند می‌زد. آن زمان بود که فهمیدم باید رفیق باشم؛

با خدا،

با کلاغ‌ها،

با آسمان خیس،

با مردمان مغرور،

و حتی با یک علف هرز در باغچه سرسبز خانه همسایه.

فهمیدم باید رفیقش باشم،

رفیق آن کس که هرگز ندیده‌ام،

رفیق آن چیز که هرگز لمسش نکردم.

پس من رفیقم،

با همه چیز و با همه کس رفیقم.

نقش یهودیان

در سینمای مصر



چرا بسیاری از هنرمندان با نام‌های واقعی خود فعالیت را ادامه دادند، ولی برخی نام خود را تغییر دادند؟ آیا از برملا شدن یهودی بودن و به دنبال آن رویگردانی مردم؛ واهمه داشتند؟ یا این که چون آن نام‌ها مانوس نبودند و برای این که برای همیشه در یادها باقی بمانند، نام خود را تغییر دادند؟

چرا در میان هنرپیشگان زن و مرد قدیمی مصر، نام‌های ناآشنا دیده می‌شود؟ پاسخ این پرسش روشن است. سینمای مصر به دست بیگانگان پا گرفت و در ابتدا، بیشتر، مصریان یهودی به آن پرداختند. بسیاری از هنرپیشه‌های بزرگ مصر، یهودی بودند که بعدها نام خود را تغییر دادند و اکنون بیشتر مردم نمی‌دانند که آنها یهودی بوده‌اند. البته این یهودیان همزیستی سازنده و سالمی با مسلمانان داشتند و برخی حتی به اسلام گرویدند.

نام برخی هنرمندان مانند مهندس دکور، مهندس صدا یا مدیر فیلمبرداری ... عجیب به نظر می‌رسد و همچنان نامانوس باقی مانده است. نام‌های مذکور را می‌توان در فیلم‌های قدیمی که کم و بیش در تلویزیون نمایش داده می‌شود، مشاهده کرد و چه بسا تماشاگران کانال فضایی مصر هنگام تماشای فیلم متوجه آن شوند. تماشاگران مصری از مسلمانان گرفته تا قبطی، ریشه نام‌های مصری را به خوبی می‌شناسند. البته امکان دارد تصور کنید آن نام‌ها مربوط به بیگانگان است، زیرا این بار مصر در آغاز فعالیتش، یعنی از سال ۱۸۹۶ تا ۱۹۱۱ میلادی (۱۲۷۵ - ۱۲۹۰ شمسی) به بیگانگان متکی بود. اما زمانی خواهد رسید که بدانیم آن نام‌های عجیب و غریب از آن مصریانی است که اصلاً یهودی بودند. مثلاً بسیاری از افراد نمی‌دانند که لیلی مراد (لیلی زکی مراد) اصلاً یهودی است و همین‌طور برادرش فخر مراد (موریس مراد) (۱۹۲۸ - ۱۹۸۱) نیز یهودی بود. بسیاری واقعا نمی‌دانند که نجوی سالم (نظیر موسی شحاته) (۱۹۲۵ - ۱۹۸۷) هنرپیشه کم‌دلی، که ملت مصر از هنر بازیگری او لذت می‌برند، یهودی است و همین‌طور راقیه ابراهیم (راشیل ابراستیو لوی) که با بازی در برابر محمد عبد الوهاب در فیلم «گل‌وله‌ای در قلب» (رصاصه فسی

القلب) در سال ۱۹۲۴ (۱۳۲۳) همانند یک ستاره به شهرت رسید، یهودی است ... و همین‌طور نام‌های زیاد دیگر ... چرا؟

مسئله پیچیده به نظر می‌رسد و دلیل روشن و واضحی ندارد. چرا بسیاری از هنرمندان با نام‌های واقعی خود فعالیت را ادامه دادند، ولی برخی نام خود را تغییر دادند؟ آیا از برملا شدن یهودی بودن و به دنبال آن رویگردانی مردم؛ واهمه داشتند؟ یا این که چون آن نام‌ها مانوس نبودند و برای این که برای همیشه در یادها باقی بمانند، نام خود را تغییر دادند؟

در مورد اول باید گفت که انگیزه اصلی تغییر نام ستارگان مرد و زن، ترس نبوده و باید به این مورد با دید شک و تردید نگریست. زیرا هم اکنون نیز نام‌هایی مانند «شیکوریل»، «سید ناوی»، «شملا»، و ... پر سر زبان‌هاست. نکته مهم این است که در آن زمان، شنیدن و تکرار آن نام‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کرد ... لذا باید به مورد دوم بسنده کنیم. با این که بسیاری از هنرمندان یهودی نبودند، با این حال برای ایجاد جاذبه، نام‌های خود را تغییر دادند.

یهودیان در سینما

با آغاز قرن جاری و گسترش انتشار نوارهای مصور سینمایی، یهودیان مصر وارد صنعت سینما بخصوص در قسمت‌های هنری و مهندسی آن شدند. آنان گروه «کر» نیز تشکیل دادند و این حرفه، به ویژه در زنان، تا زمان برپایی انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ (۱۳۳۱)، مختص یهودیان بود. شخص جستجوگر در فیلم‌های نمایشی دهه‌های سی و چهل بخوبی درمی‌یابد که ده‌ها زن یهودی، گروه «کر» تشکیل می‌دادند. دومین نکته قابل ملاحظه در بررسی‌های مربوط به زندگی مصریان این است که یهودیان در این زمینه یکه تاز بودند و نه فقط راه برای آنان کاملاً هموار بود، بلکه

برای خود رقیبی نمی‌شناختند.

داوود حسنی، آهنگساز مشهور، نیز از این که با آن صدای گیرای خود سوره «یاسین» را تلاوت کند به هیچ وجه نگران نبود. همین مرد، زمانی که ازدواج کرد و صاحب فرزندی شد، برای همه آنها اسم‌های عربی - مصری، کمال، انسیه و فواد را برگزید. یهودیان مصر نه تنها از رخدادهای جامعه خود به دور نبودند، بلکه در ناراحتی و حزن ملت مصر شرکت داشتند. این حالت از مقاومت در برابر اشغال انگلیس کاملاً هویدا بود. انقلاب سال ۱۹۱۹ (۱۲۹۸)، در همه مظاهر زندگی مادی و معنوی میهن اثر گذاشت و بر روح توانای مصری نسبت به تشخیص و پایداری و روی آوردن به یک هدف ملی که همان استقلال باشد، صحنه گذاشت.

زکی مراد به پاس انقلاب ۱۹۱۹ (۱۲۹۸) آواز خواند و در اپرای «دهه پاک»، (اعشره الطاهره «الطیبه»)، نقش اول را ایفا کرد. داوود حسنی ترانه تنظیم شده از قصیده احمد شوقی را که عشق به مقاومت علیه اشغالگران را در دل بیدار می‌کرد و خواستار بازگشت رهبران مصر بود، خواند. با انقلاب ۱۹۱۹ (۱۲۹۸) بیداری و آگاهی در مورد اهمیت سرمایه‌های مصری که جایگاه طبیعی آن در خود مصر است، افزایش یافت. بدین ترتیب سرمایه‌های ملی که به طور تصادفی در اختیار گروه خاصی نیز بود، در همه زندگی و اقتصاد مردم جاری شد. به دنبال این حرکت، بسیاری از صنایع راه‌اندازی شدند و قوانین گمرکی که به قصد حمایت از تولیدات وضع شده بود، موجب شد که بسیاری از امتیازهای کشورهای بیگانه در این کشور لغو شود.

در بحبوحه انقلاب، زنان نیز وارد کارزار شدند و در تظاهرات شرکت فعال داشتند. پس از آن تعداد دختران جوینده علم افزایش یافت و موسیقی‌های سید درویش و داوود

فیلم‌های لیلی مراد خارج از این قاعده نبود ... این هنرمند در یک فیلم به طور متوسط هفت ترانه می‌خواند.

اگر لیلی مراد همان هنرپیشه معروف باشد که گاه نقش‌های مشابه و گاه متفاوت را بازی می‌کند، باید گفت که لیلی مراد خواننده نیز عامل اصلی در ارتقای آوازهای سینمایی بود، ترانه‌هایی که جزو اصلی در روال فیلم‌های دراماتیک بود.

گفتنی است که لیلی مراد ملیت مصری خود را بر یهودی بودنش ترجیح داد و طولی نکشید که به پذیرش اسلام نیز گردن نهاد. فراتر از این، گفته می‌شود که او با شدت تمام دعوت‌های رسمی در سطح بسیار بالا به ویژه از سوی گلدامایر - نخست وزیر معروف رژیم صهیونیستی را برای دیدار از اسرائیل رد کرد.

.... استثنا در قاعده

یک هنرپیشه که بعدها «راقیه ابراهیم» نام گرفت هم داریم که در سال ۱۹۱۵ (۱۲۹۴) در کوی یهودیان متولد شد. او از یک خانواده یهودی مصری فقیر بود و همین موجب شد که تحصیلات را نیمه تمام باقی گذارد و در فروشگاه‌ها به عنوان فروشنده لباس مشغول کار شود ... در سال ۱۹۳۷ (۱۳۱۶) توگو مزراحی او را کشف کرد و در فیلم «سلامت در خوبی است» همراه با نجیب ایمانی وارد دنیای سینما کرد ... ولی او فقط زمانی که در برابر محمد عبدالوهاب در فیلم «گل‌ول‌ای در قلب» به ایفای نقش پرداخت، مورد توجه واقعی قرار گرفت. او در این فیلم همراه با محمد عبدالوهاب، ترانه «حکیم عیون» (چشم پزشک) را در این فیلم خواند. پس از این فیلم، راقیه ابراهیم به عنوان یکی از ستارگان بزرگ سینمای مصر مطرح شد ...

به تدریج موضع راقیه ابراهیم به نفع یهود وضوح بیشتری یافت. همه کارگزاران در امور هنری او را به غرور، تعصب شدید نسبت به هنرمندان زن مصری - البته به جز زنان هنرمند یهودی - متهم می‌کردند.

راقیه ابراهیم به ویژه پس از جریاناتی که انقلاب ژوئیه را در پی داشت، هیچ گاه نتوانست وجود خود را در مصر تثبیت کند. لذا به آمریکا مهاجرت کرد و به عنوان میهمان‌دار دفتر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل متحد مشغول به کار شد ... او با یک مرد ثروتمند آمریکایی یهودی تبار ازدواج کرد و همراه او، شرکت بزرگی با نام «اوکدزهابر» تأسیس کرد، بدین ترتیب همه خبرهای مربوط به او و ارتباطش با مصر قطع شد ■

منبع: روزنامه جام جم (۷۹/۹/۳۰) به نقل از: الشروق، ترجمه سید محسن ساری

که با ساختن اهرام ثلاثه میراث بی‌شماری از آثار باستانی از خود به جای نهادند، قابل تأمل است، همچنان که امتیاز دیگر توگو مزراحی، کشف ستارگان سینماست. در میان همه ستارگان زن، شاید «لیلی مراد» و «راقیه ابراهیم» جزو سرشناس‌ترین باشند. آغاز کار لیلی مراد در سینما به دلیل شهرت وی به عنوان خواننده بود. این همان چیزی بود که بهیچ‌حافظ (۱۹۱۲-۱۹۸۳) [۱۹۹۱] - ۱۳۶۲] اولین زن کارگردان سینمای مصر را بر آن داشت که از او بخواهد در اولین فیلم خود «اضحایا» (قربانیان) در سال ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) آواز بخواند. قرار بود لیلی مراد در فیلم «قبله فی الصحرا» (بوسه‌ای در صحرا)، به کارگردانی بهیچ‌حافظ مجدداً آواز بخواند، ولی این طرح به شکست انجامید.

ممکن است این پرسش برای ما مطرح شود که چگونه می‌توان سینمای لیلی مراد را که همچنان بر دل‌های مردم حکومت می‌کند و هر از گاهی در تلویزیون ظاهر می‌شود، توصیف کرد؟ مشکلی نیست که با شتاب



بگوییم که سینمای لیلی مراد، سینمایی با سبک ویژه است. جادویی در آن وجود دارد که برای تو روشن نیست، ولی با آن همزیستی داری، البته شاید صدای لیلی مراد، یکی از دلایل این موفقیت باشد. از سوی دیگر، سینمای لیلی مراد نه فقط هیچ مشکلی برای ایجاد نمی‌کند، بلکه برعکس، فیلم‌های او، تو را به دنیای بسیار مشابه و البته بدون وجود مشکلات وارد می‌کند. ...

بنا به تعبیر «سامی سلامونی» منتقد، در گذشته سینمای مصر، به ویژه در دهه سی و چهل، فیلمی وجود نداشت که داستان‌های عشقی آن بدون مشکل و ناراحتی به سرانجام برسد. ... و این طبیعی است که تماشاگران به طور موقت دچار ناراحتی شوند. در این حالت هرگاه زمان نمایش فیلم به درازا کشد، طبیعتاً فرصت‌هایی برای ابراز ناراحتی و در نهایت اجرای ترانه در فیلم به وجود می‌آید.

حسنی که برگرفته از آوای ملت، شامل کارگران، کشاورزان، پیشه‌وران و کارمندان بود منتشر شد.

با انقلاب ۱۹۱۹ (۱۲۹۸) سرمایه‌های بیگانگان در مصر کمتر شد و در نهایت، دست قدرتمند بیگانگان از سینمای مصر کوتاه گشت و سرمایه و پول کشور مصر که بر قدرت، تمایل و خواست ملت در ابعاد سیاسی و اقتصادی در جهت تحقق استقلال و آزادی و قدرت ملت استوار بود، جایگزین شد.

یک سال پس از پیروزی انقلاب، سهامداران بانک مصر که در پی‌ریزی بسیاری از پایه‌های صنعت ملی در کشور سهم به سزایی داشتند، گردهم جمع شدند. در اینجا نام یک یهودی مصری، متولد اواخر قرن گذشته، در اسکندریه، به عنوان یکی از نمادهای بزرگ جهان سینما درخشیدن گرفت.

«توگو مزراحی»

زمانی که آتش جنگ جهانی دوم شعله‌ور شد، صنعت سینمای مصر در مرحله‌ای از شکوفایی قرار داشت که هیچ‌گاه به آن مرحله نرسیده بود و هرگز نیز نرسید. تعداد استودیوها به ۹ عدد رسید که تعدادی از آنها همچنان فعالند و همین امر موجب شد که با آغاز دهه چهارم، تعداد تولید فیلم‌ها در یک سال، به عدد چهل رسید. در برابر پویایی تولید فیلم‌های سینمایی، سالن‌های نمایش در قاهره و اسکندریه و بیشتر شهرهای بزرگ مصر نیز راه اندازی شد و بدین ترتیب فیلم‌های تولید کشور مصر به یکی از کالاهای مهمی تبدیل شد که بیشتر منطقه غربی را پوشش می‌داد.

«توگو مزراحی» زندگی هنری خود را همزمان با سینمای صامت، به عنوان همکار با محمد کریم، کارگردان ادامه می‌داد، ولی او در پایه‌گذاری صنعت سینما در کشور مصر نیز شرکت فعال داشت و یک استودیو در شهر اسکندریه و در پی آن استودیوی دیگری در قاهره راه‌اندازی کرد و در آن شهر اقامت گزید.

قاهره که در دهه‌های سی و چهل دژ مستحکمی برای تولید فیلم‌های سینمایی بود، رشد نسبتاً بالایی در این زمینه داشت و در استودیوهایی که مزراحی راه‌اندازی کرده بود، ده‌ها فیلم تولید شد که ساخته او نبودند، بلکه همکاران سینمایی‌اش در مصر و آثانی که در تحقق این آرزو یاورش بودند، تولید کرده بودند.

سینماگران مصر درصدد اثبات این نکته بودند که سینمای این کشور، همانند مردمش



کدام شیوه

پرورشی؟



مریم حنا سبازاده

در دهه ۱۹۴۰ بود که با نفوذ و اوج گرفتن مکتب روانکاوی، شیوه‌های فرزند پروری نیز تحت تاثیر آن قرار گرفت. همان طور که می‌دانیم روانکاوی مکتبی بود که عامل مهم در سلامت روانی را بیش از همه در گذشته جستجو می‌کرد. در مورد تربیت کودکان روانکاوی هشدار تکان دهنده‌ای به والدین داد:

کنترل شدید روی رفتار کودکان، امنیت عاطفی کودک را در آینده به مخاطره می‌اندازد و همین امر می‌تواند منجر به بروز مشکلات روانی و عاطفی در دوره‌های بعدی زندگی شود.

به عقیده روان شناس و نظریه پرداز مشهوری به نام اریکسون (Erikson)، شکل و تحول شخصیت انسان در هشت مرحله یا دوره، از کودکی تا پیری تحقق می‌پذیرد که در هر مرحله بنا بر موفقیت یا عدم موفقیت، عنصر بخصوصی از شخصیت، در جهت مثبت یا منفی تحقق می‌پذیرد. به عنوان مثال کودک در سال اول زندگی در مرحله اول یعنی مرحله «اعتماد اساسی» قرار دارد. در این سن اگر اولین رابطه عاطفی که معمولا با مادر است به خوبی برقرار شود، کودک دارای یک احساس ایمنی می‌شود تا بتواند به دنیای بیرونی اعتماد کند. بنابراین در سال اول زندگی هر نیازی که کودک دارد «باید» که از جانب مادر تامین گردد، یعنی همچنان که نیاز گرسنگی وی الزام است که بر طرف گردد، اگر کودک در این سن با گریه کردن خود به مادر می‌فهماند که نیاز به در آغوش کشیده شدن و نوازش دارد، مادر باید این نیاز را برآورده سازد و از به اصطلاح لوس شدن وی نهراسد، یا اگر کودک در این سن گاهی ابراز علاقه به خوابیدن در اتاق والدین را دارد، باید این نیاز اجابت شود چرا که ماحصل اعتماد اساسی، شکل گیری پدیده‌ای به نام «امید» در دنیای کودک است و در صورت آنکه نیازهای ذکر شده یا مشابه در این سن برآورده نشود، یک احساس بی‌اعتمادی به دنیای خارج و اطرافیان در فرد شکل می‌گیرد.

روان شناسان حاضر، هدف از به کارگیری شیوه‌های تعلیم و تربیت، تنها وصول به یک «رفتار» مطلوب نیست و به موازات رفتار مثبت، ملاحظاتی همچون شخصیت، روحیه، هیجان، و عواطف مثبت و سازنده نیز باید مد نظر قرار گیرد.

همان طور که می‌دانیم بین کشورها و گروه‌های مختلف، تفاوت‌های بسیار زیادی در زمینه روش‌های مختلف تربیت و پرورش فرزند وجود دارد. اگر نگاهی به تاریخ فرزند پروری در دنیا بیندازیم، شاهد دوره‌های متمایزی در تربیت فرزند هستیم. به عنوان مثال اولین دوره‌ای که نظر ما را جلب می‌کند یک دوره آزادی مطلق برای بچه‌هاست، دوره‌ای که هر چند حق و حقوقی برای آنها در نظر گرفته نمی‌شد، بچه‌ها از غذا و پوشاک خوب محروم بودند و در تصمیم گیری‌های خانواده مشارکتی نداشتند، با این حال، هیچ وقت به خاطر اینکه شب در ساعت معینی به تخت خواب نمی‌رفتند، تنبیه نمی‌شدند و یا به خاطر تمام نکردن غذای بشقاب خود، از دیدن تلویزیون محروم نمی‌شدند!

در دوره بعد که تقریبا سه دهه اول قرن میلادی حاضر شروع آن است، این روند تغییر زیادی کرد به طوری که روش‌های فرزند پروری تا حد زیادی خشن و خشک شدند. در آن زمان به والدین توصیه می‌شد با بغل کردن کودک موقع گریه کردن او را لوس نکنند، طبق برنامه ثابتی به او غذا دهند (اعم از اینکه گرسنه باشد یا نه) و آداب توالت را در همان سال اول زندگی به او آموزش دهند. شکست این شیوه فرزند پروری با تشدید یافتن انواع اختلالات روانی و رفتاری در افراد عصر حاضر، به خوبی نمایان شد. بنابراین تحقیقات گسترده و مطالعات فراوانی در این زمینه صورت پذیرفت که وجه مشترک نتایج آنها یک چیز بود: «کودکان، بزرگسالان کوچک نیستند و بنابراین نمی‌توان با آنها به شیوه خشک و رسمی که با افراد بالغ و بزرگسال برخورد می‌کنیم رفتار کرد».

اشخاصی که در ارتباط نزدیک با کودکان هستند، به ویژه والدین، مربیان مهد کودک و معلمان مدرسه، اغلب پرسش‌های گوناگونی در زمینه کاربرد نکات پرورشی و تربیتی در ذهن دارند. این یک واقعیت است که اکثر والدین مشتاق هستند که فرزندانی با شخصیت سالم، متکی به نفس، دارای بینش و روابط مثبت اجتماعی و خصوصا رفتاری سازنده، پرورش دهند.

کنترل شدید روی رفتار کودکان، امنیت عاطفی کودک را در آینده به مخاطره می‌اندازد و همین امر می‌تواند منجر به بروز مشکلات روانی و عاطفی در دوره‌های بعدی زندگی شود.

با این حال، گاهی به دلیل فقدان اطلاعات صحیح و کافی در خصوص نکات اخلاقی و تربیتی پرورش فرزند، ناخواسته راه را به خطا می‌روند.

به عنوان مثال اخیرا مادری اظهار می‌نمود، با وجودی که برای فرزندم امکانات رفاهی مناسب فراهم ساخته‌ایم و نهایت تلاش خود را در برآورده ساختن خواسته‌های او به کار گرفته‌ایم، فردی منزوی، وابسته و در عین حال طغیان‌گر بار آمده به طوری که به حرمت والدین نیز بی توجه است. به راستی علل ایجاد این خصایل در چنین نوجوانانی چه می‌تواند باشد؟ در یک کلام کلی‌تر کدام یک از روش‌های تعلیم و تربیت را جهت پرورش کودکانمان به کار گیریم؟ تابع یک نظام سهل گیرانه باشیم یا یک روش اقتدار طلبانه؟ جهت تغییر رفتار کودکانمان به روش‌های پاداشی روی آوریم و یا به طرق تنبیهی متوسل شویم؟ از طرف دیگر این سؤال مطرح می‌گردد که چه ویژگی‌هایی علایم یک شخصیت سالم و سازنده در فرزندان ما است.

در نوشتار حاضر سعی می‌شود مروری گذرا بر روش‌های تربیت فرزند و تاثیر آن بر شخصیت، عواطف و رفتار کودکان صورت گیرد با تاکید بر این نکته که به گفته

حرکات ورزشی و اصلاحی برای درمان بیماری‌ها

گردآوری: زیلا کهن کبری

(قسمت دوم)

طریق آسیب ببینند. در هر صورت اولاً حالت ظاهری فرد غیر عادی است و ثانیاً حداقل اثر سوء این عارضه را باید در تأثیر آن بر میدان دید فرد جستجو و بررسی نمود.

- ملاحظات اصلاحی و درمانی

رعایت اصول زیر کمک شایانی به اصلاح این عارضه خواهد نمود:

الف- حذف عادات غلط فرد از طریق تشریح وضعیت صحیح سر.

ب- تجویز تمرینات در جهت تثبیت وضعیت صحیح سر از قبیل حمل کتاب روی سر و یا رعایت حالت صحیح به هنگام ایستادن، راه رفتن و به ویژه خوابیدن.

ج- تجویز تمرینات تقویت کننده عضلات ناحیه خلف گردن به منظور پیشگیری از افتادن سر به جلو و باز گرداندن آن به حالت طبیعی.

د- تجویز تمرینات موثر در حفظ وضعیت طبیعی ستون فقرات پستی.

• نمونه‌ای از تمرینات جهت جلوگیری از عارضه «سر به جلو»

حرکات کششی:

۱- در حالت نشسته بر روی زمین و یا ایستاده با تعادل خوب، دو دست را بر روی پیشانی قرار دهید و سعی کنید سر را به عقب ببرید، حالت کشش را به مدت شش ثانیه حفظ نمایید، سپس به حالت اولیه بازگشته و مجدداً تکرار کنید.

۲- از بارفیکس آویزان شده، سعی کنید سر را به آرامی به عقب برده و تا جایی که بتوانید پشت سر را نگاه کنید.

حرکات تقویتی:

۱- پشت به دیوار بایستید، پاشنه‌های پا را به فاصله ۵ الی ۸ سانتی‌متر از دیوار فاصله دهید. چانه را پایین نگه دارید و پشت سر را به دیوار بفشارید (توجه: به انحناهای کمر نباید افزوده شود).

۲- در حالی که وضعیت ایستاده خود را به طور صحیح حفظ می‌نمایید، دو دست خود را بر پشت سر قلاب نموده و در حالی که چانه به طرف داخل قرار دارد سعی کنید سر را به عقب ببرید. دست‌ها مقاومت لازم را به وجود می‌آورند.

در حالت دوم با مقاومت و فشار دست‌ها، سر به پایین داده شود و در این حالت سر مقاومت می‌کند. ■

«کودکان، بزرگسالان کوچک نیستند و بنابراین نمی‌توان با آنها به شیوه خشک و رسمی که با افراد بالغ و بزرگسال برخورد می‌کنیم رفتار کرد».

یا به عنوان مثال می‌توان به دوره سوم که عبارت است از دوره «ابتکار» اشاره نمود. این دوره که از سن ۳ سالگی شروع می‌شود و تا پایان ۵ سالگی را در بر می‌گیرد، دوره‌ای که کودک در بازی‌های خود طرح‌های مبتکرانه‌ای را به کار می‌گیرد که چنانچه از سوی والدین تشویق شود همین امر موجب ایجاد حس خلاقیت و سازندگی در زندگی آتی او می‌شود و چنانچه مورد بی توجهی یا حتی سرزنش قرار گیرد آن وقت است که احساس خطا یا تقصیر در او به وجود می‌آید و همین احساس گناه می‌تواند منشأ بسیاری از نابسامانی‌های روانی گردد.

به هر حال چنین توضیحاتی که به منظور اثبات نقش تعیین کننده تربیت روی شخصیت (و نه رفتار) دوران کودکی اصرار می‌ورزد، هشدارهایی است که ما را بر آن می‌دارد تنها متوجه تاثیر کوتاه مدت روش‌های تربیتی خود نبوده و به آثار دراز مدت آن نیز بیندیشیم. امروزه مشخص شده است که ریشه بسیاری از ترس‌های مرضی، اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، و عادات رفتاری به دوران کودکی بر می‌گردد. بنابراین داشتن رفتاری متناسب و ملایم که در عین تأکید بر انضباط، انعطاف پذیر بوده و عاری از به کارگیری روش‌های خشک و خشن می‌باشد، اهمیت زیادی دارد.

خلاصه کلام این که بسیاری از رفتارها و ویژگی‌های شخصیتی بزرگسالان تحت تاثیر رویدادهایی است که در سال‌های نخستین زندگی با آن روبرو بوده‌اند، بنابراین آگاهی بر این که چگونه تجارب اولیه زندگی شخصیت فرد را قالب ریزی می‌کند، این ثمر را دارد که به ما یاری می‌کند، در تربیت فرزندانمان عاقلانه‌تر گام برداریم. بسیاری از مسایلی که بعدها خانواده با آن دست به گریبان می‌شود و حل آنها لاعلاج به نظر می‌رسد مانند سرکشی‌های نوجوانان، پرخاشگری‌ها، عدم اعتماد به نفس، و وجود وابستگی، اضطراب، افسردگی، حتی خودکشی و مشکلات مشابه، شاید از این طریق قابل پیشگیری باشد که درباره نحوه تاثیر رفتارمان روی کودکان و چگونگی پیدایش این مسایل و راه‌های حل و فصل آنها در سنین پایین‌تر شناخت دقیق‌تری داشته باشیم و کلام آخر این که همیشه پیشگیری بهتر از درمان است. ■

اشاره: در شماره گذشته، درباره وضعیت سر و حرکات اصلاحی مربوط به آن بحث شد. این شماره، بحث مربوط به وضعیت گردن را پی می‌گیرد.

«اگر ما فرزندان خود را از کودکی به بازی‌های پر نشاط علاقمند سازیم دیگر در بزرگسالی نگران بزهکاری، بیماری، اضطراب، بیکاری و اعتیاد آنها نخواهیم بود».

- بررسی وضعیت گردن (neck)

وضعیت گردن را از دید پهلوی بررسی می‌کنیم. بدیهی است کیفیت قرارگیری گردن از نحوه قرار گرفتن سر (از نظر جلو بردن) سنجیده می‌شود.

- وضعیت طبیعی و غیر طبیعی

یک بدن طبیعی که از راستا و تناسب مطلوبی برخوردار باشد، چنانچه از دید پهلوی مورد مشاهده قرار گیرد، سر باید به حالت تعادل و در امتداد تنه قرار داشته باشد. به گونه‌ای که خط شاقول از لاله گوش عبور کرده و از سر شانه بگذرد. در صورتی که در برخی از افراد دو نقطه مذکور در یک راستا نبوده و سر بیش از حد جلو می‌باشد. باید توجه داشت که به هنگام ارزیابی لازم است وضعیت سر را در ارتباط با وضعیت کلی بدن از دید پهلوی مورد بررسی قرار گیرد.

• علل و علائم

اصولاً عضلات گردن برای حفظ وضعیت تعادل سر در جایگاه طبیعی خود متحمل فشار می‌شوند. زیرا به دلیل گشتاور ایجاد شده توسط نیروی ثقل، سر تمایل دارد به جلو بیفتد.

در وضعیت «سر جلو»، گردن به جلو رفته و چانه فرد به سمت بیرون بدن می‌رود. در برخی از منابع ذکر شده که این حالت در افراد نزدیک‌بین شیوع دارد. همچنین عادت مبنی بر استفاده از بالش‌های ارتقاع زیاد که در خوابیدن مردم کشور ما وجود دارد، در این ناهنجاری موثر است.

حدود ۱۳٪ از افراد نیز مبتلا به حالت شدید سر به جلو می‌باشند که این رقم حائز اهمیت است. البته باید توجه نمود که وضعیت سر به جلو از نظر پیامدهای بعدی دارای عواقب شدیدی نیست مگر آن که فرد در جهت جبران این وضعیت، باعث خارج شدن انحناهای سینه‌ای از حالت عادی گشته و از این

غلبه بر استرس با هشت روش

مرجان ابراهیمی

برای چه درخواست می‌کنیم؟

گردآوری: آلبرت شادپور

چرا در برخی مواقع درخواست از دیگران شایسته، بسیار بجا و حتی لازم خواهد بود؟

۱- درخواست کردن نشانه اعتماد به نفس و ارزش قابل بودن برای خود ماست. چون زمانی که درخواستی می‌کنیم به صورت ناخودآگاه به اذهان دیگر این مطلب را تفهیم می‌کنیم که ما دارای حقوق و امتیازاتی هستیم. از سوی دیگر به طور کلی میزان ناخشنودی ما از زندگی در واقع فاصله بین واقعیات زندگی با آرمان‌ها و آرزوهای ماست. با بیان خواسته‌ها و آرزوهایمان و دریافت پاسخ و عکس العمل از محیط، این فاصله کوتاه‌تر می‌شود.

۲- یکی از مهمترین راه‌ها برای حفظ سلامتی روحی، درخواست است. وقتی خواست خود را عنوان نمی‌کنیم ممکن است نادیده گرفته شویم و مورد بی توجهی قرار بگیریم و یا کنار گذاشته شویم که عاقبتی جز مخفی ماندن ارزش‌های واقعی ما نداشته و در نهایت مقدمه‌ای برای ایجاد استرس‌ها و اختلالات فکری خواهد شد. پس خواست خود را همواره به طور سالم مطرح کنید که به قول عوام به بیماری‌های روان تنی مبتلا نشوید.

۳- آیا هرگز فکر کرده‌اید که درخواست کردن شما راه منطقی برای تفهیم نظرات خود به اعضای خانواده، همسر و دوستان و همکاران شما می‌باشد؟ یادتان باشد که آنها هیچ کدام ذهن شما را به خودی خود نمی‌توانند بخوانند!

۴- عمل درخواست از دیگران همواره می‌تواند لذت بزرگی برای آنها باشد. با این کار به مردم فرصت بدهید تا از کمک کردن به شما لذت ببرند. چون برخی از آنها به خاطر ذات خوب شما مترصد به چنگ آوردن یک فرصت برای کمک به شما هستند. پس به خود و دیگران فرصت کمک نمودن را بدهید.

بیا بید سبز باشیم همیشه سبز! با درخواست متعادل و درست!



۴- هر تغییری را در محیط زندگی خود به تعویق بیندازید:

به طور کلی تغییر، استرس زاست. محیط زندگی خود را تا زمانی که واقعا آمادگی ندارید تغییر ندهید. حتی تغییر مکان به یک خانه بزرگتر و یا تأثیرات مثبتی که به همراه بهبود وضع مالی در زندگی روی می‌دهد، می‌تواند استرس را باشد. قبل از هر تغییری ابتدا اطمینان حاصل کنید که آمادگی پذیرفتن مسئولیت جدید را دارید.

۵- قند خون خود را متعادل نگاه دارید:

سعی کنید از مواد قندی به عنوان عامل بالا برنده قند خون استفاده نکنید. اگر می‌خواهید میزان قند خونتان را از نوسان (بالا و پایین رفتن) دور نگاه دارید، این کار را با مصرف حبوبات، برنج، نان و سیب زمینی انجام دهید. این گونه مواد قندی در بدن شکسته می‌شوند و قند آزاد شده در مدت زمان طولانی (به طور مناسب) به سرتاسر بدن می‌رسد. همچنین خوردن مداوم وعده‌های مختصر غذایی، نوسان قند خون را کاهش می‌دهد و موجب می‌شود که در زندگی روزانه‌تان موثرتر باشید. بنابراین، تنقلات و خوراکی‌های مختصر را از برنامه غذایی خود حذف نکنید.

۶- از ساعاتی که برای کار یا مطالعه اختصاص می‌دهید بکاهید:

اگر در انجام مسئولیت‌هایی که به شما محول شده است مشکل دارید یا فکر می‌کنید از پس آنها بر نمی‌آید احتیاج دارید که انرژی از دست رفته بدنتان را جبران کنید. ساعات معینی را برای کار و مطالعه برنامه ریزی کنید و مطمئن شوید که تفریح و اوقات فراغت را جزیی از برنامه روزانه خود قرار داده‌اید.

۷- ورزش کنید:

نه تنها ورزش بر احساس سلامتی می‌افزاید بلکه به شما انرژی می‌دهد تا بر روزهای پر استرس غلبه کنید. اختصاص ساعاتی در هفته برای ورزش روزانه در زندگیتان ضروری است. ورزش استرس را کاهش می‌دهد و به شما اجازه می‌دهد که کارهای روزمره‌تان را بهتر انجام دهید.

۸- اوقات فراغت را نظر بگیرید:

گاهی اوقات صحیح است که بیکار باشیم. برای شروع، حداقل پانزده دقیقه در روز کاری انجام ندهید. این هشت مرحله را در زندگی روزمره‌تان بگنجانید و دریابید که چگونه از زندگیتان لذت ببرید!

آیا شما از استرس رنج می‌برید؟

استرس می‌تواند مفید یا مخرب باشد. اساسا فشارهای روانی متغیرند همه ما مرتباً وقایع پر استرس را در زندگی روزمره تحمل می‌کنیم، حتی هنگامی که در زندگی موقعیتی مثبت و خوب به نظر می‌رسد، باز هم چنین احساسی داریم.

وقایعی استرس زا هستند که بر سیستم فیزیولوژیکی بدن تحمیل می‌شوند و این سیستم را برای سازش تحت فشار قرار می‌دهند همه ما به روش‌های مختلفی بر این گونه عوامل غلبه می‌کنیم. بعضی از افراد قابلیت بیشتری برای مقابله با استرس دارند، در صورتی که بعضی دیگر روش‌های موثر مقابله با استرس را نیاموخته‌اند.

لیست زیر شامل فعالیت‌هایی است که با پیروی از آنها می‌توانید زندگی آرامتری را در پیش بگیرید:

۱- ساعت بیولوژیکی بدنتان را میزان کنید:

این کار به اسانی قابل اجراست. برای میزان کردن ساعت بیولوژیکی بدنتان زندگی خود را قانونمند کنید. هر روز سر ساعت معینی بخواهید و برخیزید. اگر پس از گذشت چهل و پنج دقیقه بعد از رفتن به بستر به خواب نرفتید مطالعه کنید و یا خود را با کاری سرگرم کنید، عاقبت خسته می‌شوید و به خواب می‌روید. اگر در کاری که همیشه به صورت قانونمند انجام می‌دهید تغییری صورت دادید، ساعت بیولوژیکی بدنتان با نیازمندی‌های کاری شما جور نخواهد بود. بدن شما تقریباً سه هفته وقت نیاز دارد که با برنامه جدید تطبیق پیدا کند. اگر بیش از حد استرس دارید سعی کنید از تغییر دادن همزمان چند کار خودداری کنید و یا راه‌های دیگری را برای غلبه بر استرس در پیش بگیرید.

۲- به خودتان استراحت بدهید:

شما باید زمانی را برای استراحت بدنتان تخصیص داده و به مغزتان فرصت بدهید که مجدداً به واکنش‌های شیمیایی بپردازد. اگر زیاد از حد استرس دارید ممکن است ناشی از خستگی، درد، اضطراب، بی خوابی، افسردگی و عدم کسب لذت از فعالیت‌های روزمره و غیره باشد. باید به بدنتان فرصت بدهید التیام یابد و زمان کلیدی است برای به آرامش رسیدن شما. هر شب قبل از خواب لیستی از کارهای فردا تهیه کنید، صبح روز بعد این لیست را به نصف تقلیل دهید و فقط به کاری که نسبت به آن احساس راحتی می‌کنید بپردازید.

۳- زیر بار تعهد سنگین اجتماعی (خارج از توان خود) نروید:

این بدین معناست که یاد بگیرید با هر کار اجتماعی که ممکن است بر استرس شما بیفزاید مخالفت کنید. مثلاً اجازه بدهید امسال فرد دیگری در مورد تعطیلات برنامه ریزی کند. سعی کنید به جای این که تمام مسئولیت را به عهده بگیرید از تعطیلات لذت ببرید. شما حق دارید که به احتیاجات خود توجه کنید و اجازه ندهید که دیگران در زندگی شما دخالت کنند.



بهداشت دهان و دندان

مارینا ماهگرفته

باعث برداشتن مواد غذایی گردد. به یاد داشته باشید که هر دندان را به طور جداگانه و با قسمت جدید نخ تمیز کنید.

۴- از انگشت سیاه برای ورود آرام نخ دندان بین دندان‌های فک پایین کمک بگیرید این حرکت را نیز به همان نحو و دقت برای هر دندان جداگانه انجام دهید.

استفاده از دهان شویه‌ها:

استفاده از این مواد نیز کمک موثری برای فراهم کردن محیطی عاری از هرگونه ویروس، باکتری و ... است و در ضمن انواع خاصی از مواد دهان شویه، حساسیت زیاد دندان‌ها را از بین می‌برند و همچنین از التهاب و قرمزی لثه جلوگیری می‌نمایند. بهترین دهان شویه‌ای که توصیه می‌گردد، یک فنجان آب ولرم همراه مقدار کمی نمک طعام می‌باشد. انجام این اعمال اگر به صورت یک عادت درآید بهترین امر در حفظ بهداشت شخصی و بالا بردن سطح بهداشت عمومی است. بکوشیم حداقل برای داشتن لبخندی زیبا بیشتر به بهداشت دهان و دندان‌هایمان اهمیت دهیم!

مرتبه سفارش شده است. البته صبح‌ها قبل از خوردن صبحانه نیز دهان باید شسته شود، پس به طور کلی روزی چهار بار مسواک زدن، تضمین کننده سلامت و بهداشت دندان‌ها و دهان می‌باشد.

روش صحیح مسواک زدن:

۱- موهای مسواک را با زاویه ۴۵ درجه نسبت به محور طولی دندان در ناحیه شیار لثه گذارده، در حالی که مسواک کم و بیش در جای خود باقی است و نوک موهای مسواک در داخل شیار لثه قرار گرفته، با حرکات دورانی کوتاه مسواک نمایید. با این عمل میکروب‌های زیر لثه و قسمتی از ناحیه بین دندانی تمیز خواهد شد. حدود ده ثانیه روی هر دندان به این صورت وقت صرف نمایید. با این روش سطح قابل دید دندان‌های بالا و پایین را تمیز کنید.

۲- برای تمیز نمودن پشت دندان‌های قدامی مسواک را به صورتی که در شکل نشان داده شده بچرخانید و با استفاده از همان روش حرکات دورانی کوتاه مطمئن شوید که موهای مسواک را در شیار لثه و دندان‌ها احساس می‌نمایید.

۳- سطح جونده هر دو فک را با استفاده از حرکات لرزشی کوتاه به جلو به عقب تمیز نمایید و مطمئن شوید که آخرین دندان آسیای بزرگ در انتهای دهان را نیز تمیز کرده‌اید.

باید در نظر داشت که مسواک به تنهایی به طور کامل مواد غذایی و میکروب‌ها را از کلیه سطوح دندان‌ها از بین نمی‌برد، بلکه برای از بین بردن کامل مواد غذایی باید از نخ دندان استفاده کرد. به ویژه در مناطق بین دو دندان که موهای مسواک به طور کامل به آن مکان‌ها نمی‌رسد.

روش صحیح استفاده از نخ دندان:

۱- حدود ۴۰ سانتی‌متر از نخ دندان را جدا کرده و دو انتهای آن را به دور انگشتان وسط پیچید.

۲- نخ را با استفاده از انگشتان شست و با حرکات ملایم جلو و عقب، وارد ناحیه بین دندانی و زیر لثه نمایید. این کار را به گونه‌ای انجام دهید که نخ دندان تماس ناگهانی با لثه پیدا نکند.

۳- نخ دندان را با حرکات بالا و پایین ضمن تماس کامل، به سطح دندان بکشید تا

«پیشگیری بهتر از درمان است». راه‌های پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها هم آسان‌تر و هم از لحاظ اقتصادی کم هزینه‌تر از درمان می‌باشند.

پیشگیری یعنی جلوگیری از ایجاد عامل بیماری‌زا و یا فراهم نکردن محیط مناسب برای ایجاد عوامل بیماری‌زا. در اینجا به رعایت بهداشت دهان و دندان می‌پردازیم که مسئله‌ای بسیار با اهمیت و در تمامی سنین رعایت آن الزامی می‌باشد.

پوسیدگی‌های دندانی، بوی بد دهان، بیماری‌های لثه‌ای، از دست دادن دندان‌ها در سنین کم و بسیاری از مشکلات دهانی و دندانی دیگر ناشی از عدم رعایت اصول بهداشتی یا درست انجام ندادن این اصول می‌باشد. روش‌های صحیح مسواک زدن و استفاده از نخ دندان و دهان شویه‌ها و آموزش صحیح این موارد می‌تواند از بروز این مشکلات یا پیشرفت اجتماعی بیماری‌های موجود دهانی، جلوگیری نماید. مسواک زدن یک روش از بین بردن میکروب‌ها از روی سطح دندان‌هاست و استفاده از نخ دندان نقش از بین بردن بقایای مواد غذایی از فضاهای بین دندانی را دارد. برای جلوگیری به کارگیری این وسایل بهتر است تا حدی با شکل و محدوده لثه و دندان آشنا شویم. لثه قسمتی از مخاط دهان و شامل دو قسمت است: لثه آزاد و لثه چسبیده. لثه آزاد قسمتی است که به سطح تاج دندان چسبندگی ندارد و به صورت حلقه‌ای دور تا دور دندان قرار دارد. لثه چسبیده در ادامه قسمت آزاد است و به استخوان فک چسبیده است. مرز بین این دو قسمت شیار لثه‌ای است که این ناحیه در اثر رعایت نکردن بهداشت، مکان مناسبی برای تجمع میکروب‌ها می‌باشد. از دیگر نواحی که باید دقت بیشتری در نظافت آن داشت بین دندان‌ها و سطح جونده دندانهاست. سطح جونده در دندان‌های خلفی به علت دارا بودن فرو رفتگی‌ها و شیارهای عمیق، محل مناسبی برای گیر کردن ذرات غذایی می‌باشد. مناطق بین دندانی نیز در بیشتر موارد به دلیل درست پاک نشدن از بقایای مواد غذایی محل مناسبی برای ایجاد پوسیدگی و بیماری لثه‌ای می‌باشند.

به طور معمول مسواک زدن روزی سه

من دندونم درد می‌کنه!

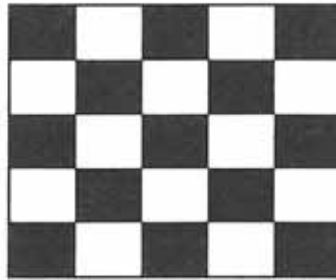
این جمله را یک گراز دریایی به نام «اوخ» (*odobenus rosmarus*) که در مرکز زیست محیطی و اکولوژی ثابت جزیره کیش زندگی می‌کند، اعلام کرد! در اطلاعیه‌های (همشهری ۷۹/۱۲/۲۳)، از اساتید و صاحبان نظران جراحی دامپزشکی کشور تقاضا شده بود جهت کشیدن دندان این گراز دریایی اعلام آمادگی نمایند!

راستش خیلی خوشحال شدیم از این که در کشور ما، سطح بهداشت عمومی به حدی رسیده است که مسئولان حتی برای دندان درد یک گراز دریایی هم فوراً عکس العمل نشان می‌دهند. حتماً دندان‌های همه کودکان، نوجوانان و غیره! در نهایت سلامت قرار گرفتند و تنها مشکل، همین موردی بود که ذکر شد!

ساموئل رشوفسکی،

نابغه‌ای در جهان

پر رمز و راز شطرنج



در مسابقات جهانی بدست آورد. رشوفسکی تقریباً در کلیه بازی‌هایی که با «بات وی نیک» انجام داده- در حالی که «بات وی نیک» صاحب عنوان جهانی شطرنج بوده است- بر او پیروز شده است، تا حدی که مجلات شطرنج معتقد به یک نوع «آلرزی» و حساسیت «بات وی نیک» در مقابل رشوفسکی شده‌اند.

رشوفسکی در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ قهرمان اول مسابقات هاستینگز گردید و در سال ۱۹۳۹ در یک مسابقه بین المللی در شوروی بعد از سالفور مقام دوم را کسب کرد.

برخورد با نابغه خردسال

در موقعی که رشوفسکی نزدیک به یک ربع قرن قهرمان مطلق آمریکا بود، یک قرینه سازی جالبی در تاریخ شطرنج بوجود آمد. یک کودک یهودی که به خاطر شطرنج تحصیلات خود را رها کرده بود- با استعداد و نبوغ خارق العاده خود توجه محافل شطرنجی جهان را به خود جلب نموده بود. او «بوسی فیشر» بود که در سن ۱۴ سالگی به سختی استاد بزرگ ساموئل رشوفسکی را مغلوب کرد و قهرمان اول آمریکا گردید.

در روز مسابقه این دو شطرنج‌باز بزرگ، عده زیادی تماشاچی وجود داشتند که مهارت و خونسردی فیشر و شکست رشوفسکی را مشاهده نمودند.

در مسابقات المپیک شطرنج ۱۹۶۲ بلغارستان، پطروسیان درباره تیم آمریکا گفت: «در تیم ملی آمریکا جای قهرمانان ممتاز و بسیار ارزنده‌ای نظیر رشوفسکی خالی است. اگر او در تیم آمریکا شرکت داشت پیروزی بر تیم ایالات متحده کار آسانی نبود» ■

می‌پرداختند. به طور متوسط او در هر بازی با ۲۰ نفر بازی می‌کرد و برای درک تعداد و کثرت این بازی‌های «سودجویانه» باید بدانیم که از ژوئن تا ژوئیه ۱۹۲۰، نه جلسه بازی دسته جمعی در بزرگترین مرکز شطرنج آن موقع جهان یعنی پاریس انجام داد که در طی آنها با ۱۷۴ شطرنج‌باز پاریسی روبرو شد. در جمع امتیازات، او ۱۶۲ پیروزی، ۵ مساوی و فقط ۷ باخت داشت! و اگر ما به نتیجه مسابقات دسته جمعی بهترین شطرنج‌بازان و حتی قهرمانان جهان مراجعه کنیم مشاهده خواهیم کرد که نتیجه بازی‌های این کودک خردسال به مراتب از آنها بهتر است...

در ۹ سالگی خانواده رشوفسکی به آمریکا مهاجرت کردند و در این تاریخ وقایع بسیار جالبی به نفع او اتفاق افتاد.

یک کمیته اجتماعی یهودی، شرکت نمایشی و تجارتی رشوفسکی را در مسابقات منع کرد و با کمال دقت مشغول تعلیم و تربیت او شد. در ضمن او در کلاس‌های شطرنج شروع به یاد گرفتن تئوری‌ها و شروع بازی‌ها نمود. بالاخره خانواده رشوفسکی تابعیت آمریکا را پذیرفتند و خود رشوفسکی با سمت حسابدار در یک موسسه مشغول کار گردید و در ضمن با بازی شطرنج و تا حدودی به نحو آماتوری خود را مشغول می‌کرد.

بزرگترین رقیب او در قاره آمریکا، شطرنج باز فقید جهان «کاپابلانکا» بود. کاپابلانکا که خود از نوابغ خردسال جهان شطرنج است از سن دوازده سالگی قهرمان کوبا شده بود و موفقیت‌های درخشانی در صحنه‌های جهانی بدست آورده بود.

در مسابقات هاستینگز ۱۹۳۵ این دو نابغه بزرگ در مسابقه‌ای که بهترین قهرمانان جهان در آن شرکت داشتند با هم روبرو شدند. در این مسابقه رشوفسکی مقام اول را بدست آورد.

در سال ۱۹۳۶، رشوفسکی قهرمان اول آمریکا گردید و ده‌ها سال این مقام بزرگ را حفظ کرد و در این مدت پیروزی‌های بزرگی

گردآوری: بیژن خاکشور

در تاریخ شطرنج جهان با نوآوری برخورد می‌کنیم که در سنین کوچکی موفقیت‌های بزرگی بدست آورده‌اند ولی شاید هیچ نابغه خردسالی تا به حال نظیر ساموئل رشوفسکی دیده نشده باشد.

رشوفسکی در نوامبر ۱۹۱۱ در یک خانواده یهودی در لهستان متولد گردید. در ۵ سالگی با بازی شطرنج آشنا گردید و استعداد شگرف و مهارت فوق العاده او در بازی شطرنج باعث شد تا پدرش در سن ۶ سالگی او را به وین که در آن موقع از مراکز بزرگ اجتماع شطرنج‌بازان بود ببرد.

رشوفسکی در حالی که برای دیدن صحنه‌ها بر روی پنجه‌های پای خود بلند می‌شد. در چهار بازی دسته جمعی با عده زیادی از شطرنج‌بازان وین روبرو گردید و به سختی آنان را شکست داد و تا به حال او کوچکترین شطرنج‌بازی است که بازی دسته جمعی انجام داده است.

ساموئل وقتی که به لهستان برگشت دیگر یک کودک ناشناس نبود بلکه نشریات اروپایی با عکس‌ها و رپرتاژهای مفصل ظهور این نابغه بزرگ ۶ ساله را به اطلاع همه رسانیده بودند.

در این موقع اتفاقی افتاد که هر «انسانی» را ناراحت می‌کند. به جای این که این کودک با استعداد برای تحصیل به مدرسه فرستاده شود- تحت تاثیر تبلیغات وسیعی که جراید درباره او کرده بودند- یک «مدیر نمایش» با پدر رشوفسکی قراردادی بست که این کودک خردسال را برای «نمایش شطرنج» به کشورهای مختلف اروپا ببرد؟ به هر حال صرفنظر از جنبه‌های بشر دوستی- این «معامله» باعث شد که رشوفسکی با عده زیادی از شطرنج‌بازان ممتاز اروپا روبرو شود و با پیروزی بر آنها بر قدرت و تجربه و شهرت خود بیفزاید.

بیشتر نمایشات شورانگیز او انجام بازی‌های دسته جمعی بود که علاوه بر بازیکنان، تماشاچیان هم مبالغ قابل توجهی

* در این دنیا از دو راه می‌توان موفق شد، یا از هوش خود یا از نادانی دیگران. (لابرویر)

* مردم موفق امروز، کودکان جسور دیروز بوده‌اند. (دیسرایلی)

* انسان‌ها نسبت به ظرفیتی که برای کسب تجربه دارند عاقلند، نه نسبت به تجاربی که اندوخته‌اند. (برنارد شاو)

* افتادن در گل و لای ننگ نیست. ننگ در این است که همانجا بمانی. (مثل آلمانی)

* کسی که سوار بر الاغ باد به غیغب بیندازد، چون اسب سوار شود پاک دیوانه خواهد شد.

* مردان آفریننده کارهای مهمند و زنان بوجود آورنده مردان. (رومن رولان)

گردآوری: طناز ستاره‌شناس



مقالات و نظرات



(طرح از طنز ستار هاشمی)

جلسه هیئت تحریریه و سرمقاله!

لیورا سعید

یک میز مستطیل شکل در یکی از چند اتاق بزرگ طبقه اول در یک ساختمان سه طبقه، یک روزمیزی ضخیم سبز و حدود سی صندلی به دور آن دیده می‌شود. بر روی این صندلی‌ها، سردبیران، اعضای هیئت تحریریه و گاهی مدیر مسئول، با استعدادها، اندیشه‌ها، عقاید و سلاقی گوناگون اعم از: شاعر، نویسنده، مترجم، منتقد، نقاش، گرافیست، گزارشگر و... یک جلسه نشریه را تشکیل می‌دهد و اعضای آن هفته‌ای یک بار به دور هم جمع شده، نظر می‌دهند، مقاله ارائه می‌کنند، انتقاد می‌کنند و انتقاد نمی‌پذیرند!

و اینجا جلسه نقد و انتقاد شماره‌ای از نشریه می‌باشد که اخیراً چاپ شده است.

«حالا از صفحه اول شروع می‌کنیم و یکی یکی جلو می‌رویم، هر کی نظری داره ارائه بده، اول از سرمقاله شروع کنیم». این صدای یکی از سردبیران است که سعی در انسجام اعضا و شروع جلسه دارد.

«به نظر من این شماره نسبت به شماره‌های قبل بسیار بهتر و متنوع بود. مطلب من خوب چاپ شده بود و غلط املائی هم نداشت. فقط اسمم خیلی ریز چاپ شده بود».

«من هم همین نظر رو دارم این دفعه، مطالب جدیدتر بود و سرگرمی‌های بیشتری وجود داشت. البته همین طور که ایشان گفتن، غلط املائی زیاد داشت که اون هم در اثر تجربه رفع می‌شه. البته نشریه هنوز به دست من نرسیده، می‌شه لطفاً یکی به من بدین». این یکی از اعضای نشریه است، به خود و حرف‌های خود مطمئن، که می‌خواهد در میان جمع صحبتی برای گفتن داشته باشد تا مبدا احساس حقارت به او دست دهد.

«عکس‌هایی که در این شماره چاپ شده به جوریه، خوبه اما ...» این نیز یکی دیگر از اعضا که آشفته درون و پریشان احوال است. گویی تا حرف دل را نزنند آرام نمی‌گیرد. نگاه دیگران را به خود سنگین می‌بیند. بالاخره دل به دریا می‌زند و:

«این چه وضع عکس چاپ کردنه. این عکس من نیست. این کجاش رنگ چشم منه؟ مثلاً شما عکس هنرمند رو انداختین باید ...» و صدای کس دیگر از آن سوی میز می‌آید که سعی در جواب دادن انتقاد این هنرمند دارد:

«خوب عکس‌های داخل نشریه سیاه و سفید چاپ می‌شن، فقط عکس‌های روی جلد و داخل جلد رنگی هستن، چون آنها ...»

«خوب بودجه بذارن، خرج کنن، تا این طور عکس من باعث آبروریزی نشه. اگر نمی‌تونن خوب، عکس منو روی جلد بنذارن».

«من حاصل عمر خود ندارم جز غم و ز عشق ز نیک و بد ندارم جز او یک همدم با وفا ندیدم جز درد یک مونس نامزد ندارم جز عشق» این هم عضوی دیگر از اعضای نشریه که فکر می‌کند شاعر است. تلنباری از غم و حرمان در ورق کرده، به زیر بغل دارد. بلند شده و کم مانده به روی میز برود و بخواند:

«ای باد حدیث من نهانش میگو
سر دل من به صد زبانش میگو»
«راستی فردا شب خانه جوانان برنامه موسیقی شاد برای جوانان گذاشته، اگر می‌خواهین کارت بخرین پایان جلسه به من رجوع کنین».

«می‌دونین چیه؟ نشریه بوی سوختگی می‌ده و مطالبش از تاریخ گذشته شده، مثلاً وقتی مقاله مهم من! که مال سال ۹۹ بود ترجمه کردم و تازه سال ۲۰۰۱ چاپ شده چه فایده! خوب می‌کن نشریه باید تاریخ مصرف داشته باشه». اه راستی این عضو همیشه up to date نشریه است.

«آقا قرار بود از طرف مجله، بچه‌ها را تئاتری، سینمایی، جایی ببرین چی شد؟ دلمون پوسید». ایشان نیز عضوی فعال در نشریه که گویا در خانه سالمندان منزل دارند.

«بیخشین وسط حرقتون، صحبت من هنوز در مورد عکسم تموم نشده»، بالاخره چشم من که اونطوری چاپ شده چی می‌شه؟ البته من یک پیشنهاد دارم شما می‌تونین در شماره بعدی نشریه عذرخواهی کنین و عکس منو صحیح و درست اگر نمی‌خواهین روی جلد، حداقل داخل جلد چاپ کنین».

«بیبینم، الان نزدیک ایلاتون هستیم یا نه؟ پس چرا مطلب دو سال پیش من در مورد کیبور تازه چاپ شده؟» فردی متعصب در مورد مسایل مذهبی که گویا در روزنامه همشهری کار می‌کنند! و در جواب انتقاد خود می‌شوند:

«حیف شد اگر این شماره کمی دیرتر از زیر چاپ در آمده بود دقیقاً مصادف با کیبور شده بود. نه؟»

اما انگار الان جای شوخی نیست.
«این موضوع که چیزی نیست. چرا خودتونو ناراحت می‌کنین؟ در مقاله‌ای که من ترجمه کردم به جای کلمه «جوانان»، کلمه «جوانان» چاپ شده. من به خاطر خودم که نمی‌گم، این توهین به نویسنده

است و من که مترجم ماهری هستم پس باید امانت دار خوبی هم باشم. اما شماها با این غلط‌های املائی آبروی منو پیش مردم بردین و تازه خیانت در امانت هم شده آخه «جوانان» یعنی چه؟»

«چرا توی نشریه طنز جا نمی‌دین؟ نشریه خیلی خشک و انعطاف ناپذیر شده، مردم کمی احتیاج به خنده دارن».

«با اجازه‌تون نخیرا بذاریم طنز بنویسن که به ما سردبیرا لقب «جیب برها» بدن؟»

«قراره هفته آینده جشن سالگردی برای نشریه بگیریم در مورد کیفیت برگزاری و چگونگی اون اگر نظری دارین ارائه بدین»

«فکر خوبی. بهتره جشن شاد باشه. همه هم دعوت بشن. بالاخره توی این مراسم ممکنه حداقل دو تا جوون همدیگر رو ببینن، شاید ازدواج کردن».
«ای بابا چی چی رو همه بیان؟ این مراسم فرهنگی. مهمانان رتبه بالا، متخصص و شاید غریبه دعوت باشن».

«بیخشین خودمو تا حالا معرفی نکردم من مهندسی هوا- فضا خوندم اما کاریکاتور هم می‌کشم. می‌خواستم پیشنهاد کنم قیافه اعضای تحریریه رو به شکل کاریکاتور و خنده‌دار بکشم و بالای مقاله خودش چاپ کنن چطوره؟»

«من مخالفم. همینطوری هم اصل عکس من چپ و چوله چاپ شده شما هم که کاریکاتور بکشین، دیگه چی می‌شه».

«باید خیلی دلتون بخواد و تمایل نشون بدین که با وجود کاریکاتورهای من، نشریه آب و رنگی به خودش بگیره».

و انگار کسی در آن سوی میز بزرگ فارغ از هیاهو پا را بر روی پا انداخته و اعلام برنامه می‌کند:
«فردا شب در سازمان دانشجویان، سخنرانی با عنوان «دختری با دست‌های جوهری» داریم. البته هنوز سخنران آن مشخص نیست».

«بیخشین حرف من نصفه مونده داشتیم می‌گفتم ...»

«می‌خواستیم در مورد جدول این شماره نظری بدم ...»

«این جشنی که می‌خواهین در مورد نشریه بگیرین ارکستر زنده می‌یارین یا ...»

«وقتی چشم‌های منو توی عکس اینطوری ...» و در آخر صدای همان سردبیر می‌آید که در میان هیاهو، به سختی شنیده می‌شود: بیخشیند جسارت نباشه اگر حرقتون تموم شد ... صفحه اول را بیارین تا یک نگاهی به سرمقاله بنذاریم!!

بیابید

به هم

دعا کنیم

فرهاد افرامیان

دعا راز موفقیت هر زندگی است که تاثیر روحی ژرف و پایداری بر جا می گذارد. توسط دعا، نیروی بسیار عظیمی می یابیم. پس چرا اینقدر در به کارگیری آن سستی می کنیم؟ غالباً فقط در هنگام گرفتاری به دعا رومی آوریم، یا هنگامی که مشکلی برایمان پیش می آید یا دچار بیماری می شویم یا امنیت جان و مال خویش را در خطر می بینیم. به این ترتیب به دعا به عنوان وسیله ای برای متوسل شدن به خدا. برای رسیدن به اهدافمان استفاده می کنیم. این مسئله ای خودخواهانه است که فقط هنگامی که راه های دیگر به بن بست می رسند به خدا. و دعا کردن رو بیاوریم. بنابراین شگفت آور نیست کسانی که به دعا به این صورت می نگرند آن را رضایت بخش ندانند. همچنین بسیاری از مردم در دعاهایشان کلماتی را تکرار می کنند که از دوران کودکی آموخته اند، بدون این که کمترین توجهی به معنا و مفهومشان داشته باشند یا ایمان حقیقی به قدرت آن کلمات در خود ایجاد کرده باشند. این را نمی توان دعای حقیقی نامید. عده ای از مردم فکر می کنند و می گویند: خدا. او را بر همه کارهای بندگان خود آگاه است و هر کس هم که مشکلی دارد خدا. او را به خوبی آن را می داند. پس چه احتیاجی است به خدا. مشکلاتمان را بگوییم و از او درخواستی داشته باشیم؟ حال برای این که پاسخ این سؤال را در یابیم بیابید ببینیم وقتی برای دیگران دعا می کنیم چه اتفاقی می افتد؟ آیا تاکنون به اثر چنین دعایی بر خودتان اندیشیده اید؟

اگر شما همیشه در حق کسی دعا کنید دیگر غیر ممکن است که نسبت به او سوءنیت یا دشمنی و خصومتی داشته باشید. خواه دعاهای شما تاثیر فوری بر آن شخص داشته باشند خواه نداشته باشند. در هر حال مسلم است که شما برای او بهترین دوست ممکن هستید. در اینجا این جمله مصداق می یابد که: «هر کس که با دعا کردن، انسان بهتری بشود، دعاهایش مستجاب شده است». دعا بهترین مرهم تمام اختلافات، بهترین تحکیم کننده دوستی های واقعی، بهترین وسیله برای ایجاد همبستگی و اتحاد و بهترین



اگر شما همیشه در حق کسی دعا کنید دیگر غیر ممکن است که نسبت به او سوءنیت یا دشمنی و خصومتی داشته باشید.

دارو برای درمان رشک و حسد است.

لاید در زندگیتان افرادی وجود دارند که شما را آزرده باشند و شما از آنها بدتان بیاید و از آنها دوری کنید. برای آنها دعا کنید تا مهربان تر و شکیاتر بشوید. در این صورت در خواهید یافت که خوشبختی به سراغتان آمده و در دنیای زندگی می کنید که مملو از دوستی هایی است که قبلاً به آنها پی نبرده بودید. می گویند: زمانی که ایوب پیامبر برای دوستانش دعای خیر کرد، خدا. او را از اسارت رهانید. دعا کردن برای دیگران نه تنها خلق و خوی انسان را متحول می کند، بلکه اراده را نیز نیرومند می سازد و به قوه تخیل ما کمک می کند که وضع دیگران را تصور کنیم. دعا وجدانمان را تحت تاثیر قرار می دهد، حس دلسوزی را بر می انگیزد و سرانجام این که اراده را به عمل ترغیب می کند.

دعای حقیقی، پویا و فعال کننده است. از آن بهره بگیرید تا متوجه شوید که نمی توانید فقط به کلام بسنده کنید و ناخواسته وادار به عمل می شوید.

اگر کسی برای دوستان و عزیزانش دعا کند یقیناً نگران آنهاست.

آیا اینقدر خوشبخت هستید که مطمئن باشید کسی برای شما دعا می کند؟

علل شروع انقلاب صنعتی در

انگلیس

شارونا نصیر

چرا انقلاب صنعتی به جای فرانسه، دیگر قدرت بزرگ آن روز، در بریتانیای کبیر آغاز شد.

اول، بریتانیا برای قدم گذاشتن در سرمایه گذاری های بزرگتر نیاز به پول داشت. تسلط بریتانیا بر دریاها، تجارت را تقویت کرده بود و مردم انگلیس ثروت را از راه تجارت و صنعتشان جمع آوری کرده بودند. طبقه ثروتمند جدید آن کشور از گروه اشرافی نبودند، بلکه آنان بازرگانان و تاجران بودند که می خواستند

خودشان را وقف صنعت و کشاورزی علمی کنند. آنها حاضر نبودند که برای اشتغال به تجارت، زیر سلطه طبقه اشرافی باشند. از طرف دیگر ثروت فرانسه، عمدتاً در دست طبقه نجیب بود و آنها نمی خواستند کارهای لازم را جهت توسعه صنعت انجام دهند.



دوم، بریتانیای کبیر خیلی زود ساخت تولیدات ارزان و به درد بخورتر را به عهده گرفته بود، چون تقاضای مصرف روز افزونی از این کالاها توسط مردم، بخصوص طبقه متوسط جدید، وجود داشت. برای قرن ها در انگلیس، پارچه های پشمی و کتان و کالاهای آهنی و چوبی تولیدات مهمی بودند، در حالی که فرانسه کالاهای تجملی تولید می کرد. این کالاها را هرگز نمی توانستند به تعداد زیاد تولید کنند چون آنها ذوق های خاصی را می طلبیدند. و به علاوه تقاضا برای کالای تجملی همیشه محدود است. انگلیس تولید کننده کالاهایی بود که به تعداد زیاد به آنها احتیاج بود. و اگر می توانست راه های تولید ارزان تر آنها را پیدا کند، بازارهایش رونق می یافتند. بنابراین انگلیس در انتظار روش هایی بود که تولید مقادیر عظیم را ممکن می ساخت.

سوم، انگلیس برای مدت طولانی، دارای تعداد زیادی کارگر نیمه ماهر بود. هنگامی که سیستم ملوک الطوائفی از بین رفت و ملک های اربابی تبدیل به مکانی برای پرورش گوسفندان شدند، تعدادی از انگلیسی ها به شهرهای کوچک رفتند و در آنجا جذب کارخانه های بافندگی، کفش سازی، حکاکی چوب و بسیاری دیگر از مشاغل شدند.

با آغاز انقلاب صنعتی این افراد برای کار با ماشین های جدید قابل استفاده بودند. به علاوه آنان مردم آزادی بودند که می توانستند از مکانی به مکان دیگر یعنی در جایی که نیاز به نیروی کار بالا می رفت، عزیمت نمایند. اما این مورد در فرانسه وجود نداشت. فرانسه هنوز به طور عمده یک کشور کشاورزی با رعیت هایی بود که تا حدود زیادی موظف و مقید به ارباب هایشان بودند، بنابراین نمی توانستند به آسانی به طرف شهرها حرکت کنند.

چهارم، ذغال سنگ در بریتانیای کبیر فراوان بود و برای تداوم کارخانه ها مقدار زیادی از این سوخت ارزان قیمت مورد نیاز بود. در شمال فرانسه نیز ذغال سنگ وجود داشت اما فرانسه در بهره برداری از چنین منابعی کند بود، چون تقریباً هر فردی به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای امرار معاش زندگیش به مزرعه داری وابسته بود.

و اینها دلایل عمده آغاز انقلاب صنعتی در انگلیس بود. ■

حیرت انگیزترین

معاملات املاک در تاریخ

ترجمه: م. عمرانی

۱- جزیره گرانبها

حتی در روزهایی که آمریکا به عنوان دنیای جدید شناخته می‌شد، بیشتر کارهای تجاری مردم آن شهره خاص و عام بود.

وقتی که مهاجرین این سرزمین با اهالی بومی آن وارد معامله شدند، بومی‌ها متوجه ضربه‌ای که متحمل خواهند شد نبودند و در تابستان سال ۱۶۲۴ (۳۷۴ سال قبل)، حیرت انگیزترین معامله تاریخ صورت گرفت. فرماندار پیتروینیت از شرکت هلندی هند غربی که مأمور خرید جزیره مان هاتان از اهالی بومی آن بود، بعد از مدتی چانه زدن با رئیس مان هاست موفق شد در مقابل مقداری کتری، قیر و پارچه به ارزش ۲۴ دلار جزیره مانهاتان (نیویورک) را خریداری نماید.

امروزه با ۲۴ دلار حتی نمی‌توان یک فوت مربع زمین تجاری در نیویورک خریداری نمود و یک واحد تجاری در مرکز مانهاتان حدود ۸۰ میلیون دلار ارزش دارد.

۲- تجارت ناپلئونی

حتما فکر می‌کنید که معامله مانهاتان به عنوان یک معامله تاریخی برای همیشه در تاریخ باقی خواهد ماند، ولی در کمتر از دو قرن بعد ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه و یک نابغه تاکتیک‌های نظامی (حدافل در سال‌های اولیه‌اش) بازنده بعدی بود. در سال ۱۸۰۳ میلادی ناپلئون در مورد اروپا نظریاتی داشت؛ از جمله یک تهاجم به انگلستان. بنابراین تصمیم گرفت که خود را از دست متصرفات فرانسه در آمریکا خلاص نماید.

او کلیه دره‌ی می‌سی‌سی‌پی را به وسعت ۸۲۸۰۰۰ مایل مربع، گسترده در جنوب کانادا تا خلیج مکزیک و نواحی غربی آن، تنها به مبلغ ۲۷ میلیون دلار فروخت.

با این داد و ستد رئیس جمهور وقت آمریکا، توماس جفرسون وسعت آمریکا را به دو برابر افزایش داد. فقط با پرداخت ۵ سنت برای هر هکتار (۱۰ هزار متر مربع)

۳- خرید یخ به قیمت مناسب

ناپلئون فقط موفق شد که با تهاجم ناموفقش خود را در سال ۱۸۱۲ میلادی به مسکو برساند. ولی به نظر می‌رسد که چیزی از معامله دره‌ی می‌سی‌سی‌پی تا آن موقع به گوش تزار روسیه نرسیده باشد. جهت حیرت بیشتر، روس‌ها سومین قربانی معاملات زمین با آمریکا بودند.

در مارس ۱۸۶۷، وزیر خارجه وقت آمریکا، آقای ویلیام سوارد سرزمین آلاسکا را از تزار روسیه فقط به مبلغ ۷/۲ میلیون دلار خریداری و ۵۸۶۰۰۰ هکتار دیگر به وسعت ایالات متحده آمریکا اضافه کرد. هر هکتار به مبلغ ۲ سنت. تزار روسیه فکر می‌کرد که این منطقه یخ زده، منزوی و تقریباً بدون جمعیت به درد هیچ

کاری نمی‌خورد و در اوایل مردم آمریکا هم با او هم عقیده بودند. به هر حال در سال ۱۸۹۶ معادن طلا در دو منطقه از آلاسکا کشف و تا به حال حدود ۷۵۰ میلیون دلار مورد بهره برداری قرار گرفته است. در سال ۱۹۶۸ طلای سیاه کشف و در حال حاضر حدود ۱۰۰ میلیون تن زغال سنگ در زیرزمین آنجا مدفون و آماده بهره برداری می‌باشد.

زوج‌های موفق چه ویژگی‌هایی دارند؟

ترجمه: الهام مزدب

زوج‌های موفق چه ویژگی‌هایی دارند؟

(۱) زوج‌های موفق روابطشان را دست کم نمی‌گیرند. زمانی که بنای خانواده بر این اساس نباشد، بذر انهدام روابط کاشته می‌شود.

در دوران نامزدی می‌کوشیم تا با توجه به نگرش و عملکردمان بر یکدیگر تأثیر گذاریم. به دلیل آن که شاید یکدیگر را از دست دهیم و نامزدی بهم بخورد، درصدد هستیم تا روابط بسیار خوبی داشته باشیم. نامزدی به مثابه پیمانی است که بر روی کاغذ ثبت می‌شود. اما ازدواج چون پیمانی است که بر روی سنگ حک می‌شود. ولی سنگ هم قابل تخریب است و تحت شرایط معینی خرد می‌شود.

بر آوردن نیازهای همسر نشانه آن است که به او علاقه دارید و او را درک می‌کنید. منتظر درخواست او نباشید، خواسته‌ها و نیازهایش را پیش پینی کنید

(۲) زوج‌های موفق فعالانه درصدد برآوردن نیازهای یکدیگر می‌باشند. برآوردن نیازهای همسر نشانه آن است که به او علاقه دارید و او را درک می‌کنید. منتظر درخواست او نباشید. خواسته‌ها و نیازهایش را پیش بینی کنید. بیش از درخواست همسران، آنچه را که باعث رضایتش می‌شود، انجام دهید. این امر برای او ارزش بسزایی دارد.

(۳) زوج‌های موفق در روابطشان انعطاف پذیر هستند و برای برآورده ساختن نیازهای همسر، رفتار خود را تغییر می‌دهند. فقط با انعطاف پذیری می‌توان به رشدی که باعث تغییر خواسته‌ها می‌شود دست یافت. آنان می‌دانند در چه مواقعی مقاومت یا گذشت در برابر خواسته‌های همسر جایز است. زوج‌های موفق برای برآورده ساختن نیاز و خواسته‌های غیر ممکن تلاش نمی‌کنند و همواره با هم صادق هستند.

(۵) زوج‌های موفق برای یکدیگر ارزش قایل هستند و میان عشق جبرانی و عشق واقعی تفاوت قایل می‌شود. در عشق جبرانی شما فردی را جستجو می‌کنید که دارای صفات و ویژگی‌هایی باشد که خود از آن بی بهره هستید. اما در عشق واقعی به دنبال فردی هستید که

توانایی‌ها و صلاحیت‌هایتان را ارتقاء دهد. اگر فاقد عزت نفس هستید و آن را در همسران می‌جوید با ناکامی روبرو می‌شوید.

(۶) زوج‌های موفق به یکدیگر عشق می‌ورزند نه به آرمان‌های هم. به آسانی می‌توان عاشق فرد آرمانی شد. فرد آرمانی از دو عیب و نقص میرا است. خواسته‌های نامعقول و غیر منطقی ندارد و دارای صفات و ویژگی‌هایی است که در عشق واقعی می‌جوید. اما فرد آرمانی تنها در ذهن شما جای دارد و عشق آرمانی برای مدت کوتاهی دوام دارد. شما آن رفتارهایی را که دوست دارید می‌بینید. عیوب و نقایص فرد را نادیده می‌گیرید یا به راحتی از آنها چشم می‌پوشید. دیر یا زود با شناخت همسران حقیقت معلوم می‌شود و مایوس و ناامید می‌شوید. زیرا متوجه می‌شوید که او همان فرد آرمانی که در ابتدا تصور می‌کردید نیست. زوج‌های موفق یکدیگر را برای آنچه که هستند دوست دارند، نه برای آنچه که خواهند بود.

(۷) زوج‌های موفق آنچه را که نمی‌توانند تغییر دهند تحمل می‌کنند، تغییر برخی ویژگی‌های همسر ممکن و برخی دیگر غیر ممکن است. اگر فرد مورد نظرتان قد کوتاه ولی فرد قد بلند مورد علاقه‌تان است، قادر به تغییر این ضعف نیستید. یا باید آن را بپذیرید یا دیگر روابطتان را ادامه ندهید. اگر فرد مورد نظر بداخلاق است، او سال‌ها این رفتار را داشته است و در آینده نیز آن را در پیش خواهد گرفت. اگر می‌خواهید روابطتان خوب باشد، باید با این خصیصه او سازش کنید.

(۸) زوج‌های موفق با یکدیگر رک و صریح هستند. همه ما مرتکب اشتباه می‌شویم. اما برخی آن را نمی‌پذیریم. به جای افشای خطاها و اشتباهات آنها را کتمان می‌کنیم و به دروغ متوسل می‌شویم. در حقیقت این امر باعث انهدام روابط می‌شود. نخست دروغ کوچکی به همسران می‌گویید، دفعات بعد به راحتی دروغ‌های بزرگ‌تری را خواهید گفت و در روابطتان صداقت از میان می‌رود.

(۹) زوج‌های موفق در لحظات شادی و غم در کنار هم هستند و در فعالیت‌هایی شرکت می‌کنند که شادی بخش باشد و باعث صمیمیت و دوستی آنان شود. به جای آنکه منتظر لحظات شادی بخش باشند، خود آن را می‌آفرینند. در عین حال به خوبی می‌دانند که زندگی همیشه بر وفق مراد نیست. مشکلات نه تنها ممانعی برای گسترش روابط ایجاد نمی‌کند، بلکه فرصتی برای رشد و سازش دو جاتیه فراهم می‌کنند.

(۱۰) زوج‌های موفق رفتاری را در قبال هم در پیش می‌گیرند که مایلند با آنان نیز به همان گونه رفتار شود. اگر می‌خواهید روابطتان خوب باشد، نظرات و عقاید همسران را درک کنید. همان رفتاری که می‌خواهید همسران با شما داشته باشند، با او داشته باشید. این امر به افزایش تفاهم و همدلی که در روابط از اهمیت بسزایی برخوردار است کمک می‌کند.

نشوند این شماره و کد تا ۱۵ رقم ارتقا پیدا کرد و شد: ۱+۱۲/۱+۱۲/۱+۱۲/۱+۱۲/۱۲+۱۲ و خوشحالم تنها شهروند با کد ۱۵ شماره‌ای این شهر باشم!

«ناله چهار»

در جلسه هیئت تحریریه مجله قرار بود تا به اتفاق به دیدن فیلمی در سینما برویم. چند خاصیت داشت، اول این که همگی با هم دو ساعتی را در محیط صمیمی سینما می‌گذرانیدیم، دوم این که همگی یک فیلم را دیده و می‌توانستیم با اظهار نظرهای متفاوت آن را نقد و بررسی نماییم. سوم این که شاید سردبیر یا یکی از دوستان بلیطی را که برای من و خانم تهیه کرده‌اند، هدیه می‌کرد و مجانی تمام می‌شد. به این شرط سوم خیلی معتقدم زیرا سال‌ها پیش ضرب المثلی را شنیدم که «آنهايي که مجاناً به دیدن تاتر می‌آیند بیشتر انتقاد می‌کنند»، بنابراین برای نقدی راحت الحلقوم تر را در بر می‌داشت.

«ناله پنج»

سال‌هاست نفرس دارم. اسید اوریک عامل اصلی نفرس، حاصل مصرف زیاد گوشت است. هر چند وقت یکبار که خونم را آزمایش می‌دهم، تا درجه بالای آن را می‌فهمم سعی می‌کنم گوشت نخورم. دو سه روز اول مراعات کرده و یواش یواش دوباره مصرف را بیشتر از روز اول می‌رسانم. چند ماه پیش بود که برای گاوها و گوساله‌ها مرض جنون گاوی آمد. باور کنید تراژدی دردناکی است. چطور ممکن است دامداران، یک گله گاو پرورش دهند و حال بنشینند و شاهد کشته شدن تمامی دام‌ها باشند، آنها را بسوزانند و یک جا خاک کنند. تصمیم گرفتم با وجودی که این اتفاق در اروپا افتاده، به خاطر همدردی با گاوان!! از خوردن گوشت گوساله خودداری کنم، به خیالم معضل حل خواهد شد. به گوسفند روآوردم و همچنان گوشت خواری را ادامه می‌دهم، اما بدبختانه تازه‌تر از تازه از راه رسید. مرضی تب برفکی؛ و حیف از گله گوسفندان که باید نابود شوند. واقعا امروز بشر مورد غضب قرار گرفته و باید اروپای ثروتمند هم طعم گرسنگی آفریقا را بچشد. باید هر چه زودتر به دریای خزر و خلیج فارس رفته و به آبیان و ماهی‌ها که هنوز با وجود آلودگی آنها زنده‌اند تبریک گفت.

«ناله آخر»

نوشتن یک صفحه برای مجله حتی در چند سطر هم کار مشکلی است به خاطر این که در جمع خوانندگان موافق و مخالف یک نوشته زیاد است، ولی بشر اگر ننالد، حکیم علاجش را نمی‌فهمد و دارویی به دست نمی‌آید تا زنده بماند و باز بنالد! ■



یک بار بلند شدم و خواستم شفاها از جماعت بخواهم با خرید مجله افق بینا نسبت به رواج اخبار فرهنگی و مذهبی و اجتماعی اقدام کنند. همین که لب گشودم و گفتم خانم‌ها و آقایان مجله افق بینا منتشر شد و شامل اخبار و مطالب زیادی است، شمسی خانم از فاصله دور از بین خانم‌ها گفت: احتیاجی نیست! ما خودمان سلطان خانمی داریم که خبرها را از سیر تا پیاز به اطلاعمان می‌رساند و با گفته‌هایش می‌فهمم کی شوهر کرد، کی بچه‌دار شده و چه اشخاصی به مسافرت و تور رفته‌اند و... با خودم گفتم آفرین! مجله افق بینا یک ماه حتی بیشتر با چندین نفر زحمتکش فرهنگی دینی، اخبار و مقالات پیام رسانی می‌نماید، ولی اخبار سلطان خانم اعتبار بیشتری برای شمسی خانم‌ها دارد!

«ناله سه»

این هفته برایم کدپستی و کد ملی آمده آن هم ده رقمی. اکنون خوشحالم که با ده شماره از بین ۶ میلیارد و اندی از انسان‌های دنیا شناخته می‌شوم. فقط تنها غصه‌ام در روند نبودن این شماره‌هاست. کاش مثل تبلیغات تلفن همراه که روند بودن شماره مشترک، هزینه بیشتری دارد این کار هم امکان پذیر بود. ۳۰ سال پیش در روزنامه‌ای آگهی داده بودند که شماره اتومبیل و تلفن و حساب پس انداز شما را برایتان روند می‌نمایم و این دو خاصیت داشت یکی «ژست» نزد دوستان و دوم روند بودن به معنی آسان بودن شماره یا پشت سر هم بودن آن. خوشا به حال آنهایی که همیشه نمره روند را با انتخاب می‌کنند یا برایشان می‌آید، آن هم با رقم‌های بالا. امروز خوشحالم که تنها عدد روند ده رقمی به من تعلق گرفت که این شماره است: ۱۳۱۳۱۳۱۳۱۳. ولی چون ممکن نبود بعضی‌ها حاضر به شنیدن شماره کد من

ناله‌های سرد!

یعقوب صوفزاده

توضیح درباره این سری مقالات کوتاه را با تیتیر مقاله شروع می‌کنم. موقعی که در محله سیروس زندگی می‌کردیم (۶۰ سال پیش) هر شخصی حرف بیموردی می‌زد یا درد دل و ناله‌ای می‌کرد که مورد توجه کسی قرار نمی‌گرفت طرف را به بیهوده گویی یا نالیدن قلمداد می‌کردند و آن را «نالشتمون سرد» به معنای ناله‌های سرد می‌نامیدند. من هم همیشه از این حرف‌ها و ناله‌ها داشتم. امروز پس از گذشت ۶۰ سال مانند ویروس کامپیوتری که وارد سایت مجله افق بینا شده باشد این سری مقالات کوتاه را که گوشه‌ای از زندگی اجتماعی ماست می‌نویسم و اگر خدا ای نکرده انتقادی از شما شد و یا حرف و ناله بیهوده‌ای به سمعتان رسید آن را به حساب همان «ناله‌های سرد» بگذارید. متن این مقالات و مشاهدات روزمره و شنیده‌هایی از دیگران، هر بار در چند قسمت کوتاه اگر از طرف سردبیر سانسور نشود به نظرتان خواهد رسید.

«ناله یک»

بهار و عید پسخ فرا می‌رسد با تمام جلالتش و به یادبود قیام علیه ظلم فرعون‌ی. یادش بخیر آن روزها در چند کنیسا «مضا» می‌بختند. من و بر و بچه‌ها با ۲ قران بدون صف یک قرص بزرگ مضا می‌خریدیم و مزه مزه می‌کردیم. مزه‌اش یادآور جشن «پسخ» و بهار بود و تمام مدت ۸ روز موعذ با آجیل‌هایی چون «فندق» در سر کوچه با بازی «تک یا جفت» روز را می‌گذرانیدیم. امروز ناله بیجایی است اگر بگویم چرا آن صدق و صفای کودکان و نم و بوی خاک کوچه‌های «عودلاجان» دیگر نیست. حدود زندگیمان تا سرچشمه و فاصله دورتر تا دبیرستان اتحاد (میدان بهارستان) ادامه داشت و این ناله سردی است اگر آرزو داشتیم که انسان اگر صد سال هم عمر کند، نه در خانه‌اش و نه در کوچه‌اش، نه خیابان و نه در شهرش هیچ تغییر و اتفاقی حاصل نشود و یک عمر را مثل کودکی بگذرانند.

«ناله دو»

در کنیسا که می‌روم حد فاصل صندلی‌های ما با خانم‌ها یک دیوار ۱/۵ متری است ولی اگر بلند حرف بزنیم صدای همدیگر را می‌شنویم. در مدت گذراندن ساعات نیایش روزهای شنبه در کنیسای محل ما، گاه پنج پنج‌های دو به دو یا سه به سه افراد به گوش می‌رسد که بین فاصله دعاها، اخبار یک هفته را شفاها تبادل و احیاناً تفسیر نیز می‌نمایند.

(سوال و پرسش از مردم)
۷- روی جلد مجله فهرست مختصری از
عناوین مهم را به چاپ برسانید.

تشکر و سپاس

سرکار خانم پروین شمشیان
زحمات شما و خواهر گرامی‌تان را در نقاشی و
رنگ آمیزی رایگان کلاس‌های مهدکودک و پلدا
یک پاس می‌داریم و از پروردگار، برای شما
آرزوی موفقیت و سربلندی داریم.
سرپرست مهدکودک و آمادگی پلدا ۱

با مخاطبان آشنا

* مقالات و نظریات این عزیزان به دفتر
مجله رسیده است که پس از بررسی، به
تدریج از آنها در بخش‌های مختلف نشریه
استفاده خواهد شد. منتظر آثار دیگری از
ایشان هستیم.

محمودرضا مصلحی از شهرضا (بررسی
عوامل مختلف مهاجرت و مضرات و منافع
آن)

ابراهیم فرمانی از تهران (همزیستی
مسالمت آمیز در منطقه خاورمیانه و
سوءاستفاده از یهودیت در جهت منافع
استعماری)

سرمه نیکو (طرح‌هایی درباره آرام مجله)
آتوسا آرمین (مقاله)- فرهاد روحانی
(مقاله- بریده جراید- کارت تبریک)- موسی
ذکریایی (شعر)

* گروه دانش‌آموزان (کارت تبریک)
* جمعی از مشترکین عزیز بینا به جهت
یاری رساندن به این فعالیت فرهنگی بیش از
مبلغ حق اشتراک، پرداخت کرده‌اند که به
عنوان قدردانی، اسامی برخی از ایشان ذکر
می‌گردد:

آقایان شهرام امین، ابراهیم ریحانیان،
نجات ریحانیان، صیون ملک‌ان، منصور
یعقوبیان، نجات ملک‌ان، رحمت سپارزاده،
فریدون صادقی، کامران داودزاده، عزیز
ریحانیان، اسکندر میکائیل، بنیامین پرویزان،
شاهرخ ارجمندزاده.

* خانم شهربانو اماتی، نماینده محترم
ارومیه در مجلس شورای اسلامی، با ارسال
کارت تبریکی به دفتر مجله، هیئت تحریریه
را مورد لطف قرار داده‌اند و از ایشان
سپاسگزاری می‌شود.



در حال اجرای تصنیفی است از نت خارج
شود دیگر قادر به ادامه اجرای تصنیف
نیست.

در موسیقی کلاسیک، یک آهنگ یا
ملودی فقط بر اساس نت‌هایی که برای آن
آهنگ نوشته شده است اجرا می‌گردد. ولی در
موسیقی ایرانی می‌توان در همان آهنگ ایرانی
ساخته شده مرکب نوازی و خواننده تصنیف
مربوطه مرکب خوانی نماید یعنی می‌توان از
یک دستگاه ایرانی به دستگاه ایرانی دیگر
رفت و مجدداً به دستگاه اولیه بازگشت نموده
و همان دستگاه را ادامه داد که این عمل را
در نواختن مرکب نوازی و در خواندن
مرکب خوانی می‌گویند.

در واقع موسیقی سنتی بسیار وسیع است
و از هر گوشه یک دستگاه موسیقی ایرانی
می‌توان صدها آهنگ و تصنیف ساخت ولی
در موسیقی کلاسیک این چنین نیست. در
فرصت دیگری در خصوص دستگاه‌های
موسیقی ایرانی و گوشه‌ها و آوازها و زوایای
موسیقی ایرانی و پیدایش آن بحث خواهد
شد.

پیشنهاد برای فروش بهتر مجله

آقای فرهاد روحانی، چندین مورد را
درباره علت عدم فروش مطلوب مجله عنوان
کرده است که ضمن تشکر از ایشان، مواردی
از آن ذکر می‌شود:

۱- طرح روی جلد و رنگ آمیزی آن در
ایجاد انگیزه برای خریدار دخالت دارد. اگر
تنوع رنگ روی جلد انجام شود تا حدودی
در به فروش رفتن مجله موثر خواهد بود.

۲- تنوع مطالب در مجله بسیار کم است
یا وجود ندارد.

۳- اغلب مطالب چاپ شده مربوط به ۳
یا ۴ ماه گذشته است و اگر فاصله چاپ و
انتشار شماره بعد را کم کنیم و مثل سایر
مجله‌ها در تاریخ‌های معینی انتشار دهیم بهتر
خواهد بود (با جمع آوری مطالب توسط
همکاران نشریه در هر شماره).

۴- چاپ نمودن همزمان چند مورد
مذهبی و دینی (چاپ در شماره‌های بعد).

۵- پخش نمودن (فروش مجله) در
مراسم مانند برگزاری جشن‌ها در تالار مجبان
و دیگر مکانه‌ها.

۶- چاپ فرم نظرخواهی در مجله بینا

نکته‌هایی درباره موسیقی

بیژن آصف

در نشریه شماره ۱۰ افق بینا در خصوص
موسیقی کلاسیک مطلبی نگاشته شده بود و
فرستی پیش آمد تا در مورد موسیقی در
یهودیت نیز بحث شود. متأسفانه جوانان ما
جستجویی در موسیقی یهودیت نمی‌کنند.
گمان می‌کنند زمانی که حضرت آدم خلق شد
موسیقی کلاسیک نیز با او خلق شد، و در دنیا
فقط و فقط موسیقی کلاسیک وجود دارد و
هیچ موسیقی دیگری وجود ندارد.

ما مشاهده می‌کنیم که قوم بنی اسرائیل
هنگام خروج از کشور مصر همراه با میریام
نبیه، خواهر گرامی حضرت موسی، سرود
«آزباشیر» را سر دادند و حضرت میریام هم
پیشاپیش جمعیت زنان دف به دست و
پایکوبان آنها را همراهی می‌کرد.

اصولاً در موسیقی ۲ نوع ساز وجود دارد.
۱- ذوات الاوتار یا ساز زهی که این نوع
ساز نیز خود به سازهای مضرابی مثل تار،
سه تار، عود، قانون و سازهای کمانی
(آرشه‌ای) مثل ویولن، کمانچه، قیچک و
سازهای کوبه‌ای مثل ستور و پیانو تقسیم
می‌شود (البته ستور خود سازی مضرابی
است ولی چون مضراب‌ها روی سیم‌های
ستور کوبیده می‌شود یا زده می‌شود جزء
سازهای کوبه‌ای نیز محسوب شده است).

۲- سازهای ذوات النفخ مثل خود
شوفار، نی، قره نی، فلوت، آکاردئون، شیپور و
کرنا و سُرنا. سازهای کمانی را آرشه‌ای و
ذوات النفخ را بادی نیز می‌نامند.
در کتاب مزامیر نواختن ذوات الاوتار و
ذوات النفخ را به حضرت داود نسبت داده‌اند
و این دو ساز در قوم بنی اسرائیل معمول
بوده است.

در مزامیر چهارم، ششم، دوازدهم، پنجاه
و سوم، پنجاه و پنجم، شصت و یکم، شصت
و هفتم و هفتاد و ششم تصریح شده که
سرود حضرت داود بر ذوات الاوتار و در
زبور پنجم گوید سرود وی بر ذوات النفخ
بوده است.

صاحب کتر الالحان گوید نای و جمیع
ذوات النفخ را بنی اسرائیل اختراع کرده‌اند.
اما در مورد دقیق بودن موسیقی کلاسیک
باید گفت تنها موسیقی کلاسیک نیست که
دقیق است، بلکه موسیقی ایرانی نیز این چنین
است. یعنی وقتی آهنگسازی آهنگی یا
تصنیفی را می‌سازد نوازندگانی که موقع اجرا
با او همکاری دارند دقیقاً نت‌هایی را اجرا
می‌کنند که آهنگساز نوشته و یا تصنیف کرده
است، چرا که اگر غیر از این باشد موسیقی
معنایی پیدا نمی‌کند و حتی اگر خواننده‌ای که

יורם בא הבייתה. בערב בא חבר אל יורם והם הולכים יחד לבית קפה. יורם אומר אל האחות גילה:
 יורם به خانه می آید. بعد از ظهر دوستی به نزد یورام می آید و آنها با هم به قهوه خانه می روند.
 - اینی هולך עם חבר גד אל בית הקפה. בואי גם את! בבית - הקפה יושבים הרבה אנשים.
 - من با دوست - «گاد» - به قهوه خانه می روم. تو هم بیا!
 - בבקשה לשבת - אומר יורם. פה טוב לשבת. - אין דבר. אומרת גילה. פה או שם.
 - یورام می گوید: لطفا بنشینید، اینجا برای نشستن خوب است.
 - המלצר בא ושואל: מה אתה רוצה לשנות. - آدونיי! יורם: תרלי. בבקשה. کפה. אבל کפה خوب.
 - پیشخدمت می آید و می پرسد: آقایم، شما چه می خواهید بنوشید؟
 - مלצר: בבית - הקפה הזה יש רק کפה خوب. - ایضا کפה که رוצه؟ کפה شحور! او کפה בחלב!
 - پیشخدمت: در این قهوه خانه فقط قهوه خوب هست.
 - یورם: تیرلی کפה شحور. - مלצר: وמה את رוצه לשנות. - גברתי! - گילה: - اینی رוצה מיץ.
 - یورام: به من قهوه سیاه بده. - پیشخدمت: و شما برای نوشیدن چه می خواهید، بانوی من؟ - گילה: من آب میوه می خواهم.
 - میسزیتوایم! او میگوید: - آب و میوه سرد. خیلی سرد. - گاد: و من چای می خواهم. چای گرم. خیلی داغ.
 - مלצר: בבקשה. - اینی המیץ. - הקפה והיתה! - סליחה. - למי המیץ. - למי הקפה ולמי היתה?
 - پیشخدمت: بفرمایید، این آب میوه، قهوه و چای!
 - یورם: - تیرلی את הקפה. - לה תן את המیץ ולو את היתה. - گילה: - هو מה זה!! המیץ לא קר. הוא חם.
 - یورام: قهوه را به من بدهید، آب میوه را به او بدهید و چای را به ایشان.
 - گاد: - مלצר! - تیرلی تیه آخر. - היתה הזה לא חם. הוא קר
 - گاد: پیشخدمت! به من یک چای دیگر بده. این چای گرم نیست، آن سرد است.
 - گילה: - لا، لا. - گاد: - אתה رוצה לשנות חם و اینی نותנת לך את המیץ החם.
 - گילה: - نه! نه! گادا! تو می خواهی (نوشیدنی) گرم بنوشی و من به تو این آب میوه گرم را می دهم.
 - گاد: - و تو می خواهی (نوشیدنی) سرد بنوشی و من به تو این چای سرد را می دهم. - حالا همه چیز درست است. خیلی خوب!

تأריך - تاریخ

30 یوم : חדש .
۳۰ روز : ماه
12 חדשים : שנה
۱۲ ماه : سال
איזה תאריך היום ?
تاریخ امروز کدام است ؟
היום עשרים ושלושה (23) בפרوردین
امروز ۲۳ فروردین است .
שם החדש העברי - ניסן
نام ماه عبری، نisan است .

* صفت مالکیت:

حرف ل پیشوندی است که عنوان مالکیت را به فرد می دهد:

مذکر:	ل (لی) برای من	לך (لخا) برای تو	לו (لو) برای او
مؤنث:	ל (لی) برای من	לך (لاخ) برای تو	לה (لا) برای او

با توجه به نکته فوق، جای خالی را با صفت مالکیت مناسب پر کنید:

یورم روצה קפה . יורם אומר למלצר : תן קפה !
גילה روצה מיץ . יורם אומר למלצר : תן מיץ !
גד روצה תה . יורם אומר למלצר : תן תה !
גילה אומרת לגד : אני נותנת את המיץ החם .
גד אומר לגילה : אני נותן את התה הקר .

מספרים - شماره ها

זָכָר (مذکر)	נְקֵבָה (مؤنث)
۱۱ - אחד - עשר	אחת - עשרה
۱۲ - שנים - עשר	שתיים - עשרה
۱۳ - שלשה - עשר	שלוש - עשרה
۱۴ - ארבעה - עשר	ארבע - עשרה
۱۵ - חמשה - עשר	חמש - עשרה
۱۶ - ששה - עשר	שש - עשרה
۱۷ - שבעה - עשר	שבע - עשרה
۱۸ - שמונה - עשר	שמונה - עשרה
۱۹ - תשעה - עשר	תשע - עשרה

* کلمات اشاره و پرسشی

(זה)	איזה؟ (ای زه) کدام؟	זה (زه) این
(פה)	איפה؟ (ای فو) کجا	פה (فو) اینجا
מה (مه) چه؟	כמה (کما) چقدر	למה (لما) چرا

کلمات جدید

موشاب	موشاو	دهکده
مَلْצَر	مِلْصَر	پیشخدمت
בִּבְקֶשָה	بِمَقَاشَا	لطفا - بفرماید
חֵלֶב	حَالَو	شیر
מִיץ	مِیص	آب میوه
תַּפּוּז	تِپوز	پر تقال
אֶשְׁפּוּלִית	اِسْکولیت	گریپ فروت
סֹדֶר	سِدر	ترتیب
חֹדֶשׁ	خودش	ماه
תַּאֲרִיךְ	تَئْرِیخ	تاریخ
רוּצָה	رُوضِه	می خواهد (مذکر)
אֲחֵר	أَحَر	دیگر
קָר	قَر	سرد
חָם	חَم	گرم
אֵיזו	ای زو	کدام؟
או	أو	یا
תֵּן לִי	تین لی	بده به من

تمرین:

جملات زیر را با کلمات لا (مت) و אין (نیست) پر کنید:
۱- הערב אנחנו לומדים . הערב שעור .
۲- היום אתן שוות קפה בחלב .
היום קפה ו חלב .
۳- בחדר הזה אין כלום .
בחדר הזה פסא . ו שלחן .
۴- המורה לא בא .
בפתה יושבים רק התלמידים והתלמידות .
בפתה תלמידים . ו תלמידות .
אבל מורה .
۵- הפועלים לא עובדים היום בביתהחרשת .
היום עבודה .

קרא ודבר (بخوان و صحبت کن)

א - אמור לי : כן או לא ? מה אתה רוצה: מיץ או חלב?
איזה ? איזה שעור אתה לומד עכשו? איזה לחם אתה אוהב?
איזה מיץ אתה שותה: איזה יום היום?
איזו ? איזו תמונה היא זאת? איזו ארוכה היא הטובה?
איזו תלמידה חנה . טובה או טובה מאד?
סדר - בחדר אין סדר . לפני . פסח אנחנו עושים סדר בבית .
בפסח אנחנו עושים "סדר" פסח .
ל - מה הטוב ומה הגבון ? גם לי וגם לך או לא לי ולא לך? תן -
לי ותן גם לו .

بچه ها سلام

به نام خدا

بچه ها سلام!



۱. بالاخره شماره مربوط به تابستان
مجله بونا چاپ شد!

بچه ها کتابیون یونسی طرح زیر را فرستاده است.
نظرتان درباره آن چیست؟
شما هم نقاشی هایتان را برای مجله بفرستید.
به بهترین نقاشی ها جایزه می دهیم.



گورخرها : لباس های ورزشی
کرم های شب تاب در شب : نورافکن
زن بورها : خط حمله
سوسک سیاه : داور
عنکبوت : تور دروازه
مارها : تیرک دروازه
فیل : دروازه بان

فوتبال حیوانات!!!

سبا گرامی

پسح یعنی با هم بودن

سارا حی

خانه شلوغ است. استر، مردخای، پدر و مادر دور میز جمع شده اند و درباره وسایلی که برای امسال موعد نیاز دارند صحبت می کنند. پدر لیست وسایل لازم را می نویسد و مادر از بچه ها می خواهد که تا حد امکان صرفه جویی کنند و اگر به چیزی احتیاج ندارند بی خود آن را نخرند.

یک دفعه مادر ساکت می شود. با چشم های نگران به گوشه ای از اتاق چشم می دوزد. یاد همسایه شان سارا خانم افتاده. آخر او امسال تنهاست.

پدر با نگرانی می پرسد: «چیزی شده؟» و مادر زیر لب زمزمه می کند «خاله سارا» و پدر یادش می افتد که او امسال تنهاست و حاضر نمی شود به خانه آنها بیاید. مادر یاد حرف های او می افتد: «نه مادر جان، خدا از بزرگی کمتان نکند، من دیگر پیر شده ام، نمی گذارم به شما و مهمان هایتان خوش بگذرد». مردخای می پرسد: «چرا خاله به خانه ما نمی آید؟» مادر نمی داند چه پاسخی بدهد. شاید بهترین پاسخ به پسر بچه کنجکاو چون او، سکوت باشد.

چشمان استر برقی می زند. انکار فکری به ذهنش رسیده است. چیزی در گوش مادر زمزمه می کند و کل لبخند بر لبان او می شکفت و دوباره هیا هو اتاق را پر می کند. آنها چه نقشه ای برای خاله سارا کشیده اند؟ شب موعد فرا می رسد. بچه ها در حالی که لباس نو به تن کرده و غرق در شادی هستند از کنیسا برمی گردند.

خاله غمگین و ناراحت راه خانه را در پیش می گیرد. آرام آرام راه می رود و دلش پر خون است. در خانه را که باز می کند و بغضش می ترکد. یاد بچه ها و نوه هایش افتاده، یاد سال های پیش که دور و برش حسابی شلوغ بود، دلش می خواهد تنها نباشد اما...

صدای در خانه، او را از غرق شدن در افکارش نجات می دهد. با پشت دست چشمانش را پاک می کند. وقتی در را باز می کند مات و مبهوت می ماند و دلش کبوتری می شود که فقط در آسمان شادی ها پرواز می کند و چشم به افق مهربانی ها می بندد. استر و مردخای را در آغوش می کشد. بچه های دیگر فامیل هم پا جلو می گذارند و خاله را غرق بوسه می کنند. مادر می گوید: «خاله نمی خواهید بگذارید ما بیایم تو؟» دستمان درد گرفت، این ظرف ها و وسایل سنگین هستند» و بقیه می خندند. خاله با خوشرویی می گوید: «بفرمایید تو، قدمتان روی چشم».

به راستی که چه قدر خوب است این عید پسح که قلب ها را به هم نزدیک می کند.

سیب قرمز

نشستم پیش گل‌ها
همین یک ساعت پیش
ولی زنبوری آمد
مرا یکدفعه زد نیش
نشستم گریه کردم
زدم فریاد از داد
پدر آمد کنارم
نشست و ساکت کرد
پدر بوسید من را
به شوخی گفت: وز، وز
ورم کرده دماغت
شده یک سیب قرمز

رکسانا سعید



کبوتری با روبان قرمز

یکی بود یکی نبود.
سارا، سهیل و سامان سه خواهر برادر در اتاق
مشغول انجام دادن تکالیفشان بودند و اصلاً
حواسشان به آن گربه کوچولوی بدجنس نبود که
ناگهان متوجه شدند که گربه کبوتر کوچکی را
زخمی کرده است. پدر بال کبوتر را بست.
سهیل نظر داد که کبوتر را پیش خودشان نگه
دارند اما سارا با این کار موافق نبود سارا می‌گفت
بهتر است وقتی که کبوتر حالش خوب شد
آزادش کنیم مادر هم با نظر سارا موافق بود اما
سامان گفت: بهتر است که برای کبوتر نشانه‌ای
بگذاریم تا هر وقت خواستیم برای آنها دانه
بپاشیم کبوترمان را بشناسیم.
همه با این نظر موافقت کردند و چند روز بعد که
حال کبوتر خوب شد، ما روبان قرمز و قشنگی به
پای او بستیم و هر موقع کبوتر را با آن روبان
قرمز دیدیم به یاد خاطره آن روز افتادیم.

سارا سنبلیان

نیمرو

مادر: گلی جان، دلم می‌خواهد بچه‌ای
باشی خوب و با ادب، نه خیلی پررو و نه
خیلی کمرو.
گلی تپلی: چشم مامان. سعی می‌کنم
نیمرو باشم.
فابین مصری

لبخند



یکبار به معتادی می‌گویند تو بی‌زنی؟
می‌گوید: نه من یک ژن (زن) دارم.

سیده یومطوبیان



جمله سازی

به یک نفر گفتند با فرید و حمید جمله بساز.
گفت: شما دونفرید ولی شکل همید.

تائیا خلیلی

صفر بی ارزش

دانش آموزی که در امتحان نمره ۲

گرفته بود از معلم پرسید؟

- صفر ارزشی دارد؟

معلم پاسخ داد: نه

- پس لطفاً یک صفر جلوی این ۲ بگذارید.

آنتیا ریحانیان



زمان حال

معلم پیر: وقتی من می‌گویم

زیرا هستم زمان حال است؟

شاگرد: نخیر زمان خیلی خیلی گذشته است.

نغمه کدخدا

فکر عمیق

یک نفر ته چاه نشسته بود و فکر می‌کرد.

گفتند چرا آنجا نشست؟ گفت: می‌خواهم

عمیق فکر کنم.



ملودی برال

ورقه امتحانی

کاوه وقتی از سر جلسه بیرون آمد از

دوستش حامد پرسید چطور امتحان

دادی؟

- هیچی چون بلد نبودم ورقه را سفید

دادم.

ناگهان کاوه فریاد زد وای چه مصیبت

بزرگی!

- چرا مگه چی شده؟

- من هم ورقه‌ام را سفید دادم. الان حتماً

فکر می‌کنند که ما از روی هم تقلب

کردیم!

آنزلا کاهن

آن چیست که :

وقتی توی آب بیفتد خیس
نمی‌شود؟

بهاره هایگانی

آن چیست که :

زمانی ۴ پا زمانی ۲ پا و زمانی
۳ پا دارد؟

ندا آبگینه ساز

آن چیست که :

سرش بسته، تداش بسته، میانش
صد عروس رو بسته؟

نیلوفر یعقوبی

شغل حیوانات

حلزون: خانه دار حیوانات

دارکوب: نجار حیوانات

مورچه: کلفت حیوانات

کرم شب تاب: چراغ حیوانات

بیتا فرهمندیان

بازی با لغات

آینه = عکاس فوری

قلیان = سیگار موزیکال

فالوده = بستنی کرمکی

دل آرام دلرحیم

از این دوستان که مرتب برای بینا مطلب می‌فرستند تشکر می‌کنیم.
رایان احدوت، آیدا مصری، سبا گرامی، دیورا همدانی‌کهن.
در ضمن، دوستان خوبان: پریسا خالبری و دلارام تیشی پاسخ درست بگویند چه تصویری درست می‌شود را برای ما فرستاده‌اند. ضمن تشکر از این دوستان خوبان از آنها می‌خواهیم که برای دریافت جوایز خود با دفتر مجله تماس بگیرند.
از آورا محلی، فرید شمسیان، المیرا مصری، فابین مصری و یاسمن رحیمیان نیز به خاطر مطالبشان متشکریم.

جدول

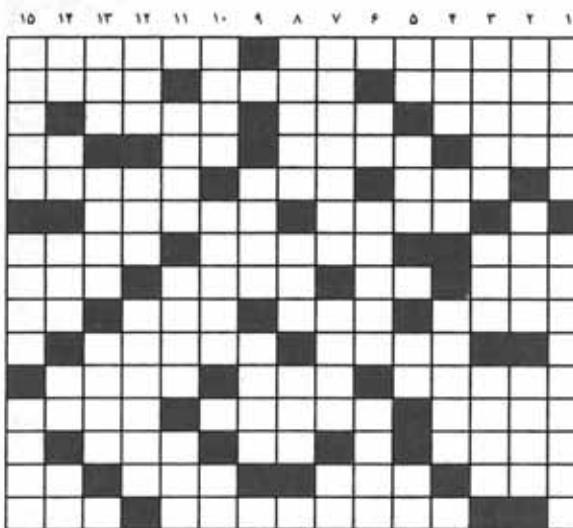
شیرین آذری

افقی

۱- فیلسوف یهودی معروف به موسای دوم یهود- «به نام خدا» در عبری
۲- پهلوان عبری- «زبیا»ی عبری- درستکار- ۳- جمع امر- وسیله دفاع- ابزار تعمیرکار.
۴- عدالت- برادر حضرت یعقوب- علامت فک اضافه- تاکه- ۵- پشم یا کرک را آب می زنند می کویند و می مانند تا به آن برسند- شرر واژگون- شهردار دهات- ۶- آن طرف- برکت شده عبری- ۷- نماد «گل» در سفره پسخ- نوک- خانه عبری- ۸- پدر عبری- قیمت- آتش با حرفی اضافی- حرف معادل عدد ۳۰ در عبری- ۹- نخست وزیر اسبق انگلیس- احسان عبری- تله- مکان- ۱۰- فرمان کشتی- آرمان ها- ۱۱- ماه خروج بنی اسرائیل از مصر- آدمیان- زمین و برگ اسب- ۱۲- سختی و دردسر- بنی فایده و بیهوده- از مصالح ساختمانی- ۱۳- سخت ترین مجازات گناه در یهود- روستا- دانه کش بی آزار- ۱۴- «لب» به آغوش اضافه شود، لبریز می شود- جان عبری- «تو»ی عبری- محل بستن ساعت- ۱۵- از صفات خداوند- گوش فرنگی.

عمودی

۱- کتاب مراسم جشن پسخ- «عروس و داماد» عبری- ۲- «مادر» عبری- نام میوه ای است، اگر «لو» به آن اضافه شود- از آخر بخوانید منسوب به «باب»- ۳- قاپین- تکه- زن حضرت ابراهیم- ۴- زادگاه حضرت ابراهیم- آب عربی- پیغامبری- ۵- تلخ- باغ بهشت- شهر توت- توان- ۶- چاشنی غذا- گواهینامه شرعی یهود- بشکن بین چه تیزم- ۷- «مداد» عبری- از سین های هفت سین- تردید- ۸- سبزی تلخ سفره پسخ- قتاد میان تهی- خوشحال- ۹- روز مقدس هفته- کتجد آسیا شده- ۱۰- فصل دعای درختان در یهود- خواستن و اقدام کردن- حرص و طمع- ۱۱- خیمه- خشنودی- از اناجیل چهارگانه- ۱۲- نان جشن پسخ- هواکش آشپزخانه- نوعی مار- ۱۳- تلف شدن- برای برآورده شدن حاجت، به ضریح می بندند- سست و ضعیف و از جوش افتادم- ۱۴- «لو»ی بیگانه- من و تو- درختی جنگلی- پرندۀ شناگر- در ساغر می ریزند- ۱۵- ممکن- التهاب و تورم- طبیعت انگلیسی.



↓ پاسخ جدول شماره گذشته ↓

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ا	ن	م	ا	د	ر	ی	ا	ب	ی	ا	د	ا	ن	ا
۲	و	ل	ت	ر	و	د	ک	ی	ا	م	د	ا	ن	ا
۳	چ	ز	ا	ل	ش	ا	ن	ج	ت	ی	ش	۴	۳	۲
۴	ر	ی	و	ا	س	و	د	س	د	ل	و	۵	۴	۳
۵	ا	ن	ا	ت	و	ر	ا	ن	ر	د	د	۶	۵	۴
۶	م	د	ن	ک	ی	ب	ک	ج	س	ن	۷	۶	۵	۴
۷	م	د	ت	چ	ک	ش	ا	ت	ا	ن	ا	۸	۷	۶
۸	ا	ف	ل	ا	ط	و	ن	ی	۹	۸	۷	۶	۵	۴
۹	س	ی	ر	و	ی	م	ر	ا	س	ج	ر	۱۰	۹	۸
۱۰	ن	م	ت	ه	د	پ	ل	و	ت	د	۱۱	۱۰	۹	۸
۱۱	د	ن	د	ن	ک	ی	س	ل	و	ا	ل	۱۲	۱۱	۱۰
۱۲	ا	م	ا	ر	ج	م	ن	ی	ن	و	ا	۱۳	۱۲	۱۱
۱۳	ی	ر	ی	ش	ک	ی	ف	ر	ی	ا	ف	۱۴	۱۳	۱۲
۱۴	ز	ر	ل	ب	ا	ر	ا	ن	ل	ر	س	۱۵	۱۴	۱۳
۱۵	د	و	ش	ک	ر	م	ل	و	ط	ب	ا			

دعوت به همکاری نمایشگاه نقاشی

یعقوب صوفرازه

از علاقمندان تابلوهای هنری در خارج از کشور که بتوانند از آثار اینجانب نمایشگاه های موقت یا دائمی تشکیل دهند دعوت می نمایم تا با مجله بینا یا تلفن مستقیم ۸۹۶۳۸۳۵ تماس بگیرند. تابلوها شامل رنگ روغن: گلها - مناظر. گواش: مناظر شمال ایران - مونوپیرنت و در کلیه سوزدهای عادی و مذهبی، تک چاپ نقش روی کاغذ هستند.



دیوید الیاکمال

اول راهنمایی
مدرسه هدایت
معدل ۱۹/۵۹



زاکب الیاکمال

پنجم ابتدایی
دبستان احسان
معدل ۳۰
رتبه اول المپیاد علوم و ادبیات
رتبه سوم المپیاد ریاضی
منطقه ۷

دانش آموزان
ممتاز

فرم اشتراک ماهنامه افق بینا

نام / موسسه: نشانی دقیق پستی:
.....
کد پستی: تلفن: شماره فیش پرداختی:
برای اشتراک ۱۲ شماره مبلغ ۳۶۰۰۰ ریال را به حساب جاری شماره ۲۴۸۹ بانک ملی - شعبه ملک (شیخ هادی) کد ۴۵۶ به نام «انجمن کلیمیان تهران» (قابل پرداخت در تمام شعب بانک ملی) واریز کرده و فیش بانکی را به همراه تقاضای اشتراک به نشانی مجله ارسال نمایید. هرگونه تأخیر در ارسال مجله را با تلفن ۶۷۰۲۵۵۶ اطلاع دهید.
نشانی: تهران - خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ هادی - شماره ۳۸۵ - طبقه سوم - کدپستی ۱۱۳۹۷-۳-۳۳۱۷

انطباق لحظه ها

گله شماری



انتشارات انجمن کلیعیان تهران

یوسف ستاره شناس